

رسالہ
اجوبۃ الاستفتاءات

(ترجمہ فارسی)

مربع عالیقدر جہان تیش و علی اسلمین
حضرت آیت اللہ العظمیٰ حاج سید علی خامنہ ای (دام لاہالی)

مجمع جهانیہ اہل بیت (ع)

رسالہ

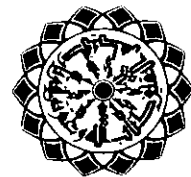
اجوبۃ الاستفتاءات

(ترجمہ فارسی)

مرجع عالیقدر جہان تشیع و ولی امر مسلمین

حضرت آیت اللہ العظمیٰ حاج سید علی خامنہ ای (مد ظہ العالی)

مجمع جہانجی اہل بیت (ع)



کتاب: رساله أجوبة الاستفتاءات
نویسنده: حضرت آیت الله العظمی حاج سید علی خامنه ای (دام ظلّه العالی)
الموضوع: فقه
ناشر: مجمع جهانی اهل بیت (ع)
چاپ: ۱۴۳۱ هـ - ۲۰۱۰ م ۱۳۸۹ هـ ش
آدرس: خیابان جمهوری اسلامی - قم
تلفون: ۸۸۹۵۰۹۳۲ (۰۲۵۱) - ۸۸۹۵۰۹۳۰ (۰۲۵۱)
فاکس: ۸۸۹۵۰۸۸۲



مقدمه ناشر

هدف از آفرینش، بندگی و پرستش ذات کبریائی است، این بندگی آزادی و رهایی از همه اغلال و قیود است. اسلام تسلیم حق شدن و پذیرای طاعت حق گشتن است. مسلمان واقعی کسی است که همه امور حیاتش را بر طبق فرمان خداوند تنظیم کند. دستورات و برنامه‌های الهی که سر تا سر شئون زندگی انسان را در بر می‌گیرد در دانشی بنام «فقه» گرد آمده و فقیه کسی است که احکام و دستورات الهی را از سرچشمه‌های وحی و دانش الهی استنباط می‌کند و همه حوادث نوظهور را بر پایه اصول کلی دین و موازین استوار شریعت تبیین می‌نماید. استنباط احکام و تعیین حکم حوادث نوظهور کار آسانی نیست. کسی که از نظر علمی به همه دانشهای لازم این مهم در حد صاحب نظر شدن مجهز شود و با جودت ذهن و تیز هوشی فراوان ملکه استنباط احکام را به تأیید ربانی بدست آورد، اگر تمام توان فکری و تلاش علمی خود را با بی‌نظری کامل بکار برد و بی آنکه تحت تأثیر پیش داوری‌ها و خواسته‌ها قرار گیرد بتواند احکام فرعی را از دلائل و مدارک تفصیلی بیرون آورد، بر ستیغ بلند اجتهاد برآمده و آنگاه که خواست حق تعالی را بر تمایلات خویش برتری دهد و زمام نفس را چنان در قبضه اقتدار داشته باشد که گرفتار خواسته‌های نفسانی نشود، شایسته آن است

که مردمان از او پیروی کنند. در این عرصه که برای هرکسی دست یافتنی نیست و جز به موهبت الهی و کوشش فراوان بهره صالحان نمی شود واژه های فتنه، فتنیده، مجتهد و مرجع معنای درست خود را باز می یابد واژه فتنه به معنای فهم دقیق از روی تیزهوشی است و در اصطلاح، علم احکام شرعی عملیه از روی ادله تنصیلیه است.

چون هدف از فتنه، فهمیدن «حکم خدا و بکار بستن» آن است. برای آنکه تکلیف قطعی و یقینی انسان روشن شود، باید این دانش بر پایه اسناد و مدارکی تحصیل شود که از ناحیه خداوند باشد و هرکس از راه فهم آیات قرآن و تحقیق در احادیث معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) بتواند تکالیف دینی را بفهمد و به احکام فردی و خانوادگی و اجتماعی و سیاسی که اسلام مقرر فرموده آگاهی کامل پیدا کند و صاحب نظر شود او را فقیه و مجتهد گویند.

حال اگر مجتهد، واجد شرائط و صفات حسنه دیگر نیز بود و از نوعی کارآیی و روشنی در رهبری بهره مندی داشت. مردم عادی می توانند در اجرای تکالیف دینی خود از او تبعیت کنند و به راهنماییهای او به عنوان دستور دینی عمل نمایند، چنین کسی را «مرجع تقلید» گویند. مرجع باید علاوه بر مراتب عدالت و قدسیت معنوی داناترین اهل زمان بوده و احاطه اش بر مسائل مورد نیاز از دیگر مجتهدان بیشتر باشد و بهتر از همه بتواند امت اسلامی را رهبری کند و وظیفه آنان را در موارد مختلف زندگی و در بحرانیهای اجتماعی و سیاسی براساس مصالح دینی مشخص سازد و در شناخت موقعیت مسلمین و مقتضیات زمان و امور جامعه و رابطه اش با مسائل جهانی دارای بصیرت کافی باشد. تاریخ امت اسلامی گواه است که پیوند مردم با مرجعیت آگاه و رابطه معنوی اتحاد مسلمین با عالمان ربانی استوارترین رشته وحدت و یکپارچگی ملت مسلمان است و هیچ چیز همانند این ارتباط، جامعه را از خطرهای گوناگون حفظ نمی کند.

این موهبت بزرگ الهی که استمرار ولایت خدا و رسول و امامان معصوم (صلوات الله علیهم اجمعین) است آنگاه که در وجود یک نفس قدسیه استقرار پیدا کند و امت اسلامی از او پیروی آگاهانه داشته باشند چنان دژ استواری پیرامون سرزمین های اسلامی بدید

می‌آورد که توانا ترین دشمنان قدرت هجوم و سیطره بر جامعه مسلمین پیدا نخواهند کرد.

ما در بستر تاریخ کشور عزیزمان ایران نمونه‌های فراوانی خواهیم یافت که طوفانهای ویرانگر در برابر لشکر ایمان و عواطف پاک دینی مردمان به زعامت مرجعی آگاه در هم شکسته است و بلاها و مصائب بزرگ با پیشوائی عالمان ربانی برطرف شده است. اما این پیوستگی و همبستگی دینی است و مرجعیت، هماره محسود اربابان سیاست بوده و هست، خود کامگان و توسعه طلبان و عوامفریبان روزگار همیشه با این حیل متین در ستیزند، به شیوه‌های گوناگون در گسیختن این رشته ولایت و مودت ترندها زده و می‌زنند، جز آنکه حمایت الهی و عنایت لم یزلی سرزمین عزیز ما را به وجود عالمان آگاه و فقیهان بصیر به زمان و دلهای با ایمان و اراده‌های آهنین سرفراز فرموده و تازمانی که شکرانه این نعمت به کفران نگرائیده است اسلامی ما مشمول مزید رحمت حق خواهند بود.

آنچه مسلم است سیاست جهانی امروز شوکت و اقتدار اسلامی را تحمل نمی‌کند و آن را با منافع و اهداف خود مغایر می‌شمارد. حکومت دینی و خیزش عظیم و موج‌انگیز انقلاب اسلامی ایران، ملت‌های مسلمان جهان را بیش از پیش بیدار کرد و آنان را متوجه نمود که تنها در پرتو رهبری یک مرجع رشید و آگاه می‌توانند حقوق از دست رفته خود را بازیابند و عزت آنان منحصراً در بازگشت به شوکت و قدرت دینی و ایمانی است. بدینی است این بیداری و این شعور سیاسی با خطوط فکری جهان‌خواران و جهانداران سازشی ندارد و پر واضح است که در برابر آن ایستادگی خواهند کرد. شگردها و توطئه‌های آنها نیز تازمانی که زرق و برق دنیای پر فریب مادی و ضعف و بیم در میان امت اسلامی کارآیی دارد از حرکت باز نمی‌ایستد. آنچه می‌تواند است محمّای را زنده و بیدار و استوار و پرتحرک نگاه دارد وجود مرجعیتی توانا و آگاه به مسائل جهانی است.

پس از رحلت حضرت امام (قدس سره الشریف) شیعیان جهان این خلأ را بیش از پیش

احساس کردند و خود را نیازمند به حمایت مرجعیت توانا و آگاه دیدند، این نیاز بتدریج توسط فرزندگان شیعه از گوشه و کنار جهان به ایران منعکس شد و اجمالاً روشن شد که امت شیعه آمال خود را در مرجعیت حضرت آیت الله خامنه‌ای متبلور یافته است و آنگاه که معظم له به درخواست ایشان پاسخ مثبت دادند موجی از امید و شادمانی همه را فراگرفت، از آن پس استفتاءات زیادی در زمینه وظائف مختلف شرعی از اقصای نقاط جهان به دفتر مقام معظم رهبری ارسال شد که مطابق فتوای ایشان به همه آنها پاسخ گفته شد.^(۱) نخستین بار مجموعه‌ای از این استفتاءات با عنوان اجوبه الاستفتاءات به زبان عربی چاپ و منتشر گشت و در اندک زمانی در کشورهای عربی نایاب و به کرات تجدید چاپ و توزیع شد و به زبانهای انگلیسی، فرانسه، اردو، ترکی استانبولی و آذری ترجمه گشت.

در این میان ایرانیان مقیم خارج از کشور و سایر فارسی زبانان مخصوصاً آنان که در مرحله تقلید ابتدائی بودند به دلیل آنکه مانند مقلدین داخل کشور به آسانی امکان اخذ فتوای «معظم له» برایشان میسر نبود خواهان ترجمه فارسی این مجموعه شدند. انتشارات بین‌المللی الهدی پس از کسب اجازه از دفتر مقام معظم رهبری افتخار ترجمه و چاپ و نشر آن را به صورت حاضر یافته است و امیدوار است به زودی جلد دوم آن را نیز که ترجمه آن به پایان رسیده و در مرحله آماده سازی است در اختیار علاقمندان قرار دهد.

در خاتمه از اعضای محترم دفتر مقام معظم رهبری که نهایت دقت را در مطابقت صحت فتاوی با نسخه عربی مبذول داشتند و از همه کسانی که در ترجمه، ویرایش و صفحه آرایی و امور فنی و چاپ اهتمام ورزیدند و از همه کسانی که در پدید آمدن این کتاب به نحوی سهیم بوده‌اند تقدیر به عمل می‌آید.

خداوند متعال پاداش نیک به همه آنان عنایت فرماید.

۱. مقدمه بخش فتاوی شرعی دفتر مقام معظم رهبری ملاحظه شود.



سپاس بی‌کران خدائی را که حلال و حرام را بر آدمیان تشریع نمود و طیبیات را حلال و خبیثات و پلیدیها را بر آنان حرام کرد.
و درود بی پایان بر پیامبر امین محمد(ص) آن بشارت آور بیم دهنده و بر خاندان پاک و اصحاب شریف و پرهیزگارش.

از سالیان پیش سؤالات شرعی و استفتاءات دینی از هر سو چون سیلی خروشان به دفتر رهبر مسلمانان جهان حضرت آیت الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای (دام‌ظله‌العالی) روانه شده و هر روز این سؤالات روند فزاینده‌ای به خود می‌گیرد تا آنجا که شاید بتوان گفت که از دهها هزار سؤال شرعی تجاوز کرده است. رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی ایران به فراخور هر سؤال بر اساس نظر مبارکشان پاسخی ایراد فرمودند. این تعداد فراوان از سؤالات، در برگیرنده مجموعه‌ای گرانسنگ از استفتاءات در تمامی مسائل فقهی و شرعی و بویژه مسائل مبتلا به امروز بوده و مسائل فقهی عصر حاضر را در بر می‌گیرد. به همین دلیل گروهی از علمای افاضل با عشق و علاقه‌ای قلبی به چاپ آن مبادرت نمودند تا از فایده آن عموم مردمان بهره‌مند گردند.
رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی ایران از چاپ این فتاوی اجمالاً پوزش خواستند و

اجازة چاپ آن را صادر فرمودند تا آنکه همه مؤمنان جهان با اصرار فراوان خواستار نشر و چاپ رساله عملیه از سوی معظم له گردیدند. در همین راستا علمای اعلام صاحب نظر، امر مرجعیت اسلام را به ایشان تفویض و این مقام خطیر را بر دوش ایشان نهادند. معظم له نیز با توجه به احساس مسئولیت شرعی مهم درخواست آنان را پذیرفته و نشر و چاپ این رساله عملیه را بلامانع دانستند و بدین ترتیب مجموعه فتاوی حاضر مورد بازبینی و دسته‌بندی قرار گرفت و با ترجمه عربی آماده گردید و معظم له علیرغم مشکلات و گرفتاریها آن را به دقت مورد بررسی و امعان نظر قرار داده و اجازه چاپ آن را صادر فرمودند.

در پایان از برادران گرامی که وظیفه به انجام رساندن این کار بزرگ را عهده‌دار بوده‌اند و مشکلات فراوانی را در این راستا متحمل گشته‌اند و در ارائه این اثر سترگ برای راهنمایی مؤمنین مشارکت نموده‌اند و این سرچشمه گوارا را در اختیار مشتاقان قرار داده‌اند کمال سپاس و قدردانی را ابراز می‌داریم.

بخش فتاوی شرعیّه

دفتر مقام معظم رهبری

آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (دام‌ظله‌العالی)

بسم الله الرحمن الرحيم

بهر بند اسارت (اجوبه دستاوردت)

برضا و برود لذت بهت و بهت



احکام تقلید

راههای سه گانه: احتیاط، اجتهاد، تقلید

- س ۱: آیا وجوب تقلید، امری تقلیدی است یا اجتهادی؟
ج: این مسئله عقلی و اجتهادی است. (یعنی عقل حکم می‌کند که شخص ناآگاه به احکام دین به مجتهد جامع شرایط مراجعه کند)
- س ۲: به نظر شریف حضرت تعالی عمل به احتیاط بهتر است یا تقلید؟
ج: چون عمل به احتیاط مستلزم شناسائی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است که مکلف در احکام دین از مجتهد جامع شرایط تقلید کند.
- س ۳: قلمرو احتیاط در احکام دین در بین فتاوی فقها چه اندازه است؟ آیا رعایت آرای فقیهان گذشته نیز لازم است؟
ج: مراد از احتیاط در موارد آن، رعایت همه احتمالات فقهی است به طوری که مکلف مطمئن شود به وظیفه خود عمل کرده است.
- س ۴: دخترم بزودی به سن تکلیف می‌رسد و باید برای خود مرجع تقلیدی انتخاب

کند اما درک مسئله تقلید برای او دشوار است، وظیفه ما نسبت به او چیست؟
ج: اگر وی به تنهایی نمی‌تواند وظیفه شرعی خود در این باره را تشخیص دهد، وظیفه شما ارشاد و راهنمایی اوست.

س ۵: معروف نزد فقها این است که تشخیص موضوعات احکام به عهده خود مکلف است و وظیفه مجتهد تشخیص حکم است، ولی در عین حال مجتهدین در بسیاری موارد، در تشخیص موضوعات احکام نیز اظهار نظر می‌کنند، آیا متابعت از نظر مجتهد در موضوع نیز واجب است؟

ج: تشخیص موضوع موکول به نظر خود مکلف است و متابعت از مجتهد در تشخیص موضوع واجب نیست، مگر آنکه به آن تشخیص اطمینان پیدا کند و یا موضوع از موضوعاتی باشد که تشخیص آن نیاز به استنباط دارد.

س ۶: آیا کسی که در آموختن احکام دینی مورد نیاز خود کوتاهی می‌کند، گناهکار است؟

ج: اگر نیاموختن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد، گناهکار است.

س ۷: گاهی از افراد کم اطلاع از مسائل دینی درباره مرجع تقلید شان پرسش می‌شود، می‌گویند نمی‌دانیم، یا اظهار می‌دارند از فلان مجتهد تقلید می‌کنیم ولی عملاً التزامی به خواندن رساله آن مجتهد و عمل به فتاوی او ندارند، اعمال این گونه افراد چه حکمی دارد؟

ج: اگر اعمال آنان موافق احتیاط یا مطابق با واقع یا با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند، محکوم به صحت است.

س ۸: با توجه به اینکه در مسائلی که مجتهد اعلم قائل به وجوب احتیاط است می‌توانیم به مجتهد اعلم بعد از وی مراجعه کنیم، اگر اعلم بعد از او نیز قائل به وجوب

احتیاط در مسئله باشد، آیا رجوع به اعلم بعد از او جایز است؟ و اگر فتوای سومی هم همانگونه بود، آیا می‌توان به اعلم بعد از آنان مراجعه کرد؟ و همینطور... لطفاً این مسئله را توضیح دهید.

ج: در مسائلی که مجتهد اعلم فتوا ندارد، رجوع به مجتهدی که در آن مسئله احتیاط نکرده است و فتوای صریح دارد با رعایت ترتیب الاعلم فالاعلم، اشکال ندارد.

شروط تقلید

س ۹: آیا تقلید از مجتهدی که متصدی مقام مرجعیت نبوده و رساله عملیه هم ندارد جایز است؟

ج: در صحت تقلید از مجتهد جامع شرایط تصدی مرجعیت یا داشتن رساله عملیه شرط نیست، لذا اگر برای مکلفی که قصد تقلید از او را دارد ثابت شود که وی مجتهد جامع شرایط است، تقلید اشکال ندارد.

س ۱۰: آیا تقلید از کسی که در یکی از ابواب فقه مثل نماز و روزه به درجه اجتهاد رسیده جایز است؟

ج: فتوای مجتهد متجزی که تنها در برخی ابواب فقهی دارای فتوا و نظر اجتهادی است برای خودش حجت است، ولی جواز تقلید دیگران از او محل اشکال است. اگر چه جواز آن بعید نیست.

س ۱۱: آیا تقلید از علمای کشورهای دیگر که دسترسی به آنان امکان ندارد جایز است؟

ج: در تقلید از مجتهد جامع الشرائط شرط نیست که مجتهد اهل کشور مکلف و یا

ساکن در محل سکونت او باشد.

س ۱۲: آیا عدالت معتبر در مجتهد و مرجع تقلید با عدالت معتبر در امام جماعت از حیث شدت و ضعف تفاوت دارد؟

ج: با توجه به حساسیت و اهمیت منصب مرجعیت در فتوا، بنا بر احتیاط واجب شرط است که مجتهد مرجع تقلید علاوه بر عدالت، قدرت تسلط بر نفس سرکش را داشته و حرص به دنیا نداشته باشد.

س ۱۳: این که گفته می شود باید از مجتهدی تقلید نمود که عادل باشد، مقصود از عادل چه کسی است؟

ج: عادل کسی است که پرهیزگاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود.

س ۱۴: آیا اطلاع از اوضاع زمان و مکان از شرایط اجتهاد است؟

ج: ممکن است این شرط در بعضی از مسائل دخیل باشد.

س ۱۵: بنا بر نظر حضرت امام راحل «قدس سره» مرجع تقلید باید علاوه بر علم به احکام عبادات و معاملات، نسبت به همه امور سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و رهبری، عالم و آگاه باشد. ما در گذشته مقلد حضرت امام بودیم، بعد از رحلت ایشان با راهنمایی تعدادی از علما و تشخیص خودمان لازم دانستیم به جنابعالی رجوع نموده و از شما تقلید کنیم تا بین مرجعیت و رهبری جمع کرده باشیم، نظر شما در این مورد چیست؟

ج: شرایط صلاحیت مرجعیت تقلید، در تحریر الوسیله و رساله های دیگر به تفصیل ذکر شده است، و تشخیص فرد شایسته تقلید موکول به نظر خود مکلف می باشد.

س ۱۶: آیا در تقلید، اعلمیت مرجع شرط است یا خیر؟ معیار و ملاک اعلمیت چیست؟

ج: در مسائلی که فتوای اعلم با فتوای غیر اعلم اختلاف دارد، احتیاط آنست که از اعلم تقلید کند و ملاک اعلیّت این است که آن مرجع نسبت به سایر مراجع قدرت بیشتری بر شناخت حکم الهی داشته باشد و بهتر بتواند احکام شرعیه را از أدلّه استنباط کند و همچنین نسبت به اوضاع زمان خود به مقداری که در تشخیص موضوعات احکام و ابراز نظر فقهی مؤثر است آگاه‌تر باشد.

س ۱۷: آیا تقلید کسی که از جهت احتمال عدم وجود شرایط معتبر تقلید در مجتهد اعلم، از مجتهد غیر اعلم تقلید کرده است، محکوم به بطلان است؟

ج: بنابر احتیاط، تقلید از غیر اعلم در مسائل مورد اختلاف، به مجرد احتمال عدم وجود شرایط معتبر در اعلم جایز نیست.

س ۱۸: اگر ثابت شود که تعدادی از علما در بعضی از مسائل اعلم هستند به طوری که هر کدام از آنان در مسئله معینی اعلم می‌باشند آیا تقلید از هر یک از آنان جایز است؟

ج: تبعیض در تقلید اشکال ندارد و اگر اعلیّت هر یک از آنان در مسائلی که مکلف بنا دارد در آن مسائل از او تقلید کند محرز شود، بنا بر احتیاط تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسائل مورد نیاز مقلد، واجب است.

س ۱۹: آیا با وجود اعلم، تقلید از غیر اعلم جایز است؟

ج: در مسائلی که فتوای غیر اعلم مخالف فتوای اعلم نباشد، رجوع به غیر اعلم اشکال ندارد.

س ۲۰: نظر جناب‌عالی در اشتراط اعلیّت مرجع تقلید چیست و دلیل آن کدام است؟

ج: در صورت تعدد فقهای جامع شرایط و اختلاف آنان در فتوی، بنا بر احتیاط واجب مکلف باید از اعلم تقلید نماید، مگر آنکه احراز شود که فتوای وی مخالف

احتیاط است و فتوای غیر اعلم موافق با احتیاط. و دلیل وجوب تقلید از اعلم بنای عقلاء و حکم عقل است زیرا که اعتبار فتوای اعلم برای مقلد یقینی و اعتبار قول غیر اعلم احتمالی است.

س ۲۱: از چه کسی باید تقلید کنیم؟

ج: از مجتهدی که جامع شرایط فتوا و مرجعیت است، و بنابر احتیاط باید اعلم هم باشد.

س ۲۲: آیا تقلید ابتدائی از میّت جایز است؟

در تقلید ابتدائی، احتیاط در تقلید از مجتهد زنده و اعلم، نباید ترک شود.

س ۲۳: آیا تقلید ابتدائی از مجتهد میّت، متوقف بر تقلید از مجتهد زنده است؟

ج: تقلید ابتدائی از مجتهد میّت یا بقاء بر تقلید او باید به تقلید از مجتهد زنده و اعلم باشد.

راههای اثبات اجتهاد، اعلیّت و بدست آوردن فتوی

س ۲۴: بعد از احراز صلاحیت مجتهدی برای مرجعیت تقلید بوسیله شهادت دو فرد

عادل، آیا لازم است در این باره از اشخاص دیگر نیز تحقیق کنم؟

ج: شهادت دو فرد عادل و اهل خبره بر صلاحیت و جامع الشرائط بودن مجتهد برای جواز تقلید از او کافی است و تحقیق از افراد دیگر لازم نیست.

س ۲۵: راههای انتخاب مرجع و بدست آوردن فتوی کدام است؟

ج: احراز اجتهاد و اعلیّت مرجع تقلید بوسیله امتحان یا تحصیل یقین ولو از شهرت مفید علم یا اطمینان، یا با شهادت دو نفر عادل از اهل خبره صورت می گیرد. راههای بدست آوردن فتوای مجتهد عبارتند از:

۱ - شنیدن از خود مجتهد

۲ - شنیدن از دو یا یک فرد عادل

۳ - شنیدن از یک نفر مورد اطمینان

۴ - دیدن در رساله مجتهد در صورتی که رساله مصون از اشتباه باشد.

س ۲۶: آیا وکالت در انتخاب مرجع صحیح است؟ مثل وکالت پدر برای پسر و معلم برای شاگرد.

ج: اگر مراد از وکالت، سپردن وظیفه تحقیق و جستجو برای یافتن مجتهد جامع الشرائط به پدر، معلم، مربی و یا غیر آنان باشد، اشکال ندارد و نظرشان در این مورد اگر مفید علم یا اطمینان و یا واجد شرایط بینه و شهادت باشد، از نظر شرعی معتبر و حجت است.

س ۲۷: از تعدادی از علماء که خود مجتهد بودند، راجع به فرد اعلم سؤال شد. فرمودند که رجوع به فلان مجتهد دامت افاضاته باعث برائت ذمه می‌گردد. آیا با آنکه شخصاً اطلاع از اعلمیت آن مجتهد ندارم و یا در این باره شک دارم و یا اطمینان دارم که اعلم نیست زیرا افراد دیگری که با دلیل و بینه مشابه اعلمیت آنان ثابت شده است وجود دارند، می‌توانم به گفته آنان اعتماد کرده و از آن مجتهد تقلید کنم؟

ج: اگر بینه شرعی بر اعلمیت مجتهد جامع الشرائط اقامه شود، تا زمانی که بینه شرعی دیگری که معارض آن باشد پیدا نشود، آن بینه حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود اگر چه موجب حصول علم یا اطمینان نباشد، در این صورت جستجو از بینه معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.

س ۲۸: آیا جایز است کسی که اجازه از مجتهد ندارد و در بعضی از موارد مرتکب اشتباه در نقل فتوی و احکام شرعی شده است، متصدی نقل فتوای مجتهد و بیان

احکام شرعی شود؟ وظیفه ما در صورتی که این شخص احکام را از روی رساله عملیه نقل می‌کند، چیست؟

ج: در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی، اجازه داشتن شرط نیست، ولی کسی که دچار خطا و اشتباه می‌شود جایز نیست متصدی این کار شود و اگر در موردی اشتباه کرد چنانچه متوجه اشتباه خود شد، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید. به هر حال بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحت گفتار گوینده پیدا نکرده به نقل او عمل کند.

عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر

س ۲۹: تا به حال در بقاء بر تقلید از میّت، به اجازه مجتهد غیر اعلم عمل می‌کردیم. اگر اجازه مجتهد اعلم شرط بقاء بر تقلید از میّت است آیا عدول به اعلم و طلب اجازه او برای بقاء بر میّت بر ما واجب است؟

ج: اگر فتوای غیر اعلم موافق با فتوای اعلم در این مسئله باشد، عمل به فتوای غیر اعلم اشکال ندارد و نیازی به عدول به اعلم نیست.

س ۳۰: آیا عدول از مجتهد اعلم در مسائل مستحدثه از جهت عدم توانائی وی بر استنباط صحیح در اینگونه مسائل جایز است؟

ج: اگر مکلف قصد عمل به احتیاط و یا قدرت آن را ندارد و مجتهد اعلم دیگری در آن مسئله فتوی دارد، بر مکلف عدول و تقلید از او واجب است.

س ۳۱: آیا در عدول از یکی از فتاوی امام خمینی «قدس سره» واجب است به فتوای مجتهدی که از او برای بقاء بر تقلید میّت اجازه گرفته‌ام رجوع کنم یا آنکه به فتوای

سایر مجتهدین هم می‌شود عمل کرد؟

ج: احتیاط در رجوع به فتاوی همان مجتهد است، مگر آنکه مجتهد دیگر زنده اعلم از آن مجتهد و فتوای او در مسأله مورد عدول مخالف فتوای مجتهد اول باشد، که احتیاط واجب در این صورت رجوع به مجتهد اعلم است.

س ۳۲: آیا عدول از اعلم به غیر اعلم جایز است؟

ج: احتیاط واجب در عدم عدول از مجتهد زنده به مجتهد دیگر است، مخصوصاً در صورتی که مرجع تقلید اول اعلم باشد.

س ۳۳: کسی که مقلد امام خمینی «قدس سره» بوده و بر تقلید ایشان باقی است، آیا در بعضی از موارد می‌تواند به فتوای سایر مراجع عمل کند؟ مثلاً در این که آیا تهران از بلاد کبیره محسوب می‌شود یا خیر؟

ج: عدول از تقلید امام راحل «قدس سره» ولو در بعض مسائل به مجتهد زنده جامع شرایط جایز است، ولی اگر اعتقاد دارد که ایشان از مراجع زنده اعلم هستند احتیاط آنست که بر تقلید امام «قدس سره» باقی بماند.

س ۳۴: جوانی هستم ملتزم به احکام شرعی. در گذشته قبل از رسیدن به سن تکلیف مقلد حضرت امام (ره) بودم. ولی این تقلید مبتنی بر بیّنه شرعی نبود بلکه بر این اساس بود که تقلید از امام سبب برائت ذمه می‌گردد. بعد از مدّتی به مرجع دیگری عدول کردم در حالی که این عدول هم صحیح نبود. بعد از درگذشت آن مرجع به جنابعالی عدول کردم. لطفاً حکم تقلیدم از آن مرجع و حکم اعمالم در آن مدت و تکلیف فعلی‌ام را بیان فرمائید.

ج: آن دسته از اعمال شما که بر اساس فتوای امام «قدس سره» چه در حال حیات یا برکت وی و چه بعد از رحلت ایشان بنا بر بناء بر تقلید از امام «قدس سره» انجام گرفته

محکوم به صحت است. ولی آن اعمالی که به تقلید غیر منطبق با موازین شرعی از مرجع دیگری انجام یافته اگر منطبق با فتوای کسی که هم اکنون باید از او تقلید کنید، باشد، محکوم به صحت و موجب برائت ذمه است، و الا قضای آنها بر شما واجب می باشد، در حال حاضر شما بین بقاء بر تقلید از امام راحل طاب ثراه و بین عدول به کسی که بر اساس موازین شرعی او را شایسته تقلید می دانید مخیر هستید.

بقا، بر تقلید میت

س ۳۵: شخصی که مقلّد امام رحمة الله علیه بوده، پس از ارتحال ایشان از مرجع معینی تقلید نموده است. در حال حاضر می خواهد دوباره از امام تقلید نماید. آیا این تقلید جایز است؟

ج: رجوع از مجتهد زنده جامع الشرايط به مجتهد میت بنا بر احتیاط جایز نیست. ولی اگر مجتهد زنده در زمان عدول به او واجد شرایط نبوده است، عدول به او از همان ابتدا باطل بوده، و این فرد در حال حاضر اختیار دارد که همچنان بر تقلید امام (ره) باقی بماند و یا به مجتهد زنده ای که تقلیدش جایز است، عدول کند.

س ۳۶: من در زمان حیات امام خمینی (ره) به سن تکلیف رسیده و در بعضی از احکام از ایشان تقلید کردم، در حالی که مسئله تقلید بخوبی برایم معلوم نبود، اکنون چه تکلیفی دارم؟

ج: اگر در اعمال عبادی و غیر عبادی در زمان حیات امام (ره) به فتاوای ایشان عمل نموده اید، و عملاً مقلد ایشان هر چند در بعضی از احکام بوده اید، در حال حاضر بقاء بر تقلید حضرت امام (ره) در همه مسائل برای شما جایز است.

س ۳۷: حکم بقاء بر تقلید میّت اگر اعلم باشد چیست؟

ج: بقاء بر تقلید میّت در هر حالی جایز است نه واجب. ولی سزاوار است احتیاط در بقاء بر تقلید میّت اعلم ترک نشود.

س ۳۸: آیا در بقاء بر تقلید میّت، اجازه از مجتهد اعلم معتبر است و یا اجازه هر مجتهدی کافی است؟

ج: در جواز بقاء بر تقلید میّت، در صورتی که مورد اتفاق فقها باشد، اجازه از اعلم واجب نیست.

س ۳۹: شخصی که از امام راحل «قدس سره» تقلید می‌کرده و بعد از رحلت ایشان در بعضی از مسائل از مجتهد دیگری تقلید کرده است اکنون آن مجتهد نیز وفات نموده است این شخص چه تکلیفی دارد؟

ج: می‌تواند مانند گذشته بر تقلید از امام «قدس سره» در مسائلی که از ایشان عدول نکرده باقی بماند. همچنان که مخیر است در مسائلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند.

س ۴۰: بعد از وفات امام راحل «قدس سره» گمان می‌کردم که بنا بر فتوای ایشان بقاء بر تقلید میّت جایز نیست، لذا مجتهد زنده دیگری را برای تقلید انتخاب کردم. آیا می‌توانم بار دیگر به تقلید از امام راحل رجوع کنم؟

ج: رجوع به تقلید از امام «قدس سره» بعد از عدول از ایشان به مجتهد زنده در مسائلی که عدول نموده‌اید جایز نیست، مگر این که فتوای مجتهد زنده، وجوب بقاء بر تقلید میّت اعلم باشد و شما معتقد باشید که امام (ره) نسبت به مجتهد زنده اعلم است، که در این صورت بقاء بر تقلید امام (ره) واجب است.

س ۴۱: آیا جایز است در یک مسئله با وجود اختلاف در فتوی گاهی به فتوای مجتهد

میّت رجوع کنم و گاهی به فتوای مجتهد زنده اعلم؟

ج: بقاء بر تقلید میّت تا زمانی که به مجتهد زنده عدول نشده، جایز است و پس از عدول رجوع مجدد به میّت جایز نیست.

س ۴۲: آیا بر مقلّدين امام راحل «قدس سره» و کسانی که قصد بقاء بر تقلید از ایشان را دارند، اجازه گرفتن از یکی از مراجع زنده واجب است؟ یا این که اتفاق اکثر مراجع و علمای اسلام بر جواز بقاء بر میّت کافی است؟

ج: به استناد اتفاق علمای عصر حاضر بر جواز تقلید میّت، بقاء بر تقلید امام (ره) جایز است و در این مورد نیازی به رجوع به مجتهد معینی نیست.

س ۴۳: نظر شریف جناب عالی راجع به بقاء بر تقلید از میّت در مسئله‌ای که مکلف در حال حیات مرجع به آن عمل کرده و یا نکرده، چیست؟

ج: بقاء بر تقلید میّت در همه‌ی مسائل حتی در مسائلی که تاکنون مکلف به آنها عمل نکرده است، جایز و مجزی است.

س ۴۴: بنا بر جواز بقاء بر تقلید میّت، آیا این حکم شامل اشخاصی که در زمان حیات مجتهد مکلف نبوده ولی به فتاوی آن مرجع عمل کرده‌اند، هم می‌شود؟

ج: اگر تقلید شخص غیر بالغ از مجتهد جامع الشرائط به نحو صحیح محقق شده باشد، تقلید وی در زمان حیات مجتهد برای باقی ماندن بعد از بلوغ بر تقلید همان مجتهد بعد از فوتش کافی است.

س ۴۵: ما از مقلّدين امام خمینی «قدس سره» هستیم که بعد از رحلت جانشوز ایشان بر تقلید وی باقی مانده‌ایم. ولی چون در شرائط دشوار فعلی که ملت مسلمان با استکبار جهانی درگیر است، با مسائل شرعی تازه‌ای روبرو می‌شویم و احساس می‌کنیم باید به حضرت تعالی رجوع نمائیم و از شما تقلید کنیم. آیا این کار برای ما جایز است؟

ج: بقاء بر تقلید از امام «قدس سره» بر شما جایز است و فعلاً نیازی به عدول از تقلید ایشان ندارید، در صورت نیاز به استعلام حکم شرعی در مسائل مستحدثه، می‌توانید با دفتر ما مکاتبه نمایید. خداوند شما را در انجام امور خیر موفق بدارد.

س ۴۶: وظیفه مقلد در قبال مرجع تقلید خود در صورتی که اعلیت مرجع دیگری را احراز نماید چیست؟

ج: بنا بر احتیاط واجب است در مسائلی که فتوای مرجع فعلی با فتوای مرجع اعلم اختلاف دارد، به مرجع اعلم عدول نماید.

س ۴۷: ۱- در چه صورتی جایز است، مقلد از مرجع تقلیدش عدول کند؟
 ۲- آیا عدول از اعلم به غیر اعلم در مواردی که فتوای مرجع اعلم منطبق با زمان نباشد و یا عمل به آن بسیار دشوار باشد، جایز است؟

ج: ۱- عدول از مرجع تقلید زنده به مجتهد دیگر جایز نیست علی‌الاحوط، مگر در صورتی که مرجع دوم اعلم از مرجع اول و فتوای او در مسأله مخالف فتوای مجتهد اول باشد.

۲- تنها گمان به ناهماهنگی فتاوای مرجع تقلید با زمان و شرایط حاکم بر آن و یا دشواری عمل به فتاوای او، سبب جواز عدول از مجتهد اعلم به مجتهد دیگر نمی‌شود.

مسائل متفرقه تقلید

س ۴۸: مراد از جاهل مقصر چه کسی است؟
 ج: جاهل مقصر به کسی گفته می‌شود که متوجه جهل خود بوده و راههای رفع

جهالت خود را هم می‌داند ولی در آموختن احکام کوتاهی می‌کند.

س ۴۹: جاهل قاصر کیست؟

ج: جاهل قاصر کسی است که اصلاً متوجه جهل خود نیست و یا راهی برای برطرف کردن جهل خود ندارد.

س ۵۰: احتیاط واجب چه معنایی دارد؟

ج: یعنی وجوب انجام یا ترک فعلی از باب احتیاط.

س ۵۱: آیا عبارت «فیه اشکال» که در بعضی از فتاوی ذکر می‌شود، دلالت بر حرمت دارد؟

ج: بر حسب اختلاف موارد، معنای آن فرق می‌کند اگر اشکال در جواز باشد دلالت بر حرمت در مقام عمل دارد.

س ۵۲: عبارت‌های «فیه اشکال»، «مشکل»، «لایخلو من اشکال»، «لا اشکال فیه» فتواست یا احتیاط؟

ج: همه این عبارت‌ها دلالت بر احتیاط دارند مگر عبارت «لا اشکال فیه» که فتوی است.

س ۵۳: فرق بین جایز نبودن و حرام چیست؟

ج: در مقام عمل بین آنها فرقی نیست.

مرجعیت و رهبری

س ۵۴: در صورت تعارض فتوای ولی امر مسلمین با فتوای مرجعی در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وظیفه شرعی مسلمانان چیست؟ آیا معیاری برای تفکیک احکام

صادره از طرف مراجع تقلید و ولی فقیه وجود دارد؟ مثلاً اگر نظر مرجع تقلید با نظر ولی فقیه در مسئله موسیقی اختلاف داشته باشد، متابعت از کدامیک از آنان واجب و مجزی است؟ به طور کلی احکام حکومتی که در آن نظر ولی فقیه بر فتوای مراجع تقلید برتری دارد کدام است؟

ج: در مسائل مربوط به اداره کشور اسلامی و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد، نظر ولی امر مسلمین باید اطاعت شود. ولی در مسائل فردی محض، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

س ۵۵: همانگونه که مطلع هستید در اصول فقه از مسئله‌ای تحت عنوان «اجتهاد متجزی» بحث می‌شود آیا اقدام امام خمینی «قدس سر» در تفکیک مرجعیت و رهبری، گامی در تحقق تجزّی در اجتهاد محسوب نمی‌شود؟

ج: تفکیک بین رهبری ولی فقیه و مرجعیت تقلید، ربطی به مسئله تجزّی در اجتهاد ندارد.

س ۵۶: اگر مقلد یکی از مراجع باشم و در این حال ولی امر مسلمین اعلان جنگ یا جهاد بر ضد کفار ظالم نماید و مرجع تقلید من اجازه شرکت در جنگ را ندهد، آیا ملزم به رعایت نظر وی هستم؟

ج: در مسائل عمومی جامعه اسلامی که یکی از آنها دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز است، اطاعت از حکم ولی امر مسلمین واجب است.

س ۵۷: حکم یا فتوای ولی امر مسلمانان تا چه حد قابل اجرا است؟ و در صورت تعارض با رای مرجع تقلید اعلم، کدامیک مقدم است؟

ج: اطاعت از حکم ولی فقیه بر همگان واجب است و فتوای مرجع تقلید نمی‌تواند با آن معارضه کند.

ولایت فقیه و حکم حاکم

س ۵۸: آیا اعتقاد به اصل ولایت فقیه از جهت مفهوم و مصداق یک امر عقلی است یا شرعی؟

ج: ولایت فقیه (که عبارت است از حکومت فقیه عادل و دین شناس) حکم شرعی تبعیدی است که مورد تایید عقل نیز می باشد. و در تعیین مصداق آن روش عقلانی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

س ۵۹: آیا احکام شرعی در صورتی که ولی امر مسلمین به دلیل مصالح عمومی مسلمانان، بر خلاف آنها حکم نماید، قابل تغییر و تعطیل است؟

ج: موارد این مسئله مختلف است.

س ۶۰: آیا رسانه های گروهی در نظام حکومت اسلامی باید تحت نظارت ولی فقیه یا حوزه های علمیه و یا نهاد دیگری باشند؟

ج: اداره رسانه های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کارگمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال اینگونه امور از آن استفاده شود.

س ۶۱: آیا کسی که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد، مسلمان حقیقی محسوب می شود؟

ج: عدم اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت «ارواحنا فدای» موجب ارتداد و خروج از دین اسلام

نمی شود.

س ۶۲: آیا ولی فقیه ولایت تکوینی دارد که بر اساس آن بتواند احکام دینی را به هر دلیلی مانند مصلحت عمومی، نسخ نماید؟

ج: بعد از وفات پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» امکان نسخ احکام دین اسلام وجود ندارد، و تغییر موضوع یا پیدایش حالت ضرورت و اضطرار یا وجود مانع موقتی برای اجرای حکم، نسخ محسوب نمی شود، و ولایت تکوینی بنا بر نظر قائلین به آن اختصاص به معصومین «علیهم السلام» دارد.

س ۶۳: وظیفه ما در برابر کسانی که اعتقادی به ولایت فقیه جز در امور حسبيه ندارند با توجه به اینکه بعضی از نمایندگان آنان این دیدگاه را ترویج می کنند چیست؟

ج: ولایت فقیه در رهبری جامعه اسلامی و اداره امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد، اگر کسی به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد، معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

س ۶۴: آیا اوامر ولی فقیه برای همه مسلمانان الزام آور است یا فقط مقلدین او ملزم به اطاعت هستند؟ آیا بر کسی که مقلد مرجعی است که اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه ندارد. اطاعت از ولی فقیه واجب است یا خیر؟

ج: بر اساس مذهب شیعه همه مسلمانان باید از اوامر ولایتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند، و این حکم شامل فتنهای عظام هم می شود چه رسد به متلدین آنان. به نظر ما التزام به ولایت فقیه قابل تفکیک از التزام به اسلام و ولایت ائمه معصومین (ع) نیست.

س ۶۵: کلمه ولایت مطلقه در عصر پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» به این معنی استعمال

شده است که اگر رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» شخصی را به انجام کاری امر کنند، انجام آن حتی اگر از سخت‌ترین کارها هم باشد بر آن فرد واجب است، به طور مثال اگر پیامبر «صلی الله علیه و آله» به کسی دستور خودکشی بدهند، آن فرد باید خود را به قتل برساند. سؤال این است که آیا ولایت فقیه در عصر ما با توجه به این که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» معصوم بودند و در این زمان ولی معصوم وجود ندارد، به همان معنای عصر پیامبر «صلی الله علیه و آله» است؟

ج: مراد از ولایت مطلقه فقیه جامع الشرایط این است که دین حنیف اسلام (که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد)، دین حکومت و اداره امور جامعه است، لذا همه طبقات جامعه اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسائل پیشرفت و شکوفائی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند. این کار در مرحله اجرا ممکن است با مطامع و منافع و آزادی بعضی از اشخاص منافات داشته باشد، حاکم مسلمانان پس از این که وظیفه خطیر رهبری را طبق موازین شرعی به عهده گرفت، باید در هر مورد که لازم بداند تصمیمات مقتضی بر اساس فقه اسلامی اتخاذ کند و دستورات لازم را صادر نماید. تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت مقدم و حاکم است، و این توضیح مختصری درباره ولایت مطلقه است.

س ۶۶: آیا همانگونه که بقاء بر تقلید میت بنا بر فتوای فقها باید با اجازه مجتهد زنده

باشد، اوامر و احکام شرعی حکومتی هم که از رهبر متوقی صادر شده است، برای استمرار و نافذ بودن احتیاج به اذن رهبر زنده دارد یا این که بدون اذن رهبر زنده هم خود به خود از قابلیت اجرائی برخوردار است؟

ج: احکام ولائی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

س ۶۷: آیا بر فقهی که در کشور جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کند (و اعتقادی به ولایت مطلقه فقیه ندارد)، اطاعت از دستورات ولی فقیه واجب است؟ و اگر با ولی فقیه مخالفت نماید فاسق محسوب می‌شود؟ و در صورتی که فقهی اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه دارد ولی خود را از او شایسته‌تر به مقام ولایت می‌داند، اگر با اوامر فقهی که متصدی مقام ولایت امر است مخالفت نماید، فاسق است؟

ج: اطاعت از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین بر هر مکلفی ولو این که فقیه باشد، واجب است. و برای هیچ کسی جایز نیست با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته‌تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راههای قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد. ولی در غیر این صورت مسئله به طور کلی تفاوت خواهد کرد.

س ۶۸: آیا مجتهد جامع الشرائط در عصر غیبت ولایت بر اجرای حدود دارد؟

ج: اجرای حدود در زمان غیبت هم واجب است، و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

س ۶۹: آیا ولایت فقیه یک مسئله تقلیدی است یا اعتقادی؟ و کسی که به آن اعتقاد ندارد چه حکمی دارد؟

ج: ولایت فقیه از شئون ولایت و امامت است که از اصول مذهب می باشد با این تفاوت که احکام مربوط به ولایت فقیه مانند سایر احکام فقهی از ادله شرعی استنباط می شوند، و کسی که به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم پذیرش ولایت فقیه رسیده، معذور است.

س ۷۰: گاهی از بعضی از مسئولین، مسئله ای به عنوان «ولایت اداری» شنیده می شود که به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض است. نظر جناب عالی در این باره چیست؟ و وظیفه شرعی ما کدام است؟

ج: مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد جایز نیست. ولی در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری وجود ندارد.

س ۷۱: آیا مسئولین نظامی در صورتی که انجام کارهای شخصی شان باعث به هدر رفتن وقت آنان می شود، جایز است به سربازان دستور انجام آنها را بدهند؟

ج: برای مسئولین جایز نیست به سربازان و یا هر فرد دیگری دستور انجام کارهای شخصی شان را بدهند، و این کار موجب ضمان اجرة المثل است.

س ۷۲: آیا اطاعت از دستورات نماینده ولی فقیه در مواردی که داخل در قلمرو نمایندگی اوست، واجب است؟

ج: اگر دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است، صادر کرده باشد، مخالفت با آنها جایز نیست.

طهارت

احکام آبها

س ۷۳: اگر قسمت پایین آب خیلی که به طور سرازیر و بدون فشار به پایین می‌ریزد، با نجاست برخورد کند، آیا قسمت بالای این آب همچنان پاک باقی می‌ماند؟
ج: اگر سرازیری آب بگونه‌ای باشد که جریان از بالا به پایین بر آن صدق کند، قسمت بالای آن پاک است.

س ۷۴: آیا برای پاک شدن لباس متنجس، بعد از شستن با آب جاری یا کر فشار دادن آن در خارج از آب لازم است یا با همان فشار داخل آب پاک می‌شود؟
ج: در شستن لباس و مانند آن با آب جاری یا کر، فشار دادن شرط نیست، بلکه هر عملی که موجب جابجائی آب داخل آن ولو در داخل همان آب کر یا جاری شود هر چند با تکان دادن شدید باشد، برای طهارت کافی است.

س ۷۵: حکم وضو و غسل با آبی که به طور طبیعی غلیظ است چیست؟ مانند آب دریائی که بر اثر وجود املاح فراوان غلیظ شده است مثل دریاچه ارومیه یا موارد دیگری که غلظت بیشتری دارند.

ج: مجرد غلظت آب به سبب وجود املاح، مانع از صدق عنوان آب مطلق بر آن نمی‌شود، و برای ترتب آثار شرعی آب مطلق، صدق عنوان آن در نظر عرف کافی است.

س ۷۶: آیا برای ترتب آثار کر بودن آب، علم به کر بودن آن واجب است یا این که بناء بر کر بودن آب کافی است؟ (مانند آب موجود در دستشویی‌های قطار و غیره)

ج: اگر حالت سابقه کر بودن آب احراز شود، بنا گذاشتن بر کر بودن آن جایز است.
س ۷۷: در مسأله (۱۴۷) رساله امام خمینی «قدس سره» آمده است: «در طهارت و نجاست به گفته کودک ممیز تا زمان بلوغ اعتناء نمی‌شود» این فتوی تکلیف دشواری است. زیرا به طور مثال مستلزم این است که پدر و مادر تطهیر فرزندشان را پس از قضاء حاجت تا سن پانزده سالگی به عهده بگیرند. لطفاً وظیفه شرعی ما را بیان فرمائید.

ج: قول کودکی که در آستانه بلوغ است در این باره معتبر می‌باشد.

س ۷۸: گاهی به آب موادی اضافه می‌کنند که آن را به رنگ شیر در می‌آورد، آیا این آب مضاف است؟ حکم وضو و تطهیر با آن چیست؟

ج: آن آب حکم آب مضاف را ندارد.

س ۷۹: در تطهیر، چه فرقی بین آب کر و آب جاری است؟

ج: هیچ تفاوتی با هم ندارند.

س ۸۰: اگر آب شور جوشانده شود، آیا با آبی که از بخار آن بدست می‌آید می‌توان وضو گرفت؟

ج: اگر آب مطلق بر آن صدق کند، آثار آب مطلق را دارد.

س ۸۱: آیا در شستن لباسهای نجس با آب کر، فشردن هم واجب است؟ یا آنکه بعد از

زوال نجاست، همین که آب، محل نجاست را فراگرفت کافی است؟

ج: همین که آب کر لباسهای نجس را پس از زوال عین نجاست فراگرفت سپس از آن هر چند با تکان دادن در داخل آب جابجا و خارج شد، کافی است و فشار دادن لازم نیست.

س ۸۲: آیا گلیم یا فرش نجسی را که با آب لوله کشی متصل به منبع آب شهری شستشو می دهیم به مجرد رسیدن آب لوله کشی به محل نجس، پاک می شوند یا باید آب غساله از آن جدا شود؟

ج: در تطهیر با آب لوله کشی جدا شدن آب غساله شرط نیست، بلکه به مجرد رسیدن آب به مکان نجس بعد از زوال عین نجاست و حرکت غساله از جای خود، طهارت حاصل می شود.

س ۸۳: برای پاک شدن کف پا یا کفش، راه رفتن به مقدار پانزده گام شرط است. آیا این کار باید بعد از زوال عین نجاست صورت بگیرد یا پانزده گام رفتن با وجود عین نجاست کافی است؟ و آیا پس از آنکه عین نجاست با پانزده گام از بین رفت، کف پا یا کفش پاک می شود؟

ج: راه رفتن به مقدار پانزده گام برای حصول طهارت شرط نیست، بلکه میزان راه رفتن روی زمین خشک و پاک به مقداری است که باعث از بین رفتن عین نجاست شود و در موردی که عین نجاست قبلاً از بین رفته باشد کمترین مقدار راه رفتن که صدق راه رفتن بر آن نماید کافی است.

س ۸۴: آیا کف پا یا ته کفش با راه رفتن روی زمینی که آسفالت شده پاک می شود؟ ج: زمینه های آسفالت و یا آغشته به قیر پاک کننده کف پا یا ته کفش نیستند.

س ۸۵: آیا آفتاب از مطهرات است؟ اگر هست شرایط مطهریت آن چیست؟

ج: تابیدن آفتاب باعث طهارت زمین و همه اشیاء غیر منقول از قبیل ساختمان و چیزهائی که در آن بکار رفته است مانند چوب، در، پنجره و مانند آن می شود، به شرطی که عین نجاست قبلاً از آنها زائل شده باشد و در موقع تابش آفتاب تر باشند و به وسیله آفتاب خشک شوند.

س ۸۶: لباسهای نجسی که در موقع تطهیر، آب را رنگین می کنند، چگونه پاک می شوند؟

ج: اگر رنگ دادن لباس باعث مضاف شدن آب نشود، لباسهای نجس با ریختن آب بر آن، پاک می شوند.

س ۸۷: کسی که برای غسل جنابت آب را در ظرفی می ریزد و در هنگام غسل قطرات آب به داخل ظرف می چکد، آیا موجب نجس شدن آب می گردد؟ و آیا مانع از تمام کردن غسل با آن آب می شود؟

ج: اگر از آن قسمت بدن که پاک است آب به داخل ظرف بچکد، آب پاک است و مانعی برای تمام کردن غسل با آن وجود ندارد.

س ۸۸: آیا تطهیر تنوری که با گِل آغشته به آب نجس ساخته شده است، امکان دارد؟ ج: ظاهر آن با شستن قابل تطهیر است و طهارت ظاهر تنور که خمیر به آن می چسبد برای پختن نان کافی است.

س ۸۹: روغن نجسی که از بدن حیوانی بدست آمده است، آیا با انجام فعل و انفعالات شیمیائی بر روی آن به طوری که ماده‌ی آن دارای خواص جدیدی شود، بر نجاست خود باقی می ماند یا این که حکم استحاله را پیدا می کند؟

ج: برای طهارت مواد نجس حیوانی مجرد انجام فعل و انفعالات شیمیائی که خاصیت جدیدی به آن مواد ببخشد، کافی نیست.

س ۹۰: در روستای ما حمامی وجود دارد که سقف آن مسطح و صاف است و از آن قطرات حاصل از بخار آب بر سر استحمام کنندگان می‌چکد. آیا این قطرات پاک است؟ آیا غسل بعد از چکیدن این قطرات صحیح است؟

ج: بخار حمام و قطراتی که از سقف پاک می‌چکد محکوم به طهارت است، و چکیدن این قطرات بر بدن باعث نجاست آن نمی‌شود و به صحت غسل ضرر نمی‌رساند.

س ۹۱: با توجه به اینکه بر اساس تحقیقات علمی، وزن آبهای فاضلاب‌ها در اثر اختلاط با مواد معدنی و آلودگی به میکرب ۱۰٪ بیشتر از وزن طبیعی آب است، اگر در اینگونه آبها در تصفیه‌خانه‌ها تغییراتی بوجود آید و بوسیله عملیات فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی، مواد معدنی آلوده و میکروبها را از آن جدا سازند. به طوری که بعد از تصفیه کامل از جهت فیزیکی (رنگ، بو، طعم) و از جهت شیمیایی (مواد معدنی آلوده) و از جهت بهداشتی (میکروبهای مضر و تخم انگلها) بمراتب بهداشتی‌تر و بهتر از آبهای بسیاری از نهرها و دریاها بویژه آبهای که برای آبیاری استفاده می‌نمایند گردد. آیا این آبها که قبل از تصفیه نجس هستند، با اعمال مذکور پاک شده و حکم استحاله بر آنها جاری می‌گردد یا آنکه پس از تصفیه هم محکوم به نجاست هستند؟

ج: به مجرد جداسازی مواد معدنی آلوده و میکربها و غیر آن از آبهای فاضلابها، استحاله تحقق پیدا نمی‌کند. مگر این که عمل تصفیه با تبخیر آب و تبدیل دوباره بخار به آب، انجام شود. البته مخفی نیست که این حکم در موردی جاری است که آبهای فاضلابها متنجس باشند در حالی که معلوم نیست که آنها دائماً متنجس باشند.

س ۹۲: در منطقه ما میّت را روی تخت چوبی غسل می‌دهند. اگر فرض شود که

نجاست ظاهری بر مِيت باشد، آیا با این که می‌دانیم چوب، آبی را که بار اول بر مِيت می‌ریزیم در خود فرو می‌برد، تخت چوبی به تبعیت از طهارت مِيت پاک می‌شود؟
ج: تخت چوبی با غسل دادن مِيت پاک می‌شود و احتیاج به تطهیر جداگانه ندارد.

احکام تخیلی

س ۹۳: عشاير بخصوص در ایام کوچ کردن، آب کافی برای تطهیر در اختیار ندارند، آیا چوب و سنگریزه برای تطهیر مخرج بول کفایت می‌کند؟ و می‌توانند با این حال نماز بخوانند؟

ج: مخرج بول جز با آب پاک نمی‌شود. ولی نماز کسی که توانائی تطهیر بدن خود با آب را ندارد صحیح است.

س ۹۴: حکم تطهیر مخرج بول و غائط با آب قلیل چیست؟

ج: برای طهارت مخرج بول با آب قلیل دو بار شستن بنا بر احتیاط لازم است، و برای طهارت مخرج غایط شستن تا مقداری که عین نجاست و آثار آن از بین برود لازم است.

س ۹۵: بر حسب عادت، نمازگزار باید بعد از بول کردن استبراء نماید. در عورت من زخمی وجود دارد که هنگام استبراء بر اثر فشار از آن خون جاری شده و با آبی که برای تطهیر استفاده می‌کنم مخلوط می‌شود و باعث نجاست بدن و لباس می‌گردد. اگر استبراء نکنم احتمال دارد زخم زودتر بهبود یابد ولی با استبراء و فشاری که بر آن وارد می‌شود زخم باقی خواهد ماند و خوب شدن آن سه ماه طول خواهد کشید. خواهش می‌کنم بیان فرمائید که عمل استبراء را انجام بدهم یا خیر؟

ج: استبراء واجب نیست. بلکه اگر موجب ضرر شود جایز هم نخواهد بود. البته اگر استبراء نشود و بعد از بول کردن رطوبت مشتبه خارج شود، حکم بول را دارد.

س ۹۶: دانشجویی هستم که از چند سال پیش دچار مشکلی شده‌ام که باعث اذیت و ناراحتی شدید من شده است. و آن این که گاهی بعد از بول و استبراء مایعی از مجرای بول خارج می‌شود که مقدار آن به یک چهارم حجم یک قطره نمی‌رسد. این مایع گاهی پنج دقیقه یا بیشتر بعد از بول خارج می‌شود. در گذشته که استبراء نمی‌کردم حجم آن به مقدار چند قطره بود ولی اکنون که استبراء می‌کنم به اندازه یک چهارم قطره یا کمتر از آن شده است. نمی‌دانم این مایع پاک و نماز با آن صحیح است یا خیر؟

ج: رطوبت مشکوکی که بعد از استبراء از انسان خارج می‌شود محکوم به طهارت است مگر این که یقین حاصل شود که بول است.

س ۹۷: گاهی بدون اختیار از انسان بعد از بول و استبراء رطوبتی خارج می‌شود که شبیه بول است. آیا این رطوبت نجس است یا پاک؟ اگر انسان بعد از مدتی بطور اتفاقی متوجه این مسئله شود، نمازهای گذشته‌اش چه حکمی دارد؟ آیا از حالا به بعد بر او واجب است در مورد خروج این رطوبت غیر اختیاری بررسی نماید؟

ج: اگر بعد از استبراء رطوبتی خارج شود که بول بودن آن مشکوک باشد، حکم بول را ندارد و محکوم به طهارت است، و بررسی و جستجو در این باره لازم نیست.

س ۹۸: لطف بفرمائید در صورت امکان راجع به اقسام رطوبتی که گاهی از انسان خارج می‌شود، توضیح دهید.

ج: رطوبتی که گاهی بعد از خروج منی از انسان خارج می‌شود، و ذی نام دارد. و رطوبتی که بعضی از اوقات بعد از بول خارج می‌شود، و دی نامیده می‌شود. و

رطوبتی که بعد از ملاعبه زن و مرد با یکدیگر خارج می‌شود، مذی نام دارد. همه این رطوبتها پاک است و باعث نقض طهارت نمی‌شود.

س ۹۹: اگر کاسه توالتها در جهت مخالف سمتی که اعتقاد دارند قبله است، نصب شود و بعد از مدتی متوجه شویم که جهت کاسه با جهت قبله ۲۰ تا ۲۲ درجه تفاوت دارد. آیا تغییر جهت کاسه توالت واجب است یا خیر؟

ج: انحراف از قبله به مقداری که انحراف از سمت قبله بر آن صدق کند، کافی است و اشکال ندارد.

س ۱۰۰: بر اثر بیماری در مجاری ادرار، بعد از بول و استبراء، ادرارم قطع نمی‌شود و رطوبت می‌بینم. برای معالجه به پزشک مراجعه نموده و به دستورات او عمل کردم ولی بیماری‌ام معالجه نشد. وظیفه شرعی من چیست؟

ج: بعد از استبراء، به شک در خروج بول اعتنا نمی‌شود، و اگر یقین دارید که بول به صورت قطره قطره از شما خارج می‌شود، باید به وظیفه مسلوس که در رساله عملیه امام خمینی «قدس سره» ذکر شده است عمل نمائید. و تکلیفی زائد بر آن ندارید.

س ۱۰۱: کیفیت استبراء قبل از تطهیر مخرج غایط چگونه است؟ تفاوتی بین استبراء قبل از تطهیر مخرج غائط و بعد از تطهیر آن، از نظر کیفیت وجود ندارد.

س ۱۰۲: استخدام در بعضی از شرکت‌ها و مؤسسات مستلزم معاینات پزشکی است که گاهی مشتمل بر کشف عورت است. آیا این عمل در صورت نیاز جایز است؟
ج: کشف عورت در برابر شخص دیگر هر چند لازمه استخدام باشد، جایز نیست، مگر در صورتی که ترک کار برای او مشقت آور بوده و مضطر به آن باشد.

س ۱۰۳: در هنگام تخلی، مخرج بول با چند مرتبه شستن پاک می‌شود؟

ج: محل دفع بول بنابر احتیاط واجب با دو مرتبه شستن با آب قلیل پاک می شود.

س ۱۰۴: مخرج مدفوع را چگونه می توان تطهیر کرد؟

ج: مخرج مدفوع را به دوگونه می توان تطهیر کرد، اول آنکه با آب شستشو کند تا نجاست زائل شود و پس از آن آب کشیدن لازم نیست. دوم آنکه با سه قطعه سنگ یا پارچه پاک و امثال آن، نجاست را پاک نماید و اگر با سه قطعه، نجاست زائل نشد با قطعات دیگری آن را کاملاً پاک کند، و به جای سه قطعه می تواند از سه جای یک قطعه سنگ یا پارچه استفاده کند.

احکام وضو

س ۱۰۵: به نیت طهارت برای نماز مغرب وضو گرفتیم، آیا برای من با این وضو مست

قرآن کریم و خواندن نماز عشا جایز است؟

ج: بعد از آنکه وضو به طور صحیح محقق شد، تا زمانی که باطل نشده است، انجام هر عمل مشروط به طهارت، با آن جایز است.

س ۱۰۶: کسی که در جلوی سرش موی مصنوعی گذاشته است و در صورت نگذاشتن

آن به مشقت می افتد. آیا مسح بر موی مصنوعی برای او جایز است؟

ج: موی مصنوعی اگر به نحو کلاه گیس باشد واجب است برای مسح آن را بردارد، ولی اگر موی مصنوعی بر پوست سر کاشته شده باشد و برداشتن آن از جلوی سر باعث عسر و حرجی شود که عادتاً قابل تحمل نیست مسح بر روی آن مجزی است.

س ۱۰۷: شخصی گفته است که هنگام وضو فقط باید دو مشت آب بر صورت ریخته

شود. و اگر بار سوم آب ریخته شود وضو باطل خواهد بود. آیا این سخن صحیح است؟
ج: ریختن چندین مشت آب بر صورت اشکال ندارد، ولی شستن کامل صورت و دستها بیشتر از دوبار، مشروع نیست.

س ۱۰۸: آیا چربیهای که به طور طبیعی در مو و صورت وجود می‌آیند، مانع محسوب می‌شوند؟

ج: مانع محسوب نمی‌شود مگر آنکه به حدی باشد که مانع از رسیدن آب به پوست و مو گردد.

س ۱۰۹: مدت زمانی مسح پاهایم را از سر انگشتان انجام نمی‌دادم بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان را مسح می‌کردم. آیا این مسح صحیح بوده است؟ و در صورت عدم صحت، نمازهایی را که خوانده‌ام باید قضاکنم؟

ج: اگر مسح پا شامل سر انگشتان پا نباشد، وضو باطل و قضای نمازهای خوانده شده واجب است. و در صورتی که انسان شک داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان پا مسح می‌کرده است یا نه؟ وضو و نمازهای خوانده شده محکوم به صحت هستند.

س ۱۱۰: برآمدگی روی پا که هنگام مسح، دست باید تا آنجا کشیده شود کدام است؟
ج: مشهور کفایت مسح پا تا همان برآمدگی روی پا نرسیده به مفصل ساق است که از آن به برآمدگی روی پا تعبیر می‌شود. ولی احتیاط واجب این است که مسح تا مفصل ساق کشیده شود.

س ۱۱۱: وضو در مساجد و مراکز و ادارات دولتی که دولت در سایر کشورهای اسلامی بنا می‌کند چه حکمی دارد؟

ج: جایز است و مانع شرعی ندارد.

س ۱۱۲: آیا اگر در وضو برای یک بار شستن چندین مرتبه آب به عضو ریخته شود به وضو ضرر می‌زند؟ و اگر با چندین مرتبه آب ریختن نیت یک بار شستن نماید ولی بیشتر از یک بار شستن حاصل شود، وضو چه حکمی دارد؟

ج: ملاک قصد انسان و یک بار شستن است و چندین بار آب ریختن ضرری به صحت وضو نمی‌رساند.

س ۱۱۳: چشمه‌ای است که سرچشمه آن در زمین ملکی شخصی قرار دارد. اگر بخواهیم آب آن را به وسیله لوله به منطقه‌ای که چند کیلومتر با آن فاصله دارد، انتقال دهیم، باید لوله از زمین‌های ملکی این شخص و افراد دیگر عبور نماید. آیا در صورت عدم رضایت این افراد، استفاده از آب چشمه برای وضو و غسل و سایر تطهیرات جایز است؟

ج: اگر چشمه در کنار ملک غیر خود بخود جوشیده باشد و قبل از جریان آن در زمین ملکی مجاور آبهای آن وارد لوله شود، و یا در صورت وجود چشمه در داخل ملک غیر، آب آن از عمق زمین وارد لوله شود و از زمینی که چشمه در آن یا در کنار آن قرار دارد و از زمینهای دیگر برای عبور لوله استفاده شود، مصرف آب اشکال ندارد، مشروط به این که استفاده از آب عرفاً تصرف در زمینی که چشمه در آن یا در کنار آن قرار دارد و همچنین زمینهای دیگری که لوله از آن عبور می‌کند، محسوب نشود.

س ۱۱۴: در محله ما فشار آب ضعیف است بطوری که گاهی آب بر اثر پایین بودن فشار آن به طبقات بالا نمی‌رسد. در طبقات پایین هم فشار آب بسیار ضعیف است. بعضی از همسایگان برای استفاده از آب، پمپ فشار نصب کرده‌اند که هنگام استفاده از آن، آب طبقات بالا قطع می‌شود در طبقات پایین هم ممکن است آب قطع نشود ولی فشار آن به حدی ضعیف می‌شود که امکان استفاده از آب وجود ندارد. مشکل در اوقات

وضو و غسل بیشتر می شود به طوری که گاهی نمی توان از آب استفاده کرد. ولی زمانی که پمپ آب کار نمی کند همه ساکنین طبقات می توانند برای وضو و غسل و انجام فریضة نماز از آب استفاده کنند. از طرفی هم سازمان آب، نصب پمپ و استفاده از آن را ممنوع اعلام کرده است. و چنانچه از نصب پمپ آب در منازل مطلع شود به صاحبان آنها اخطار داده و در صورت عدم توجه آنان، خود سازمان آب اقدام به جمع آوری پمپ ها و جریمه صاحبان آنها می نماید. با توجه به این مطالب به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

الف: آیا نصب پمپ فشار آب جهت استفاده از آب بیشتر از نظر شرعی جایز است؟
ب: در صورت عدم جواز استفاده از پمپ فشار آب، وضو و غسل با آبی که بوسیله پمپ جذب می شود چه حکمی دارد؟

ج: در فرض سؤال، نصب و استفاده از پمپ فشار جایز نیست و وضو و غسل با آبی که بوسیله پمپ بدست می آید محل اشکال است.

س ۱۱۵: نظر جنابعالی درباره وضو گرفتن قبل از داخل شدن وقت نماز چیست؟ در پاسخ به یکی از استفتائات فرموده اید که با وضوئی که نزدیک اول وقت نماز گرفته می شود می توان نماز خواند. منظور شما از نزدیک اول وقت نماز، چه مقدار است؟

ج: ملاک صدق عرفی نزدیکی وقت نماز است، و اگر در آن وقت برای نماز وضو گرفته شود اشکال ندارد.

س ۱۱۶: آیا شخصی که وضو می گیرد، مستحب است هنگام مسح قسمت پائین انگشتان پا یعنی جایی که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می کند را مسح نماید؟
ج: محل مسح پا عبارت است از روی پا از سر انگشتان و استحباب مسح پائین انگشتان پا ثابت نشده است.

س ۱۱۷: اگر شخص وضو گیرنده هنگام شستن دستها و صورت به قصد وضو اقدام به باز و بسته کردن شیر آب نماید، این کار او چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه‌ای نمی‌زند. ولی اگر بعد از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیری که خیس است بگذارد و آب وضوی دستش با آب خارج از وضو مخلوط شود، صحت مسح با رطوبتی که مختلط از آب وضو و آب خارج است، محل اشکال است.

س ۱۱۸: آیا برای مسح می‌توان از غیر آب وضو استفاده کرد؟ و همچنین آیا مسح سر حتماً باید با دست راست و از بالا به پایین باشد؟

ج: مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دستها مانده کشیده شود و احتیاط آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

س ۱۱۹: بعضی از زنها ادعا می‌کنند که وجود رنگ روی ناخن مانع وضو نیست و مسح روی جوراب نازک هم جایز است. نظر شریف جنابعالی در این باره چیست؟

ج: در صورتی که رنگ مانع از رسیدن آب به ناخن باشد وضو باطل است و مسح بر جوراب هر قدر هم نازک باشد، صحیح نیست.

س ۱۲۰: آیا مجروحان جنگی که قطع نخاع شده‌اند و قدرت نگهداری بول را ندارند، جایز است در نماز جمعه شرکت کرده و به خطبه‌ها گوش دهند و با عمل به وظیفه شخص مسلول، نماز جمعه و عصر را بخوانند؟

ج: شرکت آنان در نماز جمعه اشکال ندارد، ولی با توجه به اینکه بر آنان واجب است بعد از وضو گرفتن بدون فاصله زمانی، شروع به خواندن نماز کنند و برای نماز عصر دوباره وضو بگیرند، مگر این که بعد از وضوی اول حادثی از آنان صادر نشود

که در این صورت وضوی اول برای هر دو نمازشان کافی است، بنابراین وضوی قبل از خطبه‌های نماز جمعه در صورتی برای خواندن نماز جمعه کافی است که بعد از وضو حدثی از آنان سر نزنند.

س ۱۲۱: شخصی که قادر بر وضو گرفتن نیست، فرد دیگری را برای انجام وضو به نیابت می‌گیرد و خودش نیت نموده و با دست خود مسح می‌کند و اگر قادر بر مسح نباشد نایب دست او را گرفته و با آن مسح می‌نماید. اگر از این کار هم عاجز باشد، نایب از دست او رطوبت گرفته و مسح می‌کند. حال، اگر این شخص دست نداشته باشد چه حکمی دارد؟

ج: اگر این شخص کف دست نداشته باشد، برای مسح، رطوبت از ساعد او گرفته می‌شود، و اگر ساعد هم نداشته باشد رطوبت از صورت او گرفته شده و سر و پا با آن مسح می‌شوند.

س ۱۲۲: آیا هنگام وضو باید ظرف آب لوله‌دار باشد؟ آیا اگر ظرف آب لوله‌دار نباشد وضو باطل است؟

ج: ظرف آب وضو لازم نیست لوله‌دار باشد. وضو گرفتن با آبی که در ظرف قرار دارد اشکال ندارد، اعم از این که آب از ظرف بر دست ریخته شود یا با دست آب از ظرف برداشته شده و بر اعضای وضو ریخته شود.

س ۱۲۳: در نزدیکی محل برگزاری نماز جمعه مکانی برای وضو گرفتن وجود دارد که تابع مسجد جامع است و پول آب آن از غیر بودجه مسجد پرداخت می‌شود. آیا شرکت کنندگان در نماز جمعه جایز است از آن آب، استفاده کنند؟

ج: چون آب آن برای وضو گرفتن همه نمازگزاران بطور مطلق قرارداد شده است، استفاده از آن اشکال ندارد.

س ۱۲۴: آیا وضوئی که قبل از نماز ظهر و عصر گرفته شده، برای خواندن نماز مغرب و عشا هم با علم به این که در این مدت هیچیک از مبطلات وضو از وی سر نزده است، کافی است؟ یا آنکه هر نمازی نیت و وضوی جداگانه ای دارد؟

ج: برای هر نمازی وضوی جداگانه لازم نیست. بلکه با یک وضو تا زمانی که باطل نشده می تواند هر مقدار نماز که می خواهد بخواند.

س ۱۲۵: آیا وضو گرفتن به نیت نماز واجب قبل از داخل شدن وقت آن جایز است؟
ج: وضو گرفتن برای خواندن نماز واجب، اگر نزدیک داخل شدن وقت آن باشد اشکال ندارد.

س ۱۲۶: به علت فلج شدن هر دو پایم به کمک کفش طبی و عصای چوبی راه می روم، و چون به هیچ وجه بیرون آوردن کفش هنگام وضو برایم امکان ندارد، امیدوارم وظیفه شرعی مرا در رابطه با مسح هر دو پا بیان فرمائید.

ج: اگر بیرون آوردن کفش برای مسح پاها برای شما دشوار است، مسح بر روی کفش کافی و مجزی است.

س ۱۲۷: اگر بعد از رسیدن به مکانی تا چند فرسخی آن به جستجوی آب پردازیم و آب آلوده و کثیفی را بیابیم، در این حالت تیمم برای ما واجب است یا وضو گرفتن با آن آب؟

ج: اگر آن آب پاک و مطلق باشد و استعمال آن ضرری نداشته باشد، وضو واجب است و نوبت به تیمم نمی رسد.

س ۱۲۸: آیا وضو به خودی خود مستحب است؟ و آیا می توان قبل از داخل شدن وقت نماز به قصد قربت وضو گرفت و یا همان وضو نماز خواند؟

ج: وضو به قصد طهارت از نظر شرعی مستحب و مطلوب است. و خواندن نماز با

وضوی مستحب جایز است.

س ۱۲۹: کسی که همیشه در وضویش شک می‌کند. چگونه می‌تواند به مسجد برود و نماز بخواند و به قرائت قرآن کریم و زیارت معصومین علیهم السلام بپردازد؟

ج: شک در بقای طهارت بعد از وضو اعتبار ندارد، و تا یقین به نقض وضو پیدا نکرده است می‌تواند با آن نماز بخواند و قرآن قرائت کند.

س ۱۳۰: آیا در صحت وضو شرط است که آب بر همه قسمت‌های دست جریان پیدا کند یا آنکه کشیدن دست تر بر آن کافی است؟

ج: صدق شستن منوط به رساندن آب به تمام عضو است هر چند بوسیله دست کشیدن باشد. ولی مسح با دست مرطوب به تنهائی کافی نیست.

س ۱۳۱: آیا مسح سر همانطور که با دست راست صحیح است، با دست چپ هم صحیح است؟ و آیا مسح سر از پائین به بالا جایز است؟

ج: مسح سر با دست چپ جایز است هر چند احوط مسح سر با دست راست است، و احوط این است که از بالا به پائین یعنی از فرق سر به طرف پیشانی باشد، هر چند بر عکس هم جایز است.

س ۱۳۲: آیا در مسح سر، مرطوب شدن مو کافی است یا این که رطوبت باید به پوست سر هم برسد؟ و هنگامی که شخصی از موی مصنوعی استفاده می‌کند، مسح سر را چگونه انجام دهد؟

ج: مسح پوست سر واجب نیست. موی مصنوعی هم اگر قابل برداشتن نباشد، مسح بر آن مجزی است.

س ۱۳۳: ایجاد فاصله زمانی در شستن اعضاء هنگام وضو یا غسل، چه حکمی دارد؟ ج: فاصله زمانی (عدم موالات) در غسل اشکال ندارد. ولی در وضو اگر فاصله به

مقداری باشد که اعضای قبلی خشک شوند، وضو باطل است.

س ۱۳۴: وضو و نماز کسی که پی در پی از او باد به مقدار کم خارج می‌شود، چه حکمی دارد؟

ج: اگر نتواند وضوی خود را تا آخر نماز حفظ کند و تجدید وضو در اثناء نماز هم برای او دشوار باشد، می‌تواند با هر وضوئی یک نماز بخواند. یعنی برای هر نماز به یک وضو اکتفا کند هر چند وضوی او در بین نماز باطل شود.

س ۱۳۵: بعضی از افرادی که در مجتمع‌های مسکونی زندگی می‌کنند از پرداخت هزینه خدماتی که از آنها استفاده می‌کنند از قبیل هزینه آب سرد و گرم، تهویه، نگهبانی و مانند آنها، خودداری می‌کنند. آیا روزه و نماز و سایر عبادات این افراد که بار مالی این خدمات را بدون رضایت همسایگان به دوش آنان می‌اندازند، از نظر شرعی باطل است؟

ج: هر یک از مشترکین از نظر شرعی به مقداری که از امکانات مشترک استفاده می‌کند، نسبت به هزینه خدمات مدیون است. و اگر از پرداخت پول آب با قصد استفاده از آن، امتناع کند، وضو و غسل او محل اشکال و بلکه باطل است.

س ۱۳۶: شخصی غسل جنابت نموده و بعد از گذشت سه تا چهار ساعت می‌خواهد نماز بخواند، ولی نمی‌داند غسلش باطل شده است یا خیر؟ اگر احتیاطاً وضو بگیرد، اشکال دارد یا خیر؟

ج: در فرض مذکور وضو واجب نیست ولی احتیاط هم مانعی ندارد.

س ۱۳۷: آیا کودک نابالغ، محدث به حدث اصغر می‌شود؟ آیا می‌توان قرآن را در دسترس او قرارداد تا آن را مس کند؟

ج: بله، با عارض شدن مبطلات وضو، کودک نابالغ هم محدث می‌شود، ولی مس

کتابت قرآن بر او حرام نیست و بر مکلف واجب نیست او را از دست زدن به نوشته قرآن باز دارد.

س ۱۳۸: اگر عضوی از اعضای وضو بعد از شستن آن و قبل از اتمام وضو، نجس شود، چه حکمی دارد؟

ج: نجس شدن آن عضو اگر از اعضای مسح نباشد به صحت وضو ضرر نمی‌رساند، ولی تطهیر آن عضو برای پاک شدن از نجاست بخاطر نماز واجب است.

س ۱۳۹: آیا بودن چند قطره آب بر روی پا هنگام مسح، برای وضو ضرر دارد؟
ج: واجب است محل مسح از آن قطرات خشک شود تا هنگام مسح، رطوبت دست بر پا تاثیر بگذارد نه بر عکس.

س ۱۴۰: کسی که دست راست او از بالای مرفق قطع شده، آیا مسح پای راست از او ساقط است؟

ج: مسح پای راست از او ساقط نمی‌شود بلکه باید با دست چپ بر آن مسح کند.
س ۱۴۱: کسی که در اعضای وضوی او زخم یا شکستگی باشد چه وظیفه‌ای دارد؟
ج: اگر در اعضای وضو زخم یا شکستگی است و روی آن باز باشد و آب برای آن ضرر ندارد باید آن را بشوید و اگر شستن آن مضر است باید اطراف آن را بشوید. و احتیاط آن است که اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، دست تر بر آن بکشد.

س ۱۴۲: کسی که محل مسح او زخم است چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: اگر نمی‌تواند روی زخم محل مسح دست تر بکشد باید به جای وضو تیمم کند. ولی در صورتی که می‌تواند پارچه‌ای روی زخم قرار دهد و بر آن دست بکشد احتیاط آن است که علاوه بر تیمم، وضو نیز با چنین مسحی بگیرد.

س ۱۴۳: کسی که جاهل به بطلان وضویش است و بعد از وضو متوجه آن می‌شود، چه

حکمی دارد؟

ج: اعاده وضو برای اعمال مشروط به طهارت، واجب است، و هرگاه با وضوی باطل نماز خوانده باشد اعاده آن نیز واجب است.

س ۱۴۴: کسی که در یکی از اعضای وضویش زخمی وجود دارد که حتی اگر جبیره هم بر روی آن قرار دهد دائماً از آن خون می آید، چگونه باید وضو بگیرد؟

ج: واجب است جبیره‌ای را بر روی زخم بگذارد که خون از آن بیرون نمی آید مثل نایلون.

س ۱۴۵: آیا در وضوی ارتماسی جایز است چند بار دست و صورت را داخل آب کنیم یا این که فقط دوبار جایز است؟

ج: جایز است دوبار دست و صورت را در آب فرو ببرد. بار اول به قصد شستن واجب و بار دوم به قصد شستن مستحب. ولی در وضوی ارتماسی در مورد دستها باید قصد شستن وضوئی آنها هنگام خارج کردن آنها از آب باشد، تا بتوان از این طریق مسح را با آب وضو انجام داد.

س ۱۴۶: آیا خشک کردن رطوبت بعد از وضو مکروه است؟ و در مقابل آیا خشک نکردن آن مستحب است؟

ج: اگر دستمال یا پارچه معینی را مخصوص این کار قرار دهد، اشکال ندارد.

س ۱۴۷: آیا رنگ مصنوعی که زنها از آن برای رنگ کردن موی سر و ابروی شان استفاده می‌کنند، مانع از صحت وضو و غسل است؟

ج: اگر صرفاً رنگ باشد و دارای جرمی که مانع از رسیدن آب به مو شود، نباشد، وضو و غسل صحیح است.

س ۱۴۸: آیا جوهر از مواعی است که وجود آن بر روی دست باعث بطلان وضو

می‌شود؟

ج: اگر جوهر مانع از رسیدن آب به پوست شود وضو باطل است. و تشخیص این موضوع بر عهده مکلف است.

س ۱۴۹: آیا اگر رطوبت مسح سر به رطوبت صورت متصل شود، وضو باطل می‌شود؟
ج: اشکال ندارد، ولی از آنجائی که احتیاط در مسح پاها این است که با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، لذا برای رعایت این احتیاط باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند تا این که رطوبت دست که هنگام مسح پا به آن نیاز دارد با رطوبت صورت مخلوط نشود.

س ۱۵۰: شخصی که وضویش نسبت به وضوی متعارف بین مردم وقت بیشتری می‌گیرد، برای یقین پیدا کردن به شستن اعضای وضو چه کاری باید انجام دهد؟
ج: باید از وسوسه اجتناب نماید، و برای این که شیطان از او ناامید شود باید به وسوسه‌ها اعتناء نکند و کوشش کند همانند سایر اشخاص به مقداری که از نظر شرعی واجب است اکتفا نماید.

س ۱۵۱: بعضی از قسمت‌های بدنم خالکوبی شده است، گفته می‌شود که غسل و وضو و نماز باطل هستند و نمازی از من پذیرفته نمی‌شود. امیدوارم مرا در این باره راهنمایی فرمائید.

ج: اگر خالکوبی مجرد رنگ باشد و بر ظاهر پوست چیزی که مانع از رسیدن آب بر آن شود وجود نداشته باشد، وضو و غسل صحیح است و اشکال در صحت نماز وجود ندارد.

س ۱۵۲: اگر بعد از این که انسان بول و استبراء کرد و وضو گرفت، رطوبتی که مردد بین

بول و منی است از او خارج شود، چه حکمی دارد؟

ج: در فرض سؤال برای تحصیل یقین به طهارت از حدث واجب است هم غسل کند و هم وضو بگیرد.

س ۱۵۳: لطفاً تفاوت وضوی زن و مرد را بیان فرمائید.

ج: بین زن و مرد در افعال و کیفیت وضو فرقی نیست. جز این که برای مردها مستحب است هنگام شستن آرنج از قسمت بیرونی آن شروع کنند و زنها از قسمت داخلی آن.

مس اسماء و آیات الهی

س ۱۵۴: مس ضمیرهایی که به ذات باری تعالی بر می گردند مثل ضمیر جمله «بسمه تعالی» چه حکمی دارد؟

ج: ضمیر حکم لفظ جلاله را ندارد.

س ۱۵۵: نوشتن اسم جلاله «الله» بصورت «ا...» و «اله» مرسوم شده است. کسانی که بدون وضو این دو کلمه (الف و اله) را مس می کنند چه حکمی دارند؟

ج: همزه و نفاط، حکم لفظ جلاله را ندارد ولی کلمه «اله» همان حکم لفظ جلاله را دارد.

س ۱۵۶: در جایی که من کار می کنم در مکاتبات خود کلمه «الله» را به صورت «ا...» می نویسم آیا نوشتن الف و سه نقطه به جای لفظ جلاله «الله» از نظر شرعی صحیح است؟

ج: از نظر شرعی مانعی ندارد.

س ۱۵۷: آیا جایز است به صرف احتمال مس لفظ جلاله «الله» توسط افراد بدون وضو.

از نوشتن آن خودداری نموده و یا بصورت «ا...» نوشته شود؟

ج: مانعی ندارد.

س ۱۵۸: نابینایان برای خواندن و نوشتن از خط برجسته‌ای معروف به خط بریل که با لمس انگشتان خوانده می‌شود، استفاده می‌کنند. با توجه به این که این خط قراردادی از شش نقطه تشکیل شده است، لطفاً به سؤال ذیل پاسخ فرمائید:

آیا بر نابینایان واجب است که هنگام فراگیری قرآن کریم و مس اسماء طاهره که با خط برجسته بریل نوشته شده است، وضو داشته باشند یا خیر؟

ج: نقاط برجسته‌ای که علامت حروف اصلی هستند، حکم آن حروف را ندارند و در مواردی که به عنوان علامتی برای حروف قرآن کریم و اسماء طاهره استفاده می‌شوند، مس آنها نیاز به طهارت از حدث ندارد.

س ۱۵۹: مس اسمهایی از قبیل عبدالله و حبیب الله بدون وضو چه حکمی دارد؟

ج: مس لفظ جلاله بدون وضو جایز نیست اگر چه جزئی از یک اسم مرکب باشد.
س ۱۶۰: آیا جایز است زن حائض گردنبندی را به گردن بیندازد که نام مبارک پیامبر صلی الله و علیه و آله بر آن نقش شده است؟

ج: به گردن آویختن آن اشکال ندارد ولی واجب است اسم مبارک پیامبر «صلی الله علیه و آله» با بدن تماس نداشته باشد.

س ۱۶۱: آیا حرمت مس نوشته‌های قرآن بدون وضو اختصاص به موردی دارد که در قرآن کریم باشد، یا شامل مواردی که نوشته قرآنی در کتاب دیگری یا تابلو یا دیوار و غیر آنها هم باشد، می‌گردد؟

ج: حرمت مس کلمات و آیات قرآنی بدون وضو اختصاص به قرآن کریم ندارد. بلکه شامل همه کلمات و آیات قرآنی می‌شود هر چند در کتاب دیگری یا در روزنامه،

مجله، تابلو، نقاشی دیواری و غیر آنها باشد.

س ۱۶۲: خانواده‌ای به قصد خیر و برکت هنگام خوردن برنج از ظرفی استفاده می‌کنند که آیات قرآنی از جمله آیه‌الکرسی روی آن نوشته شده است. آیا این کار اشکال دارد؟

ج: اگر با وضو باشند و یا غذا را با قاشق از ظرف بر می‌دارند اشکال ندارد.
 س ۱۶۳: آیا کسانی که بوسیله دستگاه تحریر اسماء جلاله یا آیات قرآنی و یا نامهای معصومین علیهم السلام را می‌نویسند، باید در حال نوشتن آنها با وضو باشند؟
 ج: این کار مشروط به طهارت نیست، ولی آن نوشته‌ها را نباید بدون وضو مس کرد.
 س ۱۶۴: آیا مس آرم جمهوری اسلامی ایران که روی نامه‌ها و بلیط‌های اتوبوس نقش شده است، حرام است؟

ج: اگر در نظر عرف اسم جلاله محسوب و خوانده شود، مس آن بدون طهارت حرام است و در غیر این صورت اشکال ندارد، اگر چه احوط ترک مس آن بدون طهارت است.

س ۱۶۵: آیا آرم جمهوری اسلامی ایران از اسماء جلاله محسوب می‌شود یا خیر؟ و چاپ آن بر اوراق اداری و استفاده از آن در مکاتبات و غیر آن، چه حکمی دارد؟
 ج: نوشتن و چاپ لفظ جلاله یا آرم جمهوری اسلامی ایران در مکاتبات اشکال ندارد، و احوط این است که احکام لفظ جلاله در آرم جمهوری اسلامی ایران هم رعایت شود.

س ۱۶۶: قسمت بالای بعضی از اوراق رسمی اداری مزین به آرم جمهوری اسلامی ایران است، و در اوراقی که در بیمارستانها و درمانگاهها مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت «هوالشافی» وجود دارد. پرتاب این اوراق بعد از استفاده به طرفی، یا آلوده کردن آنها

به خون، چه حکمی دارد؟

ج: تزیین اوراق مکاتبات به لفظ جلاله و کلماتی که در حکم آن است اشکال ندارد، ولی باید از بی احترامی و نجس کردن آنها اجتناب شود.

س ۱۶۷: استفاده از تمبرهای پستی که بر روی آنها آیات قرآنی چاپ شده است، و یا چاپ لفظ جلاله و اسماء خداوند «عزّ و جلّ» و آیات قرآنی و یا چاپ آرم مؤسساتی که مشتمل بر آیاتی از قرآن کریم است، در روزنامه‌ها و مجلات و نشریاتی که همه روزه منتشر می‌شوند، چه حکمی دارد؟

ج: طبع و نشر آیات قرآنی و اسماء جلاله و امثال آن اشکال ندارد، ولی بر کسی که به دستش می‌رسد واجب است احکام شرعی آنها را رعایت نماید و از بی احترامی و نجس کردن و مسّ بدون وضوی آنها خودداری کند.

س ۱۶۸: در بعضی از روزنامه‌ها اسم جلاله یا آیات قرآنی نوشته می‌شود، آیا پیچاندن غذا با آنها، یا نشستن بر آنها و یا استفاده از آنها به جای سفره و یا انداختن آنها در زباله، با توجه به مشکل بودن استفاده از راههای دیگر، جایز است یا خیر؟

ج: استفاده از این روزنامه‌ها در مواردی که از نظر عرف بی احترامی به چیزی که هتک حرمت آن حرام است از قبیل لفظ جلاله و آیات قرآنی که در روزنامه نوشته شده است، محسوب نشود، و در معرض نجاست هم قرار نگیرد، اشکال ندارد.

س ۱۶۹: انداختن تمبرهای پستی که در بردارنده اسم جلاله هستند، در سطل زباله چه حکمی دارد؟ آیا مسّ آنها بدون وضو صحیح است؟

ج: مسّ نوشته لفظ جلاله بدون وضو و یا نجس کردن آن و یا انداختن آن در مکانهایی که موجب اهانت و بی احترامی است، جایز نیست.

س ۱۷۰: آیا مسّ نقش کلمات روی انگشترها، جایز است؟

ج: اگر از کلماتی باشد که شرط جواز مس آن طهارت است، مس آن بدون طهارت جایز نیست.

س ۱۷۱: آیا جایز است مغازه داران کالاهای فروخته شده خود را در روزنامه‌ای که یقین داریم در آن اسم جلاله «الله» تبارک و تعالی و مانند آن نوشته شده است، بپیچند؟ آیا مس آنها بدون وضو جایز است؟

ج: پیچیدن کالاهای فروخته شده در روزنامه در صورتی که بی احترامی به اسم «الله تعالی» و آیات قرآنی و نامهای ائمه معصومین علیهم السلام که در آن نوشته شده است، محسوب نشود، اشکال ندارد. ولی جایز نیست شخص بی وضو در صورت علم به وجودشان آنها را مس کند.

س ۱۷۲: چاپ اسماء انبیاء و آیات قرآنی در روزنامه‌ها با این احتمال که ممکن است روزنامه‌ها سوزانده شوند و یا زیر دست و پا بیفتند، چه حکمی دارد؟

ج: نوشتن آیات قرآنی و اسامی معصومین علیهم السلام در روزنامه‌ها و مجلات از نظر شرعی مانعی ندارد، ولی پرهیز از بی احترامی و نجس کردن یا مس بدون طهارت آنها واجب است.

س ۱۷۳: انداختن چیزی که مشتمل بر نامهای خداوند است در نهرها و جوی‌ها چه حکمی دارد؟ آیا این عمل اهانت محسوب می‌شود؟

ج: اگر انداختن آنها در نهرها و جویبارها از نظر عرف اهانت محسوب نشود، اشکال ندارد.

س ۱۷۴: آیا باید هنگام انداختن اوراق امتحانی تصحیح شده در زباله یا آتش زدن آنها، اطمینان حاصل شود که نامهای خداوند و اسامی معصومین علیهم السلام در آنها نباشد؟ آیا دور انداختن اوراقی که در یکی از دو طرف آن چیزی نوشته نشده است،

اسراف محسوب می‌شود یا خیر؟

ج: فحوص و بررسی لازم نیست، و هنگامی که وجود اسماء جلاله در ورقه احراز نشود، انداختن آن در زیاله اشکال ندارد. اما اوراقی که امکان استفاده از آن در صنعت کارتن سازی و مانند آن وجود دارد، و یا بریک طرف آن نوشته شده است و طرف دیگر آن قابل استفاده برای نوشتن است، سوزاندن و دور انداختن آنها به علت وجود شبهه اسراف، خالی از اشکال نیست.

س ۱۷۵: اسامی مبارکی که احترام آنها واجب و مس بدون وضوی آنها حرام است، کدامند؟

ج: مس اسماء ذات باری تعالی و نامهای صفات مخصوص خداوند منان، بدون وضو حرام است، و احوط الحاق نامهای انبیاء عظام و ائمه معصومین علیهم السلام به نامهای خداوند متعال در حکم مذکور است.

س ۱۷۶: مقدار زیادی نشریات گوناگون که از طرف مؤسسات داخلی به سفارت از زمان تأسیس آن ارسال می‌شده، نزد ما جمع شده است، و چون بیشتر صفحات آن در بردارنده نامهای خداوند تعالی و مانند آن هستند، لطفاً ما را در حل مشکل نگهداری آنها راهنمایی فرمائید.

ج: دفن آنها در زمین و یا ریختن آنها در صحرا اگر بی‌احترامی محسوب نشود، و یا خمیر کردن آنها اشکال ندارد.

س ۱۷۷: راههای شرعی محو کردن اسماء مبارک و آیات قرآنی هنگام نیاز کدامند؟ سوزندان اوراقی که در آن اسم جلاله و آیات قرآنی نوشته شده است، هنگام ضرورت برای حفظ اسرار چه حکمی دارد؟

ج: دفن آنها در خاک و یا تبدیل آنها به خمیر بوسیله آب اشکال ندارد. ولی جواز

سوزاندن آنها مشکل است، و اگر بی احترامی محسوب شود جایز نیست، مگر در صورتی که اضطرار اقتضا کند و جدا کردن آیات قرآنی و نامهای مبارک امکان نداشته باشد.

س ۱۷۸: قطعه قطعه کردن اسماء مبارکه و آیات قرآنی به مقدار زیاد به طوری که حتی دو حرف آنها به هم متصل نمانده، و غیر قابل خواندن شوند، چه حکمی دارد؟ آیا در محو کردن اسماء مبارکه و آیات قرآنی و ساقط شدن حکم آنها، تغییر صورت خطی آنها با حذف و اضافه کردن حروف، کافی است؟

ج: تقطیع اگر موجب محو نوشته لفظ جلاله و آیات قرآنی نشود کافی نیست، همچنان که تغییر صورت خطی کلمات با اضافه کردن بعض حروف هم باعث زوال حکم شرعی حروفی که به قصد نوشتن لفظ جلاله به کار رفته اند، نمی شود. بلی، زوال حکم بر اثر تغییر حروف به نحوی که ملحق به محو حروف گردد، بعید نیست، هر چند احتیاط اجتناب از مس آن بدون وضو است.

احکام غسل جنابت

س ۱۷۹: آیا شخص جنب می تواند در صورت تنگی وقت با تیمم و نجاست بدن و لباس نماز بخواند یا این که باید بعد از تطهیر و غسل، نماز را قضا نماید؟

ج: اگر وقت به مقداری نیست که بدن و لباسش را تطهیر کند و یا لباس خود را عوض نماید و به علت سردی هوا و مانند آن، نماز خود را برهنه هم نمی تواند بخواند، باید نماز را با تیمم بدل از غسل جنابت با همان لباس نجس بخواند. این نماز مجزی است و بر او قضای آن واجب نیست.

س ۱۸۰: آیا رسیدن منی به داخل رحم بدون دخول سبب جنابت زن می شود؟

ج: در این صورت جنابت محقق نمی شود.

س ۱۸۱: آیا بر زنان پس از انجام معاینات داخلی با وسایل طبی غسل واجب می گردد؟

ج: با معاینات داخلی و با وسایل طبی تا زمانی که منی خارج نشود، غسل واجب نیست.

س ۱۸۲: اگر دخول به مقدار حشفه صورت بگیرد ولی منی خارج نشود و زن نیز به

مرحله اوج لذت نرسد، آیا غسل فقط بر زن واجب است یا فقط بر مرد یا بر هر دو؟

ج: با تحقق دخول ولو به مقدار حشفه غسل بر هر دو واجب است.

س ۱۸۳: در مورد احتلام زنان، در چه صورتی غسل جنابت بر آنان واجب می شود؟ و آیا

رطوبتی که هنگام ملاعبه و شوخی با مردان از آنان خارج می شود، حکم منی را دارد؟

و آیا بدون سست شدن بدن و رسیدن به اوج لذت، غسل بر آنها واجب می شود؟ بطور

کلی در زنان بدون نزدیکی، جنابت چگونه تحقق می یابد؟

ج: اگر منی از زن خارج شود خواه در اثر احتلام باشد یا ملاعبه و شوخی با مردان،

بر او غسل جنابت واجب می شود، ولی رطوبتی که بعد از ملاعبه و شوخی از او

خارج می شود حکم منی را ندارد مگر این که هنگام خروج آن بدن زن سست شود

و به اوج لذت جنسی برسد.

س ۱۸۴: اگر از دختران بطور غیر ارادی رطوبتی خارج شود، آیا حکم منی را دارد و بر

آنان غسل جنابت واجب می شود؟ یا این که زمانی موجب غسل می گردد که همراه

شهوت باشد؟

ج: اگر خروج رطوبت بر اثر شهوت و توأم با آن باشد، حکم به منی بودن آن می شود

و باعث وجوب غسل می گردد حتی اگر شهوت بدون اختیار و اراده باشد.

س ۱۸۵: اگر شهوت دختران بر اثر خواندن کتاب عاشقانه و مانند آن تحریک شود، آیا غسل بر آنان واجب می‌شود؟ و در صورت واجب شدن، چه غسلی را باید انجام دهند؟

ج: خواندن کتابهایی که موجب تحریک شهوت می‌شوند جایز نیست، و بهر حال غسل جنابت وقتی واجب می‌شود که منی خارج شود.

س ۱۸۶: اگر زن در حال ملاعبه احساس نماید آبی همراه با شهوت از او خارج شده است، آیا غسل جنابت بر او واجب می‌شود؟

ج: اگر برای زن یقین به خروج منی از وی حاصل شود، غسل بر او واجب می‌گردد. و همچنین اگر رطوبتی همراه با شهوت و اوج لذت از او خارج شود و شک داشته باشند که منی است یا خیر، شرعاً در حکم منی است و غسل بر او واجب می‌گردد. س ۱۸۷: اگر زن بعد از نزدیکی همسرش با وی در حالی که منی در رحم او باقی مانده است بلافاصله غسل نماید و بعد از غسل منی از رحم خارج شود، آیا غسل او صحیح است؟ و آیا منی خارج شده بعد از غسل، پاک است یا نجس و موجب جنابت مجدد می‌شود یا خیر؟

ج: غسل او صحیح است و رطوبتی که بعد از غسل از او خارج می‌شود اگر منی باشد در هر حالی نجس است، ولی اگر منی مرد باشد باعث جنابت مجدد نمی‌شود.

س ۱۸۸: مدتی است که مبتلا به شک در غسل جنابت شده‌ام به طوری که با همسرم نزدیکی نمی‌کنم. با این حال حالتی غیرارادی به من دست می‌دهد که گمان می‌کنم غسل جنابت بر من واجب شده است و حتی هر روز دو یا سه بار غسل می‌کنم. و این شک مرا آزار می‌دهد، تکلیف من چیست؟

ج: با شک در جنابت حکم جنابت مترتب نمی‌شود، مگر این که رطوبتی از شما خارج شود که همراه با علامت‌های شرعی خروج منی باشد یا یقین به خروج منی داشته باشید.

س ۱۸۹: آیا غسل جنابت در حال حیض صحیح است، به طوری که مسقط تکلیف زن جنب باشد؟

ج: صحت غسل در فرض مذکور محل اشکال است.

س ۱۹۰: اگر زن در حال حیض، جنب یا در حال جنابت حایض شود، آیا بعد از پاک شدن از حیض هر دو غسل بر او واجب است؟ یا این که با حدوث جنابت در حال حیض، غسل جنابت بر او واجب نیست زیرا در موقع جنابت پاک نبوده است؟

ج: بر او علاوه بر غسل حیض، غسل جنابت هم واجب است، ولی جایز است در مقام عمل به غسل جنابت اکتفا کند، لیکن احوط این است که نیت هر دو غسل را بنماید.

س ۱۹۱: در چه صورتی حکم می‌شود که رطوبت خارج شده از انسان منی است؟

ج: اگر همراه با شهوت، جستن و سست شدن بدن باشد حکم منی را دارد.

س ۱۹۲: گاهی اثر گچ یا صابون بعد از غسل کردن در اطراف ناخن‌های دست و پا مشاهده می‌شود که در حمام هنگام غسل دیده نمی‌شد ولی بعد از خروج از حمام و دقت، سفیدی صابون یا گچ آشکار می‌شود. در این حال تکلیف چیست؟ در حالی که بعضی از افراد هنگام غسل و وضو به این مسئله جاهل هستند و یا توجهی به آن ندارند و با فرض وجود اثر گچ یا صابون یقین به رسیدن آب به زیر آن حاصل نمی‌شود.

ج: مجرد وجود اثر گچ یا صابون که بعد از خشک شدن اعضاء ظاهر می‌شود، ضرری به وضو یا غسل نمی‌رساند مگر این که دارای جرمی باشد که مانع از رسیدن

آب به بشره است.

س ۱۹۳: رطوبتی که هنگام بوسیدن و بازی مرد با همسرش خارج می شود چه حکمی دارد؟

ج: اگر خروج آن به صورت جستن و همراه با شهوت و سستی بدن باشد حکم منی را دارد.

س ۱۹۴: یکی از برادران می گوید صحت غسل مشروط به تطهیر بدن از نجاست، قبل از غسل است و اگر تطهیر آن از منی یا غیر آن در اثنای غسل باشد موجب بطلان غسل می شود. بر فرض صحت گفته او و با توجه به این که من جاهل به این مسئله بوده ام، آیا نمازهای گذشته من باطل بوده و قضای آنها واجب است؟

ج: واجب است شستن برای پاک شدن بدن جدای از شستن به قصد غسل جنابت باشد، ولی تطهیر تمامی بدن قبل از غسل واجب نیست بلکه پاک بودن هر عضوی هنگام غسل آن کافی است، بنابراین اگر عضو قبل از غسل تطهیر شده باشد، غسل و نمازی که با آن خوانده شده، صحیح است. ولی اگر عضو نجس قبل از غسل تطهیر نشود، و با یک شستن بخواهد هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است و نمازی که با چنین غسلی خوانده باطل و قضای آن واجب است.

س ۱۹۵: آیا رطوبتی که از انسان در حال خواب خارج می شود حکم منی را دارد؟ با آنکه می دانیم هیچیک از علامتهای سه گانه (جستن، شهوت و سستی بدن) را ندارد و شخص هم متوجه آن نمی شود مگر وقتی که بعد از بیداری لباسهای زیر خود را مرطوب ببیند.

ج: علائم شرعی یاد شده راجع به خروج رطوبت مشتبّه به منی در حال بیداری

است، و رضوبتی که در حال خواب بر اثر احتلام خارج شود و یا انسان یقین به منی بودن آن پیدا کند، حکم منی را دارد و موجب جنابت می شود، هر چند همراه با علائم یاد شده نباشد.

س ۱۹۶: جوانی هستم که در خانواده فقیری زندگی می کنم و از من زیاد منی به دفعات خارج می شود و خجالت می کشم از پدرم تقاضای پول حمام بکنم، در خانه هم حمام نداریم. تقاضا می کنم مرا راهنمایی فرمائید.

ج: در انجام تکلیف شرعی حیا معنی ندارد. حیا عذر شرعی ترک واجب نیست. به هر حال اگر غسل جنابت برای شما امکان ندارد، وظیفه شما برای نماز و روزه تیمم بدل از غسل است.

س ۱۹۷: حمام یکی از روستاهای مناطق محروم مدتی است به علت خرابی تعطیل است. و اهالی روستا برای نظافت و تطهیر با مشکل روبرو هستند. و ما بر اثر فشار اهالی درخواست کتبی به استانداری نوشتیم که در آن اینگونه آمده است: «حمام روستای ما بر اثر ریزش برف و باران خراب شده است و قابل ترمیم نیست و نیاز به ساختن حمام جدیدی داریم».

استانداری در نتیجه این درخواست مبلغ معینی از بودجه اختصاصی مقابله با حوادث غیر مترقبه را برای ساخت حمام اختصاص داده و آن را در اختیار جهاد سازندگی گذاشت و حمام ساخته شد. سؤال این است که با توجه به مطالب مذکور، استفاده از این حمام برای تطهیر و غسل اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج: هر چند اعلام و اخبار بر خلاف واقع جائز نیست ولی استفاده اهالی از حمام در فرض مذکور اشکال ندارد.

س ۱۹۸: اینجانب با مشکلی مواجه هستم، مشکل من این است که شستن بدنم هر چند

با یک قطره آب برای بدنم ضرر دارد حتی مسح هم همین طور است. هنگام شستن بدنم ولو به مقدار کم، علاوه بر عوارض دیگر، تپش قلبم هم زیاد می شود، آیا با این وضعیت برای من جایز است با همسرم مقاربت نموده و برای چندین ماه تیمم بدل از غسل نمایم و با آن نماز خوانده و داخل مسجد شوم؟

ج: ترک مقاربت و جماع بر شما واجب نیست، و در صورت جنابت و معذور بودن از انجام غسل، وظیفه شرعی شما برای اعمال مشروط به طهارت، تیمم بدل از غسل جنابت است. و با آن تیمم داخل مسجد شدن و خواندن نماز و مسّ نوشته قرآن کریم و بقیه اعمالی که انجام آنها مشروط به طهارت از جنابت است، اشکال ندارد.

س ۱۹۹: استقبال قبله هنگام غسل واجب یا مستحب، واجب است یا خیر؟

ج: استقبال قبله در وقت غسل واجب نیست.

س ۲۰۰: آیا غسل کردن با غُساله حدث اکبر با توجه به قلیل بودن آب و طهارت بدن قبل از غسل، صحیح است؟ آیا استفاده از غُساله غسل از حدث اکبر هر یک از زن و شوهر برای دیگری جایز است؟

ج: اگر غُساله حدث اکبر پاک باشد، غسل کردن با آن مانعی ندارد، و همچنین غسل کردن هر یک از زن و شوهر با غُساله غسل دیگری بدون اشکال است.

س ۲۰۱: اگر از کسی که مشغول غسل جنابت است، حدث اصغر سر بزنند، آیا باید دوباره غسل نماید یا آنکه غسل را تمام کند و وضو بگیرد؟

ج: حدث اصغر در اثنای غسل به صحت غسل ضرر نمی رساند و لازم نیست غسل را از نو شروع کند، ولی چنین غسلی کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی کند.

س ۲۰۲: رطوبت غلیظی که شبیه منی است و انسان آن را بعد از بول مشاهده می‌کند، آیا با اینکه بدون شهوت و اراده خارج می‌شود، حکم منی را دارد؟

ج: حکم منی بر آن مترتب نیست مگر این که یقین به منی بودن آن حاصل شود یا این که هنگام خروج، علامت‌های شرعی منی را داشته باشد.

س ۲۰۳: کسی که غسل‌های متعددی اعم از واجب یا مستحب بر ذمه او باشد، آیا یک غسل، کفایت از غسل‌های دیگر می‌کند؟

ج: اگر به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد، کفایت می‌کند، و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند از بقیه غسل‌ها هم کفایت می‌کند.

س ۲۰۴: آیا غسل غیر از جنابت کفایت از وضو می‌کند؟

ج: کفایت نمی‌کند.

س ۲۰۵: به نظر شریف جناب‌عالی آیا در غسل جنابت جریان آب بر بدن شرط است؟

ج: ملاک صدق شستن بدن به قصد غسل است و جریان آب بر بدن شرط نیست.

س ۲۰۶: کسی که می‌داند اگر با نزدیکی با همسرش خود را جنب کند، آبی برای غسل کردن نمی‌یابد و یا وقت برای غسل و نماز ندارد، آیا می‌تواند با همسرش نزدیکی نماید؟

ج: اگر در صورت عجز از غسل، قدرت بر تیمم داشته باشد، می‌تواند با همسرش نزدیکی کند.

س ۲۰۷: جوانی بیست و دو ساله هستیم، مدتی است که موهایم شروع به ریزش کرده است و از این موضوع بسیار رنج می‌برم و تصمیم به کاشتن مو بر سرم در مؤسسه کشت مو گرفته‌ام. سؤال این است که اگر کشت مو مانع رسیدن آب به بعضی از قسمت‌های پوست سر گردد، غسل چه حکمی دارد؟

ج: اگر موهای کاشته شده قابل ازاله نباشد و یا ازاله آن مستلزم ضرر یا مشقت باشد

و با وجود آنها قادر به رساندن آب به پوست هم نباشید، غسل با آنها محکوم به صحت است.

س ۲۰۸: آیا در غسل جنابت مراعات ترتیب بین سر و سایر اعضای بدن کافی است یا این که باید بین طرف راست و چپ بدن هم ترتیب رعایت شود؟

ج: احتیاط واجب آن است که ترتیب بین دو طرف بدن نیز با مقدم داشتن طرف راست بر چپ مراعات شود.

س ۲۰۹: آیا هنگام غسل ترتیبی مانعی دارد ابتدا پشت خود را شسته و بعد نیت غسل ترتیبی نموده و آن را بجا آورم؟

ج: شستن پشت و یا هر عضوی از اعضای بدن قبل از نیت غسل و شروع آن، اشکال ندارد. کیفیت غسل ترتیبی به این صورت است که بعد از تطهیر تمام بدن باید نیت غسل نمود و اول سر و گردن را شست، و سپس بنا بر احتیاط واجب طرف راست بدن از شانه تا پائین پا، و در مرحله سوم طرف چپ بدن به همان ترتیب باید شسته شود. با رعایت این ترتیب، غسل به طور صحیح انجام می شود.

س ۲۱۰: آیا بر زن واجب است هنگام غسل، اطراف موهایش را هم بشوید؟ و آیا با توجه به این که آب به تمام پوست سر رسیده است، نرسیدن آب هنگام غسل به تمام مو، باعث بطلان غسل می شود؟

ج: بنا بر احتیاط واجب باید تمام مو شسته شود.

احکام غسل باطل

س ۲۱۱: کسی که به سن تکلیف رسیده ولی جاهل به وجوب غسل و کیفیت آن بوده و بعد از گذشت مدتی در حدود ده سال متوجه مسئله تقلید و وجوب غسل بر او شده

است، چه حکمی دارد؟ وظیفه او نسبت به قضای نمازها و روزه‌های گذشته‌اش چیست؟

ج: قضای نمازهایی که در حال جنابت خوانده بر او واجب است، و همچنین قضای روزه هم در صورتی که می‌دانسته که جنب است ولی جاهل به وجوب غسل بر جنب برای روزه گرفتن بوده، بر او واجب است. بلکه اقوی این است که اگر جاهل او به حکم، ناشی از تقصیر باشد، کفاره هم بر او واجب است. ولی اگر جاهل به اصل جنابت خود باشد و هنگام طلوع فجر روزی که باید روزه بگیرد، متوجه جنب بودن خود نباشد، روزه او صحیح است و چیزی از قضا یا کفاره بر او نیست.

س ۲۱۲: جوانی بر اثر نادانی قبل از سن چهارده سالگی و بعد از آن، اقدام به استمناء می‌کرده که بر اثر آن از او منی خارج می‌شده ولی نمی‌دانسته که خروج منی باعث جنابت می‌شود و باید برای نماز و روزه غسل کند، تکلیف او چیست؟ آیا برای مدتی که استمناء می‌کرده و منی از او خارج می‌شده، غسل بر او واجب است؟ آیا نماز و روزه‌های او از گذشته تا حال که در حال جنابت انجام گرفته باطل بوده و قضای آنها واجب است؟

ج: برای هر چند بار خروج منی اگر تا به حال غسل نکرده است یک غسل جنابت کافی است، و باید همه نمازهایی را که یقین دارد در حال جنابت خوانده است، قضا نماید. و اگر در شبهای ماه رمضان جاهل به اصل جنابت بوده روزه‌های او قضا ندارد و محکوم به صحت است. ولی اگر عالم به خروج منی و جنابت بوده ولی نمی‌دانسته که برای صحت روزه، غسل بر او واجب است، باید روزه همه روزهایی را که در حال جنابت گرفته است قضا نماید، و اگر جاهل او بر اثر تقصیر و کوتاهی بوده، کفاره هر روز را هم باید بدهد.

س ۲۱۳: متأسفانه در طول چند سال هیچگونه اطلاعی از مسئله جنابت و احکام غسل جنابت نداشتیم. با توجه به این که در آن مدت نماز خوانده و روزه گرفته‌ام، حکم شرعی آن چیست؟

ج: اگر در آن مدت در ایام روزه جهل به اصل حدوث جنابت داشته‌اید، روزه‌هایتان صحیح است. ولی قضای نمازها بعد از علم به این که آنها را در حال جنابت خوانده‌اید، واجب است.

س ۲۱۴: شخصی که بعد از جنابت، غسل خود را به طور باطل و اشتباه انجام می‌دهد، با توجه به جهل او به این مسئله، نمازهایی را که با این غسل می‌خواند چه حکمی دارند؟ ج: نماز با غسل باطل و در حال جنابت باطل است و باید اعاده یا قضا شود.

س ۲۱۵: به قصد انجام یکی از غسل‌های واجب غسل کردم. پس از خروج از حمام متوجه شدم ترتیب را رعایت نکرده‌ام، و چون احتمال می‌دادم که نیت ترتیب کافی است، دوباره غسل نکردم. اکنون در کارم متحیر هستم، آیا قضای همه نمازهایی که خوانده‌ام، واجب است؟

ج: اگر احتمال صحت غسل را می‌دهید و در وقت غسل متوجه انجام آنچه در صحت غسل معتبر است بوده‌اید، چیزی بر عهده شما نیست. بله، اگر یقین به بطلان غسل پیدا کنید، قضای همه نمازها بر شما واجب است.

س ۲۱۶: من غسل جنابت را به این ترتیب انجام می‌دادم که ابتدا سمت راست بدن بعد سر و سپس قسمت چپ بدن را می‌شستم. در سؤال و تحقیق در این زمینه هم کوتاهی کرده‌ام، نماز و روزه‌ام چه حکمی دارند؟

ج: غسل به کیفیت مذکور باطل است و موجب رفع حدث نمی‌شود، لذا نمازهایی که با چنین غسلی خوانده شده، باطل و قضای آنها واجب است. ولی روزه‌ها با

فرض اینکه معتقد به صحت غسل به صورت مذکور بوده‌اید و بقای شما بر جنابت، عمدی نبوده است، محکوم به صحت است.

س ۲۱۷: آیا خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارند بر جنب حرام است؟
ج: از جمله کارهایی که بر جنب حرام است خواندن خصوص آیات سجده است، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.

احکام تیمم

س ۲۱۸: اگر چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است مثل خاک، گچ، سنگ به دیوار چسبیده باشند، آیا تیمم بر آنها صحیح است یا آنکه حتماً باید بر روی زمین باشند؟
ج: در صحت تیمم، بودن آنها بر روی زمین شرط نیست.

س ۲۱۹: در صورتی که جنب بر اثر عدم امکان رسیدن به حمام، چند روزی جنابتش استمرار داشته باشد، اگر بعد از نمازی که با تیمم بدل از غسل خوانده است، حدث اصغری از او سر بزند، آیا برای نماز بعدی باید دوباره تیمم بدل از غسل نماید؟ یا آنکه همان تیمم اول از جهت جنابت کفایت می‌کند، و برای نمازهای بعدی از جهت حدث اصغر وضو یا تیمم واجب است؟

ج: شخص جنب پس از آن که بطور صحیح تیمم بدل از غسل جنابت کرد، اگر حدث اصغر از او سر بزند، تا زمانی که عذر شرعی مجوز تیمم بر طرف نشده است، بنابر احتیاط واجب باید برای اعمال مشروط به طهارت، تیمم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمم دیگری بدل از آن نماید.

س ۲۲۰: آیا تیمم بدل از غسل همان احکام قطعی و ثابت غسل را دارد؟ به این معنی که

آیا با آن داخل مسجد شدن جایز است؟

ج: ترتیب همه آثار شرعی غسل بر تیمم بدل از غسل جایز است مگر این که تیمم بدل از غسل به علت تنگی وقت باشد.

س ۲۲۱: شخصی که از مجروحین جنگی است و بر اثر قطع نخاع قادر به کنترل ادرار خود نیست، آیا می‌تواند به این دلیل که حمام رفتن برای او کمی مشقت دارد، برای انجام اعمال مستحبی مانند غسل جمعه و زیارت و غیر آنها تیمم بدل از غسل نماید؟
ج: صحت تیمم بدل از غسل برای اعمالی که مشروط به طهارت نیست مانند زیارت محل اشکال است، ولی انجام آن بجای غسل های مستحبی در موارد عسر و حرج به قصد رجاء و مطلوبیت اشکال ندارد.

س ۲۲۲: کسی که فاقد آب است و با استعمال آب برایش ضرر دارد، آیا در صورت تیمم بدل از غسل جنابت، داخل مسجد شدن و خواندن نماز جماعت برای او جایز است؟
قرائت قرآن کریم چه حکمی دارد؟

ج: تا زمانی که عذر مجوز تیمم باقی است و تیمم او باطل نشده، انجام همه اعمال مشروط به طهارت برای او جایز است.

س ۲۲۳: رطوبتی از انسان در حال خواب خارج می‌شود و بعد از بیداری چیزی به یاد نمی‌آورد ولی لباس خود را مرطوب می‌بیند و وقت هم برای به یاد آوردن ندارد زیرا نماز صبح او قضا می‌شود. وظیفه انسان در این حالت چیست؟ چگونه نیت تیمم بدل از غسل نماید؟ حکم اصلی در این باره چیست؟

ج: اگر می‌داند که محتمل شده، جنب است و باید غسل کند و در صورت تنگی وقت باید بعد از تطهیر بدنش تیمم نموده و نماز بخواند و سپس در وسعت وقت غسل نماید، ولی در صورت شک در احتلام و جنابت، حکم جنابت بر آن جاری

نمی شود.

س ۲۲۴: شخصی که چندین شب متوالی جنب شده، با توجه به این که در حدیث شریف آمده است که چند روز متوالی حمام رفتن انسان را ضعیف می کند، چه تکلیفی دارد؟
ج: غسل بر او واجب است مگر این که استعمال آب برای او ضرر داشته باشد که در این صورت باید تیمم کند.

س ۲۲۵: شخصی قصد خواندن نماز و گرفتن روزه ماه مبارک رمضان را دارد ولی بر اثر خروج غیرارادی منی جنب می شود، و به عللی قادر به انجام غسل در هر ساعت یا هر روز نیست. این شخص چه کار کند که بتواند نماز و روزه اش را انجام دهد؟

ج: اگر عذر شرعی موجهی برای ترک غسل جنابت دارد، بر او واجب است به جای آن تیمم کند و نماز و روزه اش با تیمم صحیح است.

س ۲۲۶: من در یک وضعیت غیرطبیعی بسر می برم بطوری که از من چند دفعه بدون اختیار در نوبت های متعدد منی خارج می شود که خروج آن همراه با لذت نیست. وظیفه من درباره هر نماز چیست؟

ج: اگر غسل کردن برای هر نماز ضرر دارد و یا تکلیف دشواری بر شما است، بعد از تطهیر بدن با تیمم نماز بخوانید.

س ۲۲۷: کسی که غسل جنابت را برای نماز صبح انجام نداده است و به اعتقاد این که اگر غسل کند، مریض می شود، تیمم کرده است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر به اعتقاد او غسل برایش ضرر دارد، تیمم اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.

س ۲۲۸: کیفیت تیمم چگونه است؟ آیا فرقی بین تیمم بدل از وضو و غسل هست؟
ج: تیمم بدین ترتیب است: ابتدا باید نیت نمود و سپس کف هر دو دست را بر

چیزی که تیمم بر آن صحیح است زد و آن را به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی کشید، و احتیاط واجب این است که انسان بار دیگر دستها را به زمین بزند و سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت دست چپ بکشد. این ترتیب در تیمم بدل از وضو و بدل از غسل یکسان است.

س ۲۲۹: تیمم بر سنگ گچ و آهک و پخته شده آنها و آجر چه حکمی دارد؟

ج: تیمم بر هر آنچه از زمین محسوب شود مانند سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است. بلکه بعید نیست تیمم بر گچ و آهک پخته و آجر و امثال آنها صحیح باشد.

س ۲۳۰: فرموده‌اید چیزی که بر آن تیمم می‌شود باید پاک باشد، آیا اعضاء تیمم -

پیشانی و پشت دستها - هم باید پاک باشند؟

ج: احتیاط آن است که در صورت امکان، پیشانی و پشت دستها پاک باشند و اگر فردی نتواند محل تیمم را تطهیر کند، بدون آن تیمم نماید، هر چند بعید نیست طهارت در هر صورتی شرط نباشد.

س ۲۳۱: اگر انسان نتواند وضو بگیرد و تیمم هم برای او امکان نداشته باشد، چه

وظیفه‌ای دارد؟

ج: اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیمم هم ممکن نباشد، بنا بر احتیاط باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و سپس با وضو یا تیمم قضا کند.

س ۲۳۲: من به بیماری پوستی مبتلا شده‌ام بطوری که هر گاه غسل می‌کنم پوست بدنم خشک می‌شود. و حتی در صورت شستن دست و صورتم هم این خشکی بوجود می‌آید. بنابراین مجبورم روغن به پوستم بمالم، در نتیجه هنگام وضو بخصوص برای نماز صبح با مشکلاتی مواجه می‌شوم. آیا جایز است در نمازهای صبح به جای وضو تیمم کنم؟

ج: اگر استعمال آب برای شما ضرر داشته باشد وضو گرفتن از شما صحیح نیست، باید به جای آن تیمم کنید.

س ۲۳۳: شخصی به خاطر تنگی وقت، نمازش را با تیمم خوانده است. بعد از فراغت از نماز برای او آشکار می شود که وقت برای وضو داشته است. نماز او چه حکمی دارد؟
ج: اعاده آن نماز بر او واجب است.

س ۲۳۴: ما در منطقه سردسیری زندگی می کنیم که نه حمام دارد و نه مکانی برای استحمام، وقتی در ماه مبارک رمضان به حالت جنابت از خواب بیدار می شویم، با توجه به این که غسل کردن جوانان در نیمه شب در برابر مردم با آب مشک یا حوض عیب شمرده می شود و آب هم در آن وقت سرد است، تکلیف ما برای روزه فردا چیست؟ آیا تیمم جایز است؟ در صورتی که غسل نکند، افطار کردن روزه آن روز چه حکمی دارد؟

ج: مجرد مشقت یا عیب شمرده شدن اغتسال جوانان در نیمه شب عذر شرعی محسوب نمی شود، بلکه به هر صورت ممکن، مادامی که غسل حرجی و ضرری بر مکلف نشود، غسل کردن واجب است، و در صورت حرج یا ضرر باید قبل از طلوع فجر تیمم کند و با تیمم بدل از غسل جنابت پیش از طلوع فجر روزه اش صحیح است، و اگر تیمم نکند روزه اش باطل است ولی امساک در طول روز بر او واجب است.

احکام بانوان

س ۲۳۵: مادرم از ذریه پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» است. آیا من نیز از سادات محسوب می شوم؟ آیا می توانم عادت ماهیانه ام را تا سن شصت سالگی، حیض قرار

دهم و در آن ایام نماز و روزه خود را انجام ندهم؟

ج: زنی که پدرش هاشمی نیست - هر چند مادرش از سادات باشد - اگر بعد از پنجاه سالگی خونی را مشاهده کند، محکوم به استحاضه است.

س ۲۳۶: اگر زنی که به خاطر نذر روزه روز معینی روزه دار است، در حال روزه حیض شود، چه تکلیفی دارد؟

ج: روزه اش با عادت شدن ولو در یک جزء از روز باشد باطل می شود و قضای آن روز بعد از پاک شدن بر او واجب است.

س ۲۳۷: لکه هائی که زن بعد از یقین به پاک شدن می بیند، با توجه به این که آن لکه ها نه اوصاف خون را دارند و نه خون مخلوط با آب را، چه حکمی دارد؟

ج: اگر خون نباشد حکم حیض را ندارد حتی اگر چه پیش از تمام شدن ده روز ببیند و تشخیص این موضوع به عهده زن است.

س ۲۳۸: جلوگیری از عادت ماهیانه بوسیله دارو به خاطر روزه ماه رمضان چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد.

س ۲۳۹: اگر زنی در ایام بارداری به خون ریزی کمی مبتلا شود ولی باعث سقط حمل او نگردد، آیا غسل بر او واجب می شود یا خیر؟ وظیفه او چیست؟

ج: خونی که زن در ایام بارداری می بیند اگر صفات و شرائط حیض را داشته باشد، خون حیض است والا استحاضه خواهد بود و با عمل به وظیفه مستحاضه روزه او صحیح است.

س ۲۴۰: زنی دارای عادت ماهیانه معینی مثلاً هفت روز است، به علت گذاشتن دستگاه جلوگیری از حاملگی، هر بار دوازده روز خون می بیند. آیا خونی که از روز هفتم به بعد

می‌بیند خون حیض است یا استحاضه؟

ج: اگر خون تا روز دهم قطع نشود، خونی که در ایام عادت می‌بیند خون حیض است و باقی استحاضه خواهد بود.

س ۲۴۱: آیا جایز است زنی که در حال حیض و یا نفاس است داخل حرم امامزادگان «علیهم السلام» شود؟

ج: اگر بی احترامی محسوب نشود جایز است.

س ۲۴۲: زنی که عمل کورتاژ (سقط جنین) را انجام داده، در حال نفاس است یا خیر؟
ج: بعد از سقط جنین - ولو به صورت علقه باشد - اگر خونی را مشاهده کرد، محکوم به نفاس است.

س ۲۴۳: خونی که زن در سن یائسگی می‌بیند، چه حکمی دارد؟ و وظیفه شرعی او چیست؟

ج: محکوم به استحاضه است.

س ۲۴۴: یکی از راههای جلوگیری از حاملگی‌های ناخواسته، استفاده از داروهای ضد حاملگی است. زنهایی که از این داروها استفاده می‌کنند لکه‌های خونی را در ایام عادت و غیر آن مشاهده می‌کنند. این لکه‌ها چه حکمی دارد؟

ج: اگر این لکه‌ها واجد شرایط شرعی حیض نباشد، حکم حیض را ندارد، بلکه محکوم به استحاضه است.

احکام اموات

س ۲۴۵: در زمان حاضر افرادی (مزد بگیر یا موظف از طرف سازمان مربوط به نظارت

بر امور اموات) مسئولیت کفن و دفن اموات اعم از زن و مرد را به عهده دارند. آیا با توجه به این که این افراد از محارم میّت نیستند، دفن اموات به وسیله آنها اشکال دارد؟

ج: همجنس بودن با میّت فقط در غسل دادن او شرط است و در صورتی که غسل دادن میّت بوسیله همجنس او امکان دارد، غسل دادن به وسیله غیر همجنس صحیح نیست و غسل میّت باطل است. ولی در تکفین و دفن همجنس بودن شرط نیست.

س ۲۴۶: امروزه در روستاها متعارف است که اموات را در منزل مسکونی غسل می دهند. گاهی میّت وصی نداشته و چند فرزند صغیر دارد. نظر مبارک راجع به این موارد چیست؟

ج: تصرفات مورد نیاز برای تجهیز میّت از قبیل غسل و کفن و دفن، به مقدار متعارف، متوقف بر اذن ولی صغیر نیست و اشکال از جهت وجود فرزندان صغیر ایجاد نمی شود.

س ۲۴۷: شخصی بر اثر تصادف یا سقوط از ارتفاع فوت کرده است، و جسد او خونریزی دارد، آیا باید منتظر ماند تا خون خود به خود یا با وسایل پزشکی بند بیاید؟ یا این که با وجود خونریزی جایز است اقدام به دفن او نمایند؟

ج: تطهیر بدن میّت قبل از غسل در صورت امکان واجب است، و اگر انتظار برای توقف خونریزی یا منع آن ممکن باشد، واجب است.

س ۲۴۸: استخوان مرده ای که حدود چهل یا پنجاه سال از دفن آن می گذرد و مقبره او از بین رفته و تبدیل به میدان عمومی گردیده است، در اثر کنندن نهری در آن میدان ظاهر شده است. آیا لمس کردن استخوان ها برای دیدن آنها اشکال دارد؟ آیا

استخوان‌ها نجس هستند؟

ج: استخوان میّت مسلمانی که غسل داده شده است، نجس نیست ولی دفن مجدد آن زیر خاک واجب است.

س ۲۴۹: آیا برای انسان جایز است پدر یا مادر و یا یکی از بستگان خود را درکنی که برای خودش خریده است، کفن کند؟
ج: اشکال ندارد.

س ۲۵۰: یک تیم پزشکی برای انجام آزمایشات و تحقیقات پزشکی احتیاج دارند که قلب و بعضی از اعضای مرده را از جسد او جدا سازند و بعد از گذشت یک روز از انجام آزمایشات و مطالعات، اقدام به دفن آن کنند. امیدواریم لطف نموده به سؤالات زیر پاسخ فرمائید:

۱- آیا با توجه به این که امواتی که این آزمایشات بر روی آنها اعمال می‌شود از مسلمانان هستند، اقدام به این کار برای ما جایز است؟

۲- آیا دفن قلب و بعضی از اعضا جسد جدای از بدن میّت جایز است؟

۳- آیا با توجه به این که دفن جداگانه قلب و بعضی از اعضا مشکلات فراوانی برای ما ایجاد می‌کند، دفن آن اعضا با بدن میّت دیگر جایز است یا خیر؟

ج: در صورتی که نجات نفس محترمه یا دستیابی به تجارب علوم پزشکی که جامعه به آن محتاج است و یا شناسائی بیماری که حیات مردم را تهدید می‌کند، متوقف بر تشریح باشد، تشریح جسد میّت به طور مطلق جایز است. هر چند احوط این است که برای این منظور از بدن میّت مسلمان استفاده نشود. حکم شرعی اعضایی که از جسد مسلمان جدا شده‌اند این است که با بدن دفن شوند. و اگر دفن با بدن مشکل داشت، دفن جداگانه آنها اشکال ندارد.

س ۲۵۱: اگر شخصی برای خودش کفنی بخرد و همیشه در وقت نمازهای واجب یا مستحب یا هنگام قرائت قرآن کریم، آن را پهن نموده و روی آن نماز و قرآن بخواند و هنگام مرگ از آن به عنوان کفن استفاده کند. آیا این عمل جایز است؟ آیا از نظر اسلام صحیح است انسان کفنی را برای خود بخرد و بر آن آیات قرآنی بنویسد و از آن فقط هنگام تکفین استفاده نماید؟

ج: اشکال در آنچه ذکر شد وجود ندارد.

س ۲۵۲: اخیراً جنازه زنی در یک قبر قدیمی که تاریخ آن به حدود هفتصد سال پیش بر می‌گردد، کشف شده است. این جنازه مشتمل بر اسکلت استخوانی عظیم کامل و سالمی است که بر جمجمه آن مقداری مو وجود دارد. به استناد گفته‌های باستان شناسانی که آن را کشف کرده‌اند، جنازه متعلق به یک زن مسلمان است. آیا جایز است این اسکلت استخوانی بزرگ و مشخص را از طرف موزه علوم طبیعی (بعد از بازسازی شکل قبر و قراردادن جنازه در آن) در معرض بازدید قرار داد تا موجب عبرت بازدید کنندگان از موزه علوم طبیعی گردد و یا با نوشتن آیات و احادیث مناسب باعث تذکر و موعظه دیدار کنندگان شود؟

ج: اگر ثابت شود که اسکلت استخوانی متعلق به بدن میت مسلمانی است. دفن فوری آن واجب است.

س ۲۵۳: گورستانی در روستائی وجود دارد که ملک خاص کسی نیست و وقف هم نشده است آیا جایز است اهالی این روستا از دفن اموات شهر یا روستاهای دیگر یا میتی که وصیت کرده است در آن قبرستان دفن شود، جلوگیری کنند؟

ج: اگر قبرستان عمومی مزبور ملک خاص کسی یا وقف خاص اهالی آن روستا نباشد، نمی‌توانند از دفن اموات دیگران در آن قبرستان جلوگیری کنند و اگر

شخصی وصیت کرده است در آن دفن شود، واجب است طبق وصیت عمل شود. س ۲۵۴: روایاتی وجود دارد دال بر این که پاشیدن آب بر قبور مستحب است، مانند روایاتی که در کتاب «لآلی الاخبار» ذکر شده است، آیا این استحباب مخصوص روز دفن میّت است یا اطلاق دارد، چنانچه نظر مؤلف «لآلی الاخبار» چنین است؟ نظر جنابعالی در این باره چیست؟

ج: پاشیدن آب بر قبر در روز دفن مستحب است و بعد از آن نیز به قصد رجاء اشکال ندارد.

س ۲۵۵: چرا میّت را شب دفن نمی‌کنند؟ آیا دفن میّت در شب حرام است؟ ج: دفن میّت در شب اشکال ندارد.

س ۲۵۶: شخصی بر اثر تصادف ماشین فوت کرده است، پس از غسل و کفن او را به قبرستان آوردند ولی هنگام دفن، متوجه شدند که تابوت و کفن آغشته به خونی است که از او جریان دارد، آیا عوض کردن کفن او در این حالت واجب است؟ ج: اگر شستن آن قسمت از کفن که به خون آغشته شده است، یا بریدن و یا عوض کردن آن امکان داشته باشد، آن کار واجب است، ولی اگر امکان ندارد، دفن میّت به همان صورت جایز است.

س ۲۵۷: اگر سه ماه از دفن آن میّت با کفن آغشته به خون بگذرد، آیا نبش قبر در این حالت جایز است؟

ج: نبش قبر در فرض سؤال جایز نیست.

س ۲۵۸: از حضرت تعالی تقاضا می‌کنیم به سه سؤال زیر پاسخ فرمائید.

۱- اگر زن حامله‌ای هنگام وضع حمل از دنیا برود، جنین موجود در رحم زن در موارد زیر چه حکمی دارد؟

الف: اگر روح به تازگی در او دمیده شده باشد (سه ماه یا بیشتر)، با توجه به این که احتمال مرگ جنین در صورت خارج کردن آن از رحم مادر بسیار زیاد است؟

ب: اگر عمر جنین هفت ماه یا بیشتر باشد؟

ج: اگر جنین در رحم مادر مرده باشد؟

۲- اگر زن حامله هنگام وضع حمل بمیرد، آیا بررسی کامل مرگ و زندگی جنین بر دیگران واجب است؟

۳- اگر زن حامله هنگام وضع حمل فوت کند و بچه در شکم او زنده بماند و شخصی بر خلاف متعارف با وجود زنده بودن جنین دستور دفن مادر با جنین را بدهد، نظر شما در این باره چیست؟

ج: اگر جنین با مرگ مادرش فوت کند، و یا فوت مادر پیش از دمیده شدن روح در جنین باشد خارج کردن آن از شکم مادر واجب نیست بلکه جایز هم نیست. ولی اگر جنین روح در او دمیده شده و در شکم مادرش که از دنیا رفته است، زنده باشد، و احتمال زنده ماندنش تا زمان خارج کردن او از رحم مادر وجود داشته باشد، واجب است سریعاً او را از شکم مادر خارج کنند، و تا وقتی که موت جنین در رحم احراز نشده است، دفن مادر همراه با جنین جایز نیست و اگر جنین زنده همراه مادرش دفن شد و حتی بعد از دفن هم احتمال زنده بودنش وجود داشته باشد، واجب است اقدام به نبش قبر و خارج کردن جنین زنده از شکم مادر نمایند. همچنین اگر حفظ حیات جنین در شکم مادرش متوقف بر دفن نکردن مادر باشد، ظاهر این است که تأخیر دفن مادر واجب است تا جان جنین حفظ شود، و اگر کسی بگوید دفن زن حامله با جنین زنده‌ای که در رحم او وجود دارد جایز است و دیگران به گمان صحت نظر او اقدام به دفن نمایند و این کار منجر به مرگ بچه در داخل قبر

شود، پرداختن دیه بر کسی که مباشر دفن بوده، واجب است، مگر این که مرگ جنین مستند به گفته آن شخص باشد که در این صورت دیه بر او واجب است.

س ۲۵۹: شهرداری برای استفاده بهینه از زمین، دستور داده است قبرها به صورت دو طبقه ساخته شود. تمّاً می‌کنیم حکم شرعی آن را بیان فرمائید.

ج: جایز است قبور مسلمانان در چندین طبقه ساخته شود بشرطی که این کار سبب نبش قبر و هتک حرمت مسلمان نشود.

س ۲۶۰: کودکی در چاه سقوط کرده و مرده است. آب موجود در چاه مانع خارج کردن بدن او است، حکم آن چیست؟

ج: جسد کودک در همان چاه به حال خود رها می‌شود و چاه قبر او خواهد بود و اگر چاه ملک شخصی کسی نباشد و یا مالک آن به مسدود کردن آن راضی باشد، تعطیل کردن چاه و بستن آن واجب است.

س ۲۶۱: در منطقه ما مرسوم است که مراسم سینه‌زنی و زنجیرزنی به صورت سنتی آن فقط در عزاداری ائمه اطهار «علیهم السلام» و شهدا و بزرگان دینی برگزار می‌شود. آیا برپائی این مراسم به خاطر درگذشت افرادی از نیروهای بسیج و یا از کسانی که بنحوی به حکومت اسلامی و این ملت مسلمان خدمات کرده‌اند، جایز است؟

ج: در فرض مذکور نفس این عمل اشکال ندارد، ولی انجام چنین کاری خیری به آن میّت نمی‌رساند. بهتر است برای میّت مجلس فاتحه و قرائت قرآن کریم برگزار شود.

س ۲۶۲: شبانه رفتن به قبرستان برای کسی که اعتقاد دارد شبانه به قبرستان رفتن عامل موثری برای تربیت اسلامی است، با توجه به این که رفتن به قبرستان در شب مکروه است، چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد.

س ۲۶۳: آیا شرکت در تشیع جنازه و حمل آن برای زنان جایز است؟

ج: اشکال ندارد.

س ۲۶۴: در میان بعضی از عشایر معمول است که هنگام مرگ بعضی از اشخاص، با قرض، اقدام به خرید تعداد زیادی گوسفند می‌کنند (که این کار باعث ضرر فراوانی به آنها می‌شود)، تا همه کسانی را که در مراسم عزاداری شرکت می‌نمایند، اطعام کنند. آیا تحمل این ضررها برای حفظ عادات و رسوم جایز است؟ و حکم شارع مقدس درباره خانواده‌های عزادار و شرکت‌کنندگان در مراسم عزاداری چیست؟

ج: اگر اطعام از اموال ورثه بزرگسال و با رضایت آنها باشد، به هر صورت و به هر مقداری که باشد جایز است. ولی اگر انفاق از اموال میت صورت بگیرد، بستگی به نحوه وصیت او دارد.

س ۲۶۵: آیا اگر در زمان حاضر، شخصی در منطقه‌ای بر اثر انفجار مین کشته شود، احکام شهید را دارد؟

ج: سقوط تکلیف غسل و کفن شهید از احکام اختصاصی شهیدی است که در میدان جنگ کشته شود.

س ۲۶۶: برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در محورهای شهرهای مرزی رفت و آمد می‌کنند، گاهی با کمین‌هائی که از طرف بعضی از عناصر ضد انقلاب اسلامی گذاشته می‌شود، مواجه می‌شوند که گاهی منجر به شهادت آنان می‌گردد. آیا غسل یا تیمم این شهدای عزیز واجب است یا این که آنجا میدان جنگ محسوب می‌شود؟

ج: اگر آن محورها و منطقه مزبور میدان جنگ بین گروه حق و گروه باطل و یاغی باشد، افرادی که از گروه حق در آنجا به شهادت می‌رسند، حکم شهید را دارند.

س ۲۶۷: آیا کسی که واجد شرایط امامت در نماز جماعت نیست، جایز است امامت نماز میّت بر جنازه یکی از مومنین را عهده دار شود؟

ج: بعید نیست که شرائط معتبر در جماعت و امامت جماعت در سایر نمازها در نماز میّت شرط نباشد، هر چند احوط این است که آن شرائط در نماز میّت هم رعایت شود.

س ۲۶۸: آیا اگر مومنی در جائی از جهان در راه اجرای احکام اسلامی و یا در تظاهرات یا در راه اجرای فقه جعفری کشته شود، شهید محسوب می شود؟

ج: چنین شهیدی اجر و ثواب شهید را دارد ولی احکام تجهیز شهید اختصاص به کسی دارد که در میدان جنگ، هنگام درگیری و در معرکه نبرد به شهادت رسیده باشد.

س ۲۶۹: اگر مسلمانی بر اساس قانون و تائید قوه قضائیه به جرم حمل مواد مخدر به اعدام محکوم شود، و حکم اعدام درباره او اجرا گردد:

۱ - آیا نماز میّت بر او خوانده می شود؟

۲ - شرکت در مجلس عزّا و قرائت قرآن کریم و مصیبت خوانی برای اهل بیت «علیهم السلام» که برای او برگزار می شود، چه حکمی دارد؟

ج: مسلمانی که حکم اعدام درباره او اجرا گردیده است، حکم سایر مسلمانان را دارد و همه احکام و آداب اسلامی میّت در مورد او هم جاری است.

س ۲۷۰: آیا مسّ کردن استخوانی که همراه با گوشت است و از بدن انسان زنده جدا شده، موجب غسل مسّ میّت می شود؟

ج: دست زدن به عضوی که از بدن شخص زنده جدا شده است غسل ندارد.

س ۲۷۱: آیا شخص مسلمان را باید هنگام احتضار رو به قبله خواباند؟

ج: شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، به طوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقهاء این عمل را برخود محتضر - در صورتی که قادر باشد - و بر دیگران، واجب دانسته‌اند و احتیاط در انجام آن ترک نشود.

س ۲۷۲: اگر هنگام کشیدن دندان مقداری از بافت‌های لثه هم همراه آن کنده شود، آیا دست زدن به آنها موجب غسل مَسّ میّت می‌شود؟

ج: اگر گوشت مختصّی از لثه همراه آن کنده شود، مَسّ آن موجب غسل مَسّ میّت نیست.

س ۲۷۳: آیا بر شهید مسلمانی که با لباسش دفن شده است، احکام مَسّ میّت مترتب است؟

ج: با مَسّ شهیدی که تغسیل و تکفین در حق او ساقط است، غسل مَسّ میّت واجب نمی‌شود.

س ۲۷۴: اینجانب دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه هستم. گاهی هنگام تشریح مجبور به مَسّ جسد کسانی که از دنیا رفته‌اند می‌شویم و نمی‌دانیم که آن اموات مسلمان هستند یا خیر؟ و غسل داده شده‌اند، یا خیر؟ ولی مسئولین می‌گویند این اجساد غسل داده شده‌اند. با توجه به این مطالب امیدواریم وظیفه ما نسبت به نماز و غیر آن را بعد از مَسّ آن اجساد بیان فرمائید، و آیا بر اساس آنچه ذکر شد، غسل بر ما واجب می‌شود یا خیر؟

ج: اگر اصل غسل میّت احراز نشود و شما در آن شک داشته باشید، با مَسّ جسد یا اجزاء آن، غسل مَسّ میّت بر شما واجب می‌شود و نماز بدون غسل مَسّ میّت صحیح نیست. ولی اگر اصل غسل میّت احراز شود با مَسّ جسد یا بعضی از اجزای

آن، غسل مَسِّ مِيت واجب نمی‌شود حتی اگر در صحت غسل آن مِيت شک داشته باشید.

س ۲۷۵: شهیدی که نام و نشانی او معلوم نیست با تعدادی از اطفال در یک قبر دفن شده است. بعد از مدتی شواهدی بدست آمد که دلالت می‌کند که آن شهید اهل شهری که در آن دفن شده است، نیست. آیا نبش قبر او جهت حمل جسد شهید به شهر خودش جایز است؟

ج: اگر بر اساس موازین و احکام شرعی دفن گردیده، نبش قبر وی جایز نیست.
س ۲۷۶: اگر آگاهی از داخل قبر و تصویر برداری تلویزیونی از آنچه در آن است بدون کندن و خاکبرداری، ممکن باشد، آیا بر این عمل نبش قبر صدق می‌کند یا خیر؟
ج: بر تصویربرداری از بدن میتی که در قبر دفن شده است بدون کندن و نبش قبر و آشکار شدن جنازه، عنوان نبش قبر صدق نمی‌کند.

س ۲۷۷: شهرداری قصد دارد مقبره‌های اطراف قبرستان را برای توسعه کوچه‌ها، خراب نماید، امیدواریم لطف فرموده و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

هیئت نظارت بر امور قبرستان چه مسئولیتی در مورد قبور مومنین که در آن مقبره‌ها دفن شده‌اند دارد؟ ثانیاً: آیا خارج کردن استخوان‌های آن اموات و دفن آنها در مکانی دیگر جایز است؟

ج: تخریب قبور مومنین و نبش آنها جایز نیست حتی اگر برای تعریض کوچه‌ها باشد، و در صورت وقوع نبش قبر و آشکار شدن بدن میت مسلمان یا استخوان‌های آن که هنوز پوسیده نشده‌اند، واجب است دوباره دفن شوند. ولی هیئت نظارت مسئولیتی در این باره به عنوان هیئت نظارت ندارد.

س ۲۷۸: اگر شخصی بدون رعایت موازین شرعی اقدام به خراب کردن قبرستان

مسلمانان کند، مسلمانهای دیگر در برابر او چه مسئولیتی دارند؟

ج: وظیفه دیگران در این باره نهی از منکر با رعایت شرایط و مراتب آن است و اگر در اثر تخریب قبور استخوان بدن میت مسلمان ظاهر شود واجب است آن را مجدداً دفن نمایند.

س ۲۷۹: پدرم در حدود ۳۶ سال است در قبرستان دفن شده است. اکنون به فکر افتاده‌ام که با کسب اجازه از اداره اوقاف از آن قبر برای خودم استفاده کنم. آیا با توجه به وقفی بودن قبرستان، اجازه گرفتن از برادرانم در این باره لازم است؟

ج: اجازه گرفتن از سایر ورثه میت نسبت به قبری که زمین آن وقف عام برای دفن اموات شده، شرط نیست. ولی قبل از تبدیل استخوان‌های میت به خاک، نبش قبر برای دفن میت دیگری در آن جایز نیست.

س ۲۸۰: من دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه هستم. آیا به علت کمبود استخوان‌های طبیعی که به آنها در محل تحصیل برای تحقیق احتیاج داریم، استفاده از استخوان‌های موجود در قبرهایی که خراب شده‌اند، جایز است؟ آیا با دست زدن به استخوان مرده‌های موجود در موزه‌ها یا قبرستان‌ها، غسل مس میت واجب می‌شود؟

ج: اگر برداشتن استخوان از قبرستان مسلمان منجر به نبش قبر گردد، جایز نیست، و هنگام مس استخوان میتی که معلوم نیست غسل داده شده یا نه، غسل مس میت واجب می‌گردد.

س ۲۸۱: لطفاً موارد جواز نبش قبر را بیان فرموده، و اگر راهی برای خراب کردن قبرستان مسلمان‌ها و تبدیل آن به مراکز دیگر وجود دارد، توضیح دهید.

ج: موارد استثناء شده از حرمت نبش قبر، در رساله‌های عملیه بیان گشته است. تغییر و تبدیل قبرستان مسلمانان که برای دفن اموات مسلمین وقف شده، جایز نیست.

س ۲۸۲: آیا نبش قبر و تبدیل قبرستانی که برای دفن اموات وقف گردیده، بعد از اخذ اجازه از مرجع تقلید جایز است؟

ج: در مواردی که نبش قبر و تبدیل قبرستان وقف شده برای دفن اموات، جایز نیست، اجازه مرجع تقلید اثری ندارد.

س ۲۸۳: مردی در حدود بیست سال پیش فوت نموده، چندی پیش هم زنی در همان روستا از دنیا رفت، اشتباهاً قبر آن مرد را حفر و زن را در آن دفن کردند، با توجه به این که در داخل قبر هیچ اثری از جسد مرد مزبور وجود ندارد، وظیفه فعلی ما چیست؟

ج: در حال حاضر با توجه به فرض سؤال، دیگران هیچ تکلیفی ندارند، و مجرد دفن میت در قبر میت دیگر موجب جواز نبش قبر برای انتقال جسد به قبر دیگر نمی شود.

س ۲۸۴: در وسط خیابانی، چهار قبر وجود دارد که مانع ادامه جاده سازی هستند، از طرفی هم نبش قبر اشکال شرعی دارد. امیدواریم برای این که شهرداری مرتکب عمل خلاف شرعی نشود، وظیفه ما را بیان فرمائید.

ج: اگر احداث جاده متوقف بر حفر قبر و نبش آن نباشد و عبور جاده از روی قبرها امکان دارد، یا احداث جاده با وجود قبرها ضروری باشد، احداث آن اشکال ندارد. و الا تخریب و نبش قبرها برای جاده سازی جایز نیست.

احکام نجاسات

س ۲۸۵: آیا خون پاک است؟

ج: اگر از حیوانی که خون جهنده دارد باشد، نجس است.

س ۲۸۶: آیا خونی که بر اثر کوبیدن شدید سر به دیوار در عزای امام حسین «علیه السلام» از سر انسان جاری و به سر و صورت شرکت کنندگان در مراسم عزاداری پاشیده می‌شود، پاک است یا خیر؟

ج: خون انسان در هر حالی نجس است.

س ۲۸۷: آیا اثر کم رنگ خون که بعد از شستن بر لباس باقی می‌ماند نجس است؟
ج: اگر عین خون نباشد و فقط رنگ آن باقی مانده باشد که با شستن از بین نمی‌رود، پاک است.

س ۲۸۸: لکه خونی که گاهی در تخم مرغ یافت می‌شود، چه حکمی دارد؟
ج: محکوم به طهارت است ولی خوردن آن حرام می‌باشد.

س ۲۸۹: عرق جنب از حرام و عرق حیوان نجاست خوار چه حکمی دارد؟
ج: عرق شتر نجاست خوار نجس است ولی در عرق حیوانات دیگر نجاست خوار و همچنین عرق جنب از حرام اقوی طهارت است، لکن احتیاط واجب این است که با عرق جنب از حرام نماز خوانده نشود.

س ۲۹۰: آیا قطرات آبی که از بدن میت قبل از غسل با آب خالص و بعد از غسل با آب سدر و کافور بر زمین می‌ریزد، پاک هستند یا خیر؟

ج: تا زمانی که غسل سوم کامل نشده باشد، بدن میت محکوم به نجاست است.

س ۲۹۱: پوستی که گاهی از لبها، دستها و پاها جدا می‌شود، محکوم به طهارت است یا نجاست؟

ج: پوست نازکی که خود بخود از دستها، لبها، پاها و سایر قسمت‌های بدن جدا می‌شود، محکوم به طهارت است.

س ۲۹۲: شخصی در جبهه‌های جنگ در وضعیتی قرار گرفت که مجبور به کشتن خوک و

خوردن آن شد، آیا رطوبت بدن و آب دهان وی محکوم به نجاست است؟

ج: عرق بدن و آب دهان شخصی که گوشت حرام و نجس خورده، نجس نیست. ولی هر چیزی که با وجود رطوبت، با گوشت خوک برخورد کرده محکوم به نجاست است.

س ۲۹۳: با توجه به این که در نقاشی و نقشه کشی از قلم مو استفاده می شود و نوع خوب و مرغوب آن غالباً از موی خوک ساخته شده و از کشورهای غیر اسلامی وارد و در دسترس همگان بخصوص مراکز تبلیغی و فرهنگی قرار می گیرد، استفاده از این قلم موها چه حکمی دارد؟ نوشتن آیات قرآنی و احادیث شریف با آنها چه حکمی دارد؟ ج: موی خوک نجس است و استفاده از آن در اموری که مشروط به طهارت است، جایز نیست. ولی استفاده از آن در امری که مشروط به طهارت نیست اشکال ندارد. و اگر معلوم نباشد که قلم مو از موی خوک ساخته شده است یا خیر، استفاده از آن حتی در اموری که مشروط به طهارت است هم اشکال ندارد.

س ۲۹۴: یکی از علمائی که به آلمان آمده بود فرمودند که در اینجا فقط در سه مورد باید به شک اعتنا کرد که عبارتند از گوشت و پوست و روغن، و در بقیه موارد اعتنا به شک واجب نیست. آیا این نظر صحیح است؟ با توجه به این که در اینجا روغن های نباتی وجود دارد که به استناد نوشته روی آن بدون موادی است که خوردن آن اشکال دارد، بر اثر تحقیقاتی که عده ای از برادران انجام داده اند معلوم شده است که به آنها مقدار کمی روغن حیوانی اضافه می کنند بدون این که روی آن بنویسند، حکم شرعی این مسئله چیست؟

ج: هر گوشتی که حلال بودن آن متوقف بر تذکیه شرعی باشد، در کشورهای غیر اسلامی به حکم میته و تذکیه نشده است و خوردن آن حرام است ولی از نظر

طهارت، اگر یقین به عدم تذکيه نباشد پاک است.

س ۲۹۵: در مورد گوشت، چرم و اجزای حیوانی که از بلاد غیر اسلامی تهیه شده، نظر مبارک را مرقوم فرمائید.

ج: اگر احتمال دهید که حیوان ذبح اسلامی شده پاک است و اگر یقین دارید ذبح اسلامی نشده، محکوم به نجاست است.

س ۲۹۶: اگر لباس جنب با منی نجس شود، اولاً حکم دست زدن به آن با وجود رطوبت چیست؟ ثانیاً: آیا جایز است جنب لباسهای خود را برای آب کشیدن به کس دیگری بدهد؟ و آیا شخص محتلم باید نجس بودن لباسهایش را به کسی که می‌خواهد آنها را بشوید اطلاع دهد؟

ج: منی نجس است و اگر با رطوبت مسریه با چیزی برخورد نماید آن را نجس می‌کند، و آگاه کردن کسی که لباس را می‌شوید از نجاست آن لازم نیست. ولی صاحب لباس تا یقین به طهارت آن حاصل نکند نمی‌تواند آثار طهارت بر آن مترتب سازد.

س ۲۹۷: اینجانب پس از بول، استبراء می‌کنم که همراه آن مایعی خارج می‌شود که بوی منی می‌دهد. وظیفه من نسبت به نماز چیست؟

ج: اگر به منی بودن آن یقین ندارید و خروج آن همراه با علامتهای شرعی خروج منی نیست، حکم منی ندارد.

س ۲۹۸: آیا فضله کلاغ نجس است؟

ج: اقوی، پاک بودن آن است.

س ۲۹۹: در رساله‌های عملیه آمده است که مدفوع حیوانات و پرندگان حرام گوشت نجس است آیا مدفوع حیوانات حلال گوشت مانند، گاو، گوسفند و مرغ نجس است یا

خیر؟

ج: مدفوع حیوانات حلال گوشت از پرندگان و غیره و همچنین مدفوع پرندگان حرام گوشت پاک است.

س ۳۰۰: اگر نجاستی مانند مدفوع در اطراف یا داخل کاسه دستشویی باشد و آن جا با آب کریا قلیل شسته شود ولی عین نجاست باقی بماند، آیا آن قسمتی که عین نجاست در آن نیست و آن آب به آنجا رسیده، پاک است یا نجس؟

ج: مکانی که به آن آب نجس نرسیده باشد محکوم به طهارت است.

س ۳۰۱: آیا اگر مهمانی یکی از ائاثیه‌های میزبان را نجس کند، مطلع کردن میزبان واجب است؟

ج: اطلاع دادن در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرفهای غذا، لازم نیست.

س ۳۰۲: آیا چیز پاکی که با متنجس برخورد نموده، نجس است یا خیر؟ و در صورت نجس بودن، تا چند واسطه نجس است؟

ج: چیزی که با عین نجس تماس یافته و نجس شده است، اگر باز با چیزی که پاک است تماس پیدا کند و یکی از آنها تر باشد، آن چیز پاک را نجس می‌کند. و باز این چیزی که بر اثر ملاقات با متنجس نجس شده است، اگر با چیز پاکی برخورد نماید، بنا بر احوط آن را نجس می‌کند، ولی این متنجس سوم هیچ چیزی را با ملاقات خود نجس نمی‌کند.

س ۳۰۳: آیا هنگام استفاده از کفشی که از پوست حیوان غیر مذکّی ساخته شده همیشه واجب است پاها قبل از وضو شسته شوند؟ عده‌ای می‌گویند که در صورت عرق کردن پا در کفش، شستن آن واجب است، و تجربه شده که پا در هر کفشی به مقدار کم یا زیاد، عرق می‌کند. نظر جنابعالی در این باره چیست؟

ج: اگر یقین دارد که کفش او از پوست حیوانی است که تذکیه نشده است، و احراز شود که پا در کفش های مذکور عرق کرده، شستن پاها برای نماز واجب است، ولی در صورت شک در عرق کردن پاها یا شک در تذکیه حیوانی که کفش از پوست آن دوخته شده است محکوم به طهارت است.

س ۳۰۴: کودکی که همیشه خود را نجس می کند، دست تر، آب دهان و باقیمانده غذایش چه حکمی دارد؟ کودکانی که دست تر خود را بر پاهایشان می گذارند، چه حکمی دارند؟

ج: تا زمانی که یقین به نجاست آن حاصل نشده، حکم به پاکی می شود.
 س ۳۰۵: من مبتلا به بیماری لته هستم و طبق دستور پزشک باید همیشه آن را مالش دهم، این کار باعث سیاهی بعضی از قسمت های لته ام می شود مثل این که خونی در داخل آن جمع شده باشد. هنگامی که دستمال کاغذی روی آن می گذارم رنگ دستمال قرمز می شود، لذا اقدام به شستن دهانم با آب کر می کنم، ولی خون منجمد، مدت زمانی باقی می ماند و با شستن از بین نمی رود. بعد از قطع آب کر، آیا آبی که وارد دهان شده و به آن قسمت ها رسیده و سپس از دهان خارج شده، محکوم به نجاست است یا این که جزء آب دهان محسوب می شود و محکوم به طهارت است؟
 ج: محکوم به طهارت است، هر چند احتیاط اجتناب از آن است.

س ۳۰۶: سؤال من این است که آیا غذایی که خورده ام و با اجزای خون منجمد شده در لته تماس پیدا کرده، نجس است یا خیر؟ و در صورت نجس شدن، آیا فضای دهان بعد از فرو بردن غذا، نجس باقی می ماند؟

ج: غذا در فرض مزبور محکوم به نجاست نیست و فرو بردن آن اشکال ندارد و فضای دهان پاک است.

س ۳۰۷: مدتی است که شایع شده لوازم آرایشی را از ناف جنین که هنگام تولد از او جدا می‌کنند و یا از جنین مرده می‌سازند. ما گاهی از این لوازم استفاده کرده و حتی گاهی رژلب خورده می‌شود، آیا اینها نجس هستند؟

ج: شایعه دلیل شرعی بر نجس بودن لوازم آرایشی نیست، و تا نجاست آنها از راه شرعی احراز نشود، استفاده از آنها اشکال ندارد.

س ۳۰۸: از هر لباس یا پارچه‌ای هنگام شستن، پرزهای ریزی می‌ریزد که اگر به طشت نگاه کنیم آنها را می‌بینیم. وقتی که طشت پر از آب و متصل به آب شیر است، اگر لباس را داخل طشت فرو ببریم آب از اطراف آن سرازیر می‌شود. به علت وجود این تارها و پرزهای ریز در آبی که از طشت به بیرون می‌ریزد، از آن آب احتیاط کرده و همه جا را تطهیر می‌کنم. و یا وقتی لباسهای نجس بچه‌ها را بیرون می‌آورم، همه جاهانی را که لباسها را در آنجا در آورده‌ام حتی اگر خشک هم باشد آب می‌کشم زیرا فکر می‌کنم تارها و پرزهای ریز در آنجا افتاده‌اند. آیا این احتیاط لازم است؟

ج: لباسی که برای آب کشیدن در ظرفی گذاشته می‌شود و آب لوله‌کشی روی آن ریخته شده و سراسر آن را فرا می‌گیرد، لباس و ظرف و آب و پرزهایی که از لباس جدا شده و بر روی آب دیده می‌شود و همراه آب به بیرون می‌ریزد همگی پاک هستند. پرزها یا غباری هم که از لباس نجس جدا می‌شود پاک هستند مگر این که یقین حاصل شود که از قسمت نجس جدا شده‌اند، و به مجرد شک در اصل جدا شدن آن از لباس نجس یا نجس بودن محل آن احتیاط لازم نیست.

س ۳۰۹: مقدار رطوبتی که باعث سرایت از چیزی به چیز دیگر می‌شود، چقدر است؟ ج: ملاک رطوبت مسریه این است که به مقداری باشد که رطوبت هنگام برخورد از جسم مرطوب به جسم دیگر سرایت کند.

س ۳۱۰: لباسهائی که به خشک‌شوئی‌ها داده می‌شود از نظر طهارت چه حکمی دارد؟ لازم به تذکر است که اقلیتهای دینی (یهود و نصاری و...) هم لباسهای خود را برای شستشو و اتو کردن به این خشک‌شوئی‌ها می‌دهند و می‌دانیم که صاحبان این مکانها برای شستن لباسها از مواد شیمیائی استفاده می‌کنند.

ج: اگر لباسهائی که به خشک‌شوئی‌ها داده می‌شود از قبل نجس نباشند، محکوم به طهارت هستند، و تماس آن با لباسهای پیروان اقلیتهای دینی (اهل کتاب) باعث نجاست نمی‌شود.

س ۳۱۱: آیا لباسهائی که با لباسشوئی تمام اتوماتیک شسته می‌شود، پاک می‌گردد یا خیر؟ نحوه کار این لباسشوئی‌ها به این صورت است که در مرحله اول که لباس با آب مخلوط با پودر لباسشوئی شسته می‌شود، مقداری از آب و کف پودر بر شیشه درب لباسشوئی و نوار پلاستیکی اطراف آن پاشیده می‌شود، و در مرتبه دوم آب غساله شستشو کشیده شده ولی کف پودر، درب و نوار پلاستیکی اطراف آن را به طور کامل می‌پوشاند. در مراحل بعدی ماشین لباسشوئی لباسها را در سه نوبت با آب قلیل می‌شوید و از آن پس آب غساله بیرون کشیده می‌شود، امیدواریم توضیح بفرمائید لباسهائی که به این ترتیب شسته شده‌اند، پاک هستند یا خیر؟

ج: اگر بعد از زوال عین نجاست، آب متصل به لوله در داخل ماشین لباسشوئی به لباسها و همه قسمت‌های داخل ماشین برسد و از آن جدا و خارج شود، محکوم به طهارت است.

س ۳۱۲: اگر آب بر زمین یا در حوض یا حمامی که لباس در آن شسته می‌شود، ریخته شود و قطراتی از آن آب به لباس ترشح کند، آیا لباس نجس می‌شود یا خیر؟ ج: وقتی که آب بر مکان یا زمین پاکی بریزد، ترشح ناشی از آن هم پاک است.

س ۳۱۳: آبی که از ماشین‌های حمل زباله شهری در خیابان می‌ریزد و گاهی بر اثر شدت باد به مردم پاشیده می‌شود، محکوم به طهارت است یا نجاست؟

ج: آب مزبور محکوم به طهارت است مگر این که فردی یقین پیدا کند که آن آب بر اثر برخورد با نجس، نجس شده است.

س ۳۱۴: آیا آب‌هایی که در چاله‌های موجود در خیابان‌ها جمع می‌شود، پاک است یا نجس؟

ج: این آب‌ها محکوم به طهارت هستند.

س ۳۱۵: رفت و آمدهای خانوادگی با اشخاصی که به طهارت و نجاست در خوردن و آشامیدن و مانند آن اهمیت نمی‌دهند، چه حکمی دارد؟

ج: در مورد طهارت و نجاست، هر چیزی که یقین به نجاست آن نباشد، از نظر شرعی محکوم به طهارت است.

س ۳۱۶: استفراغ افراد زیر از جهت پاک یا نجس بودن، چه حکمی دارد؟

الف: طفل شیرخوار

ب: طفلی که هم شیر می‌خورد و هم غذا

ج: انسان بالغ

ج: در همه موارد پاک است.

س ۳۱۷: ملاقی شبهه محصوره چه حکمی دارد؟

ج: اگر با بعضی از اطراف تماس پیدا کند، حکم متنجس را ندارد.

س ۳۱۸: شخصی که دین او مشخص نیست و از کشور دیگری برای کار وارد کشور اسلامی شده و مغازه اغذیه فروشی دایر کرده و کار او فروش مواد خوراکی است، هنگام فروش، ماده غذایی با بدن او که رطوبت مسریه دارد تماس پیدا می‌کند، آیا

باید از او درباره دینش سؤال کرد یا این که اصل پاک بودن اشیاء جاری می شود؟

ج: سؤال از دین او واجب نیست و اصل طهارت اشیاء نسبت به وی و چیزی که با وجود رطوبت با بدن او در تماس است، جاری می شود.

س ۳۱۹: اگر یکی از اعضای خانواده یا شخصی که به منزل انسان رفت و آمد دارد به طهارت و نجاست اهمیت ندهد و باعث نجس شدن گسترده خانه و اثاثیه آن شود بطوری که شستن و آب کشیدن آنها ممکن نباشد، تکلیف اهل منزل در این باره چیست؟ و با این فرض چگونه ممکن است انسان پاک بماند بخصوص در نماز که پاکی شرط صحت آن است؟ حکم شرعی در این مورد چیست؟

ج: تطهیر تمام خانه لازم نیست و برای صحت نماز، پاک بودن لباس نمازگزار و محل گذاشتن پیشانی کافی است. نجاست خانه و اثاثیه آن موجب اثبات تکلیف بیشتری غیر از لزوم رعایت طهارت در نماز و خوردن و آشامیدن، بر انسان نمی شود.

احکام مسکرات

س ۳۲۰: آیا مشروبات الکلی نجس است؟

ج: مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط نجس است.

س ۳۲۱: آب انگور و خرمائی که با آتش جوشیده شده و دو ثلث آن کم نشده است، ولی مست کننده نیست، چه حکمی دارد؟

ج: خوردن آن حرام است ولی نجس نیست.

س ۳۲۲: گفته می شود که اگر مقداری غوره برای گرفتن آب آن جوشانده شود و همراه آن یک یا چند حبه انگور باشد، آنچه بعد از جوشاندن باقی می ماند حرام است. آیا

این سخن صحیح است؟

ج: اگر حبه‌های انگور بسیار کم باشد و آب آن در آب غوره مستهلک شود به طوری که آب انگور بر آن صدق نکند، حلال است. ولی اگر حبه‌های انگور به تنهایی به وسیله آتش جوشانده شود خوردن آن، حرام است.

س ۳۲۳: امروزه از الکل (که در واقع مسکراست) برای ساخت بسیاری از داروها بخصوص داروهای نوشیدنی، عطرها بویژه انواع ادکلن‌هایی که از خارج وارد می‌شوند، استفاده می‌کنند. آیا به افراد آگاه یا جاهل به مسئله اجازه خرید و فروش و استفاده و بهره‌گیریهای دیگر از آنها را می‌دهید؟

ج: الکل‌هایی که معلوم نیست در اصل از اقسام مایعات مست‌کننده باشند، محکوم به طهارت هستند، و خرید و فروش و استعمال مایعاتی که با آنها مخلوط شده‌اند اشکال ندارد.

س ۳۲۴: آیا استفاده از الکل سفید برای ضد عفونی کردن دست و لوازم پزشکی مثل دماسنج و غیر آن به خاطر استفاده از آنها در امور پزشکی و درمان توسط پزشک یا تیم پزشکی جایز است؟ الکل سفید همان الکل پزشکی است که قابل نوشیدن هم هست، و فرمول آن C_2H_5OH است، آیا نماز خواندن با لباسی که یک یا چند قطره از این الکل بر آن ریخته شده، جایز است؟

ج: اگر از الکلی که در اصل مایع نیست باشد محکوم به طهارت است هر چند مست‌کننده باشد، و نماز با لباسی که با این الکل برخورد کرده صحیح است و احتیاجی به تطهیر ندارد. ولی اگر از الکل مایع بالاصالة و بر حسب تشخیص اهل فن مست‌کننده باشد نجس است، و نماز با بدن یا لباسی که با آن برخورد کرده موقوف بر تطهیر است، لیکن استفاده از آن جهت ضد عفونی کردن ادوات پزشکی و مانند آن

اشکال ندارد.

س ۳۲۵: ماده ایست بنام «کفیر» که در صنایع غذایی و داروسازی کاربرد دارد. هنگام تخمیر ۵٪ یا ۸٪ الکل در ماده بدست آمده بوجود می آید. این مقدار الکل سبب هیچ نوع مستی در مصرف کننده نمی شود. آیا از نظر شرعی استفاده از این ماده مانعی دارد یا خیر؟

ج: اگر الکل موجود در ماده بدست آمده، فی نفسه مست کننده باشد، نجس و حرام است، هر چند به علت کمی آن و مخلوط شدن با ماده بدست آمده، نسبت به مصرف کننده مسکر نباشد، ولی اگر شک داشته باشیم که فی نفسه مست کننده و یا در اصل مایع است، حکم متفاوت می شود.

س ۳۲۶: ۱- آیا الکل اتیلیک نجس است یا خیر؟ (ظاهراً این الکل در همه مست کننده ها وجود دارد و سبب مستی است).

۲- ملاک نجس بودن الکل چیست؟

۳- روشی که مست کننده بودن مشروب را ثابت کند کدام است؟

ج: ۱- هر یک از اقسام الکل که مست کننده و در اصل مایع باشد نجس است.

۲- ملاک نجاست الکل این است که مست کننده و در اصل مایع باشد.

۳- اگر خود مکلف یقین نداشته باشد، خبردادن اهل خبره مورد اطمینان کافی است.

س ۳۲۷: نوشابه های موجود در بازار که بعضی از آنها مانند کوکا کولا و پیسی کولا و... در داخل تولید می شوند و گفته می شود که مواد اصلی آنها از خارج وارد می گردد و

احتمال دارد از الکل در آنها استفاده شده باشد، چه حکمی دارد؟

ج: پاک و حلال است مگر این که مکلف شخصاً یقین حاصل کند که آنها مخلوط با

الکل مست کننده‌ای هستند که در اصل مایع است.

س ۳۲۸: آیا اساساً هنگام خرید مواد غذایی، لازم است تحقیق شود که فروشنده یا سازنده غیر مسلمان کالا آنها را لمس کرده و یا در ساخت آنها الکل بکار برده است یا خیر؟

ج: سؤال و تحقیق لازم نیست.

س ۳۲۹: اینجانب اقدام به ساخت «اسپری اتروپین سولفات» کرده‌ام که الکل نقش اساسی در ترکیب فرمول داروئی آن دارد، بطوری که اگر الکل به ترکیب مذکور اضافه نشود، ساخت آن اسپری ممکن نیست و از جهت عملی هم این اسپری ضد گازهای شیمیائی و جنگی اعصاب است که برای محافظت از نیروهای اسلام در برابر آنها کاربرد دارد. آیا از نظر جنابعالی استفاده از الکل به ترتیب مذکور در صنعت داروسازی، شرعاً جایز است؟

ج: اگر الکل مست کننده‌ای باشد که در اصل مایع است، نجس و حرام می‌باشد ولی استفاده از آن به عنوان دارو در هیچ یک از حالات اشکال ندارد.

وسوسه و درمان آن

س ۳۳۰: چند سالی است که به بیماری وسواس مبتلا شده‌ام و این موضوع مرا بسیار عذاب می‌دهد، و روز به روز این حالت در من تشدید می‌شود تا جایی که در همه چیز شک می‌کنم و همه زندگی‌ام بر پایه شک استوار گشته است. بیشترین شک من درباره غذا و اشیاء مرطوب است، به همین دلیل نمی‌توانم مثل سایر مردم عادی زندگی کنم. وقتی داخل مکانی می‌شوم فوری جوراب‌هایم را از پای خود بیرون می‌آورم زیرا فکر

می‌کنم جوراب‌هایم عرق کرده و بر اثر تماس با نجس، نجس خواهند شد، حتی من بر سجاده هم نمی‌توانم بنشینم. هر وقت بر آن می‌نشینم بر اثر وسوسه نفس از روی آن بلند می‌شوم تا مبادا پرزهای سجاده به لباسهایم بچسبند و مجبور به شستن آنها شوم. در گذشته چنین نبودم، اکنون از این کار هایم خجالت می‌کشم و همیشه دوست دارم کسی را در عالم رؤیا ببینم و مشکلاتم را با او در میان بگذارم و یا معجزه‌ای رخ دهد و زندگی‌ام را دگرگون نماید و به حالت گذشته‌ام برگردم. امیدوارم مرا راهنمایی فرمائید.

ج: احکام طهارت و نجاست همان است که در رساله‌های عملیه ذکر شده است. از نظر شرعی همه اشیاء محکوم به طهارت هستند مگر مواردی که شارع حکم به نجاست آنها کرده و برای انسان هم یقین به آن حاصل شده است. در این صورت رهایی از بیماری وسواس احتیاج به رویا و معجزه ندارد بلکه باید مکلف ذوق و سلیقه شخصی خود را کنار گذاشته و متعبد و مومن به دستورات شرع مقدس باشد و چیزی را که یقین به نجس بودن آن ندارد، نجس نداند. زیرا شما از کجا یقین به نجاست در و دیوار و سجاده و سایر اشیائی که استفاده می‌کنید پیدا کرده‌اید. چگونه یقین پیدا کرده‌اید که پرزهای سجاده‌ای که بر روی آن راه می‌روید یا می‌نشینید، نجس هستند و نجاست آنها به جوراب و لباس و بدن شما سرایت می‌کند؟! در این صورت اعتناء به وسواس بر شما جایز نیست. مقداری عدم توجه به وسوسه نجاست و تمرین عدم اعتنا به شما کمک خواهد کرد تا به خواست و توفیق خداوند خود را از وسواس نجات دهید.

س ۳۳۱: زنی هستم با تحصیلات عالی و دارای چندین فرزند، مشکلی که از آن رنج می‌برم مسئله طهارت است. و چون در خانواده‌ای متدین بزرگ شده‌ام، می‌خواهم همه

تعالیم اسلامی را مراعات کنیم. به علت داشتن فرزندان کوچک، همیشه با مسائل بول و غائط سر و کار دارم. هنگام تطهیر بول، ترشحات سیفون پراکنده شده و به پاها، صورت و حتی سرم برخورد می‌کنند. و هر دفعه با مشکل تطهیر آن اعضا مواجه هستم، و این باعث شده که در زندگی با سختی‌های زیادی روبرو شوم. از طرفی هم نمی‌توانم این امور را رعایت نکنم زیرا مربوط به عقیده و دینم هست. حتی برای حل مشکل به پزشک روانشناس هم مراجعه کردم ولی نتیجه‌ای نگرفتم. بعلاوه موارد دیگری هم هست که از آنها رنج می‌برم مثل غبار شیء نجس یا مراقبت از دست‌های کودک که یا باید آنها را آب بکشم و یا از دست زدن بچه به اشیاء دیگر جلوگیری نمایم. با توجه به این که تطهیر شیء نجس برای من بسیار دشوار است ولی در همان وقت، شستن آن ظرفها و لباسها در صورتی که فقط کثیف باشند برایم راحت است. لذا از حضرت تعالی می‌خواهم که با راهنمایی‌های خود زندگی را بر من آسان نمائید.

ج: ۱ - از نظر شرع مقدس در طهارت و نجاست، اصل بر طهارت اشیاء است. یعنی در هر موردی که کمترین تردیدی در نجس شدن آن برای شما حاصل شد، واجب است حکم به عدم نجاست کنید.

۲ - کسانی که دارای حساسیت نفسانی شدیدی در مورد نجاست هستند. (به این افراد در اصطلاح فقهی وسواسی گفته می‌شود). حتی اگر گاهی یقین به نجاست هم پیدا کردند باید حکم به عدم نجاست کنند مگر در مواردی که نجس شدن یک شیء را با چشمان خود ببینند، بطوری که اگر فرد دیگری هم آن را ببیند، یقین به سرایت نجاست پیدا کند، فقط در این موارد باید حکم به نجاست کنند.

استمرار اجرای این حکم در مورد افراد مزبور تا زمانی است که این حساسیت به طور کلی از بین برود.

۳ - هر شیء یا عضوی که نجس می‌شود، برای تطهیر آن، یکبار شستن با آب

لوله کشی بعد از زوال عین نجاست کافی است. تکرار در شستن یا فرو بردن آن در آب لازم نیست، و اگر شیء نجس از قبیل پارچه و مانند آن باشد، باید به مقدار متعارف فشار داده شود تا آب از آن خارج گردد.

۴- از آنجائی که شما به این حساسیت شدید در برابر نجاست مبتلا هستید، باید بدانید که غبار نجس در هیچ صورتی نسبت به شما نجس نیست و نیز مراقبت از دست‌های کودک چه پاک باشد یا نجس همچنین دقت در این که خون از بدن زائل شده یا خیر، لازم نیست. این حکم درباره شما تا زمانی که این حساسیت از بین نرفته، باقی است.

۵- دین اسلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت بشری است، لذا آنرا بر خود مشکل نکنید. و با این کار باعث وارد شدن ضرر و اذیت به جسم و روحتان نگردید. حالت دلهره و اضطراب در این موارد زندگی را بر شما تلخ می‌کند، و خداوند راضی به رنج و عذاب شما و کسانی که با شما ارتباط دارند نیست. شکرگزار نعمت دین آسان باشید و شکر این نعمت، عمل بر اساس تعلیمات خداوند تبارک و تعالی است.

۶- این حالت یک وضعیت گذرا و قابل‌علاجی است. افراد بسیاری بعد از ابتلاء به آن، با روش مذکور از آن نجات یافته‌اند. به خداوند توکل نمائید و نفس خود را با همت و اراده آرامش ببخشید.

احکام کافر

س ۳۳۲: بعضی از فقها اعتقاد به نجاست اهل کتاب دارند و بعضی دیگر به طهارت آنها، رای جنابعالی چیست؟

ج: نجاست ذاتی اهل کتاب معلوم نیست. به نظر ما آنها محکوم به طهارت ذاتی هستند.

س ۳۳۳: آیا آن دسته از اهل کتاب که از جهت اعتقادی ایمان به رسالت خاتم النبیین «صلی الله علیه و آله» دارند ولی بر اساس روش و عادت‌های پدران و اجدادشان عمل می‌کنند، در طهارت حکم کافر را دارند یا خیر؟

ج: مجرد اعتقاد به رسالت خاتم النبیین «صلی الله علیه و آله» برای اجرای حکم اسلام در مورد آنان کافی نیست. ولی اگر از اهل کتاب محسوب شوند، محکوم به طهارت هستند.

س ۳۳۴: با جمعی از دوستان خانه‌ای را اجاره کردیم و متوجه شدیم یکی از آنها نماز نمی‌خواند. بعد از سؤال از وی، پاسخ داد که قلباً به خداوند تبارک و تعالی ایمان دارد ولی نماز نمی‌خواند. یا توجه به هم غذا بودن و ارتباط زیاد با وی، آیا باید او را نجس بدانیم؟

ج: مجرد ترک نماز و روزه و سایر واجبات شرعی باعث ارتداد مسلمان و کافر شدن و نجاست وی نمی‌گردد، و تا زمانی که ارتداد وی احراز نشده است حکم سایر مسلمانان را دارد.

س ۳۳۵: مقصود از اهل کتاب چه کسانی است؟ معیاری که حدود معاشرت با آنها را مشخص کند چیست؟

ج: مقصود از اهل کتاب هر کسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی «علی نبینا و آله و علیهم السلام» بداند و یکی از کتاب‌های الهی را که بر انبیاء علیهم السلام نازل شده داشته باشند مانند یهود، نصاری، زرتشتی‌ها و همچنین صابئین که بر اساس تحقیقات ما از اهل کتاب هستند

و حکم آنها را دارند. معاشرت با پیروان این ادیان با رعایت ضوابط و اخلاق اسلامی اشکال ندارد.

س ۳۳۶: فرقه‌ای وجود دارد که خود را «علی‌اللهی» می‌نامند، یعنی امیرالمومنین علی بن ابی طالب را خدا دانسته و به دعا و طلب حاجت به جای نماز و روزه اعتقاد دارند. آیا اینها نجس هستند؟

ج: اگر اعتقاد داشته باشند که امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام خدا است «تعالی الله عن ذلک علواً کبیراً»، حکم آنها مانند غیر مسلمانهایی است که اهل کتاب نباشند.

س ۳۳۷: فرقه‌ای وجود دارد که خود را «علی‌اللهی» می‌نامند و معتقدند که حضرت علی «علیه السلام» خدا نیست ولی کمتر از خدا هم نیست، این گروه چه حکمی دارند؟

ج: اگر قائل به شریکی برای خداوند واحد منان متعال نباشند، حکم مشرک را نخواهند داشت.

س ۳۳۸: آنچه را که از طرف شیعیان دوازده امامی برای امام حسین «علیه السلام» یا اصحاب کساء «صلوات الله علیهم اجمعین» نذر می‌شود، آیا جایز است به مراکزی که محل اجتماع پیروان فرقه «علی‌اللهی» است داده شود بنحوی که باعث احیاء این مراکز گردد؟

ج: اعتقاد به خدا بودن مولی الموحدين علیه الصلوة والسلام عقیده باطلی است و موجب می‌شود کسی که به آن اعتقاد دارد از اسلام خارج گردد. کمک به ترویج این عقیده فاسد حرام است، بعلاوه مصرف مال نذری در غیر مورد نذر جایز نیست.

س ۳۳۹: در اطراف منطقه ما و بعضی نواحی دیگر فرقه‌ای وجود دارد که خود را اسماعیلیه می‌نامند و اعتقاد به امامت شش امام دارند ولی به هیچیک از واجبات دینی

و همچنین ولایت فقیه معتقد نیستند. لذا امیدواریم جنابعالی روشن فرمائید که پیروان این فرقه نجس هستند یا پاک؟

ج: مجرد عدم اعتقاد آنان به شش امام دیگر از ائمه معصومین علیهم السلام و یا عدم اعتقادشان به واجبات دینی و احکام شرعی تا زمانی که به انکار اصل دین یا نبوت خاتم الانبیاء «علیه و آله الصلاة والسلام» منجر نشود، موجب کفر و نجاست نمی شود مگر این که از آنها دشنام و اهانت به یکی از امامان معصوم «علیهم السلام» صادر شود.

س ۳۴۰: در منطقه محل تحصیل و سکونت ما اکثریت مطلق مردم کفار بودائی هستند. اگر دانشجویی، خانه ای را از آنها اجاره نماید، آن خانه از نظر طهارت و نجاست چه حکمی دارد؟ آیا شستن و تطهیر منزل ضرورت دارد؟ قابل ذکر است که بسیاری از خانه های این منطقه از چوب ساخته شده و قابل شستن نیست. هتل ها و ائاثیه و لوازم موجود در آنها چه حکمی دارند؟

ج: تا یقین به تماس اشیاء مورد استفاده شما با دست و بدن مرطوب کافر غیر کتابی حاصل نشده، حکم به نجاست نمی شود. و در صورت یقین به نجاست هم آب کشیدن در و دیوار منازل و هتل ها و ائاثیه و لوازم موجود در آن واجب نیست. آنچه واجب است تطهیر اشیاء نجسی است که برای خوردن و آشامیدن و نماز خواندن مورد استفاده قرار می گیرند.

س ۳۴۱: تعداد زیادی از مردم در خوزستان زندگی می کنند که خود را «صابئه» می نامند و ادعای پیروی از پیامبر خدا حضرت یحیی «علیه السلام» را دارند و می گویند کتاب او نزد ما موجود است. نزد علمای ادیان ثابت شده که آنها همان صابئون هستند که در قرآن آمده است. لطفاً بیان فرمائید که این گروه از اهل کتاب هستند یا خیر؟

ج: گروه مذکور در حکم اهل کتاب هستند.

س ۳۴۲: آیا این گفته که اگر خانه‌ای بدست کافر ساخته شده باشد، نجس است و نماز خواندن در آن مکروه می‌باشد، صحیح است؟

ج: نماز خواندن در آن خانه مکروه نیست.

س ۳۴۳: کار کردن نزد یهود و نصاری و فرقه‌های کافر دیگر و مزد گرفتن از آنها چه حکمی دارد؟

ج: کار کردن نزد کافر، فی نفسه اشکال ندارد مشروط بر این که آن کار از کارهای حرام و خلاف مصالح عمومی اسلام و مسلمانان نباشد.

س ۳۴۴: در منطقه‌ای که خدمت سربازی را انجام می‌دهم، عده‌ای از عشایر زندگی می‌کنند که پیرو فرقه‌ای موسوم به اهل حق هستند. آیا استفاده از شیر و پنیر و کره‌ای که در اختیار آنها قرار دارد جایز است؟

ج: اگر به اصول اسلام اعتقاد داشته باشند، در مسئله طهارت و نجاست، حکم سایر مسلمانان را دارند.

س ۳۴۵: اهل روستائی که من در آن تدریس می‌کنم نماز نمی‌خوانند زیرا از فرقه اهل حق هستند، و ما مجبور به خوردن غذا و نان آنها هستیم. و چون شب و روز در آن روستا اقامت داریم، آیا نمازهای ما اشکال دارد؟

ج: اگر توحید و نبوت و هیچیک از ضروریات دین اسلام را انکار نکنند و معتقد به نقصی در رسالت رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» نباشند، حکم به کفر و نجاست آنها نمی‌شود. در غیر این صورت باید هنگام تماس با آنها یا خوردن غذای آنان، مسئله طهارت و نجاست مراعات شود.

س ۳۴۶: یکی از بستگان ما که کمونیست است به ما در دوران کودکی اموال و لوازم

زیادی بخشیده است. در صورتی که عین آنها در حال حاضر موجود باشد، چه حکمی دارند؟

ج: اگر کفر و ارتداد او ثابت شود و در سن بلوغ و قبل از اظهار اسلام، کفر را پذیرفته باشد، اموال او حکم اموال سایر کفار را دارد.
س ۳۴۷: لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمائید:

۱ - معاشرت و همنشینی و دست دادن دانش آموزان مسلمان با دانش آموزان پیرو فرقه گمراه بهائیت، اعم از این که دختر باشند یا پسر، مکلف باشند یا غیر مکلف، در داخل مدرسه یا خارج از آن، در دوران ابتدائی، متوسطه و پیش دانشگاهی، چه حکمی دارد؟

۲ - رفتار استادان و مربیان با دانش آموزانی که بهائی بودن خود را آشکار می کنند و یا یقین داریم بهائی هستند، چگونه باید باشد؟

۳ - استفاده از وسایلی که همه دانش آموزان از آنها استفاده می کنند مانند شیر آب آشامیدنی، شیر توالت و آفتابه آن، صابون و مانند آن، با این که علم به مرطوب بودن دست و بدن داریم چه حکمی دارد؟

ج: همه پیروان فرقه گمراه بهائیت محکوم به نجاست هستند و در صورت تماس آنها با چیزی، مراعات مسائل طهارت در رابطه با آنها، نسبت به اموری که مشروط به طهارت است، واجب است. ولی رفتار مدیران و معلمان و مربیان با دانش آموزان بهائی باید بر اساس مقررات قانونی و اخلاق اسلامی باشد.

س ۳۴۸: خواهشمندیم تکلیف مومنین را در برخورد با فرقه گمراه بهائیت و آثار حضور پیروان آن در میان جامعه اسلامی، بیان فرمائید.

ج: همه مومنین باید با حيله ها و مفاصد فرقه گمراه بهائیت مقابله نموده و از انحراف

و پیوستن دیگران به آن جلوگیری کنند.

س ۳۴۹: گاهی بعضی از پیروان فرقه گمراه بهائیت برای ما غذا یا چیز دیگری می آورند، آیا استفاده از آنها برای ما جایز است؟

ج: رد هدایا و امتناع از قبول آنها واجب نیست و در مواردی که شک دارید که با وجود رطوبت، با بدن آنها برخورد کرده است، می توانید بنا بر طهارت بگذارید، ولی باید سعی در ارشاد و ترغیب آنها به اسلام نمائید.

س ۳۵۰: بهائیان بسیاری در اینجا کنار ما زندگی می کنند که رفت و آمد زیادی در خانه های ما دارند. عده ای می گویند بهائی ها نجس هستند و عده ای هم آنها را پاک می دانند. این گروه از بهائی ها اخلاق خوبی از خود آشکار می کنند، آیا آنها نجس هستند یا پاک؟

ج: آنها نجس و دشمن دین و ایمان شما هستند، پس فرزندان عزیزم جداً از آنها بپرهیزید.

س ۳۵۱: آیا صندلی های ماشین و قطاری که مورد استفاده مشترک مسلمانان و کافران است، با این که کفار در بعضی از مکانها بیشتر از مسلمان ها هستند و حرارت هوا باعث ترشح عرق و حتی سرایت رطوبت می شود، محکوم به طهارت است؟

ج: کافر اهل کتاب محکوم به طهارت است، و در هر صورت در مورد اشیاء مورد استفاده مشترک کفار و مسلمین با عدم علم به نجاست، حکم به طهارت آنها می شود.

س ۳۵۲: زندگی دانشجویی در خارج مستلزم ارتباط و معاشرت با کفار است، در چنین موردی استفاده از مواد غذایی ساخت آنها مشروط بر این که مواد حرام مثل گوشت تذکیه نشده در آنها نباشد، ولی احتمال تماس دست مرطوب کافر با آنها داده شود، چه

حکمی دارد؟

ج: مجرد احتمال تماس دست مرطوب کافر با مواد غذایی، برای وجوب اجتناب کافی نیست، بلکه تا یقین به تماس حاصل نشود، حکم به طهارت می شود. و کافر اگر از اهل کتاب باشد نجس ذاتی نیست و تماس دست مرطوب او باعث نجاست نمی شود.

س ۳۵۳: اگر همه هزینه های فرد مسلمانی که در سایه حکومت اسلامی زندگی می کند با کار برای شخص غیر مسلمانی که روابط صمیمی با او دارد، تامین شود، آیا جایز است با این فرد مسلمان روابط محکم و خانوادگی برقرار کرد و گاهی از غذای او استفاده نمود؟

ج: روابط مسلمانان با مسلمان مذکور اشکال ندارد. ولی اگر شخص مسلمان در اثر کار برای غیر مسلمان و ارتباط با وی خوف انحراف عقیدتی خود را داشته باشد واجب است این کار را ترک کند. دیگران هم باید او را نهی از منکر کنند.

س ۳۵۴: متأسفانه برادر همسر من به علل مختلف فاسد گردیده و از دین بطور کامل برگشته است تا جایی که به بعضی از مقدسات دینی اهانت می کند. در حال حاضر بعد از گذشت چند سال از ارتداد او از اسلام، طی نامه ای اظهار کرده که به اسلام ایمان دارد ولی نه نماز می خواند و نه روزه می گیرد. رابطه پدر و مادرش و بقیه افراد خانواده با وی چگونه باید باشد؟ آیا عنوان کافر بر او صدق می کند؟ آیا باید او را نجس محسوب کرد؟

ج: بر فرض ثبوت ارتداد قبلی وی، اگر بعد از آن توبه کرده باشد، محکوم به طهارت است و ارتباط پدر و مادر و سایر خانواده با وی اشکال ندارد.

س ۳۵۵: آیا اگر کسی بعضی از ضروریات دین مانند روزه و غیر آن را انکار کند، حکم

کافر را دارد یا خیر؟

ج: اگر انکار هر یک از ضروریات دین به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم اسلام «صلی الله علیه و آله» یا وارد کردن نقصی به شریعت منجر شود، باعث کفر و ارتداد است.

س ۳۵۶: آیا مجازاتهایی که برای مرتد و کفار حربی وضع شده، از امور سیاسی و مسئولیت‌های رهبری است یا این که مجازاتهای ثابتی تا روز قیامت هستند؟

ج: حکم شرعی الهی است.

احکام نماز

اهمیت و شرائط نماز

س ۳۵۷: کسی که عمداً نماز را ترک کند یا سبک بشمارد چه حکمی دارد؟
ج: نمازهای روزانه‌ای که در پنج نوبت خوانده می‌شود، از واجبات بسیار مهم شریعت اسلامی بوده و بلکه ستون دین است و ترک یا سبک شمردن آن شرعاً حرام و موجب استحقاق عقاب است.

س ۳۵۸: آیا بر کسی که آب و چیزی که تیمم بر آن صحیح است در اختیار ندارد (فاقد الطهورین) نماز واجب است؟

ج: بنا بر احتیاط، نماز را در وقت بخواند و بعد از وقت با وضو یا تیمم قضا نماید.

س ۳۵۹: به نظر شریف جنابعالی موارد عدول در نماز واجب کدام است؟

ج: عدول در چند مورد واجب است:

۱- از نماز عصر به نماز ظهر، در صورتی که در بین نماز عصر متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده است.

۲- از نماز عشاء به نماز مغرب اگر در بین نماز عشاء متوجه شود که نماز مغرب را

نخوانده است و از محل عدول هم تجاوز نکرده باشد.

۳- اگر دو نماز قضائی که در ادای آنها ترتیب معتبر است، بر عهده او باشد و بر اثر فراموشی قبل از ادای نماز اول به خواندن نماز دوم مشغول شود. و عدول در چند مورد مستحب است.

۱- از نماز اداء به نماز قضای واجب، در صورتی که بر اثر آن وقت فضیلت اداء فوت نشود.

۲- از نماز واجب به مستحب برای درک ثواب نماز جماعت.

۳- از نماز واجب به نافله در ظهر روز جمعه برای کسی که قرائت سوره جمعه را فراموش کرده و به جای آن سوره دیگری را خوانده و به نصف رسیده و یا از آن گذشته است. مستحب است این شخص از نماز واجب به نافله عدول کند تا بتواند نماز فریضه را با سوره جمعه به جا آورد.

س ۳۶۰: نماز گزاری که می‌خواهد در روز جمعه بین نماز جمعه و ظهر جمع نماید، آیا باید برای هر یک بدون قصد وجوب، فقط قصد قربت کند، یا این که برای یکی از آن دو هم قصد قربت نماید و هم قصد وجوب و برای دیگری فقط قصد قربت نماید و یا این که باید برای هر دو هم قصد وجوب کند و هم قصد قربت؟

ج: در هر یک از آن دو قصد قربت کافی است و قصد وجوب در هیچکدام واجب نیست.

س ۳۶۱: اگر خونریزی از دهان یا بینی از اول وقت نماز تا نزدیک آخر آن ادامه داشته باشد، نماز چه حکمی دارد؟

ج: اگر تطهیر بدن ممکن نباشد و بترسد وقت نماز فوت شود، نماز را در همان حالت بخواند.

س ۳۶۲: آیا هنگام خواندن ذکرهای مستحبی نماز، آرامش کامل بدن واجب است یا خیر؟

ج: فرقی بین ذکر واجب و مستحب در وجوب استقرار و آرامش بدن نیست.
 س ۳۶۳: برای بعضی از افراد در بیمارستان لوله‌هائی به نام سوند برای خروج بول قرار می‌دهند که در این صورت بول بدون اختیار از مریض در حالت خواب یا بیداری و یا در بین نماز خارج می‌شود، امیدواریم به این سؤال پاسخ فرمائید: آیا این فرد باید دوباره نماز را در وقت دیگری بخواند یا نمازی که در آن حالت خوانده، کافی است؟
 ج: اگر در آن حالت نماز را طبق وظیفه شرعی و فعلی خود خوانده، صحیح است و اعاده و قضا واجب نیست.

وقت نماز

س ۳۶۴: دلیل مذهب شیعه در مورد وقت نمازهای روزانه چیست؟ همانگونه که می‌دانید اهل سنت، با داخل شدن وقت نماز عشاء، نماز مغرب را قضا می‌دانند و همچنین در مورد نماز ظهر و عصر هم به همین ترتیب است. لذا معتقدند وقتی وقت نماز عشاء داخل شد و امام جماعت برای خواندن آن بپا خاست، مأموم نمی‌تواند همراه او، نماز مغرب را بخواند و نماز مغرب و عشاء را در یک زمان بجا آورد.
 ج: دلیل شیعه اطلاق آیات قرآنی و سنت شریف است به اضافه روایاتی که بخصوص دلالت بر جواز جمع دارند. نزد اهل سنت هم روایاتی وجود دارد که دلالت بر جواز جمع بین دو نماز در وقت یکی از آن دو می‌کند.
 س ۳۶۵: با توجه به این که آخر وقت نماز عصر، مغرب است و آخر وقت نماز ظهر

نزدیک مغرب است به مقداری که برای خواندن نماز عصر به آن نیاز است، می‌خواهم سؤال کنم که منظور از مغرب چیست؟ آیا مراد زمان غروب خورشید است یا زمانی که اذان مغرب طبق افق هر مکانی گفته می‌شود؟

ج: وقت نماز عصر تا غروب آفتاب است.

س ۳۶۶: فاصله زمانی بین غروب خورشید و اذان مغرب چند دقیقه است؟

ج: ظاهر این است که با اختلاف فصل‌های سال تفاوت می‌کند.

س ۳۶۷: من تا دیر وقت سرکارم هستم بطوری که ساعت یازده شب به منزل بر

می‌گردم و در هنگام کارهم بخاطر کثرت مراجعه کنندگان وقت خواندن نماز مغرب و

عشاء را ندارم. آیا خواندن نماز مغرب و عشاء بعد از ساعت یازده شب صحیح است؟

ج: اگر از نصف شب به تأخیر نیفتد، اشکال ندارد ولی تلاش کنید که از ساعت یازده

شب به تأخیر نیفتد بلکه تا می‌توانید نماز را در اول وقت آن بخوانید.

س ۳۶۸: چه مقدار از نماز اگر در وقت اداء واقع شود، نیت اداء صحیح است؟ و در

صورت شک در این که این مقدار، داخل وقت واقع شده یا خیر، وظیفه چیست؟

ج: وقوع یک رکعت نماز در آخر وقت برای این که نماز، اداء محسوب شود کافی

است و در صورت شک در این که وقت لااقل به مقدار یک رکعت باقی است یا

خیر، باید به قصد مافی‌الذمه نماز بخوانید و نیت اداء یا قضا نکنید.

س ۳۶۹: سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج، جدول‌های

زمانی برای تعیین اوقات شرعی پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ تهیه می‌کنند. سؤال این

است که اولاً تا چه مقدار می‌توان به این جدولها اعتماد کرد؟

ثانیاً: در شهرهای دیگر آن کشورها، وظیفه چیست؟

ج: معیار در احراز دخول وقت، حصول اطمینان برای مکلف است، و اگر برای او

اطمینان به مطابقت این جدولها با واقع حاصل نشود، باید احتیاط نموده و صبر کنند تا یقین به داخل شدن وقت شرعی نماید.

س ۳۷۰: نظر شما دربارهٔ فجر صادق و کاذب چیست؟ و نمازگزار در این مورد چه تکلیفی دارد؟

ج: معیار شرعی در مورد وقت نماز و روزه، فجر صادق است و احراز آن موکول به تشخیص مکلف است.

س ۳۷۱: مسئولین یکی از دبیرستان‌های تمام وقت، نماز جماعت ظهر و عصر را ساعت دو بعد از ظهر، کمی قبل از شروع دروسهای شیف عصر اقامه می‌کنند. علت تأخیر، این است که دروسهای شیف صبح، چهل و پنج دقیقه قبل از ظهر شرعی تعطیل می‌شود و نگهداشتن دانش‌آموزان تا ظهر شرعی مشکل است. با توجه به اهمیت اقامهٔ نماز در اول وقت، نظر شریف خود را در این باره بیان فرمائید.

ج: تأخیر نماز جماعت برای این که نمازگزاران در نماز حاضر شوند، با این فرض که در اول وقت در مدرسه نیستند، اشکال ندارد.

س ۳۷۲: آیا باید نماز ظهر بعد از اذان ظهر و نماز عصر بعد از دخول وقت آن خوانده شود؟ و همچنین نماز مغرب و عشاء هم باید هر کدام در وقت خود خوانده شوند؟

ج: بعد از داخل شدن وقت دو نماز، مکلف در خواندن هر دو نماز پشت سر هم به صورت جمع و یا خواندن هر یک در وقت فضیلت خود مخیر است.

س ۳۷۳: با توجه به این که امروزه با فراوانی ساعت، یقین به طلوع فجر ممکن است، آیا باید در شبهای مهتابی برای خواندن نماز صبح به مدت پانزده تا بیست دقیقه صبر کرد؟

ج: فرقی بین شبهای مهتابی و غیر مهتابی در طلوع فجر، وقت فریضه صبح و

و جوب امساک برای روزه گرفتن نیست، هر چند احتیاط در این زمینه خوب است.
 س ۳۷۴: آیا مقدار اختلاف اوقات شرعی میان استان‌ها که بر اثر اختلاف افقهای آنها
 بوجود می‌آید، در اوقات سه گانه نمازهای یومیه به یک اندازه است؟ مثلاً بین دو
 استان در وقت ظهر بیست و پنج دقیقه تفاوت است. آیا در بقیه وقت‌های نماز هم این
 اختلاف وجود دارد و به همین مقدار است؟ یا این که مقدار آن در وقت نماز صبح و
 مغرب و عشاء تفاوت می‌کند؟

ج: مجرّد یکی بودن مقدار تفاوت بین دو منطقه در طلوع فجر یا زوال آفتاب یا
 غروب خورشید، مستلزم اتحاد در سایر اوقات نیست، بلکه غالباً مقدار اختلاف
 بین شهرها در اوقات سه گانه با هم تفاوت دارد.

س ۳۷۵: اهل سنت نماز مغرب را قبل از غروب شرعی می‌خوانند، آیا جایز است در ایام
 حج و غیر آن به آنها اقتدا کرده و به همان نماز اکتفا کنیم؟

ج: معلوم نیست که نماز آنها قبل از داخل شدن وقت باشد و شرکت در نماز
 جماعت آنها و اقتدا به آنان اشکال ندارد و مجزی است، ولی درک وقت نماز
 ضروری است، مگر این که خود وقت هم از موارد تقیه باشد.

س ۳۷۶: خورشید در دانمارک و نروژ ساعت هفت صبح طلوع نموده و تا عصر در آسمان
 به مقدار دوازده ساعت می‌درخشد در حالی که در کشورهای دیگر شب است، تکلیف
 من درباره نماز و روزه چیست؟

ج: مکلف باید در مورد اوقات نمازهای یومیه همان افق محل سکونت خود را
 رعایت کند، ولی اگر روزه گرفتن بر اثر طولانی بودن روز، غیر مقدور یا حرجی
 باشد، ادای آن ساقط و قضای آن واجب است.

س ۳۷۷: رسیدن نور خورشید به زمین تقریباً هفت دقیقه طول می‌کشد. آیا ملاک پایان

وقت نماز صبح، طلوع خورشید است یا رسیدن نور آن به زمین؟

ج: ملاک طلوع خورشید، دیدن آن در افق مکان نمازگزار است.

س ۳۷۸: رسانه‌های گروهی اوقات شرعی هر روز را یک روز قبل از آن اعلام می‌کنند، آیا اعتماد بر آن و بنا گذاشتن بر دخول وقت نماز بعد از پخش اذان از رادیو و تلویزون جایز است؟

ج: اگر برای مکلف اطمینان به دخول وقت از طریق مذکور حاصل شود می‌تواند بر آن اعتماد کند.

س ۳۷۹: آیا وقت نماز به مجرد شروع اذان آغاز می‌شود؟ یا این که باید صبر نمود تا اذان تمام شود و سپس شروع به خواندن نماز کرد؟ آیا روزه‌دار جایز است به مجرد شروع اذان افطار نماید یا این که باید صبر کند تا اذان تمام شود؟

ج: اگر اطمینان حاصل شود که اذان از هنگام داخل شدن وقت شروع شده، صبر کردن تا پایان اذان لازم نیست.

س ۳۸۰: آیا نماز کسی که نماز دوم را بر اولی مقدم داشته مثلاً نماز عشاء را جلوتر از مغرب خوانده، صحیح است؟

ج: اگر بر اثر اشتباه یا غفلت نماز دوم را مقدم داشته و بعد از تمام شدن نماز متوجه شده، نماز او صحیح است. ولی اگر عمدی بوده باطل است.

س ۳۸۱: با عرض سلام و تحیت، در آستانه ماه شریف و مبارک رمضان و با توجه به توسعه شهرها و عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر، خواهشمند است نظر شریف خود را در مورد زمان امساک برای روزه و اقامه نماز صبح اعلام فرمائید.

ج: مقتضی است مومنین محترم ایندهم الله تعالی جهت رعایت احتیاط در مورد امساک روزه و وقت نماز صبح همزمان با شروع اذان صبح از رسانه‌ها برای روزه امساک نمایند و حدود پنج الی شش دقیقه بعد از اذان شروع به ادای فریضه صبح

نمایند.

س ۳۸۲: وقت نماز عصر تا اذان مغرب است یا تا هنگام غروب آفتاب؟ نیمه شب شرعی برای نماز عشاء و بیتوته در منی چه وقت است؟

ج: آخر وقت نماز عصر تا غروب آفتاب است، و احتیاط آن است که برای نماز مغرب و عشاء و مانند اینها شب را از اول غروب تا اذان صبح حساب کنند، بنابراین تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی آخر وقت نماز مغرب و عشاء است، ولیکن برای بیتوته در منی از غروب تا طلوع آفتاب حساب کنند.

س ۳۸۳: اگر کسی در بین نماز عصر متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده است، چه تکلیفی دارد؟

ج: اگر به خیال این که نماز ظهر را خوانده است به نیت نماز عصر مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که قبلاً نماز ظهر را نخوانده است، در صورتی که در وقت مشترک نماز ظهر و عصر است، باید بلافاصله نیت خود را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و پس از آن، نماز عصر را به جا آورد. و اگر این اتفاق در وقت مخصوص به نماز ظهر^(۱) افتاده باشد، احتیاط واجب آن است که نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند ولی بعداً هر دو نماز (ظهر و عصر) را به ترتیب به جای آورد، و همین تکلیف در مورد نماز مغرب و عشاء نیز هست.

قبله

س ۳۸۴: خواهشمندیم به سؤالات زیر پاسخ فرمائید:

۱. وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد که برای غیر مسافر چهار رکعت و برای مسافر دو رکعت است.

۱- به استناد بعضی از کتاب‌های فقهی، گفته شده که در روزهای چهارم خرداد و بیست و ششم تیر^(۱) آفتاب بطور عمودی بر کعبه می‌تابد. آیا در این هنگام، تشخیص جهت قبله با نصب شاخص در زمانی که صدای اذان مکه بلند می‌شود، امکان دارد؟ اگر جهت قبله در محراب مساجد با جهت سایه شاخص اختلاف داشت، کدامیک صحیح‌تر است؟

۲- آیا اعتماد بر قبله نما صحیح است؟

ج: اعتماد بر شاخص یا قبله نما در صورتی که موجب اطمینان مکلف شود صحیح است و باید طبق آن عمل گردد، و در غیر این صورت اشکال نیست که می‌توان بر اساس محراب مساجد و قبور مسلمین جهت قبله را تشخیص داد.

س ۳۸۵: آیا اگر شدت درگیری و جنگ مانع تعیین جهت قبله شود، نماز خواندن به هر طرف صحیح است؟

ج: اگر وقت باشد باید به چهار طرف نماز خوانده شود. ولی اگر وقت نباشد، به مقدار وسعت وقت به هر طرف که احتمال می‌دهد قبله است نماز بخواند.

س ۳۸۶: اگر نقطه مقابل کعبه مکرمه در طرف دیگر زمین مشخص شود به طوری که اگر خط مستقیمی از وسط زمین کعبه عبور کند و زمین را شکافته و از مرکز آن بگذرد، از سمت دیگر این نقطه بیرون آید، در این جا چگونه می‌توان رو به قبله ایستاد؟

ج: ملاک روبه قبله بودن این است که انسان از سطح کره زمین به طرف بیت عتیق باشد، یعنی از طرف سطح زمین رو به طرف کعبه که روی زمین در مکه مکرمه ساخته شده است بایستد. بنابراین اگر انسان در یک نقطه‌ای از کره زمین باشد که اگر خطوط مستقیمی از چهار جهت آن مکان بر سطح کره زمین به طرف مکه مکرمه

۱. یعنی در روز بیست و پنجم ماه پنجم و هفدهم ماه هفتم از سال میلادی

ترسیم شود، از نظر مسافت با هم مساوی باشند، مخیر است برای قبله به هر طرف که خواست بایستد و نماز بخواند. ولی اگر مسافت خطوط در بعضی از جهت‌ها کمتر و کوتاه‌تر باشد به مقداری که با آن، صدق عرفی رو به قبله بودن اختلاف پیدا کند، بر انسان واجب است جهت کوتاه‌تر را انتخاب کند.

س ۳۸۷: اگر در جایی باشیم و جهت قبله را ندانیم و وسیله‌ای هم برای تعیین جهت قبله در دسترس نباشد و احتمال قبله هم در هر یک از چهار طرف داده شود، چه باید بکنیم؟

ج: اگر احتمال جهت قبله در هر یک از چهار طرف مساوی باشد، باید به هر چهار طرف نماز خواند تا یقین حاصل شود که به طرف قبله نماز خوانده شده است.
س ۳۸۸: تشخیص قبله در قطب شمال و جنوب چگونه است؟ و نماز چگونه خوانده می‌شود؟

ج: ملاک تعیین جهت قبله در قطب شمالی و جنوبی، تعیین کوتاه‌ترین خط از مکان نمازگزار از روی سطح زمین به طرف کعبه است، و پس از تعیین آن خط، باید به همان طرف نماز خواند.

مکان نمازگزار

س ۳۸۹: آیا نشستن و نماز خواندن یا عبور کردن از مکان‌هایی که دولت ظالم آنها را غصب می‌کند، جایز است؟

ج: در صورت علم به غصب، احکام و آثار مغضوب مرتب است.

س ۳۹۰: نماز خواندن در زمینی که قبلاً وقف بوده و دولت آن را تصرف نموده و در آن

مدرسه ساخته است. چه حکمی دارد؟

ج: اگر احتمال قابل توجهی داده شود که تصرف مذکور مجوز شرعی داشته است، نماز خواندن در آن مکان اشکال ندارد.

س ۳۹۱: من نماز جماعت را در تعدادی از مدارس اقامه می‌کنم. زمین بعضی از این مدارس از صاحبان آن بدون رضایت آنها گرفته شده است. نماز من و دانش‌آموزان در این مدارس چه حکمی دارد؟

ج: اگر احتمال قابل توجهی داده شود که مسئول ذیربط به استناد مجوز قانونی و شرعی اقدام به احداث مدارس در آن اراضی نموده، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

س ۳۹۲: اگر شخصی مدتی بر سجاده یا بالباسی که خمس به آن تعلق گرفته است، نماز بخواند، نمازهای او چه حکمی دارد؟

ج: اگر جهل به تعلق خمس به آن مال و یا به حکم تصرف در آن، داشته نمازهائی که تا به حال در آن خوانده، صحیح است.

س ۳۹۳: آیا این گفته که باید مردان هنگام نماز جلوتر از زنان بایستند، صحیح است؟
ج: اگر بین زن و مرد مقداری ولو به اندازه یک وجب فاصله باشد، جلوتر بودن زن اشکال ندارد.

س ۳۹۴: نصب تصویر امام خمینی «قدس سره» و شهدای انقلاب اسلامی در مساجد، با توجه به این که خود حضرت امام «قدس سره» عدم تمایل خود را نسبت به نصب عکسشان در مساجد ابراز کرده و راجع به کراهت آن هم مطالبی وجود دارد، چه حکمی دارد؟

ج: نصب تصاویر آنان اشکال شرعی ندارد، و اگر در جهت قبله و در برابر نمازگزاران

نباشد، مکروه نیست.

س ۳۹۵: شخصی در یک خانه دولتی زندگی می‌کند که مدت سکونت وی در آن به پایان رسیده و حکم تخلیه نیز به او ابلاغ شده است. نماز و روزه‌های وی بعد از انقضای موعد مقرر تخلیه، چه حکمی دارد؟

ج: اگر از طرف مسئولین مربوطه مجاز به استفاده از آن خانه بعد از مهلت مقرر نباشد، تصرفات او در آن حکم غضب را دارد.

س ۳۹۶: آیا نماز خواندن بر سجاده‌ای که شکل‌هایی روی آن رسم شده و یا بر مهری که دارای نقش است، کراهت دارد؟

ج: فی نفسه اشکال ندارد. ولی اگر بگونه‌ای باشد که بهانه به دست کسانی دهد که تهمت به شیعه می‌زنند، تولید آن و نماز خواندن بر آن جایز نیست.

س ۳۹۷: آیا اگر مکان نمازگزار پاک نباشد ولی محل سجده پاک باشد، نماز صحیح است؟

ج: اگر نجاست مکان نمازگزار به لباس یا بدن وی سرایت نکند و محل سجده هم پاک باشد، نماز در آن اشکال ندارد.

س ۳۹۸: ساختمان کنونی اداره‌ای که در آن کار می‌کنم در گذشته قبرستان بود که چهل سال قبل متروکه شده و سی سال است که این ساختمان در آن ایجاد شده است. در حال حاضر ساختمان همه زمین‌های اطراف اداره تمام گردیده و اثری از قبرستان باقی نمانده است. با توجه به مطالب مذکور امیدواریم پاسخ فرمائید که آیا اقامه نماز در این اداره توسط کارمندان آن از نظر شرعی صحیح است یا خیر؟

ج: نماز خواندن و تصرفات دیگر در این اداره اشکال ندارد مگر این که از طریق شرعی ثابت شود زمینی که ساختمان مذکور در آن ایجاد شده، وقف برای دفن

اموات است.

س ۳۹۹: جوانان مؤمن تصمیم گرفته‌اند که به منظور امر به معروف، هفته‌ای یک یا دو روز نماز را در پارکها اقامه کنند، ولی بعضی اشکال می‌کنند که مالکیت زمین‌های پارکها مشخص نیست. نماز خواندن در آنها چه حکمی دارد؟

ج: نماز خواندن در پارک‌های فعلی و غیر آن اشکال ندارد و به صرف احتمال غضب توجهی نمی‌شود.

س ۴۰۰: زمین یکی از دبیرستان‌های این شهر ملک یکی از افراد است. این زمین طبق نقشه شهر باید به پارک تبدیل می‌شد ولی به علت نیاز شدید و با موافقت مسئولین مربوطه، مقرر شد که تبدیل به مدرسه شود. از آنجائی که صاحب آن زمین راضی به تملک آن توسط دولت نیست و عدم رضایت خود را نسبت به اقامه نماز و مانند آن در زمین مذکور اعلام نموده است. امیدواریم نظر شریف خود را راجع به نماز خواندن در این مکان اعلام فرمائید.

ج: اگر گرفتن زمین از مالک شرعی آن طبق قانونی که توسط مجلس شورای اسلامی وضع و به تأیید شورای نگهبان رسیده است انجام گرفته باشد، نماز خواندن و تصرفات دیگر در آن مکان اشکال ندارد.

س ۴۰۱: در شهر ما دو مسجد مجاور هم وجود دارد که دیوار بین آن دو آنها را از هم جدا می‌کند. مدتی پیش تعدادی از مومنین برای این که دو مسجد به هم وصل شوند، اقدام به خراب کردن قسمت زیادی از دیوار فاصل بین آن دو نمودند، و همین امر باعث شبهه برای بعضی در مورد اقامه نماز در آن دو مسجد شد و هنوز هم این شک برای آنان وجود دارد. امیدواریم راه حل این مشکل را بیان فرمائید.

ج: از میان برداشتن دیواری که بین دو مسجد فاصله انداخته، باعث اشکال در اقامه

نماز در دو مسجد نیست.

س ۴۰۲: در جاده‌ها رستوران‌هایی وجود دارد که در کنار آنها مکان‌هایی برای خواندن نماز قرار دارد. آیا اگر کسی در آن رستوران غذا نخورد، جایز است در آن مکانها نماز بخواند یا این که ابتدا باید اجازه بگیرد؟

ج: اگر احتمال دهد نماز خانه ملک صاحب رستوران است و استفاده از آن مخصوص کسانی است که در آن رستوران غذا می‌خورند، باید اجازه بگیرد.
س ۴۰۳: آیا نماز کسی که در زمین غصبی روی سجاده یا چوب و مانند آن نماز خوانده، صحیح است یا باطل؟

ج: نماز در زمین غصبی باطل است هر چند روی جا نماز و تخت باشد.
س ۴۰۴: در بعضی از شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی که امروزه در اختیار دولت قرار دارد بعضی اعضای شرکت و کارمندان از شرکت در نماز جماعتی که در آنجا اقامه می‌شود خودداری می‌کنند به این دلیل که آن مکانها توسط دادگاه شرع از صاحبان آنها مصادره شده است. خواهشمندیم نظر مبارک را در این باره بیان فرمائید.

ج: اصولاً شرکت در نماز جماعت الزامی نیست و هر کسی می‌تواند به هر دلیلی در آن شرکت نکند. ولی از جهت حکم شرعی آن مکان، اگر احتمال می‌دهند که فاضی صادرکننده حکم مصادره، با صلاحیت قانونی و بر اساس موازین شرعی و قانونی اقدام به صدور حکم کرده است، عمل او شرعاً محکوم به صحت است، و بنا بر این تصرف در آن مکان جایز است، و حکم غصب بر آن منطبق نیست.

س ۴۰۵: اگر مسجدی مجاور حسینیه‌ای باشد. آیا اقامه نماز جماعت در حسینیه صحیح است؟ و آیا ثواب آن در هر دو برابر است؟

ج: شکی نیست که فضیلت نماز در مسجد بیشتر از فضیلت نماز در غیر مسجد است

ولی خواندن نماز جماعت در حسینیه یا در هر مکان دیگری اشکال شرعی ندارد.
 س ۴۰۶: آیا نماز خواندن در مکانی که موسیقی حرام پخش می‌شود، صحیح است یا خیر؟

ج: اگر نماز خواندن در آن محل مستلزم گوش دادن به موسیقی حرام باشد، توقف در آنجا جایز نیست ولی نماز محکوم به صحت است. و اگر موسیقی باعث عدم توجه و تمرکز حواس شود، نماز خواندن در آن مکان مکروه است.

س ۴۰۷: نماز کسانی که با قایق به مأموریت فرستاده می‌شوند و وقت نماز آنها می‌رسد بطوری که اگر در همان زمان نماز نخوانند، بعد از آن نمی‌توانند نماز خود را داخل وقت بخوانند، چه حکمی دارد؟

ج: در فرض مزبور واجب است نماز را در وقت آن به هر صورتی که ممکن است، ولو در داخل همان قایق بخوانند.

احکام مسجد

س ۴۰۸: با توجه به این که مستحب است انسان نماز را در مسجد محله خود بخواند، آیا خالی کردن مسجد محل و رفتن به مسجد جامع شهر برای خواندن نماز جماعت، اشکال دارد یا خیر؟

ج: اگر ترک مسجد محله برای خواندن نماز جماعت در مسجد دیگر بخصوص مسجد جامع شهر باشد، اشکال ندارد.

س ۴۰۹: نماز خواندن در مسجدی که سازندگان آن ادعا می‌کنند آن را برای خود و قبیله خود ساخته‌اند، چه حکمی دارد؟

ج: مسجد پس از آنکه به عنوان مسجد ساخته شد اختصاص به قوم و گروه و قبیله و اشخاص خاصی ندارد و همه مسلمانان می توانند از آن استفاده نمایند.

س ۴۱۰: آیا زن‌ها بهتر است نماز را در مسجد بخوانند یا در خانه؟

ج: فضیلت خواندن نماز در مسجد مختص مردان نیست.

س ۴۱۱: در حال حاضر بین مسجد الحرام و محل سعی بین صفا و مروه دیوار کوتاهی وجود دارد که ارتفاع آن نیم متر و عرض آن یک متر است. این دیوار بین مسجد و سعی مشترک است. آیا زن‌ها در ایام عادت که حق داخل شدن به مسجد الحرام را ندارند، می توانند روی این دیوار بنشینند؟

ج: اشکال ندارد، مگر این که یقین حاصل شود که آن دیوار جزء مسجد است.

س ۴۱۲: آیا انجام تمرین‌های ورزشی در مسجد محل یا خوابیدن در آن جایز است؟

این کارها در مسجدهای دیگر چه حکمی دارد؟

ج: مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست، و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد باید پرهیز شود، و خواب در مسجد هم مکروه است.

س ۴۱۳: آیا استفاده از شبستان مسجد برای رشد فکری، فرهنگی و نظامی (با آموزشهای نظامی) جوانان جایز است؟ آیا با توجه به کمبود مکانهای اختصاصی

می توان این کارها را در ایوان مسجد انجام داد؟

ج: این امور تابع کیفیت وقف صحن مسجد و ایوان آن است. و باید از امام جماعت و هیئت امنای مسجد در این باره نظرخواهی شود. البته حضور جوانان در مساجد و برپائی درس‌های دینی زیر نظر امام جماعت و هیئت امنای آن کار خوب و مطلوبی است.

س ۴۱۴: در بعضی از مناطق بخصوص روستاها مجلس عروسی را در مساجد برگزار

می‌کنند به این صورت که مجلس رقص و آواز در خانه بر پا می‌شود ولی نهار یا شام را در مسجد تناول می‌کنند. آیا این کار شرعاً جایز است یا خیر؟

ج: غذا دادن به دعوت شدگان در مسجد فی نفسه اشکال ندارد، ولی برگزاری مجالس عروسی در آن مخالف جایگاه اسلامی مسجد است و جائز نیست، و ارتکاب اعمالی که شرعاً حرام است از قبیل گوش دادن به غنا و موسیقی لهوی و مطرب، بطور مطلق حرام می‌باشد.

س ۴۱۵: شرکت‌های تعاونی مردمی اقدام به ساختن مناطق مسکونی می‌کنند، ابتدا توافق می‌نمایند که برای آن محله‌ها مکان‌های عمومی مانند مسجد ساخته شود، اکنون که آن واحدها به سهامداران شرکت تعاونی تحویل داده شده است، آیا بعضی از آنان می‌توانند هنگام تحویل گرفتن واحد مسکونی از توافق خود عدول کرده و بگویند ما راضی به ساختن مسجد نیستیم؟

ج: اگر شرکت با توافق همه اعضا اقدام به ساخت مسجد نموده و مسجد هم ساخته شده و وقف گردیده است، عدول بعضی از اعضا از موافقت اولیه خود اثری ندارد. ولی اگر بعضی از آنان قبل از تحقق وقف شرعی مسجد از موافقت خود عدول کنند، ساخت مسجد با اموال آنان در زمین متعلق به همه اعضا بدون رضایت آنان جایز نیست مگر این که در ضمن عقد لازم بر همه آنها شرط شده باشد که بخشی از زمین شرکت برای ساخت مسجد تخصیص یابد و اعضا این شرط را پذیرفته باشند، در این صورت حق عدول ندارند و عدول آنها هم تاثیری ندارد.

س ۴۱۶: برای مقابله با تهاجم فرهنگ غیر اسلامی، حدود سی دانش‌آموز را از گروه ابتدائی و متوسطه به شکل گروه سرود در مسجد جمع کرده‌ایم که این افراد درسهائی از قرآن کریم، احکام و اخلاق اسلامی را به مقتضای سن و سطح فکری شان

فرامی گیرند. اقدام به این کار چه حکمی دارد؟ استفاده از آلت موسیقی ارک توسط گروه چه حکمی دارد؟ انجام تمرین بوسیله آن در مسجد با رعایت موازین شرعی و مقررات مربوطه و متعارف رادیو و تلویزیون و وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران دارای چه حکمی است؟

ج: مقابله با تهاجم فرهنگی و اقدام به امر معروف و نهی از منکر مستلزم استفاده از آلات موسیقی، بخصوص در مسجد نیست. تعلیم قرآن و احکام و آموزش اخلاق اسلامی و تمرین سرودهای مذهبی و انقلابی در مسجد اشکال ندارد، ولی در هر حال مراعات شأن و جایگاه مسجد واجب است و مزاحمت نمازگزاران جایز نیست.

س ۴۱۷: آیا نمایش فیلم‌های سینمایی که توسط وزارت ارشاد اسلامی ایران توزیع می‌شود، در مسجد برای شرکت کنندگان در جلسات قرانی، اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج: تبدیل مسجد به مکانی برای نمایش فیلم‌های سینمایی جایز نیست ولی نمایش فیلم‌های مذهبی و انقلابی دارای محتوای مفید و آموزنده به مناسبت خاصی و بر حسب نیاز و تحت نظارت امام جماعت مسجد اشکال ندارد.

س ۴۱۸: آیا پخش موسیقی شاد از مسجد به مناسبت جشن میلاد ائمه معصومین «علیهم السلام» شرعاً اشکال دارد؟

ج: واضح است که مسجد جایگاه شرعی خاصی دارد، لذا اگر پخش موسیقی در آن منافعی با حرمت مسجد باشد، حرام است حتی اگر موسیقی غیرمضطرب باشد.

س ۴۱۹: استفاده از بلندگوهای مساجد که صدا را در خارج از مسجد پخش می‌کنند، تا چه وقت جایز است؟ پخش سرودهای انقلابی یا قرآن کریم قبل از اذان چه حکمی

دارد؟

ج: پخش قرائت قرآن کریم برای چند دقیقه قبل از اذان در وقتهایی که باعث اذیت و آزار همسایگان و اهل محل نشود، اشکال ندارد.

س ۴۲۰: مسجد جامع چه تعریفی دارد؟

ج: مسجد جامع مسجدی است که در شهر برای اجتماع همه اهل شهر بنا شده است بدون این که اختصاص به گروه و قشر خاصی داشته باشد.

س ۴۲۱: قسمت سر پوشیده‌ای از یک مسجد حدود سی سال است که متروکه و تبدیل به خرابه شده و نماز در آن اقامه نمی‌شود و بخشی از آن به عنوان انبار مورد استفاده قرار می‌گیرد. نیروهای بسیجی که حدود پانزده سال است در این قسمت سقف دار مستقر هستند، تعمیراتی را در آن انجام داده‌اند زیرا وضعیت بسیار نامناسبی داشت و سقف آن هم در معرض ریزش بود. و چون برادران بسیجی آگاهی از احکام شرعی مسجد نداشتند و افراد مطلع هم آنها را آگاه نکردند، اقدام به ساختن چند اتاق در این قسمت نمودند که بر اثر آن مبالغ زیادی خرج شد و در حال حاضر کارهای ساختمانی رو به پایان است. امیدواریم حکم شرعی موارد زیر را بیان فرمائید:

۱- بر فرض این که متصدیان این کار و گروه ناظر بر آن جاهل به مسئله باشند، آیا در برابر مخارجی که از بیت المال صرف کرده‌اند ضامن هستند؟ و آیا مرتکب گناه شده‌اند؟

۲- با توجه به این که مخارج مزبور از بیت المال بوده، آیا اجازه می‌دهید تا زمانی که مسجد به این قسمت احتیاج ندارد و نماز در آن اقامه نمی‌شود. از آن اتاق‌ها با رعایت کامل احکام شرعی مسجد، برای فعالیت‌های آموزشی مانند آموزش قرآن کریم و احکام شرعی و سایر امور مسجد استفاده شود؟ و آیا اقدام به تخریب اتاق‌ها

واجب است؟

ج: واجب است قسمت سرپوشیده مسجد با خراب کردن اتاق هائی که در آن ساخته شده است به حالت قبل برگردد، و اگر مخارج احداث اتاقها ناشی از تعدی و تفریط و عمد و تقصیر نباشد معلوم نیست کسی ضامن آن باشد، و استفاده از قسمت سرپوشیده مسجد برای تشکیل جلسات آموزش قرآن کریم و احکام شرعی و معارف اسلامی و سایر مراسم دینی و مذهبی، اگر مزاحمت برای نمازگزاران ایجاد نکند و تحت نظارت امام جماعت مسجد باشد، اشکال ندارد، و باید امام جماعت و نیروهای بسیجی و سایر مسئولین مسجد با هم همکاری کنند تا حضور نیروهای بسیجی در مسجد استمرار پیدا کند و خللی در انجام وظائف عبادی مانند نماز و غیر آن هم پیش نیاید.

س ۴۲۲: در طرح توسعه یکی از خیابانها چند مسجد در مسیر طرح قرار می‌گیرد که باید بعضی از آنها بطور کلی خراب شوند و در بقیه قسمتی از آنها تخریب گردد تا حرکت وسائط نقلیه براحتی صورت گیرد. خواهشمند است نظر شریف را بیان فرمائید.

ج: خراب کردن تمام مسجد یا قسمتی از آن جایز نیست مگر در صورت وجود مصلحتی که اهمیت ندادن و بی توجهی به آن ممکن نباشد.

س ۴۲۳: آیا استفاده شخصی و اندک از آب مساجد که مخصوص وضو گرفتن است جایز است؟ مثل این که مغازه داران از آن برای نوشیدن، درست کردن چائی و یا برای ماشین استفاده کنند با توجه به این که آن مسجد واقف خاصی ندارد که از این اعمال جلوگیری نماید.

ج: اگر وقف آب برای خصوص وضو گرفتن نمازگزاران معلوم نباشد و عرف رایج در محله مسجد، این باشد که همسایه‌ها و عبورکنندگان هم از آب آن استفاده می‌کنند،

اشکال ندارد، هر چند احتیاط در این مورد، مطلوب است.

س ۴۲۴: مسجدی در مجاورت قبرستانی، وجود دارد و هنگامی که بعضی از مومنین به زیارت اهل قبور می‌آیند از آب مسجد برای پاشیدن روی قبرهای ارحام خود استفاده می‌کنند و ما نمی‌دانیم که این آب عمومی است یا وقف خاص مسجد، و بر فرض هم که وقف خاص مسجد نباشد، معلوم نیست که مخصوص وضو گرفتن و دستشویی رفتن است یا خیر، آیا استفاده مذکور از آن آب جایز است؟

ج: اگر استفاده از آب مسجد برای پاشیدن روی قبرهایی که خارج از آن قرار دارد، امر رایجی است و کسی به آن اعتراض نمی‌کند و دلیلی هم بر وقف آن آب برای خصوص وضو و تطهیر نیست، استفاده از آن برای امر مذکور اشکال ندارد.

س ۴۲۵: اگر مسجد نیاز به تعمیر داشته باشد، آیا اجازه گرفتن از حاکم شرع یا وکیل او واجب است؟

ج: اگر تعمیر داوطلبانه و تبرعی (از مال شخصی افراد خیر) باشد، نیازی به اجازه حاکم شرع نیست.

س ۴۲۶: آیا جایز است وصیت کنم که مرا بعد از مردن در مسجد محله که تلاش فراوانی برای آن کرده‌ام دفن نمایند. زیرا دوست دارم در داخل یا صحن آن دفن شوم؟

ج: اگر هنگام اجرای صیغه وقف، دفن میّت استثناء نشده باشد، دفن در مسجد جایز نیست و وصیت شما در این مورد اعتباری ندارد.

س ۴۲۷: مسجدی حدود بیست سال پیش ساخته شده و به نام مبارک صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زینت یافته است، ولی معلوم نیست که این اسم در صیغه وقف مسجد ذکر شده باشد. تغییر اسم مسجد از صاحب الزمان «عجل الله فرجه

الشریف» به مسجد جامع چه حکمی دارد؟

ج: مجرد تغییر اسم مسجد مانعی ندارد.

س ۴۲۸: در مساجدی که از محل نذورات خاص مسجد و تبرعات مؤمنین به برق و سیستم تهویه مجهز شده‌اند، هنگامی که شخصی از اهالی محل فوت می‌کند، برای او مجلس فاتحه در مسجد برگزار می‌شود که در آن از برق و سیستم تهویه مسجد استفاده می‌گردد و برگزارکنندگان مراسم آن هزینه‌ها را نمی‌پردازند. آیا این کار شرعاً جایز است؟

ج: جواز استفاده از امکانات مسجد در مجالس اقامه فواتح برای اموات و امثال آن منوط به کیفیت وقف و نذر آن امکانات برای مسجد است.

س ۴۲۹: در روستائی مسجد نو سازی وجود دارد که در مکان مسجد قبلی بنا شده است. در گوشه‌ای از این مسجد که زمین آن جزء مسجد قبلی است. بر اثر جهل به مسئله، اتافی برای تهیه چائی و مانند آن و کتابخانه‌ای در نیم طبقه قسمتی از شبستان مسجد در داخل شبستان مسجد ساخته شده است. خواهشمندیم نظر خود را در این باره و مسئله تکمیل و کیفیت استفاده از نصف دور داخلی مسجد، بیان فرمائید.

ج: ساختن اتاق مخصوص چائی در محل مسجد قبلی صحیح نیست و واجب است آن مکان به حالت مسجد بودن خود برگردد. نیم طبقه داخل شبستان مسجد هم در حکم مسجد است و همه احکام و آثار شرعی آن را دارد، ولی نصب قفسه‌های کتاب و حضور در آنجا برای مطالعه، اگر مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند اشکال ندارد.

س ۴۳۰: رأی جنابعالی در مورد مسئله ذیل چیست؟

در یکی از روستاها مسجدی وجود دارد که رو به خرابی است ولی دلیلی برای خراب

کردن آن وجود ندارد زیرا مانع استمرار جاده نیست. آیا تخریب آن بطور کامل جایز است؟ همچنین این مسجد دارای مقداری ااثیه و اموال است، اینها باید به چه کسی داده شوند؟

ج: تخریب و ویران کردن مسجد جایز نیست و بطور کلی خراب کردن مسجد آن را از مسجد بودن خارج نمی‌کند. ااث و لوازم مسجد اگر مورد استفاده در آن نباشد، بردن آن به مساجد دیگر برای استفاده از آنها اشکال ندارد.

س ۴۳۱: آیا شرعاً ساخت موزه در گوشه‌ای از صحن مسجد بدون دخل و تصرف در ساختمان آن جایز است؟ مثل کتابخانه که امروزه جزئی از مسجد را تشکیل می‌دهد؟
ج: ایجاد موزه یا کتابخانه در گوشه صحن مسجد اگر مخالف کیفیت وقف تالار و شبستان و صحن مسجد باشد و یا موجب تغییر ساختمان مسجد گردد، جایز نیست. بهتر این است مکانی در کنار مسجد برای این منظور تهیه شود.

س ۴۳۲: مکانی وقفی وجود دارد که در آن مسجد، مدرسه علوم دینی و کتابخانه عمومی بنا شده است که همگی آنها الان فعال هستند. این مکان در حال حاضر جزء نقشه مکان‌هایی است که از طرف شهرداری باید خراب شوند. چگونه باید با شهرداری برای تخریب آن و گرفتن امکانات همکاری کرد تا بتوان آن را تبدیل به ساختمان بهتری نمود؟

ج: اگر شهرداری اقدام به تخریب آن و دادن عوض نماید و آن را تحویل دهد، اشکال ندارد، ولی اصل خراب کردن مسجد و مدرسه وقفی فی نفسه جایز نیست، مگر در صورتی که مصلحت اهم غیر قابل چشم پوشی اقتضا کند.

س ۴۳۳: برای توسعه مسجد نیاز به کندن چند درخت از صحن آن است، آیا این عمل با توجه به بزرگ بودن صحن مسجد و وجود درختان زیاد در آنجا، جایز است؟

ج: اگر نیاز به توسعه مسجد باشد و داخل کردن صحن در آن و قطع درختان تغییر و تبدیل وقف شمرده نشود، اشکال ندارد.

س ۴۳۴: زمینی که جزء قسمت سرپوشیده مسجد بوده و بر اثر واقع شدن مسجد در مسیر طرح عمرانی شهرداری، در خیابان افتاده و قسمتی از آن به علت اضطرار تخریب شده، چه حکمی دارد؟

ج: اگر احتمال برگشت آن به حالت اولیه مسجد بودن ضعیف باشد، ترتب آثار شرعی مسجد بر آن معلوم نیست.

س ۴۳۵: مدتی است که در یکی از مساجد، نماز جماعت اقامه می‌کنم و اطلاعی از کیفیت وقف مسجد ندارم. با توجه به این که مسجد از جهت هزینه با مشکلاتی روبرو است، آیا اجازه دادن زیرزمین مسجد برای کاری که مناسب با شأن مسجد باشد، جایز است؟

ج: اگر زیر زمین عنوان مسجد را ندارد و جزء تأسیساتی نیست که مسجد به آن نیاز داشته باشد، و وقف آن هم وقف انتفاع نباشد اشکال ندارد.

س ۴۳۶: هیئت امنای مسجدی که املاکی برای اداره امور خود ندارد تصمیم گرفته‌اند زیرزمینی را در قسمت سقف دار مسجد برای ساختن کارگاه و تأسیسات عمومی برای خدمت به مسجد ایجاد نمایند، آیا این کار جایز است؟

ج: حفر زمین مسجد برای تأسیس کارگاه و مانند آن جایز نیست.

س ۴۳۷: آیا بطور مطلق جایز است کفّار داخل مساجد مسلمانان شوند هر چند برای مشاهده آثار تاریخی باشد؟

ج: ورود آنان به مسجد الحرام شرعاً ممنوع است، و در سایر مساجد هم اگر هنک و بی حرمتی مسجد شمرده شود جایز نیست، بلکه در سایر مساجد هم مطلقاً وارد نشوند.

س ۴۳۸: آیا نماز خواندن در مسجدی که توسط کفّار ساخته شده جایز است؟

ج: نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

س ۴۳۹: اگر کافری داوطلبانه مالی را برای کمک به ساختمان مسجد بدهد و یا کمک دیگری نماید، آیا قبول آن جایز است؟
ج: اشکال ندارد.

س ۴۴۰: اگر کسی شب به مسجد بیاید و در آن بخوابد و محتلم شود و پس از بیداری خروج از مسجد برایش ممکن نباشد، چه تکلیفی دارد؟

ج: اگر قادر بر خروج از مسجد و رفتن به جای دیگر نیست، واجب است فوراً تیمم نماید تا بقاء در مسجد برای او حلال شود.

احکام سایر مکانهای دینی

س ۴۴۱: آیا از نظر شرعی به ثبت رساندن حسینیه به نام اشخاص معین، جایز است؟
ج: ثبت ملکی حسینیه‌ای که وقف عام جهت اقامه مجالس دینی شده جایز نیست، و ثبت وقفی آن به نام اشخاص ضرورتی ندارد، به هر حال، ثبت وقفی آن به اسم افراد خاص بهتر است با اجازه و موافقت همه افرادی باشد که در ساختن آن حسینیه مشارکت داشته‌اند.

س ۴۴۲: در رساله‌های عملیه آمده است که شخص جنب و حائض جایز نیست داخل حرم ائمه «علیهم السلام» شوند. خواهشمند است توضیح بفرمائید که منظور از حرم، همان زیر گنبد است یا این که شامل همه ساختمان‌های ملحق به آن هم می‌شود؟

ج: مراد از حرم همان زیر گنبد مبارک و جائی است که به آن حرم و مشهد شریف گفته می‌شود، ولی ساختمان‌های ملحق به آن و شبستانها حکم حرم را ندارند و ورود جنب و حائض به آنها اشکال ندارد مگر جاهائی که عنوان مسجد را داشته

باشد.

س ۴۴۳: حسینیه‌ای در کنار مسجدی قدیمی ساخته شده است، در حال حاضر مسجد قدیم گنجایش نمازگزاران را ندارد، آیا می‌توان حسینیه را در مسجد ادغام کرد و از آن به عنوان مسجد استفاده نمود؟

ج: نماز خواندن در حسینیه اشکال ندارد ولی اگر حسینیه به عنوان حسینیه وقف صحیح شرعی شد، تبدیل آن به مسجد جایز نیست و همچنین ضمیمه کردن آن به مسجد به عنوان مسجد بودن هم جایز نیست.

س ۴۴۴: استفاده از فرشها و اجناس نذر شده برای مرقد یکی از فرزندان ائمه «علیهم السلام» در مسجد جامع محله، چه حکمی دارد؟

ج: اگر زائد بر نیاز مرقد امامزاده «علیه السلام» و زائران آن باشد، اشکال ندارد.

س ۴۴۵: آیا تکایائی که به نام حضرت ابوالفضل «علیه السلام» و غیر آن تاسیس می‌شود، حکم مسجد را دارد؟ لطفاً احکام آن را بیان فرمائید.

ج: تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد را ندارند.

لباس نمازگزار

س ۴۴۶: آیا نماز خواندن در لباسی که شک در نجس بودن آن دارم، صحیح است؟

ج: لباسی که نجس بودن آن مشکوک می‌باشد، محکوم به طهارت بوده و نماز خواندن با آن صحیح است.

س ۴۴۷: آیا نماز خواندن در کمر بند جرمی که از آلمان خریده‌ام و شک دارم از پوست طبیعی است یا مصنوعی و از پوست حیوان تذکیر شده است یا خیر، اشکال شرعی

دارد؟ نمازهایی که با آن خوانده‌ام چه حکمی دارد؟

ج: اگر شک در این باشد که آن چرم طبیعی است یا مصنوعی، نماز با آن اشکال ندارد، ولی اگر بعد از احراز چرم طبیعی بودن آن، شک در این باشد که آیا از حیوانی است که شرعاً تذکیه شده یا خیر، نجس نیست ولی نماز با آن باطل است و نمازهای گذشته که در حال جهل به حکم در این باره خوانده‌اید قضا ندارد.

س ۴۴۸: اگر نمازگزار یقین داشته باشد که نجاستی بر بدن یا لباسش وجود ندارد و نماز بخواند. بعداً معلوم شود که بدن یا لباس او نجس بوده است. آیا نماز وی باطل است؟ اگر در حین نماز متوجه نجاست شود نماز او چه حکمی دارد؟

ج: اگر اصلاً علم به نجس بودن لباس یا بدن نداشته باشد و بعد از نماز متوجه آن شود، نماز او صحیح است و اعاده و قضا واجب نیست. ولی اگر در اثناء نماز متوجه آن شود، اگر برای وی ازاله نجاست از بدن یا در آوردن لباس نجس بدون ارتکاب عملی که منافات با نماز دارد، ممکن باشد باید نجاست بدن را بر طرف یا لباس نجس را از خود دور کند و نماز خود را تکمیل نماید و اگر بر طرف کردن نجاست با حفظ حالت نماز برای او امکان ندارد و وقت هم وسعت دارد، واجب است نماز را قطع کند و با بدن و لباس پاک دوباره بخواند.

س ۴۴۹: فردی از مقلدین یکی از مراجع، مدت زمانی نماز خود را با پوست حیوانی که تذکیه آن مشکوک بوده و نماز با آن صحیح نیست، می‌خوانده است. طبق نظر مرجع تقلید او، اگر جزئی از حیوان حرام گوشت همراه او باشد، احتیاط واجب اعاده آن است.

آیا حیوانی که تذکیه آن مشکوک است، حکم حیوان حرام گوشت را دارد؟

ج: حیوانی که تذکیه آن مشکوک است، از لحاظ حرمت خوردن گوشت و عدم جواز نماز با پوست آن، در حکم میته است ولی نجس نیست و نمازهای گذشته اگر با

چهل به حکم در این باره انجام گرفته است محکوم به صحت است.

س ۴۵۰: زنی در اثنای نماز متوجه می شود که مقداری از موهایش پیدا است و فوراً آن را می پوشاند، آیا نماز خود را باید دوباره بخواند یا خیر؟

ج: تا زمانی که ظاهر شدن مو عمدی نباشد، اعاده واجب نیست.

س ۴۵۱: شخصی به علت اضطراب مجبور به تطهیر مخرج بول با سنگ یا چوب و یا هر چیز دیگری می شود و هنگامی که به منزل مراجعت می کند آن را با آب تطهیر می نماید، آیا باید هنگام نماز لباس زیر خود را عوض کرده یا تطهیر نماید؟

ج: اگر لباس او با رطوبت بول نجس نشده است، تطهیر لباس واجب نیست.

س ۴۵۲: بکار انداختن بعضی از دستگاههای صنعتی وارداتی با همکاری متخصصین بیگانه امکان پذیر است و آنها از دیدگاه فقه اسلامی کافر و نجس هستند، با توجه به این که به کار انداختن آن دستگاهها با استفاده از روغن و مواد دیگری که با دست ریخته می شوند صورت می گیرد، بنابراین پاک بودن آنها امکان ندارد، و همچنین با توجه به این که لباس و بدن کارگران هنگام کار، با این دستگاهها در تماس است و در وقت نماز فرصت تطهیر لباس و بدن را بطور کامل ندارند، تکلیف آنها نسبت به نماز چیست؟

ج: با احتمال این که کافری که اقدام به کاراندازی دستگاهها و وسائل می کند از اهل کتاب باشد که محکوم به طهارت هستند و یا در هنگام کار دستکش پوشیده باشد، به صرف این که دستگاه به وسیله کافر راه اندازی شده است، یقین به نجاست حاصل نمی شود و بر فرض یقین به نجاست دستگاه و تماس بدن و لباس کارگران با آن در حین کار، تطهیر بدن برای نماز واجب است و لباس هم باید عوض و یا تطهیر شود.

س ۴۵۳: اگر نمازگزار دستمال و امثال آن را که با خون نجس شده اند حمل کند و یا در جیب خود بگذارد، آیا نماز او باطل است؟

ج: اگر دستمال، بقدری کوچک باشد که نتوان عورت را با آن پوشاند، همراه بودن آن در نماز اشکال ندارد.

س ۴۵۴: آیا نماز در لباس معطر به عطرهای امروزی که حاوی الکل است، صحیح است؟

ج: اگر علم به نجاست آن عطرها نداشته باشد، نماز در لباسهای مذکور اشکال ندارد.

س ۴۵۵: زنان چه مقدار از بدن خود را باید هنگام نماز بپوشانند؟ آیا پوشیدن لباسهای آستین کوتاه و نپوشیدن جوراب اشکال دارد؟

ج: معیار این است که تمام بدن به غیر از صورت به مقداری که شستن آن در وضو واجب است و کف دو دست تا مچ و پاها تا مفصل ساق با لباسی هر چند چادر ایرانی باشد، پوشیده شود.

س ۴۵۶: آیا بر زنان پوشاندن روی پاها هنگام نماز واجب است؟

ج: پوشاندن پاها تا مفصل ساق واجب نیست.

س ۴۵۷: آیا پوشاندن کامل چانه هنگام حجاب و در نماز واجب است یا این که فقط قسمت پائین آن باید پوشانده شود؟ و آیا وجوب پوشش چانه مقدمه پوشاندن صورت است که شرعاً واجب می باشد؟

ج: پوشاندن قسمت پائین چانه واجب است نه خود آن، زیرا چانه جزئی از صورت است.

س ۴۵۸: آیا حکم صحیح بودن نماز در متنجسی که کافی برای پوشش عورت محسوب نمی شود، اختصاص به صورت نسیان و جهل نمازگزار به حکم یا موضوع دارد و یا

شامل شبهه حکمیه و موضوعیه هم می‌شود؟

ج: اختصاص به دو صورت جهل و نسیان ندارد بلکه نماز در متنجسی که کافی برای پوشش عورت نیست، حتی در صورت علم هم صحیح است.

س ۴۵۹: آیا وجود مو یا آب دهان گریه در لباس نمازگزار باعث بطلان نماز او می‌شود؟
ج: بله، موجب بطلان نماز است.

پوشیدن طلا و نقره و بکار بردن آن

س ۴۶۰: بدست کردن انگشتر طلا توسط مردان بخصوص در نماز چه حکمی دارد؟
ج: بدست کردن انگشتر طلا برای مردان در هیچ حالی جایز نیست و نماز با آن هم باطل است.

س ۴۶۱: استفاده مردان از انگشتری که از جنس طلای سفید است، چه حکمی دارد؟
ج: اگر چیزی که طلای سفید نامیده می‌شود از موادی غیر از طلای زرد ترکیب شده باشد، به دست کردن آن حرام نیست.

س ۴۶۲: آیا استفاده از طلا بدون قصد زینت به طوری که دیگران نبینند، اشکال شرعی دارد؟

ج: پوشیدن طلا خواه حلقه انگشتری باشد یا غیر آن برای مردان مطلقاً حرام است هر چند به قصد زینت نباشد و از دید دیگران مخفی باشد.

س ۴۶۳: استفاده از طلا برای مردان به مدت کوتاه چه حکمی دارد؟ ما اشخاص بسیاری را مشاهده می‌کنیم که می‌گویند استفاده از آن برای مدت کوتاه، مثل لحظه عقد، اشکال ندارد.

ج: پوشیدن طلا برای مرد حرام است، و فرقی بین مدت کم یا زیاد نیست.

س ۴۶۴: با توجه به احکام لباس نمازگزار و حرام بودن زینت کردن با طلا بر مردان، خواهشمندیم به دو سؤال زیر پاسخ فرمائید:

الف - آیا مقصود از زینت با طلا، مطلق استفاده از آن توسط مردان است هر چند برای جراحی استخوان و دندانسازی باشد؟

ب - با توجه به این که در شهر ما به دست کردن انگشتر طلای زرد توسط جوانانی که تازه ازدواج می‌کنند، مرسوم است و این امر از نظر عموم مردم برای مرد زینت محسوب نمی‌شود بلکه علامت آغاز زندگی زناشویی فرد است، نظر حضرت‌تعالی در این باره چیست؟

ج: الف: ملاک حرمت استفاده از طلا برای پوشیدن یا به گردن آویختن توسط مردان، صدق زینت نیست، بلکه استفاده از آن به هر صورت و به هر قصدی حرام است هر چند انگشتر، حلقه، گردنبند و مانند آن باشد. ولی استفاده از آن توسط مردان برای عملیات جراحی و دندانسازی اشکال ندارد.

ب: استفاده از انگشتری طلای زرد توسط مردان در هر حال حرام است.

س ۴۶۵: ساخت و فروش جواهرات طلا که مخصوص مردان است و زنان از آنها استفاده نمی‌کنند، چه حکمی دارد؟

ج: ساخت جواهرات طلا اگر به منظور استفاده مردان باشد، حرام است و خرید و فروش آن به این قصد جایز نیست.

س ۴۶۶: در بعضی از میهمانیها دیده می‌شود که شیرینی‌ها را در ظرفهای نقره‌ای می‌گذارند، آیا این کار، خوردن غذا در ظرف نقره محسوب می‌شود؟ و حکم آن چیست؟

ج: اگر برداشتن غذا و مانند آن از ظرف نقره به قصد خوردن استعمال ظرف نقره محسوب باشد، حرام است.

س ۴۶۷: آیا گذاشتن روکش طلا روی دندان اشکال دارد؟ روکش پلاتین چگونه؟
ج: گذاشتن روکش طلا یا پلاتین روی دندان اشکال ندارد، ولی پوشاندن دندان‌های
جلو با طلای زرد، اگر به قصد زینت باشد، خالی از اشکال نیست.

اذان و اقامه

س ۴۶۸: در روستای ما مؤذن همیشه اذان صبح را در ماه مبارک رمضان چند دقیقه قبل
از وقت می‌گوید تا مردم بتوانند تا وسط یا آخر اذان به خوردن و آشامیدن ادامه دهند،
آیا این کار صحیح است؟

ج: اگر گفتن اذان، مردم را به اشتباه نیندازد و به عنوان اعلام طلوع فجر نباشد،
اشکال ندارد.

س ۴۶۹: بعضی از افراد برای اعلان دخول وقت نماز، اقدام به گفتن اذان به صورت دسته
جمعی در معابر عمومی می‌کنند که الحمدلله این کار اثر زیادی در جلوگیری از فساد
علنی در منطقه داشته و موجب روی آوردن مردم بخصوص جوانان به نماز اول وقت
شده است. ولی فردی می‌گوید این عمل در دین اسلام وارد نشده و بدعت است و گفته
او باعث ایجاد شبهه در این زمینه شده است. نظر شریف حضرت تعالی چیست؟

ج: اذان اعلامی در اول وقت نمازهای واجب یومیه و تکرار آن با صدای بلند از
طرف شنوندگان از مستحبات شرعی موکّد است و اذان گفتن بصورت دسته جمعی
در معابر عمومی، اگر موجب بی‌احترامی، یا سدّ معبر و یا اذیت دیگران نشود،
اشکال ندارد.

س ۴۷۰: از آنجائی که اذان گفتن با صدای بلند یک عمل عبادی سیاسی است که ثواب

زیادی دارد، تعدادی از مومنین تصمیم گرفته‌اند که بدون بلندگو بالای بام خانه‌های خود بخصوص برای نماز صبح، اذان بگویند. سؤال این است که در صورت اعتراض بعضی از همسایگان این عمل چه حکمی دارد؟

ج: اذان گفتن بر بالای بام بنحو متعارف اشکال ندارد به شرطی که موجب اذیت دیگران و نگاه کردن به خانه‌های همسایگان نشود.

س ۴۷۱: پخش برنامه‌های خاص سحرهای ماه مبارک رمضان (به استثنای اذان صبح) از بلندگوی مسجد تا همگان آن را بشنوند، چه حکمی دارد؟

ج: در جاهائی که بیشتر مردم در شبهای ماه مبارک رمضان برای قرائت قرآن و خواندن دعا و شرکت در مراسم دینی و امثال آن بیدار هستند، اشکال ندارد. ولی اگر سبب اذیت همسایگان مسجد شود جایز نیست.

س ۴۷۲: آیا پخش آیات قرآنی قبل از اذان صبح و دعا بعد از آن با صدای بلند بوسیله بلندگوی مسجد و سایر مراکز بطوری که از چند کیلومتر دورتر قابل شنیدن باشد، جایز است؟ با توجه به این که این برنامه‌گاهی بیشتر از نیم ساعت طول میکشد.

ج: پخش اذان بنحو متعارف برای اعلام داخل شدن وقت نماز صبح بوسیله بلندگو، اشکال ندارد ولی پخش آیات قرآنی و دعا و غیر آن از بلندگوی مسجد، اگر موجب اذیت همسایگان شود توجیه شرعی ندارد بلکه دارای اشکال است و اصولاً اذیت دیگران با پخش تلاوت آیات قرآنی و ادعیه صحیح نیست.

س ۴۷۳: آیا جایز است مرد در نماز به اذان زن اکتفا کند؟

ج: بعید نیست که مرد بتواند به اذان زن در صورتی که تمام فصل‌های آن را از وی شنیده باشد، اکتفا کند.

س ۴۷۴: نظر شریف جنابعالی درباره شهادت سوم اذان که دلالت بر پیشوا بودن و

ولایت سید الاوصیاء علی بن ابی طالب «صلوات الله علیه و علیهم» می‌کند، در اذان و اقامه نماز واجب چیست؟

ج: شرعاً جزء اذان و اقامه نیست ولی گفتن آن اگر به قصد ورود و جزئیت برای اذان و اقامه نباشد اشکال ندارد. و در صورتی که فقط برای اقرار و اعتراف و شهادت به اعتقاد گوینده درباره خلیفه پیامبر اکرم «صلی الله علیه و علی اوصیائه المعصومین» باشد گفتن آن بهتر است.

قرائت و احکام آن

س ۴۷۵: نمازی که قرائت آن بلند خوانده نشده باشد، چه حکمی دارد؟

ج: بر مردان واجب است حمد و سوره را در نمازهای صبح و مغرب و عشاء بلند بخوانند. اگر سهواً یا جهلاً آهسته بخوانند نماز صحیح است ولی اگر از روی عمد باشد نماز باطل است.

س ۴۷۶: آیا اگر قصد خواندن قضا یا نماز صبح را داشته باشیم باید آن را بلند بخوانیم یا آهسته؟

ج: واجب است قرائت حمد و سوره در نمازهای صبح و مغرب و عشاء چه اداء باشد و چه قضاء در هر حالی بلند باشد حتی اگر قضا یا آنها در روز خوانده شود و اگر عمداً بلند نخواند باطل است.

س ۴۷۷: می‌دانیم که یک رکعت از نماز متشکل از نیت، تکبیرة الاحرام، حمد، سوره، رکوع و سجده است، و از طرف دیگر در نماز ظهر و عصر و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت سوم و چهارم نماز عشاء آهسته خواندن واجب است. ولی در نماز جماعتی که از

رادیو و تلویزیون مستقیماً بخش می‌کنند مشاهده می‌شود که امام جماعت ذکر رکوع و سجده رکعت سوم را بلند می‌خواند، با توجه به اینکه آن رکوع و سجده دو جزء رکعتی هستند که آهسته خواندن در آن واجب است. این مسأله چه حکمی دارد؟

ج: وجوب بلند خواندن در نمازهای مغرب و عشاء و صبح و وجوب آهسته خواندن در نماز ظهر و عصر، مختص به قرائت حمد و سوره است. همانگونه که وجوب آهسته خواندن در غیر از دو رکعت اول نماز مغرب و عشاء، فقط مخصوص قرائت حمد یا تسبیحات در رکعت سوم و چهارم است. ولی در ذکر رکوع و سجده و تشهد و سلام و دیگر ذکرهای واجب در نمازهای پنجگانه، مکلف بین آهسته یا بلند خواندن مخیر است.

س ۴۷۸: اگر شخص بخواهد علاوه بر هفده رکعت نماز واجب روزانه، هفده رکعت نماز قضاء احتیاطی هم بخواند، آیا قرائت دو رکعت اول و دوم نمازهای صبح و مغرب و عشاء را باید بلند بخواند یا آهسته؟

ج: در وجوب جهر و اخفات در نمازهای واجب فرقی بین نماز اداء و قضا وجود ندارد هر چند نماز قضا احتیاطی باشد.

س ۴۷۹: می‌دانیم که کلمه «صلاة» به حرف «تاء» ختم می‌شود ولی در اذان «حی علی الصلاة» با «هاء» گفته می‌شود، آیا این صحیح است؟

ج: ختم لفظ صلوة به هاء، هنگام وقف اشکال ندارد بلکه متعین است.

س ۴۸۰: با توجه به نظر حضرت امام «قدس سره» در تفسیر سوره مبارکه حمد مبنی بر راجح بودن لفظ «ملک» بر «مالک»، آیا هنگام قرائت این سوره مبارکه، احتیاط در قرائت به هر دو صورت در نمازهای واجب و غیر واجب، صحیح است؟

ج: احتیاط در این مورد اشکال ندارد.

س ۴۸۱: آیا صحیح است نمازگزار هنگام خواندن «غیر المغضوب علیهم» آن را بدون عطف فوری، با وقف بخواند و سپس «ولا الضالین» را قرائت نماید؟ آیا در تشهد وقف بر «محمد» «صلی الله علیه و آله» در جمله «اللهم صلّ علی محمد» و سپس قرائت عبارت «آل محمد» صحیح است؟

ج: وقف و فاصله تا مقداری که به وحدت جمله ضرر نزنند اشکال ندارد.

س ۴۸۲: استفتاء زیر از حضرت امام «قدس سره» شده است:

با توجه به تعدد اقوال در تلفظ «الضاد» در علم تجوید، شما به کدام قول عمل می‌کنید؟

امام «قدس سره» در پاسخ نوشته‌اند: شناخت مخارج حروف بر اساس نظرات علمای تجوید، واجب نیست بلکه باید تلفظ هر حرفی به صورتی باشد که نزد عُرَف عرب صدق کند که آن حرف را ادا کرده است.

سؤال ما این است که اولاً: عبارت «نزد عرف عرب صدق کند که آن حرف را ادا کرده است» به چه معنی است؟

ثانیاً: آیا قواعد علم تجوید هم همانند قواعد علم صرف و نحو از عرف و کلام عرب استخراج نشده است؟ در این صورت چگونه می‌توان قائل به جدائی آن دو از ریشه خود شد؟

ثالثاً: اگر برای کسی از طریق معتبر یقین حاصل شود که حروف را هنگام قرائت از مخارج صحیح خود ادا نمی‌کند و یا به طور کلی حروف و کلمات را صحیح تلفظ نمی‌نماید و زمینه مناسبی برای یادگیری از جمیع جهات دارد مثل این که استعداد خوبی و یا فرصت مناسبی برای فراگیری این علم دارد، آیا واجب است در حد استعداد، سعی در آموختن قرائت صحیح نماید؟

ج: ملاک در صحت قرائت موافقت آن با نحوه قرائت اهل لغتی است که قواعد تجوید از آنها گرفته شده است. بنابراین اگر اختلاف نظرات علمای تجوید در کیفیت تلفظ یکی از حروف ناشی از اختلاف آنان در فهم نحوه تلفظ اهل لغت باشد، مرجع حل اختلاف، خود عرف اهل لغت است. ولی اگر اختلاف نظرات آنان ناشی از اختلاف خود آنان در کیفیت تلفظ باشد، مکلف در انتخاب هر یک از آن اقوال مخیر است. و کسی که قرائت خود را صحیح نمی داند باید در صورت تمکن برای یادگیری قرائت صحیح اقدام نماید.

س ۴۸۳: کسی که از ابتدا و یا بر حسب عادت قصد خواندن سوره فاتحه و اخلاص را داشت و بسم الله الرحمن الرحیم را گفت ولی سهواً سوره را تعیین نکرد، آیا باید از اول، سوره معینی را قصد نماید و بعد بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت کند؟

ج: اعاده بسم الله الرحمن الرحیم واجب نیست، بلکه می تواند برای خواندن هر سوره ای به آن اکتفا کند.

س ۴۸۴: آیا اداء کامل الفاظ عربی در نماز واجب است؟ آیا اگر کلمات بصورت عربی صحیح و کامل تلفظ نشود، نماز محکوم به صحت است؟

ج: واجب است همه ذکرهای واجب نماز از قبیل قرائت حمد و سوره و غیر آنها به طور صحیح قرائت شود و اگر نمازگزار کیفیت صحیح تلفظ کلمات عربی را نمی داند واجب است یاد بگیرد و اگر قادر به یادگیری نیست، معذور است.

س ۴۸۵: آیا بر قرائت قلبی در نماز یعنی گذراندن کلمات در قلب بدون تلفظ آنها، قرائت صدق می کند یا خیر؟

ج: عنوان قرائت بر آن صدق نمی کند و در نماز واجب است کلمات تلفظ شوند به طوری که قرائت بر آن صدق کند.

س ۴۸۶: بنا بر نظر بعضی از مفسرین، تعدادی از سوره‌های قرآن کریم مثل سوره فیل، قریش، انشراح، وضحی یک سوره کامل محسوب نمی‌شوند. آنان می‌گویند: کسی که یکی از آن دو سوره مثل سوره فیل را در نماز قرائت کند حتماً باید بعد از آن. سوره قریش را هم بخواند و همچنین دو سوره انشراح وضحی باید با هم قرائت شوند. بنابراین اگر کسی بر اثر جهل به مسأله، سوره فیل یا انشراح را به تنهایی در نماز بخواند وظیفه او چیست؟

ج: اگر جاهل به مسأله بوده، نمازهای گذشته او که در آنها فقط یکی از سوره‌های فیل و ایلاف یا ضحی و الم نشرح را خوانده، محکوم به صحت است.

س ۴۸۷: اگر شخصی هنگام نماز بر اثر غفلت در رکعت سوم یا چهارم نماز ظهر، حمد و سوره بخواند و بعد از نماز متوجه شود، آیا اعاده نماز بر او واجب است؟ و اگر متوجه نشود، آیا نماز وی صحیح است؟

ج: در فرض سؤال، نمازش صحیح است.

س ۴۸۸: طبق نظر امام خمینی «قدس سره» ملاک آهسته خواندن قرائت در نماز ظهر و عصر، عدم جهر است و ما می‌دانیم که به استثنای ده حرف، بقیه حروف با صدا هستند، بنابراین اگر نماز ظهر و عصر را آهسته و بدون صدا بخوانیم هجده حرف صدا دار درست تلفظ نخواهند شد، خواهشمند است این مسئله را توضیح فرمائید.

ج: ملاک اخفات (آهسته خواندن) عدم وجود جوهر صدا نیست بلکه ملاک آشکار نکردن آن است و در مقابل، ملاک جهر (بلند خواندن) آشکار کردن جوهر صدا است.

س ۴۸۹: افراد خارجی اعم از زن و مرد که مسلمان می‌شوند و شناختی نسبت به کلمات عربی ندارند، چگونه می‌توانند واجبات دینی خود اعم از نماز و غیره را انجام دهند؟ و

اصولاً نیازی به فراگیری عربی برای این کار وجود دارد؟

ج: یادگیری تکبیرة الاحرام، حمد، سوره، تشهد و سلام نماز و هر چیزی که عربی بودن در آن شرط است، واجب می باشد.

س ۴۹۰: آیا دلیلی بر این که نافله های شب و یا نافله نمازهایی که بلند خواندن قرائت در آنها واجب است، باید بلند خوانده شوند و نافله نمازهایی که آهسته خواندن آن واجب است، باید آهسته خوانده شوند، وجود دارد؟ اگر جواب مثبت است آیا اگر نافله های نمازهای جهری آهسته خوانده شوند و همچنین برعکس، مجزی است؟

ج: قرائت در نافله های نمازهای جهری مستحب است بلند باشد و در نمازهای اخفاتی مستحب است آهسته باشد و اگر بر عکس هم انجام شود مجزی است.

س ۴۹۱: آیا بعد از قرائت سوره حمد در نماز واجب است یک سوره کامل خوانده شود یا تلاوت مقداری از قرآن کریم هم کافی است؟ و در صورت اول آیا بعد از قرائت سوره خواندن بعضی از آیات قرآنی جایز است؟

ج: در نمازهای واجب یومیه، قرائت آیاتی از قرآن کریم بجای سوره کامل، مجزی نیست. ولی قرائت بعضی از آیات به قصد قرآن بعد از قرائت یک سوره کامل، اشکال ندارد.

س ۴۹۲: اگر بر اثر سهل انگاری و یا لهجه ای که انسان به آن تکلم می کند، اشتباهی در قرائت حمد و سوره و یا در اعراب و حرکات کلمات نماز رخ دهد مثلاً کلمه یولد به جای فتح لام، به کسر لام خوانده شود، نماز چه حکمی دارد؟

ج: اگر عامد یا جاهل مقصر (قادر بر یادگیری) باشد، نماز باطل است والا نماز صحیح است.

س ۴۹۳: شخصی است که حدود ۳۵ یا ۴۰ سال سن دارد و پدر و مادرش در دوران

کودکی به او نماز یاد نداده‌اند و سواد هم ندارد اما سعی کرده است که نماز را به صورت صحیح یاد بگیرد، ولی قادر بر ادای صحیح کلمات و ذکرهای نماز نیست و بعضی از کلمات را اصلاً نمی‌تواند تلفظ کند، آیا نماز او صحیح است؟

ج: اگر آنچه را که قادر بر تلفظ آن است انجام دهد، نمازش محکوم به صحت است. س ۴۹۴: من کلمات نماز را همانگونه که از پدر و مادرم آموخته‌ام و در دبیرستان آموزش داده‌اند، تلفظ می‌کردم. بعداً متوجه شدم که کلمات را اشتباه ادا می‌کرده‌ام. آیا طبق فتوای امام «قدس سره» اعاده نماز بر من واجب است یا آنکه همه نمازهایی را که به آن صورت خوانده‌ام، صحیح هستند؟

ج: در فرض سؤال، تمامی نمازهای گذشته محکوم به صحت است و اعاده و قضاء ندارد.

س ۴۹۵: آیا اگر کسی که بر اثر ابتلاء به بیماری لالی قادر بر تکلم نیست ولی حواس سالمی دارد، نمازش را با اشاره بخواند صحیح است؟ ج: نماز او در فرض مزبور صحیح و مجزی است.

ذکر نماز

س ۴۹۶: آیا قرائت عمدی ذکرهای رکوع و سجده بجای یکدیگر اشکال دارد؟

ج: اگر آنها را به قصد مطلق ذکر خداوند عز و جل بگوید، اشکال ندارد و رکوع و سجده و نماز همگی صحیح هستند.

س ۴۹۷: اگر شخصی سهواً در سجده ذکر رکوع را بگوید و یا بر عکس، در رکوع ذکر سجده را بگوید و در همان حال متوجه اشتباه خود شده و آن را اصلاح نماید، آیا نماز

او باطل است؟

ج: اشکال ندارد و نمازش صحیح است.

س ۴۹۸: اگر نماز گزار در هنگام نماز و یا بعد از فراغت از آن متوجه شود که ذکر را

اشتباه گفته است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر از محل ذکر یعنی رکوع و سجده تجاوز کند، چیزی بر او واجب نیست.

س ۴۹۹: آیا یک بار گفتن تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کافی است؟

ج: کافی است هر چند احتیاط این است که سه مرتبه گفته شود.

س ۵۰۰: تعداد تسبیحات اربعه در نماز سه مرتبه است ولی فردی سهواً چهار بار گفته

است، آیا نماز او در پیشگاه خداوند مقبول است؟

ج: اشکال ندارد.

س ۵۰۱: کسی که نمی‌داند تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه

گفته یا بیشتر و یا کمتر، چه حکمی دارد؟

ج: یک مرتبه نیز کفایت می‌کند و چیزی بر او واجب نیست و تابه رکوع نرفته

می‌تواند بنا را بر اقل گذاشته و تسبیحات را تکرار نماید تا یقین کند که آن را سه

مرتبه گفته است.

س ۵۰۲: آیا قرائت «بحول الله و قوته اقوم واقعد» هنگام نماز در حال حرکت جایز

است؟ و آیا گفتن آن در حال قیام صحیح است؟

ج: اشکال ندارد و اصولاً این ذکر در حالت قیام برای رکعت بعدی گفته می‌شود.

س ۵۰۳: مراد از ذکر چیست؟ آیا شامل صلوات بر پیامبر «صلی الله علیه و آله» و خاندان آن

حضرت می‌شود؟

ج: هر عبارتی که متضمن ذکر خداوند عزوجل باشد، ذکر محسوب می‌شود و

صلوات بر محمد و آل محمد «عليهم افضل صلوات الله» از بهترین ذکرهاست.
 س ۵۰۴: هنگامی که در نماز وتر که یک رکعت است دستها را برای قنوت بلند کرده و حاجات خود را از خداوند عزوجل طلب می‌کنیم، آیا طلب حاجات به زبان فارسی اشکال دارد؟
 ج: دعا در قنوت به زبان فارسی اشکال ندارد بلکه هر دعائی را در قنوت می‌توان به هر زبانی خواند.

سجده و احکام آن

س ۵۰۵: سجده و تیمم بر سیمان و موزائیک چه حکمی دارد؟
 ج: سجده و تیمم بر آن دو اشکال ندارد. اگرچه احوط ترک تیمم بر سیمان و موزائیک است.
 س ۵۰۶: آیا گذاشتن دستها هنگام نماز بر موزائیکی که دارای سوراخهای ریزی است، اشکال دارد؟
 ج: اشکال ندارد.
 س ۵۰۷: آیا سجده بر مهر که سیاه و چرک شده بطوری که لایه‌ای از چرک روی آن را پوشانده و مانع چسبیدن پیشانی روی مهر است، اشکال دارد؟
 ج: اگر چرک روی مهر به مقداری باشد که حائل بین پیشانی و مهر شود، سجده و نماز باطل است.
 س ۵۰۸: آیا بر زنی که هنگام سجده بر مهر، پیشانی وی بخصوص جای سجده با حجاب پوشیده شده است، اعاده نمازهایش واجب است؟

ج: اگر هنگام سجده متوجه وجود حائل نبوده، اعاده بر او واجب نیست.

س ۵۰۹: زنی هنگام سجده، سر خود را روی مهر گذاشته، متوجه می‌شود که پیشانی وی به طور کامل با مهر تماس ندارد زیرا چادر یا روسری وی مانع از تماس کامل پیشانی با مهر است، لذا سرش را از روی آن بلند کرده و بعد از رفع مانع دوباره روی مهر گذاشته است، نماز او چه حکمی دارد؟ اگر عمل وی سجده مستقلی محسوب شود،

نمازهایی که خوانده است چه حکمی دارد؟

ج: واجب است بدون این که سر خود را از زمین بلند کند، پیشانی اش را حرکت دهد تا روی مهر قرار بگیرد. و اگر بلند کردن پیشانی از زمین برای سجده روی مهر بر اثر جهل یا فراموشی بوده و این عمل را فقط در یکی از دو سجده یک رکعت انجام می‌داده، نمازش صحیح است و اعاده واجب نیست. ولی اگر این کار با علم و عمد بوده و یا در هر دو سجده یک رکعت آن را انجام داده نمازش باطل و اعاده آن واجب است.

س ۵۱۰: در سجده باید هفت عضو از بدن روی زمین باشد، ولی ما به خاطر وضعیت خاص جسمی که داریم قادر به انجام این کار نیستیم زیرا از معلولین جنگی که از صندلی چرخدار استفاده می‌کنند هستیم و برای نماز یا مهر را به طرف پیشانی بلند می‌کنیم و یا آن را روی دسته صندلی چرخدار گذاشته و بر آن سجده می‌کنیم، آیا این کار صحیح است یا خیر؟

ج: اگر قادر به گذاشتن مهر روی دسته صندلی چرخدار یا چیز دیگر مانند بالشت یا چهار پایه و سجده بر آن هستید، باید سجده را بدین نحو انجام دهید و نماز شما صحیح است. در غیر این صورت به هر نحو که می‌توانید هر چند با ایما و اشاره، سجده و رکوع را انجام دهید و نماز شما صحیح است. انشاء الله موفق باشید.

س ۵۱۱: سجده بر سنگفرش مرمر مشاهده مشرفه چه حکمی دارد؟

ج: سجده بر سنگ مرمر اشکال ندارد.

س ۵۱۲: آیا جایز است هنگام سجده علاوه بر انگشت بزرگ پا، بعضی از انگشتان دیگر

آن را هم بر زمین بگذاریم؟

ج: اشکال ندارد.

س ۵۱۳: امروزه مهری برای نماز ساخته شده که با شمارش رکعت‌ها و سجده‌های

نمازگزار باعث می‌شود تا حدی شک او بر طرف گردد. با توجه به این که هنگام

گذاشتن پیشانی روی آن، مهر به خاطر دستگاه فلزی که زیر آن نصب شده است، به

سمت پائین حرکت می‌کند، آیا با این توصیف سجده بر آن صحیح است؟ امیدواریم

نظر شریف خود را بیان فرمائید.

ج: اگر محل گذاشتن پیشانی از چیزهایی باشد که سجده بر آن صحیح است و پس از

گذاشتن پیشانی ثابت و بی حرکت بماند، سجده بر روی آن اشکال ندارد.

س ۵۱۴: هنگام نشستن بعد از سجده کدام پا روی دیگری گذاشته می‌شود؟

ج: مستحب است بر ران چپ بنشینند و پشت پای راست را بر کف پای چپ

بگذارند.

س ۵۱۵: در سجده و رکوع بعد از قرائت ذکر واجب، گفتن چه ذکر افضل است؟

ج: تکرار همان ذکر واجب و بهتر است به عدد فرد ختم شود، و در سجده علاوه بر

آنچه گفته شد، صلوات و دعا برای حاجت‌های دنیا و آخرت مستحب است.

س ۵۱۶: هنگام شنیدن آیات سجده از بلندگو و رادیو که به صورت زنده و مستقیم

نیست، تکلیف شرعی چیست؟

ج: شنیدن آیات سجده از طریق نوار ضبط صوت باعث وجوب سجده نمی‌شود.

ولی اگر هنگام شنیدن آن از رادیو یا بلندگو، به صورت پخش مستقیم و زنده باشد، بنا بر احتیاط، سجده واجب است.

سلام نماز

س ۵۱۷: آیا جواب سلام کودکان اعم از دختر و پسر واجب است؟

ج: جواب سلام کودکان ممیز اعم از پسر و دختر مانند جواب سلام زنان و مردان واجب است.

س ۵۱۸: اگر کسی سلام را بشنود ولی به دلیل غفلت یا هر سبب دیگر جواب سلام را ندهد بطوری که زمان کمی فاصله شود، آیا بعد از آن گفتن جواب سلام واجب است؟
ج: اگر تأخیر به مقداری باشد که جواب سلام و ردّ تحیت بر آن صدق نکند، واجب نیست.

س ۵۱۹: اگر شخصی به گروهی سلام کند و بگوید «السلام علیکم جمیعاً» و یکی از آنان مشغول نماز باشد، آیا بر او هم جواب سلام واجب است حتی اگر دیگران جواب سلام را داده باشند؟

ج: اگر کس دیگری جواب آن را بدهد، احتیاط این است که اقدام به جواب گفتن نکند.

س ۵۲۰: نظر جناب عالی درباره ردّ تحیتی که به صیغه سلام نباشد، چیست؟

ج: اگر در حال نماز باشد، جواب دادن جایز نیست، ولی اگر در حال نماز نباشد، اگر کلامی است که عرف آن را تحیت محسوب می‌کند، احتیاط، جواب گفتن آن است.

س ۵۲۱: اگر شخصی در یک زمان چند بار سلام کند و یا چند نفر سلام دهند، آیا یکبار

جواب دادن از همه آنها کفایت می‌کند؟

ج: در صورت اول یک جواب کافی است. و در حالت دوم یک جواب به صیغه‌ای که شامل همه آنها گردد و به قصد جواب سلام آنان باشد، کافی است.

س ۵۲۲: شخصی هنگام سلام دادن به جای «سلام علیکم» از لفظ «سلام» استفاده می‌کند. آیا جواب سلام او واجب است؟

ج: اگر عرفاً بر آن تحیت و سلام صدق نماید، جواب دادن واجب است.

مبطلات نماز

س ۵۲۳: آیا نماز با ذکر شهادت به ولایت امیرالمومنین علی علیه السلام در تشهد، باطل می‌شود؟

ج: اموری که جزء تشهد نمازهای واجب نیست، اگر آن را به قصد این که شرعاً به عنوان جزئی از تشهد وارد شده است بگوید، نماز را باطل می‌کند هر چند آن امور فی نفسه حق و صحیح باشند.

س ۵۲۴: شخصی در عبادات خود مبتلا به ریا است و در حال حاضر با نفس خود مبارزه می‌کند. آیا این عمل وی نیز ریا محسوب می‌شود؟ و چگونه می‌توان از ریا دوری کرد؟

ج: واجب است عبادات به قصد قربت به خداوند عزوجل انجام شوند و برای رهایی از ریا باید در عظمت خداوند و ضعف و احتیاج خود و دیگران به خداوند تفکر نماید و همچنین در بندگی خود و دیگر مردم برای خداوند تبارک تعالی اندیشه کند.

س ۵۲۵: آیا بر زنان گذاشتن یک دست روی دست دیگر هنگام نماز واجب است؟
ج: واجب نیست و اگر به صورت تکتف باشد جایز هم نیست.

س ۵۲۶: هنگام شرکت در نماز جماعت برادران اهل سنت، بعد از قرائت سوره حمد توسط امام جماعت، کلمه «آمین» با صدای بلند و بصورت دسته جمعی گفته می‌شود، این کار چه حکمی دارد؟

ج: اگر مقتضای تقیه، گفتن آمین باشد، اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

س ۵۲۷: گاهی هنگام خواندن نماز واجب متوجه کودکی می‌شویم که در حال انجام کار خطرناکی است، آیا جایز است بعضی از کلمات سوره حمد یا سوره دیگر و یا بعضی از ذکرها را بلند بخوانیم تا کودک یا کسانی که در خانه هستند، متوجه شوند و خطر رفع گردد؟ اگر هنگام قیام نماز دست یا ابرو را برای فهماندن چیزی به کسی و یا در جواب سؤال او تکان دهیم، آن نماز چه حکمی دارد؟

ج: اگر بلند کردن صدا هنگام قرائت آیات یا ذکرهای نماز برای آگاه کردن دیگران، موجب خروج از هیئت نماز نشود، اشکال ندارد. مشروط بر این که قرائت و ذکر به نیت قرائت و ذکر باشد. ولی حرکت دادن دست یا چشم و ابرو اگر به نحوی باشد که با استقرار و آرامش و یا هیئت نماز منافات داشته باشد، موجب بطلان نماز می‌گردد.

س ۵۲۸: آیا اگر کسی هنگام نماز به خاطر یادآوری حرف خنده‌دار یا پیدایش حالت خنده‌آوری، بخندد، نمازش باطل می‌شود یا خیر؟

ج: اگر خنده با صدا (یعنی قهقهه) باشد، نماز باطل است.

س ۵۲۹: آیا مالیدن دستها به صورت بعد از قنوت در حال نماز، موجب بطلان آن

می‌گردد؟ و در صورتی که نماز را باطل کند، آیا معصیت و گناه محسوب می‌شود؟

ج: اشکال ندارد و نماز را باطل نمی‌کند.

س ۵۳۰: آیا بستن چشمها در نماز به این دلیل که باز بودن آنها فکر انسان را از نماز باز

می‌دارد، جایز است؟

ج: به هم گذاشتن چشم‌ها در نماز مانع شرعی ندارد.

س ۵۳۱: من گاهی در هنگام نماز به یاد حالت‌های ایمانی و معنوی که در دوران جنگ با

نظام کافر بعثی داشتم می‌افتم که باعث افزایش حالت خشوع من می‌شود، آیا این کار

نماز را باطل می‌کند؟

ج: به صحت نماز ضرر نمی‌زند.

س ۵۳۲: آیا ادامه قهر و دشمنی بین دو نفر، تا مدت سه روز موجب بطلان نماز و روزه

آنها می‌گردد؟

ج: وقوع دشمنی و قهر بین دو نفر، نماز و روزه را باطل نمی‌کند.

شکایات نماز

س ۵۳۳: کسی که در رکعت سوم نماز شک کند که قنوت را به جا آورده یا خیر، چه

حکمی دارد؟ آیا نمازش را تمام کند و یا از هنگام شک آن را قطع نماید؟

ج: به شک مذکور اعتنا نمی‌شود و نماز صحیح است و در این مورد چیزی بر مکلف

واجب نیست.

س ۵۳۴: آیا در نماز نافله به شک در غیر از رکعت‌های آن اعتنا می‌شود؟ مثل شک در

این که یک سجده انجام داده یا دو سجده؟

ج: شک در اقوال و افعال نماز نافله همان حکم شک در اقوال و افعال نماز فریضه را دارد، در این که اگر از محل آن تجاوز نکرده است به آن اعتنا می‌شود و اگر از محل انجام آن تجاوز کرده است، به آن اعتنا نمی‌شود.

س ۵۳۵: با توجه به این که کثیر الشک نباید به شک خود اعتنا کند، اگر برای او در نماز شکی پیش آمد، وظیفه‌اش چیست؟

ج: باید بنا بر انجام کاری بگذارد که در آن شک کرده است، مگر آنکه انجام آن موجب بطلان نماز شود که در این صورت بنا بر عدم انجام آن می‌گذارد، بدون این که در این مورد فرقی بین رکعتها و افعال و اقوال نماز باشد.

س ۵۳۶: اگر شخصی بعد از چند سال متوجه بطلان عبادت هایش شود و یا در آن شک کند، وظیفه‌اش چیست؟

ج: به شک بعد از عمل اعتنا نمی‌شود، و در صورت علم به بطلان، واجب است عبادت‌های قابل تدارک را قضاء نماید.

س ۵۳۷: اگر شخصی سهواً بعضی از اجزاء نماز را به جای بعضی دیگر انجام دهد و یا در هنگام نماز نگاهش به جایی بیفتد یا سهواً حرف بزند، آیا نماز او باطل است؟ وظیفه او چیست؟

ج: عمل سهوی در نماز موجب بطلان آن نمی‌شود، لیکن در بعضی از موارد باعث وجوب سجده سهو می‌گردد، مگر آنکه رکنی از نماز را کم یا زیاد کند که موجب بطلان نماز می‌شود.

س ۵۳۸: اگر فردی یک رکعت از نماز را فراموش کند و در رکعت آخر یادش بیاید، مثلاً فکر می‌کرد که رکعت اول نمازش رکعت دوم است لذا رکعت سوم و چهارم را هم به جا آورد، و در رکعت آخری متوجه شد که در رکعت سوم است، وظیفه او چیست؟

ج: واجب است هر رکعتی را که به جا نیاورده، قبل از سلام نمازیه جا آورد و سپس سلام دهد و در این صورت اگر سهواً عمل زائدی انجام داده یا بعضی از واجبات نماز را که رکن نیستند، سهواً ترک کرده باشد، باید دو سجده سهو هم انجام دهد، و اگر تشهد واجب نماز را در محل خود انجام نداده، بنا بر احتیاط قضای آن هم واجب است.

س ۵۳۹: برای مکلف دانستن تعداد رکعتهای نماز احتیاط، که یک رکعت است یا دو رکعت، چگونه ممکن است؟

ج: تعداد رکعتهای نماز احتیاط به مقدار کمبود احتمالی در نماز است. بنابراین در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط، واجب است. و در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته، واجب است.

س ۵۴۰: آیا اگر کلمه‌ای از ذکرهای نماز یا آیات قرآنی یا دعاهای قنوت، سهواً غلط خوانده شود، سجده سهو واجب می‌شود؟

ج: واجب نیست.

نماز قضا

س ۵۴۱: من تا سن هفده سالگی با مسئله احتلام و غسل و مانند آن آشنا نبودم و از کسی هم درباره آنها چیزی نشنیده بودم و خودم هم معنای جنابت و وجوب غسل را نمی‌فهمیدم، لذا نماز و روزه‌ام تا این سن اشکال دارد، امیدوارم وظیفه مرا بیان فرمائید.

ج: همه نمازهایی را که در حال جنابت خوانده‌اید باید قضا کنید، ولی روزه‌ی را که

در حال جنابت بدون علم به اصل جنابت گرفته‌اید صحیح و مجزی است و قضا ندارد.

س ۵۴۲: متأسفانه من در گذشته بر اثر نادانی و ضعف اراده مبتلا به عمل شنیع استمناء بودم، لذا گاهی نماز نمی‌خواندم که مدت دقیق آن را بیاد ندارم. نماز نخواندن من به صورت مستمر نبوده بلکه مربوط به زمانی است که جنب بودم و غسل نکردم که گمان می‌کنم حدود شش ماه باشد. تصمیم گرفته‌ام نمازهایم در این مدت را قضا کنم. آیا قضای آنها واجب است یا خیر؟

ج: هر مقدار از نمازهای روزانه‌ای را که می‌دانید انجام نداده‌اید و یا در حال جنابت خوانده‌اید، قضای آن بر شما واجب است.

س ۵۴۳: شخصی که نمی‌داند نماز قضا بر ذمه‌اش هست یا خیر، اگر نماز مستحبی یا نافله بخواند، بر فرض که نماز قضا داشته باشد، آیا به عنوان نماز قضای او محسوب می‌شود؟

ج: نوافل و نمازهای مستحب به جای نماز قضا محسوب نمی‌شوند، و اگر نماز قضا بر عهده او باشد، واجب است آن را به نیت نماز قضا بخواند.

س ۵۴۴: من حدود شش ماه است که به سن تکلیف رسیده‌ام. چند هفته قبل از رسیدن به آن سن فکر می‌کردم تنها علامت بلوغ، تمام کردن پانزده سال هجری قمری است. ولی اکنون کتابی راجع به علامتهای بلوغ پسران خواندم که در آن علامتهای دیگری برای بلوغ ذکر شده که در من وجود دارند ولی زمان پیدایش آنها را نمی‌دانم. آیا در حال حاضر قضای نماز و روزه بر عهده من هست یا خیر؟ با توجه به این که من گاهی نماز می‌خواندم و ماه رمضان سال گذشته را به طور کامل روزه گرفته‌ام. وظیفه من در این باره چیست؟

ج: قضای همه نمازها و روزه‌هایی که یقین به فوت آنها پس از رسیدن به سن بلوغ و تکلیف شرعی دارید، واجب است.

س ۵۴۵: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان سه بار غسل جنابت کند مثلاً در روزهای بیستم، بیست و پنجم و بیست و هفتم غسل نماید، و بعد یقین کند که یکی از آن غسلها باطل بوده است، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج: روزه‌اش صحیح است ولی بنا بر احتیاط، قضای نمازها بطوری که یقین به فراغت ذمه پیدا کند، واجب است.

س ۵۴۶: شخصی بر اثر جهل به حکم شرعی، مدتی ترتیب را در غسل رعایت نکرده است، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج: اگر غسل را به نحوی انجام داده که شرعاً باطل است قضای نمازهایی که در این حالت با حدث اکبر خوانده، واجب است. ولی روزه‌اش، اگر در آن هنگام اعتقاد به صحت غسل خود داشته، محکوم به صحت است.

س ۵۴۷: کسی که قصد دارد نماز قضای یک سال را بخواند، چگونه باید آن را انجام دهد؟

ج: می‌تواند با یکی از نمازها شروع کند و به ترتیبی که نمازهای پنجگانه یومیه را می‌خواند، آن را ادامه دهد.

س ۵۴۸: شخصی مدت زیادی نماز قضا بر عهده دارد، آیا می‌تواند آنها را به ترتیب زیر بجا آورد؟

۱- مثلاً بیست بار نماز صبح بخواند.

۲- هر یک از نماز ظهر و عصر را بیست بار بخواند.

۳- هر یک از نماز مغرب و عشاء را بیست بار بخواند و تا یک سال به همین صورت

ادامه دهد.

ج: قضای نمازها به ترتیب مذکور اشکال ندارد.

س ۵۴۹: شخصی از ناحیه سر مجروح شده و قسمتی از مغز وی آسیب دیده که بر اثر آن دست و پای چپ و زبانش فلج گشته است. و همچنین نماز را فراموش کرده و قادر به یادگیری آن نیست ولی می‌تواند اجزای نماز را با خواندن از کتاب و یا شنیدن از نوار، تشخیص دهد. در حال حاضر وی در رابطه با نماز دو مشکل دارد، یکی این که قدرت تطهیر محل بول و وضوگرفتن را ندارد، دوم این که در قرائت نماز مشکل دارد. تکلیف او چیست؟ و همچنین نسبت به نمازهایی که تقریباً به مدت شش ماه از او فوت شده است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر بتواند هر چند با کمک دیگران، وضو یا تیمم بگیرد واجب است نماز را به هر نحوی که می‌تواند بخواند اگرچه با شنیدن از نوار یا خواندن از روی نوشته و مانند آن باشد. و در مورد طهارت بدن، اگر قدرت بر تطهیر آن هر چند به کمک دیگران ندارد، با همان بدن نجس نماز بخواند، صحیح است. قضای نمازهای گذشته‌ای هم که از وی فوت شده، واجب است مگر نمازهایی که بر اثر بیهوشی که در تمام وقت نماز ادامه داشته، از او فوت شده باشد.

س ۵۵۰: در دوران جوانی نمازهای ظهر و عصر من بیشتر از نمازهای مغرب و عشاء و صبح قضا شده‌اند که پشت سر هم بودن و تعداد و ترتیب آنها را نمی‌دانم. آیا در این مورد باید نماز دوره‌ای خوانده شود؟ و نماز دوره‌ای چیست؟ امیدواریم توضیح فرمائید.

ج: در نماز قضا مراعات ترتیب واجب نیست و خواندن مقداری که یقین به قضا شدن آن دارید کافی است و دوره کردن و تکرار نماز برای احراز ترتیب بر شما

واجب نیست.

س ۵۵۱: گاهی پس از ازدواج مایعی از من خارج می‌شد که اعتقاد به نجس بودن آن داشتم. لذا به نیت غسل جنابت غسل کرده و نمازم را بدون وضو می‌خواندم. در رساله‌های عملیه این مایع، مذی نامیده شده است. و اکنون نمی‌دانم نمازهایی را که بدون وضو بی‌آنکه جنب باشم با غسل جنابت خوانده‌ام، چه حکمی دارد؟

ج: قضای همه نمازهایی که بعد از خروج آن مایع، بدون وضو و با غسل جنابت خوانده‌اید، واجب است.

س ۵۵۲: کافری پس از مدتی اسلام آورده است. آیا قضای نماز و روزه‌هایی که انجام نداده، واجب است؟

ج: واجب نیست.

س ۵۵۳: بعضی از افراد بر اثر تبلیغات گمراه‌کننده کمونیستها چندین سال نماز و واجبات خود را ترک کرده‌اند ولی بعد از پیام تاریخی امام راحل به سران شوروی سابق پی به اشتباه خود بردند و به سوی خداوند توبه نموده‌اند، آنها در حال حاضر قادر به قضای همه آن نمازها و روزه‌ها نیستند، وظیفه آنها چیست؟

ج: بر آنان واجب است نمازها و روزه‌های فوت شده را به هر مقدار که قدرت دارند قضا و جبران نمایند.

س ۵۵۴: شخصی فوت کرده و قضای روزه ماه مبارک رمضان و نماز بر عهده اوست و فرزند ذکوری هم ندارد. مقداری مال بجا گذاشته که برای قضای یکی از نماز و روزه کفایت می‌کند. در این صورت قضای نماز مقدم است یا روزه؟

ج: ترجیحی بین نماز و روزه نیست و بر ورثه واجب نیست که ما ترک وی را صرف قضای نماز و روزه او نمایند، مگر آنکه در این باره وصیت کرده باشد، که در این

صورت باید به وصیت او در اجیر گرفتن از ثلث ترکه یا تمام آن برای قضای نماز و روزه‌اش به هر مقدار که کفایت می‌کند عمل کنند.

س ۵۵۵: من در اکثر اوقات نماز خود را خوانده و در صورت فوت شدن نماز، آن را قضا کرده‌ام، و این نمازهای فوت شده هم مواردی بوده که یا من خواب مانده‌ام و یا بدن و لباسم نجس بوده و در تطهیر آنها کوتاهی کرده‌ام. مقدار نمازهای قضا شده یومیه، آیات و قصر را که بر عهده من است، چگونه محاسبه نمایم؟

ج: قضای نمازهایی که یقین به فوت شدن آنها دارید، کافی است، و از این مقدار هر کدام را که یقین دارید نماز قصر یا آیات بوده باید بر وفق یقین خود آنها را به جا آورید، و بقیه را به عنوان قضای نمازهای یومیه بخوانید و چیزی بیشتر از این مقدار بر شما واجب نیست.

نماز قضای پدر و مادر

س ۵۵۶: پدرم سکتة مغزی نموده و مدت دو سال مریض بود و بر اثر سکتة قادر به تشخیص خوب و بد نبود یعنی قدرت تفکر و تعقل از او سلب شده بود. در این دو سال نماز و روزه خود را انجام نداده است. آیا قضای نماز و روزه او بر من که پسر بزرگ خانواده هستم واجب است؟ البته می‌دانم که اگر وی بیماریهای مذکور را نداشت، قضای نماز و روزه‌های او بر من واجب بود. امیدوارم مرا در این مسئله راهنمایی فرمائید.

ج: اگر ضعف عقلی وی به حدی که عنوان جنون بر آن صدق کند نرسیده و در تمام اوقات نماز در حال اغماء نبوده است، قضای نمازها و روزه‌های فوت شده او بر

شما واجب است، و گرنه چیزی از بابت آن بر شما نیست.

س ۵۵۷: اگر شخصی فوت کند، چه کسی باید کفاره روزه او را بپردازد؟ آیا بر پسران و دختران وی دادن کفاره واجب است یا شخص دیگری هم می‌تواند آن را بدهد؟

ج: کفاره روزه که بر پدر واجب است اگر به نحو تخییری بوده است، یعنی وی هم توانائی روزه گرفتن را داشته و هم اطعام را، در این صورت اگر بتوان آن را از ترکه خارج کرد، از آن برداشت می‌شود. در غیر این صورت بر پسر بزرگتر واجب است روزه را بگیرد.

س ۵۵۸: مرد بزرگسالی به دلایل مشخصی از خانواده اش جدا شده و برقراری ارتباط با آنها برای او مقدور نیست. وی فرزند بزرگ خانواده هم هست و پدرش در این مدت فوت کرده است و نمی‌داند چه مقدار نماز قضا و غیر آن بر عهده پدرش می‌باشد و مال کافی هم برای اجیر گرفتن در اختیار ندارد و خودش هم به علت سن زیاد نمی‌تواند آنها را بجا آورد، وظیفه وی چیست؟

ج: قضای نمازهای پدر واجب نیست مگر آن مقداری که پسر بزرگتر یقین به فوت آن دارد و بر پسر بزرگتر واجب است نمازهای پدرش را به هر صورتی که امکان دارد، قضا نماید و اگر از انجام آن حتی از اجیر گرفتن برای انجام آن هم عاجز باشد، معذور است.

س ۵۵۹: اگر فرزند بزرگ میّت دختر و فرزند دوم او پسر باشد، آیا قضای نمازها و روزه‌های پدر و مادر بر این پسر واجب است؟

ج: ملاک واجب بودن قضای نماز و روزه پدر و مادر این است که فرزند مذکور از دیگر اولاد ذکور میّت اگر میّت اولاد ذکور داشته باشد بزرگتر باشد، و در فرض سؤال قضای نماز و روزه پدر بر پسر که فرزند دوم پدر است واجب می‌باشد و قضای نماز

و روزه‌ای که از مادر فوت شده نیز واجب است.

س ۵۶۰: اگر پسر بزرگ چه بالغ باشد یا غیر بالغ، قبل از پدر فوت کند. آیا قضای نمازهای پدر از فرزندان دیگر ساقط می‌شود؟

ج: تکلیف قضای نماز و روزه پدر بر پسر بزرگی واجب است که هنگام وفات پدر زنده باشد هر چند فرزند اول یا پسر اول پدر نباشد.

س ۵۶۱: من پسر بزرگ خانواده هستم. آیا واجب است برای خواندن نمازهای قضای پدرم، از او تا زنده است تحقیق کنم؟ یا این که بر او واجب است مرا از مقدار آن آگاه نماید؟ در صورتی که مرا مطلع نکند، تکلیف من چیست؟

ج: تفحص و سؤال بر شما واجب نیست ولی بر پدر واجب است تا فرصت دارد خودش بخواند و اگر نتوانست وصیت نماید. بهر حال پسر بزرگ مکلف است بعد از فوت پدرش، آن مقدار از نماز و روزه‌هایی را که یقین دارد از پدرش فوت شده است، قضا نماید.

س ۵۶۲: اگر شخصی فوت کند و همه دارائی او خانه‌ای باشد که فرزندان در آن سکونت دارند، و نماز و روزه بر ذمه او باشد و پسر بزرگ او هم به علت کارهای روزانه قادر به قضای آن نباشد، آیا واجب است این خانه را بفروشند و نماز و روزه او را قضا نمایند؟

ج: در فرض مرقوم فروش خانه واجب نیست ولی قضای نماز و روزه‌ای که به عهده پدر است، در هر حالی بر پسر بزرگتر واجب است مگر در صورتی که میت وصیت به اجیر گرفتن از ثلث ترکه‌اش کرده باشد و ثلث ترکه هم برای انجام همه نماز و روزه‌های او کفایت کند که در این صورت ثلث ترکه باید برای آن مصرف شود.

س ۵۶۳: آیا اگر پسر بزرگ که قضای نماز پدر بر عهده اوست فوت نماید، انجام آنها بر ذمه وارث پسر بزرگ است یا این که به پسر بعدی پدر (برادر پسر بزرگ) منتقل

می‌شود؟

ج: قضای نماز و روزه پدر که بر پسر بزرگ واجب است با فوت وی پس از فوت پدرش بر پسر و یا برادر او واجب نمی‌شود.

س ۵۶۴: اگر پدری اصلاً نماز نخوانده باشد، آیا همه نمازهای او قضا دارد؟ و انجام آنها بر پسر بزرگ او واجب است؟

ج: بنا بر احتیاط در این صورت هم قضای آنها واجب است.

س ۵۶۵: پدری که همه اعمال عبادی خود را عمداً انجام نداده است، آیا بر پسر بزرگ قضای همه نمازها و روزه‌هایی را که پدرش انجام نداده و به پنجاه سال می‌رسد، واجب است؟

ج: اگر ترک نماز و روزه بر اثر طغیان باشد، قضای آنها بر پسر بزرگ واجب نیست. ولی در این صورت هم احتیاط در قضای آنها ترک نشود.

س ۵۶۶: اگر قضای نماز و روزه بر عهده پسر بزرگ باشد و قضای نماز و روزه پدر هم بر آن اضافه گردد، کدام یک مقدم است؟

ج: در این صورت مخیر است و شروع به انجام هر کدام کند، صحیح است.

س ۵۶۷: پدرم مقداری نماز قضا دارد ولی قدرت انجام آن را ندارد. آیا بر من که پسر بزرگ خانواده هستم جایز است در زمان حیات پدرم نمازهای فوت شده او را قضا نمایم و یا شخصی را اجیر کنم تا آن را انجام دهد؟

ج: نیابت از شخص زنده برای انجام نماز و روزه قضا صحیح نیست.

نماز جماعت

س ۵۶۸: امام جماعت در نماز باید چه نیتی بکند؟ آیا نیت جماعت باید بکند یا نیت

فردای؟

ج: اگر بخواهد فضیلت نماز جماعت را درک کند باید قصد امامت و جماعت کند، و اگر بدون قصد امامت نماز، مشغول آن شود، نماز وی و اقتدای دیگران به او اشکال ندارد.

س ۵۶۹: در اماکن نظامی هنگام برپائی نماز جماعت که در وقت اداری است، تعدادی از نظامیان بخاطر شرایط کاری در آن شرکت نمی‌کنند با آنکه انجام آن کارها بعد از وقت اداری و یا در روز بعد ممکن است، آیا این عمل سبک شمردن نماز است؟

ج: شرکت در نماز جماعت، فی نفسه واجب نیست ولی بهتر است در وقت آن برای درک فضیلت نماز اول وقت و جماعت، کارهای اداری بگونه‌ای تنظیم شود که آنها بتوانند این فریضة الهی را بصورت جماعت و در کمترین مدت بخوانند.

س ۵۷۰: نظر جنابعالی درباره انجام کارهای مستحبی مثل نماز مستحب یا دعای توسل و یا سایر دعاهاى طولانی که قبل یا بعد از نماز جماعت و یا در اثنای آن در نماز خانه ادارات دولتی برگزار می‌شود و بیشتر از نماز جماعت طول می‌کشد، چیست؟

ج: دعاها و اعمال مستحبی زائد بر فریضة الهی نماز جماعت که از شعائر اسلامی است، اگر منجر به تضییع وقت اداری و تأخیر در انجام کارهای واجب شود، اشکال دارد.

س ۵۷۱: آیا اقامه نماز جماعت دوم در نزدیکی مکانی که نماز جماعت در آن جا با حضور تعداد زیادی از نمازگزاران اقامه می‌شود، و صدای اذان و اقامه آن شنیده می‌شود، صحیح است؟

ج: اقامه نماز جماعت دوم اشکال ندارد، ولی مناسب است مومنین در یک مکان اجتماع کرده و همگی در یک نماز جماعت شرکت کنند تا بر عظمت مراسم دینی

نماز جماعت افزوده شود.

س ۵۷۲: بعضی از اشخاص هنگام برپائی نماز جماعت، اقدام به خواندن نماز فرادی می‌کنند، این کار چه حکمی دارد؟

ج: این عمل اگر تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی احترامی به امام جماعتی که مردم اعتماد به عدالت او دارند، محسوب شود، جایز نیست.

س ۵۷۳: در محله‌ای چند مسجد وجود دارد که در همه آنها نماز جماعت اقامه می‌شود، خانه‌ای بین دو مسجد واقع شده که فاصله آن از یک مسجد ده خانه و از دیگری دو خانه است، در این خانه هم نماز جماعت اقامه می‌شود، این نماز جماعت چه حکمی دارد؟

ج: سزاوار است اقامه نماز جماعت وسیله وحدت و انس باشد نه اینکه باعث ایجاد جو اختلاف و تفرقه گردد، در هر صورت اقامه نماز جماعت در خانه مجاور مسجد، اگر باعث اختلاف و پراکندگی نگردد اشکال ندارد.

س ۵۷۴: آیا جایز است شخصی بدون اجازه امام جماعت راتب مسجد که مورد تائید مرکز اداره امور مساجد است، در آن مسجد نماز جماعت اقامه کند؟

ج: اقامه نماز جماعت متوقف بر اجازه امام جماعت راتب مسجد نیست ولی بهتر است کسی مزاحم امام جماعت راتب مسجد هنگام حضور وی در آن مسجد برای اقامه نماز جماعت نشود، و حتی اگر ایجاد مزاحمت برای او موجب برانگیخته شدن فتنه و مانند آن شود، حرام است.

س ۵۷۵: اگر گاهی امام جماعت سخنی بگوید و یا مزاحی کند که خوشایند و مناسب شأن عالم دینی نباشد، آیا با این کار از عدالت ساقط می‌شود؟

ج: اگر مخالف شرع و منافی مروّت نباشد، ضرری به عدالت نمی‌زند.

س ۵۷۶: آیا اقتدا به امام جماعت بدون شناخت واقعی او جایز است؟

ج: اگر عدالت او نزد مأموم به هر طریقی ثابت باشد، اقتدا به او جایز و نماز جماعت صحیح است.

س ۵۷۷: اگر شخصی اعتقاد به عدالت و تقوای فردی داشته باشد و در همان زمان معتقد باشد که شخص مزبور در مواردی به او ظلم کرده است، آیا می تواند او را به طور کلی عادل بداند؟

ج: تا برای او احراز نشود که عمل آن امام جماعت که او آن را ظلم می شمارد با علم و اختیار و بدون مجوز شرعی بوده، مجاز نیست حکم به فسق او نماید.

س ۵۷۸: آیا نیت اقتدا به امام حاضر بدون شناخت نام و دیدن چهره او صحیح است؟

ج: اگر به عدالت او از هر طریقی اطمینان حاصل شود، اقتدا به وی صحیح است.

س ۵۷۹: آیا اقتدا به امام جماعتی که می تواند امر به معروف و نهی از منکر کند ولی انجام نمی دهد، جایز است؟

ج: مجرد ترک امر به معروف و نهی از منکر که ممکن است بر اثر عذر مقبولی نزد مکلف باشد، به عدالت ضرر نمی زند و مانع اقتدا به او نیست.

س ۵۸۰: به نظر شما معنای عدالت چیست؟

ج: عدالت عبارت از حالت نفسانی است که باعث می شود انسان همیشه تقوایی داشته باشد که مانع از ترک واجبات یا انجام محرمات شرعی است، و برای احراز آن، حسن ظاهر که غالباً بیانگر عدالت است، کافی می باشد.

س ۵۸۱: ما تعدادی جوان هستیم که در تکیه ها و حسینیه ها دور هم جمع می شویم و هنگام رسیدن وقت نماز فرد عادل را مقدم کرده و برای نماز به او اقتدا می کنیم. ولی بعضی از برادران به این کار اشکال نموده و می گویند امام راحل «قدس سره» خواندن

نماز پشت سر غیر عالم دینی را حرام می‌داند، وظیفه ما چیست؟

ج: اگر برای برادران عزیز براحته خواندن نماز پشت سر عالم دینی که او را شایسته اقتدا می‌دانند، و لو با رفتن به مساجد نزدیک، امکان دارد، سزاوار نیست به غیر عالم اقتدا کنند. بلکه اقتدا به غیر عالم دینی در بعضی از موارد خالی از اشکال نیست.

س ۵۸۲: آیا دو نفر می‌توانند نماز جماعت اقامه کنند؟

ج: اگر مراد تشکیل نماز جماعتی است که مرکب از امام و یک مأموم باشد، شکال ندارد.

س ۵۸۳: اگر مأموم در نماز جماعت ظهر و عصر حمد و سوره را برای تمرکز ذهن قرائت

کند با اینکه بر او واجب نیست، نماز او چه حکمی دارد؟

ج: واجب است مأموم در نمازی که باید آهسته خوانده شود مثل نماز ظهر و عصر، هنگام قرائت حمد و سوره توسط امام، سکوت کند و قرائت برای او جایز نیست حتی اگر برای تمرکز ذهن باشد.

س ۵۸۴: اگر امام جماعت با دو چرخه برای اقامه نماز جماعت برود و همه قوانین عبور و

مرور را رعایت کند، چه حکمی دارد؟

ج: این کار به عدالت و صحت امامت جماعت ضرر نمی‌زند، مگر اینکه در عرف منطقه عمل مستهجن و منافی با شان امام جماعت و مروت باشد.

س ۵۸۵: اگر انسان نماز جماعت را بطور کامل درک نکند و به آخر آن برسد و برای

درک ثواب آن، تکبیرة الاحرام را گفته و به حالت تجافی بنشیند و تشهد را با امام بخواند و بعد از سلام او برخیزد و رکعت اول را بخواند، آیا این کار را در تشهد رکعت

دوم نمازهای چهار رکعتی هم می‌تواند انجام دهد؟

ج: این طریق مختص تشهد آخر نماز جماعت و برای درک ثواب جماعت است.

س ۵۸۶: آیا جایز است امام جماعت برای نماز اجرت بگیرد؟

ج: جایز نیست مگر آنکه برای مقدمات حضور در جماعت باشد.

س ۵۸۷: آیا جایز است امام جماعت در یک زمان عهده دار امامت دو نماز (دو نماز عید یا هر نمازی) گردد؟

ج: تکرار نماز جماعت برای یکبار به خاطر مأمومین دیگر در نمازهای یومیه جایز و بلکه مستحب است. ولی جواز آن در نماز عید مشکل است.

س ۵۸۸: اگر امام جماعت در رکعت سوم یا چهارم نماز عشاء باشد و مأموم در رکعت دوم، آیا بلند قرائت کردن حمد و سوره بر مأموم واجب است؟

ج: در فرض سؤال واجب است حمد و سوره را آهسته بخواند.

س ۵۸۹: در نماز جماعت بعد از سلام ابتدا آیه صلوات بر پیامبر تلاوت می شود و نمازگزاران سه مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد «صلی الله علیهم اجمعین» می فرستند، بعد از آن سه بار تکبیر می گویند و سپس شعارهای سیاسی به صورت دعا و برائت توسط مومنین با صدای بلند داده می شود، آیا این کار اشکال دارد؟

ج: قرائت آیه و ذکر صلوات بر پیامبر و آل او «صلی الله علیهم اجمعین» نه تنها اشکال ندارد بلکه مطلوب بوده و ثواب دارد، و مواظبت بر شعارهای اسلامی و شعار انقلاب اسلامی (تکبیر و ملحقیات آن) که یادآور رسالت و اهداف بلند انقلاب اسلامی است، هم مطلوب است.

س ۵۹۰: اگر شخصی در رکعت دوم نماز جماعت به مسجد برسد و بر اثر جهل به مساله، تشهد و قنوت را که باید در رکعت بعد بجا آورد، انجام ندهد، آیا نماز صحیح

است؟

ج: نماز صحیح است. ولی قضای تشهد و دو سجده سهر هم برای ترک تشهد بر او واجب است.

س ۵۹۱: آیا رضایت کسی که در نماز به او اقتدا می شود شرط است؟ و آیا اقتدا به مأوم صحیح است؟

ج: رضایت امام جماعت شرط صحت اقتدا نیست، و اقتدا به مأوم تا وقتی که نمازش را به جماعت ادامه می دهد صحیح نیست.

س ۵۹۲: دو نفر که یکی امام است و دیگری مأوم. اقامه نماز جماعت کرده اند. شخص سومی به تصور اینکه فرد دوم امام است به او اقتدا می کند و بعد از نماز می فهمد که وی مأوم بوده نه امام. نماز شخص سوم چه حکمی دارد؟

ج: اقتدا به مأوم صحیح نیست ولی زمانی که انسان نداند و به او اقتدا کند، اگر در رکوع و سجود به وظیفه نمازگزار منفرد عمل کرده بدین معنی که رکنی را عمداً و یا سهواً کم یا زیاد نکرده باشد، نمازش صحیح است.

س ۵۹۳: آیا کسی که قصد خواندن نماز عشاء دارد. می تواند به کسی که نماز مغرب می خواند اقتدا نماید؟

ج: اشکال ندارد.

س ۵۹۴: آیا عدم رعایت ارتفاع محل نماز امام نسبت به مأومین، موجب بطلان نماز آنها می شود یا خیر؟

ج: اگر بلندی جایگاه امام نسبت به جایگاه مأومین، بیشتر از حدی باشد که شرعاً مجاز است، موجب بطلان نماز جماعت است.

س ۵۹۵: اگر یکی از صفهای نماز جماعت بطور کامل از افرادی تشکیل شده باشد که نماز شان قصراست و نماز همه افراد صف بعدی تمام باشد. اگر افراد صف جلو بعد از

خواندن دو رکعت نماز فوراً برای خواندن دو رکعت بعدی اقتدا کنند، آیا نماز کسانی که در صف پشت سر آنها هستند، نسبت به دو رکعت آخر نماز، جماعت باقی می ماند یا فرادی می شود؟

ج: با این فرض که نماز همه افراد صف جلو قصر است، صحت نماز جماعت صفهای بعدی محل اشکال است. احوط این است که صفهای بعدی، بعد از اینکه افراد صف اول برای سلام نماز نشستند، نماز خود را بصورت فرادی بخوانند.

س ۵۹۶: اگر مأموم در آخر یکی از دو طرف صف اول نماز ایستاده باشد، آیا می تواند قبل از مأومینی که بین او و امام ایستاده اند، وارد نماز جماعت شود؟

ج: اگر مأومینی که بین او و امام ایستاده اند، بعد از اینکه امام جماعت شروع به نماز کرد، آماده خواندن نماز باشند، می تواند به نیت جماعت وارد نماز شود.

س ۵۹۷: کسی که به رکعت سوم نماز جماعت برسد و به خیال اینکه امام در رکعت اول است، چیزی نخواند، آیا اعاده نماز بر او واجب است؟

ج: اگر قبل از رکوع متوجه شود قرائت واجب است، ولی اگر بعد از اینکه داخل رکوع شد متوجه شود، نماز او صحیح است و چیزی بر او واجب نیست هر چند احتیاط مستحب این است که دو سجده سهر برای ترک سهوی قرائت بجا آورد.

س ۵۹۸: برای برگزاری نماز جماعت در اداره های دولتی و دبیرستانها نیاز شدیدی به امام جماعت وجود دارد، و چون غیر از من عالم دیگری در منطقه وجود ندارد، مجبور هستم یک نماز را در مکان های مختلف برای سه یا چهار بار به عنوان امام جماعت اقامه کنم و چون همه مراجع نماز جماعت دوم را اجازه می دهند، آیا در بیشتر از آن نیت نماز قضای احتیاطی جایز است؟

ج: اعاده نمازی که بصورت جماعت اقامه شده، فقط یک بار برای جماعت دیگر

اشکال ندارد ولی تکرار آن بیشتر از یک بار محل اشکال است، و امامت به نیت نماز قضای احتیاطی هم صحیح نیست.

س ۵۹۹: یکی از دانشگاهها اقدام به برگزاری نماز جماعت برای کارمندان خود در یکی از ساختمانهای مربوط به دانشگاه که در مجاورت یکی از مساجد شهر قرار دارد، کرده است. با توجه به اینکه در همان زمان در آن مسجد نماز جماعت اقامه می‌شود، شرکت در نماز جماعت دانشگاه چه حکمی دارد؟ و آیا اجبار و الزام کارمندان توسط مسئولین دانشگاه تغییری در حکم ایجاد می‌کند؟

ج: شرکت در نماز جماعتی که از نظر ما موم واجد شرایط اقتدا و جماعت است، اشکال ندارد، هر چند نزدیک مسجدی باشد که در همان زمان در آن نماز جماعت برگزار می‌شود، ولی وادار کردن و اجبار کارمندان برای شرکت در نماز جماعت توجیه شرعی ندارد.

س ۶۰۰: آیا نماز خواندن پشت سر امام جماعتی که شغل قضاوت دارد ولی مجتهد نیست، صحیح است؟

ج: اگر شغل قضاوت او بعد از نصب وی توسط کسی که صلاحیت نصب را دارد، باشد مانع اقتدا به او در نماز نیست.

س ۶۰۱: آیا کسی که در نماز مسافر مقلد امام خمینی «قدس سره» است می‌تواند به امام جماعتی که در آن مساله مقلد مرجع دیگری است، بخصوص در نماز جمعه، اقتدا نماید؟

ج: اختلاف در تقلید مانع از صحت اقتدا نیست، ولی اقتدا در نمازی که طبق فتوای مرجع تقلید مأموم قصر است و طبق فتوای مرجع تقلید امام جماعت تمام است، یا بالعکس صحیح نیست.

س ۶۰۲: اگر امام جماعت سهواً بعد از تکبیرة الاحرام به رکوع برود، وظیفه مأموم چیست؟

ج: اگر مأموم بعد از داخل شدن در نماز جماعت و پیش از رفتن به رکوع متوجه شود واجب است نیت فرادی نموده و حمد و سوره را قرائت کند.

س ۶۰۳: اگر تعدادی از دانش آموزان غیر بالغ مدارس بعد از صف سوم یا چهارم نماز جماعت ایستاده باشند و بعد از آنها تعدادی از افراد مکلف ایستاده باشند، نماز مکلفین صفهای بعدی چه حکمی دارد؟

ج: در فرض مذکور اشکال ندارد.

س ۶۰۴: آیا تیمم بدل از غسل نسبت به امام جماعتی که معذور است، برای اقامه نماز جماعت کافی است؟

ج: اگر شرعاً معذور باشد، می تواند با تیمم بدل از غسل، امام جماعت شود و اقتدا به او اشکال ندارد.

حکم امام جماعتی که قرائت وی صحیح نیست

س ۶۰۵: آیا در صحت قرائت بین نماز فرادی و نماز مأموم یا امام تفاوت وجود دارد؟ یا اینکه صحت قرائت در هر حال مسئله واحدی است؟

ج: اگر قرائت مکلف صحیح نباشد و قدرت بر یادگیری هم نداشته باشد نماز او صحیح است ولی دیگران نمی توانند به وی اقتدا کنند.

س ۶۰۶: قرائت بعضی از ائمه جماعات از جهت مخارج حروف صحیح نیست. آیا کسی که حروف را بطور صحیح از مخارج خود ادا می کند می تواند به آنان اقتدا نماید؟ عده ای می گویند می توانید نماز را به جماعت بخوانید ولی باید بعداً اعاده نمائید، من که فرصت اعاده ندارم، وظیفه ام چیست؟ آیا می توانم در نماز جماعت شرکت نموده ولی حمد و سوره را آهسته بخوانم؟

ج: اگر قرائت امام از نظر مأموم صحیح نباشد، اقتدا و نماز جماعت او باطل است و اگر نمی‌تواند نماز را اعاده کند، اقتدا نکردن اشکال ندارد، ولی آهسته خواندن در قرائت نمازی که باید بلند خوانده شود برای اظهار اقتدا به امام جماعت صحیح و مجزی نیست.

س ۶۰۷: عده‌ای معتقدند که قرائت بعضی از ائمه جمعه صحیح نیست زیرا یا حروف را آنگونه که هستند ادا نمی‌کنند و یا حرکت آنها را طوری تغییر می‌دهند که دیگر آن حرف نیست. آیا اقتدا به آنان بدون اعاده نمازی که پشت سر آنان خوانده می‌شود، صحیح است؟

ج: ملاک صحت قرائت عبارت است از رعایت قواعد زبان عربی و اداء حروف از مخارج آن بطوری که اهل لسان آن را اداء آن حرف بدانند نه حرف دیگر، اگر مأموم قرائت امام را مطابق قواعد و صحیح نداند نمی‌تواند به او اقتدا کند، و در صورت اقتداء، نماز او صحیح نیست و اعاده آن واجب است.

س ۶۰۸: اگر امام جماعت در اثنای نماز در کیفیت تلفظ کلمه پس از ادای آن شک کند و بعد از فراغت از نماز علم پیدا کند که در تلفظ آن کلمه اشتباه کرده است، نماز او و مأومین چه حکمی دارد؟

ج: نماز محکوم به صحت است.

س ۶۰۹: وظیفه شرعی شخص بخصوص معلم قرآن کریم که یقین دارد امام جماعت نماز خود را از جهت تجوید غلط می‌خواند چیست؟ در حالی که این فرد بدلیل عدم شرکت در نماز جماعت در معرض تهمت‌های زیادی قرار گرفته است.

ج: اگر قرائت امام جماعت از نظر مأموم صحیح نباشد و در نتیجه نماز او را صحیح نداند، نمی‌تواند به او اقتدا کند، ولی شرکت ظاهری در نماز جماعت بری یک

غرض عقلائی، اشکال ندارد.

امامت شخص ناقص

س ۶۱۰: اقتدا به معلولین عزیز برای نماز در موارد زیر چه حکمی دارد؟

۱ - معلولینی که فاقد عضوی از اعضای بدن نیستند ولی به دلیل معیوب بودن پا، با تکیه بر عصا و دیوار می‌توانند بایستند.

۲ - معلولینی که فاقد بند انگشت دست یا پا و یا انگشتی از دست یا پا هستند.

۳ - معلولینی که همه انگشتان دست یا پا و یا هر دو آنها قطع شده است.

۴ - معلولینی که قسمتی از یک دست یا پا و یا هر دو را ندارند.

۵ - معلولینی که فاقد یکی از اعضای بدن هستند و به دلیل از کار افتادگی دست، برای وضو گرفتن نایب می‌گیرند.

ج: بطور کلی اگر استقرار و آرامش در قیام وجود داشته باشد و بتواند آن را در حال قرائت حمد و سوره و ذکرهای نماز و انجام افعال آن حفظ کند و قدرت بر رکوع و سجده کامل با گذاشتن هفت عضو بدن بر زمین داشته باشد و بتواند وضوی صحیح بگیرد، اقتدای دیگران به او در نماز بعد از احراز سایر شرایط امامت جماعت صحیح است و در غیر این صورت صحیح و مجزی نیست.

س ۶۱۱: من از طلاب علوم دینی هستم که دست راستم بر اثر عمل جراحی قطع شده است. به تازگی متوجه شده‌ام که امام خمینی «قدس سره» امامت فرد ناقص برای کامل را جایز نمی‌داند. بنابراین خواهشمندم حکم نمازهای مأومینی که تا به حال امام جماعت آنان بوده‌ام را بیان فرمائید.

ج: نماز مأمومین که در گذشته بر اثر جهل به حکم شرعی به شما اقتدا کرده‌اند محکوم به صحت است و اعاده و قضا بر آنان واجب نیست.

س ۶۱۲: من از طلاب علوم دینی هستم که در جریان جنگ تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران از ناحیه انگشتان هر دو پا مجروح شدم که البته انگشت شست پاهایم کاملاً سالم است، در حال حاضر امام جماعت یکی از حسینیه‌ها هستم، آیا این کار اشکال شرعی دارد؟ لطفاً آن را بیان فرمائید.

ج: با فرض سالم بودن انگشتان شست پا و در نتیجه توانائی گذاشتن آنها بر زمین هنگام سجده، امام جماعت بودن شما از این جهت اشکال ندارد.

شرکت زنان در نماز جماعت

س ۶۱۳: آیا شارع مقدس زنان را همانند مردان به شرکت در نماز جماعت مساجد یا نماز جمعه تشویق فرموده یا اینکه نماز خواندن آنها در خانه بهتر است؟

ج: شرکت زنان در نماز جمعه و جماعت اشکال ندارد و ثواب جماعت دارد.

س ۶۱۴: در چه صورتی زن می‌تواند امام جماعت شود؟

ج: امامت زن در نماز جماعت فقط برای زنان جایز است.

س ۶۱۵: شرکت زنان (مانند مردان) در نماز جماعت از جهت استحباب و کراهت چه حکمی دارد؟ و شرکت آنها در صورتی که پشت سر مردان بایستند چه حکمی دارد؟ و آیا در حالی که پشت سر مردان برای نماز جماعت ایستاده‌اند، احتیاج به پرده و ساتر است؟ و اگر در نماز کنار مردان بایستند، از جهت حائل چه حکمی دارد؟ با توجه به اینکه پشت پرده بودن زنان هنگام نماز جماعت و سخنرانی‌ها و مراسم دیگر،

موجب تحقیر و اهانت به آنها می‌شود.

ج: حضور و شرکت زنان در نماز جماعت اشکال ندارد، و اگر پشت سر مردان بایستند احتیاجی به حائل و پرده نیست، ولی اگر در کنار مردان بایستند سزاوار است حائلی بین آنها باشد تا کراهت کنار هم ایستادن مردان و زنان در نماز برطرف شود، و اینکه وجود حائل بین زنان و مردان در نماز موجب تحقیر و توهین به شأن و کرامت زنان می‌شود، توهم و خیالی بیش نیست و اساسی ندارد، بعلاوه دخالت دادن نظرات شخصی در فقه صحیح نیست.

س ۶۱۶: کیفیت اتصال و عدم اتصال صفوف زنان و مردان در نماز در صورت نبودن پرده و حائل چگونه است؟

ج: زنان می‌توانند پشت سر مردان بدون فاصله بایستند.

اقتدا به اهل سنت

س ۶۱۷: آیا نماز جماعت پشت سر اهل سنت جایز است؟

ج: در فرض سؤال نماز جماعت برای ضرورت حفظ وحدت اسلامی، جایز و صحیح است.

س ۶۱۸: محل کار من در یکی مناطق کردنشین است که اکثر ائمه جمعه و جماعات آنجا از اهل سنت هستند، اقتدا به آنها چه حکمی دارد؟ آیا غیبت آنها جایز است؟

ج: مشارکت با آنان در نماز جمعه و جماعتشان از جهت ضرورت حفظ وحدت اشکال ندارد، و از غیبت باید پرهیز شود.

س ۶۱۹: در مکانهای مشارکت و رفت و آمد با برادران اهل سنت، هنگام شرکت در

نمازهای روزانه، در بعضی از موارد مانند آنان عمل می‌کنیم مثل نماز بصورت تکتف و عدم رعایت وقت و سجده بر فرش، آیا این نمازها احتیاج به اعاده دارند؟

ج: اگر حفظ وحدت مقتضی انجام آن کارها باشد، نماز صحیح و مجزی است حتی اگر سجده بر فرش و مانند آن باشد، ولی تکتف در نماز جایز نیست مگر اینکه ضرورت آن را اقتضا کند.

س ۶۲۰: در مکه و مدینه به استناد فتوای امام خمینی «قدس سره» نماز جماعت را با برادران اهل سنت می‌خوانیم و گاهی برای درک فضیلت نماز در مسجد مثل اداء نماز عصر یا عشاء بعد از نماز ظهر و مغرب آن را بصورت فردی در مساجد اهل سنت بدون مهر و با سجده بر فرش بجا می‌آوریم، این نمازها چه حکمی دارد؟

ج: نماز در فرض مذکور محکوم به صحت است.

س ۶۲۱: مشارکت ما شیعیان در نماز جماعت مساجد کشورهای دیگر با برادران اهل سنت که دست بسته نماز می‌خوانند، چگونه است؟ آیا تبعیت از آنان در تکتف بر ما واجب است یا آن که باید نماز را بدون تکتف بخوانیم؟

ج: اقتدا به اهل سنت، برای رعایت وحدت جایز است و نماز خواندن با آنها صحیح و مجزی است، ولی تکتف واجب نیست و بلکه جایز نیست مگر در صورتی که ضرورتی آن را اقتضا کند.

س ۶۲۲: هنگام شرکت در نماز جماعت با برادران اهل سنت، چسباندن انگشتان کوچک پا در حال قیام به انگشتان پاهای دو نفری که در دو طرف نمازگزار ایستاده چنانچه آنان ملتزم هستند، چه حکمی دارد؟

ج: این کار واجب نیست ولی انجام آن به صحت نماز ضرر نمی‌رساند.

س ۶۲۳: برادران اهل سنت در ایام حج یا غیر آن، نماز مغرب را قبل از اذان مغرب

می‌خوانند، آیا برای ما اقتدا به آنان و اکتفا به آن نماز صحیح است؟
 ج: معلوم نیست که آنان نماز را قبل از وقت بخوانند، ولی اگر مکلف دخول وقت را
 احراز نکند نمی‌تواند داخل شود مگر آنکه رعایت وحدت آن را اقتضا کند که در این
 صورت شرکت در نماز جماعت آنان و اکتفا به آن اشکال ندارد.

نماز جمعه

س ۶۲۴: نظر جنابعالی درباره شرکت در نماز جمعه با توجه به اینکه در عصر غیبت
 حضرت حجت «عجل الله تعالی فرجه الشریف» بسر می‌بریم، چیست؟ و اگر افرادی اعتقاد به
 عدالت امام جمعه نداشته باشند، آیا تکلیف شرکت در نماز جمعه از آنان ساقط
 می‌شود؟

ج: هر چند نماز جمعه در عصر حاضر واجب تخییری است و حضور در آن واجب
 نیست، ولی با توجه به فوائد و آثار شرکت در آن، سزاوار نیست که مومنین خود را از
 برکات حضور در این نماز به مجرد تشکیک در عدالت امام جمعه و یا عذرهای
 واهی دیگر، محروم سازند.

س ۶۲۵: معنای وجوب تخییری در مسئله نماز جمعه چیست؟
 ج: معنای آن این است که مکلف در ادای فریضه واجب ظهر روز جمعه بین خواندن
 نماز جمعه یا نماز ظهر مخیر است.

س ۶۲۶: نظر جنابعالی در مورد شرکت نکردن در نماز جمعه بر اثر بی‌مبالاتی، چیست؟
 ج: ترک حضور و شرکت نکردن در نماز عبادی سیاسی جمعه به خاطر اهمیت
 ندادن به آن، شرعاً مذموم است.

س ۶۲۷: بعضی از مردم به دلیل عذرهای واهی و گاهی بر اثر اختلاف دیدگاهها، در نماز جمعه شرکت نمی‌کنند، نظر جنابعالی در این باره چیست؟

ج: نماز جمعه هر چند واجب تخییری است، ولی خودداری از شرکت در آن بصورت دائمی وجه شرعی ندارد.

س ۶۲۸: آیا اقامه نماز جماعت ظهر همزمان با اقامه نماز جمعه در مکان دیگری نزدیک محل اقامه نماز جمعه جایز است؟

ج: این کار فی نفسه اشکال ندارد و موجب برائت ذمه مکلف از فريضه ظهر جمعه می‌شود، زیرا در عصر حاضر، نماز جمعه واجب تخییری است، ولی با توجه به اینکه اقامه نماز جماعت ظهر در روز جمعه در مکانی نزدیک محل اقامه نماز جمعه باعث تفرقه صفوف مومنین می‌شود و چه بسا در نظر مردم بی‌احترامی و اهانت به امام جمعه و کاشف از بی‌اعتنائی به نماز جمعه است، بنابراین سزاوار است مومنین اقدام به انجام آن نکنند، و حتی در صورتی که مستلزم مفاسد و حرام باشد، واجب است از اقامه آن اجتناب کنند.

س ۶۲۹: آیا خواندن نماز ظهر در فاصله زمانی بین نماز جمعه و نماز عصر، جایز است؟ آیا اگر نماز عصر را شخصی غیر از امام جمعه بخواند، اقتدا به او در نماز عصر جایز است؟

ج: نماز جمعه مجزی از نماز ظهر است ولی خواندن آن بعد از نماز جمعه از باب احتیاط اشکال ندارد و اقتدا در نماز عصر روز جمعه به غیر امام جمعه اشکال ندارد، ولی هرگاه بخواهد با مراعات احتیاط در خواندن نماز ظهر پس از خواندن نماز جمعه نماز عصر را به جماعت بخواند، احتیاط کامل این است که به کسی اقتدا نماید که نماز ظهر را احتیاطاً بعد از نماز جمعه خوانده است.

س ۶۳۰: اگر امام جمعه نماز ظهر را بعد از نماز جمعه نخواند، آیا مأموم می‌تواند آن را احتیاطاً به جا آورد؟

ج: برای او جایز است.

س ۶۳۱: آیا بر امام جمعه کسب اجازه از حاکم شرع واجب است؟ و مراد از حاکم شرع چه کسی است؟ و آیا این حکم در شهرهای دور دست هم جاری است؟

ج: اصل جواز امامت برای اقامه نماز جمعه متوقف بر این اجازه نیست، ولی ترتب احکام نصب وی برای امامت جمعه متوقف بر این است که منصوب از طرف ولی امر مسلمین باشد و این حکم شامل هر سرزمین و شهری که ولی امر مسلمین در آن حاکم و مطاع است، می‌شود.

س ۶۳۲: آیا جایز است امام جمعه منصوب در صورت نبودن مانع یا معارض نماز جمعه را در غیر از مکانی که برای آنجا نصب شده اقامه نماید؟

ج: این عمل فی نفسه جایز است ولی احکام انتصاب برای امامت جمعه بر آن مترتب نمی‌شود.

س ۶۳۳: آیا انتخاب امام جمعه موقت باید به وسیله ولی فقیه باشد یا اینکه خود ائمه جمعه می‌توانند افرادی را به عنوان امام جمعه موقت انتخاب نمایند؟

ج: جایز است امام جمعه منصوب شخصی را به عنوان جانشین موقت برای خودش انتخاب کند ولی بر امامت فرد نائب، احکام انتصاب از طرف ولی فقیه مترتب نمی‌شود.

س ۶۳۴: اگر مکلف امام جمعه منصوب را عادل نداند و یادر عدالت او شک داشته باشد، آیا برای حفظ وحدت مسلمانان می‌تواند به او اقتدا کند؟ و آیا کسی که در نماز جمعه شرکت نمی‌کند، جایز است دیگران را تشویق به عدم حضور در آن نماید؟

ج: اقتدا به کسی که او را عادل نمی‌داند و یا در عدالت وی شک دارد، صحیح نیست و نماز جماعت او هم صحیح نمی‌باشد، ولی حضور و شرکت در نماز جماعت برای حفظ وحدت اشکال ندارد، و در هر صورت حق ندارد دیگران را ترغیب و تشویق به عدم حضور در نماز جمعه کند.

س ۶۳۵: شرکت نکردن در نماز جمعه که برای مکلف دروغگوئی امام جمعه آن ثابت شده است، چه حکمی دارد؟

ج: مجرد کشف خلاف چیزی که امام جمعه گفته، دلیل بر دروغگوئی او نیست، زیرا ممکن است گفته او از روی اشتباه یا خطا و یا توریه باشد، و سزاوار نیست انسان به مجرد توهم خروج امام جمعه از عدالت، خود را از برکات نماز جمعه محروم نماید.

س ۶۳۶: آیا تشخیص و احراز عدالت امام جمعه منصوب از طرف امام راحل یا ولی فقیه عادل، بر مأموم واجب است، یا اینکه انتصاب او به امامت جمعه برای اثبات عدالت وی کافی است؟

ج: اگر نصب او به امامت جمعه موجب وثوق و اطمینان مأموم به عدالت وی شود، در صحت اقتدا به او کافی است.

س ۶۳۷: آیا تعیین امام جماعت برای مساجد از طرف علمای مورد اطمینان، یا تعیین ائمه جمعه از طرف ولی امر مسلمین، نوعی شهادت بر عدالت آنان محسوب می‌شود یا اینکه باید در باره عدالت آنان تحقیق شود؟

ج: اگر نصب امام جمعه یا جماعت موجب اطمینان به عدالت وی شود اقتدا به او جایز است.

س ۶۳۸: در صورت شک در عدالت امام جمعه و یا خدای نکرده یقین به عدم آن. آیا

اعاده نمازهایی که پشت سر او خوانده‌ایم واجب است؟

ج: اگر شک در عدالت یا یقین به عدم عدالت بعد از فراغ از نماز باشد، نمازهای خوانده شده صحیح است و اعاده آنها واجب نیست.

س ۶۳۹: شرکت در نماز جمعه که از طرف دانشجویان کشورهای اسلامی در کشورهای اروپائی و غیر آنها برگزار می‌شود و بیشتر شرکت کنندگان در آن و همچنین امام جمعه از برادران اهل سنت هستند، چه حکمی دارد؟ و در این صورت آیا خواندن نماز ظهر بعد از اقامه نماز جمعه واجب است؟

ج: شرکت در آن برای حفظ وحدت و اتحاد مسلمانان اشکال ندارد، و احتیاط به خواندن نماز ظهر بعد از نماز جمعه مانع ندارد.

س ۶۴۰: در یکی از شهرهای پاکستان مدت چهل سال است که نماز جمعه برگزار می‌شود. در حال حاضر شخصی بدون رعایت فاصله شرعی بین دو نماز جمعه، اقدام به برگزاری نماز جمعه دیگری نموده که منجر به بروز اختلاف بین نمازگزاران شده است، این عمل شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: انجام هرگونه کاری که منجر به بروز اختلاف بین مومنین و پراکندگی صفوف آنان شود جایز نیست چه رسد به مثل نماز جمعه که از شعائر اسلامی و از مظاهر وحدت صفوف مسلمانان است.

س ۶۴۱: خطیب مسجد جامع جعفری در راولپندی اعلام نموده که نماز جمعه به علت کارهای ساختمانی در آن برگزار نخواهد شد، و اکنون که عملیات تعمیر مسجد به پایان رسیده، با مشکلی مواجه شده‌ایم و آن اینکه در فاصله چهار کیلومتری ما نماز جمعه در مسجد دیگری اقامه می‌شود. با توجه به مسافت مزبور آیا اقامه نماز جمعه در مسجد جامع جعفری صحیح است یا خیر؟

ج: اگر فاصله بین دو نماز جمعه یک فرسخ شرعی نباشد، نماز جمعه‌ای که بعد از نماز جمعه اول و یا مقارن با آن برگزار می‌شود، باطل است.

س ۶۴۲: آیا خواندن نماز جمعه که به صورت جماعت اقامه می‌شود، بطور فردی صحیح است؟ بدین معنی که شخصی نماز جمعه را بصورت فردی در کنار کسانی که آن را به نحو جماعت برگزار می‌کنند، بخواند.

ج: از شرائط صحت نماز جمعه، این است که به صورت جماعت اقامه شود. نماز جمعه به نحو فردی صحیح نیست.

س ۶۴۳: آیا کسی که نمازش شکسته است می‌تواند آن را بصورت جماعت پشت سر امام جمعه بخواند؟

ج: نماز جمعه از مأوم مسافر صحیح ر مجزی از نماز ظهر است.

س ۶۴۴: آیا ذکر نام مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها به عنوان یکی از ائمه مسلمانان در خطبه دوم نماز جمعه واجب است؟ یا اینکه واجب است ذکر نام آن حضرت به قصد استحباب باشد؟

ج: عنوان ائمه مسلمین شامل حضرت زهراى مرضیه علیها السلام نمی‌شود و ذکر نام مبارک آن حضرت در خطبه نماز جمعه واجب نیست ولی تبرک جستن به ذکر نام شریف آن حضرت اشکال ندارد.

س ۶۴۵: آیا مأوم می‌تواند در حالی که امام جمعه نماز جمعه را اقامه می‌کند، برای خواندن نماز واجب دیگری به او اقتدا نماید؟

ج: صحت آن، محل اشکال است.

س ۶۴۶: آیا خواندن خطبه‌های نماز جمعه قبل از وقت ظهر شرعی صحیح است؟

ج: خواندن آن قبل از زوال جائز است ولی احتیاط آن است که قسمتی از آن در وقت

ظهر باشد.

س ۶۴۷: اگر مأموم چیزی از خطبه‌های نماز جمعه را درک نکند بلکه فقط هنگام نماز

حاضر شود و به امام جمعه اقتدا نماید. آیا نماز او صحیح و مجزی است؟

ج: نماز او صحیح و مجزی است حتی اگر امام را در رکوع رکعت آخر نماز جمعه درک کند.

س ۶۴۸: نماز جمعه در شهر ما یک ساعت و نیم بعد از اذان ظهر اقامه می‌شود، آیا این

نماز مجزی از نماز ظهر است یا اینکه اعاده آن لازم است؟

ج: وقت نماز جمعه از اول زوال خورشید شروع می‌شود و احوط آن است که از اوائل عرفی زوال - در حدود یکی دو ساعت - به تاخیر نینفتد.

س ۶۴۹: آیا کسی که توانائی رفتن به نماز جمعه را ندارد، می‌تواند نماز ظهر و عصر را در

اوائل وقت بخواند؟ یا اینکه باید صبر کند تا نماز جمعه تمام شود و بعد از آن نماز ظهر و عصر را بخواند؟

ج: صبر کردن بر او واجب نیست و می‌تواند نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند.

س ۶۵۰: اگر امام جمعه منصوب سالم و حاضر در محل برگزاری نماز جمعه باشد، آیا

جایز است امام جمعه موقت را مکلف به اقامه نماز جمعه نماید؟ آیا صحیح است به

امام جمعه موقت اقتدا کند؟

ج: اقامه نماز جمعه به امامت نایب امام جمعه منصوب و اقتدای امام منصوب به

نائب خود اشکال ندارد.

نماز عید فطر و عید قربان

س ۶۵۱: به نظر جنابعالی نماز عید فطر و قربان و نماز جمعه، از کدام نوع از

واجبات است؟

ج: در عصر حاضر نماز عید فطر و قربان واجب نیست بلکه مستحب است، ولی نماز جمعه واجب تخییری است.

س ۶۵۲: آیا کم و زیاد کردن قنوت‌های نماز عید باعث بطلان آن می‌شود؟

ج: نماز به سبب کوتاه یا طولانی خواندن قنوت باطل نمی‌شود.

س ۶۵۳: در گذشته معمول بود که هر امام جماعتی نماز عید فطر را در مسجد خودش اقامه می‌کرد. آیا در حال حاضر اقامه نماز عید فطر و قربان توسط ائمه جماعات

جایز است؟

ج: جایز است نمایندگان ولی فقیه که از طرف وی مجاز در اقامه نماز عید هستند و همچنین ائمه جمعه منصوب از طرف او نماز عید را در عصر حاضر بصورت جماعت اقامه نمایند، ولی غیر آنان احوط این است که آن را فرادی بخوانند و به جماعت خواندن آن به قصد رجاء نه به قصد ورود، اشکال ندارد. بلکه اگر مصلحت اقتضا کند که یک نماز عید در شهر برگزار شود، بهتر است که غیر از امام جمعه منصوب از طرف ولی فقیه، کسی متصدی اقامه آن نشود.

س ۶۵۴: آیا نماز عید فطر قضا دارد؟

ج: قضا ندارد.

س ۶۵۵: آیا نماز عید فطر اقامه دارد؟

ج: اقامه ندارد.

س ۶۵۶: اگر امام جماعت برای نماز عید فطر، اقامه بجا آورد. نماز او و سایر نمازگزاران

چه حکمی دارد؟

ج: به صحت نماز عید امام جماعت و مأمومین ضرری نمی‌رساند.

نماز مسافر

س ۶۵۷: آیا وجوب قصر بر مسافر شامل همه نمازهای فریضه می‌شود یا اختصاص به بعضی از آنها دارد؟

ج: وجوب قصر فقط در خصوص نمازهای روزانه چهار رکعتی است که عبارت از نمازهای ظهر و عصر و عشاء است و نماز صبح و مغرب قصر نمی‌شود.

س ۶۵۸: شرائط وجوب قصر بر مسافر در نمازهای چهار رکعتی کدام است؟
ج: امور هشتگانه ذیل است:

۱- سفر او به مقدار مسافت شرعی باشد یعنی رفتن یا برگشتن و یا رفت و برگشت او روی هم هشت فرسخ شرعی باشد، مشروط بر اینکه رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد.
۲- از اول مسافرت قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد، بنابراین اگر از ابتدا قصد پیمودن هشت فرسخ را نداشته و یا قصد پیمودن کمتر از آن را داشته باشد و بعد از رسیدن به مقصد تصمیم بگیرد به جایی برود که فاصله آن با مکان اول کمتر از مسافت شرعی است ولی از منزل تا آنجا به اندازه مسافت شرعی است، باید نمازش را تمام بخواند.

۳- در بین راه از قصد خود مبنی بر پیمودن مسافت شرعی برنگردد بنابراین اگر در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، حکم سفر بعد از آن بر او جاری نمی‌شود هر چند نمازهایی که قبل از عدول از قصد خود بصورت شکسته خوانده، صحیح است.

۴- قصد قطع سفر در اثنای پیمودن مسافت شرعی با عبور از وطن خود یا ده روز یا بیشتر در جایی ماندن، نداشته باشد.

۵- سفر از نظر شرعی برای او جایز باشد، بنابراین اگر سفر معصیت و حرام باشد

اعم از اینکه خود سفر حرام باشد مثل فرار از جنگ یا اینکه هدف از سفر کار حرامی باشد مثل سفر برای راهزنی، حکم سفر را ندارد و نماز تمام است.

۶- مسافر از کسانی که خانه بدوش هستند نباشد مانند بعضی از صحرائشبان که محل زندگی ثابتی ندارند بلکه در بیابانها گردش می کنند و هر جا آب و علف و چراگاه پیدا کنند می مانند.

۷- مسافرت را شغل خود قرار نداده باشد مانند باربر، راننده و ملوان و غیره و کسی که شغل او در سفر است، ملحق به اینهاست.

۸- به حد ترخص برسد و منظور از حد ترخص مکانی است که در آنجا اذان شهر شنیده نمی شود و دیوارهای شهر هم دیده نمی شود.

آنکه شغلش مسافرت است یا سفر مقدمه شغل اوست

س ۶۵۹: کسی که سفر مقدمه شغل اوست، آیا در سفر نمازش تمام و روزه اش صحیح است یا آن که این حکم اختصاص به کسی دارد که شغل او حتماً مسافرت باشد؟ این گفته مرجع تقلید حضرت امام خمینی «قدس سره» که می فرماید: کسی که شغل او مسافرت است چه معنایی دارد؟ آیا کسی یافت می شود که خود سفر شغل او باشد؟ زیرا چوپان و راننده و ملوان و غیر آنها هم کارشان چوپانی و رانندگی و کشیترانی است و اصولاً کسی که سفر را به عنوان شغل خود برگزیده باشد وجود ندارد.

ج: کسی که سفر مقدمه کار او است، اگر در خلال هر ده روز حداقل یک بار برای کار به محل کارش رفت و آمد نماید، نمازش تمام و روزه اش هم صحیح است و در کلمات فقهاء رضوان الله علیهم مراد از کسی که شغل او مسافرت است، کسی است که قوام کار او به سفر است مانند شغلهایی که در سؤال ذکر شده است.

س ۶۶۰: نظر حضرت تعالی درباره نماز و روزه کسانی که به مدت معینی بیش از یک سال در شهری برای کار اقامت می کنند و یا سربازانی که به مدت یک یا دو سال برای انجام خدمات سربازی در شهری می مانند، چیست؟ آیا بعد از هر سفری باید قصد اقامت ده روز کنند تا نمازشان تمام و روزه آنها صحیح باشد؟ و اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را داشته باشند، نماز و روزه آنها چه حکمی دارد؟

ج: اگر حداقل هر ده روز یکبار به خاطر شغل شان به محل کار سفر می کنند، در غیر سفر اول نمازشان تمام و روزه شان صحیح است، ولی در سفر اول، حکم سایر مسافرین را دارند در اینکه تا قصد اقامت ده روز را نکرده اند، نمازشان شکسته و روزه آنها صحیح نیست.

س ۶۶۱: نماز و روزه خلبانان هواپیماهای جنگی که بیشتر روزها از پایگاه های هوایی شان اقدام به پرواز کرده و مسافتی بسیار بیشتر از مسافت شرعی را می پیمایند و مرتب این عمل را تکرار می کنند، چه حکمی دارد؟

ج: حکم آنان همان حکم سایر رانندگان و ملوانان و خلبانان هواپیماهاست در اینکه نماز آنها در سفر تمام و روزه شان صحیح است.

س ۶۶۲: آیا قبایلهائی که یک یا دو ماه از قشلاق به ییلاق یا بر عکس منتقل می شوند ولی بقیه سال را در ییلاق یا قشلاق بسر می برند، دارای دو وطن هستند؟ مسافرت هائی که در ایام اقامت خود در یکی از این دو مکان به مکان دیگر انجام می دهند از جهت قصر یا تمام بودن نماز چه حکمی دارد؟

ج: اگر قصد نقل و انتقال همیشگی از ییلاق به قشلاق و بر عکس را دارند تا روزهائی از سال را در یکی و روزهائی را در دیگری بگذرانند و هر دو مکان را برای زندگی دائمی خود انتخاب کرده باشند، هر یک از آن دو مکان وطن آنان محسوب می شود

و بر آنان در آن دو حکم وطن جاری می‌گردد، و اگر فاصله بین آن دو به مقدار مسافت شرعی باشد، در راه سفر از یکی به دیگری، حکم سایر مسافرین را دارند. س ۶۶۳: من کارمند یکی از ادارات دولتی شهر هستم. فاصله بین محل کار و محل سکونت محدود سی و پنج کیلومتر است که هر روز این مسیر را برای رسیدن به محل کارم طی می‌کنم. اگر برای کار خاصی قصد کنم چند شب در شهر بمانم، نمازم چه حکمی دارد؟ آیا واجب است نماز را تمام بخوانم یا خیر؟ به عنوان مثال هنگامی که در روز جمعه برای زیارت اقوام به شهر سمنان مسافرت می‌کنم، آیا واجب است نمازم را تمام بخوانم یا خیر؟

ج: اگر مسافرت بخاطر کاری که هر روز برای آن سفر می‌کنید، نباشد، حکم سفر شغلی را ندارد، ولی اگر سفر بخاطر شغلی که در محل کار دارید باشد و در ضمن آن اعمال خاصی از قبیل دیدن اقوام و دوستان را هم انجام می‌دهید و گاهی یک یا چند شب هم در آنجا میمانید، باعث تغییر حکم سفر شغلی نمی‌شود و نماز تمام و روزه صحیح است.

س ۶۶۴: اگر من در محل کارم پس از پایان وقت اداری و انجام کارهای اداری که به خاطر آن مسافرت کرده‌ام، به انجام کارهای شخصی بپردازم. مثلاً از ساعت هفت صبح تا دو بعد از ظهر کارهای اداری را انجام دهم و از آن به بعد مشغول انجام کارهای شخصی شوم، نماز و روزه‌ام چه حکمی دارد؟

ج: انجام کارهای خصوصی در سفر شغلی اداری بعد از پایان کار اداری، حکم سفر شغلی را تغییر نمی‌دهد.

س ۶۶۵: نماز و روزه سربازانی که می‌دانند بیش از ده روز در مکانی می‌مانند ولی از خود اختیاری ندارند، چه حکمی دارد؟ امیدواریم فتوای حضرت امام «قدس سره» را هم

بیان فرمائید.

ج: با اطمینان به اینکه ده روز یا بیشتر در یک مکان خواهند ماند، واجب است نماز خود را تمام بخوانند و روزه بگیرند. فتوای امام «قدس سره» هم همین است.

س ۶۶۶: نماز و روزه نیروهای کادری که در استخدام ارتش یا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و بیشتر از ده روز در پادگان و بیشتر از ده روز در مناطق مرزی می‌مانند. چه حکمی دارد؟ خواهشمندم فتوای حضرت امام «قدس سره» را هم بیان فرمائید.

ج: اگر قصد اقامت ده روز یا بیشتر را در مکانی دارند و یا می‌دانند به آن مقدار در آنجا خواهند ماند، واجب است نماز خود را تمام بخوانند و روزه هم بگیرند. فتوای امام «قدس سره» هم همین است.

س ۶۶۷: من در ایام ماه مبارک رمضان در جایی اقامت دارم که فاصله آنجا با مناطقی که باید به آنها سرکشی کنم به مقدار حد ترخص است، آیا در این صورت نماز تمام است؟ و آیا روزه گرفتن بر من واجب است؟

ج: اگر سرکشی به جاهائی که باید سرکشی نمائید بصورت دوره گردی باشد، و یا رفتن شما به مناطقی که فاصله آنها با محل اقامت کمتر از مسافت شرعی است پس از استقرار حکم اقامت هر چند با خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی باشد، و یا اینکه مجموع خروج شما از محل اقامت به آن مناطق در طی ده روز به مقدار یک سوم روز یا شب و یا کمتر باشد در این صورت نماز شما در محل اقامت و آن مکانها تمام و روزه هم صحیح است. در غیر آن صورت نمازتان شکسته و روزه شما هم باطل است.

س ۶۶۸: در رساله عملیه امام خمینی در بحث، نماز مسافر، شرط هفتم، مساله آمده

است: «واجب است راننده در غیر از سفر اول نماز خود را تمام بخواند ولی در سفر اول نمازش شکسته است هر چند طولانی باشد، آیا مقصود از سفر اول همان شروع حرکت از وطن تا بازگشت به آن است هر چند یک ماه یا بیشتر طول بکشد و در آن مدت ده بار یا بیشتر اقدام به حمل کالا از شهری به شهر دیگر غیر از وطن اصلی اش کند؟

ج: سفر اول با رسیدن به مقصدی که هنگام خروج از وطن یا محل اقامتش قصد رفتن به آنجا را برای حمل مسافر یا کالا به آنجا کرده بود، به پایان می‌رسد، و مسیر برگشت به مبدأ جزء سفر اول محسوب نمی‌شود مگر اینکه مسافرت او به مقصد برای حمل مسافر یا کالا از آنجا به شهر مبدأ باشد.

س ۶۶۹: کسی که رانندگی ماشین شغل ثابت و دائمی او نیست ولی برای مدت کوتاهی وظیفه رانندگی به او محول می‌شود مثل سربازانی که وظیفه رانندگی را در پادگانها و پاسگاهها و غیر آنها بر عهده می‌گیرند، آیا این افراد حکم مسافر را دارند یا آنکه واجب است نماز خود را تمام خوانده و روزه بگیرند؟

ج: اگر از نظر عرف، رانندگی ماشین در آن مدت موقت شغل آنها محسوب شود، حکم سایر رانندگان را خواهند داشت.

س ۶۷۰: اگر ماشین راننده‌ای بر اثر حادثه‌ای برای مدتی متوقف شود و راننده برای تعمیر و خرید لوازم به شهر دیگری مسافرت نماید، با توجه به اینکه با ماشین خود سفر نکرده، آیا باید در مانند این سفر نمازش را تمام بخواند یا شکسته؟

ج: اگر در این سفر شغل او رانندگی نباشد، حکم دیگر مسافران را خواهد داشت.

حکم دانشجویان و روحانیون

س ۶۷۱: دانشجویانی که هر هفته حداقل دو روز برای تحصیل مسافرت می‌کنند و یا

کارمندانی که هر هفته برای کارشان سفر می‌کنند، چه حکمی دارند؟
 با توجه به اینکه آنها هر هفته مسافرت می‌نمایند ولی امکان دارد بخاطر تعطیلی دانشگاه یا کارشان به مدت یک ماه در وطن اصلی خود بمانند و در خلال آن مدت مسافرتی نمی‌کنند، آیا بعد از گذشت یک ماه که سفر خود را دوباره آغاز می‌کنند، نمازشان در سفر اول طبق قاعده شکسته و بعد از آن تمام است؟

ج: در سفر برای تحصیل علم، نماز شکسته است و روزه هم صحیح نیست اعم از اینکه سفرشان هفتگی باشد یا روزانه. ولی کسی که برای کار آزاد یا اداری، مسافرت می‌کند، اگر بین وطن یا محل سکونت و محل کارش هر ده روز حداقل یک مرتبه رفت و آمد نماید، باید از سفر دوم به بعد نماز خود را تمام بخواند و روزه او هم صحیح است، و اگر بین دو سفری که برای کار کردن می‌رود، ده روز در وطن یا جای دیگری بماند، در سفر اولی که بعد از اقامت ده روزه برای کار کردن می‌رود نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد.

س ۶۷۲: اگر یکی از طلاب علوم دینی قصد داشته باشد تبلیغ را شغل خود قرار دهد، آیا با این فرض می‌تواند در سفر نماز خود را تمام بخواند و روزه هم بگیرد؟ و اگر شخصی برای کاری غیر از تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر مسافرت نماید، نماز و روزه‌اش چه حکمی دارد؟

ج: اگر عرفاً تبلیغ و ارشاد یا امر به معروف و نهی از منکر شغل و کار او محسوب شود، در سفر برای انجام آن کارها حکم مسافری را دارد که به خاطر شغل و کارش سفر می‌کند، و اگر زمانی برای کاری غیر از ارشاد و تبلیغ مسافرت کرد، در آن سفر مانند سایر مسافران نمازش شکسته است و روزه او صحیح نیست.

س ۶۷۳: کسانی که مدت غیر معینی مسافرت می‌کنند مانند طلاب علوم دینی که برای

درس خواندن به حوزه علمیه می‌روند و یا کارمندان دولت که برای کار به مدت غیر معینی به شهری اعزام می‌شوند، نماز و روزه این افراد چه حکمی دارد؟
ج: بر محل تحصیل یا کار حکم وطن مترتب نیست، مگر آنکه آنقدر آنجا بمانند که عرفاً وطن آنها محسوب شود.

س ۶۷۴: اگر طلبه علوم دینی که در شهری که وطن او نیست زندگی می‌کند و قبل از قصد اقامه ده روز می‌دانسته و یا قصد داشته که بطور هفتگی به مسجدی که بیرون شهر واقع است برود، آیا می‌تواند قصد اقامت ده روز کند یا خیر؟

ج: هنگام قصد اقامت، قصد رفتن به کمتر از مسافت شرعی به مدت یک ساعت یا بیشتر تا ثلث روز یا شب ضرر به صحت قصد اقامت نمی‌زند و تشخیص اینکه مقصدی که قصد رفتن به آنجا را دارد، آیا داخل در محل اقامت هست یا خیر، موکول به نظر عرف است.

قصد اقامت و مسافت شرعی

س ۶۷۵: من در جانی کار می‌کنم که کمتر از مسافت شرعی با شهر مجاور فاصله دارد و چون هیچیک از دو مکان، وطن من نیست، لذا در محل کارم قصد اقامت ده روز می‌کنم تا نمازم را تمام خوانده و بتوانم روزه بگیرم. و هنگامی که در محل کارم قصد اقامت ده روز می‌کنم در خلال آن مدت و بعد از آن قصد رفتن به شهر مجاور نمی‌کنم. حکم شرعی من در حالت‌های زیر چیست؟

۱- اگر قبل از پایان ده روز بخاطر حادثه‌ای یا کاری به آن شهر بروم و بعد از تقریباً دو ساعت، به محل کارم برگردم؟

۲- اگر بعد از پایان ده روز به قصد رفتن به محله معینی به آن شهر بروم و از مقدار مسافت شرعی تجاوز نکنم و بعد از یک شب توقف، به محل اقامتم برگردم؟

۳- بعد از پایان ده روز به قصد رفتن به محله معینی به آن شهر بروم ولی بعد از رسیدن به آن محله، تصمیم به رفتن به محله دیگری که با محل اقامت من بیشتر از مسافت شرعی فاصله دارد، بگیرم؟

ج: ۱- ۲: بعد از استقرار حکم تمام بودن نماز در محل اقامت هر چند با خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی در آنجا باشد، خارج شدن از آنجا به مقدار کمتر از مسافت شرعی، به مدت یک ساعت یا دو ساعت یا بیشتر در یک یا چند روز، به قصد اقامت ضرر نمی‌رساند، و در این صورت فرقی نمی‌کند که خروج قبل از پایان ده روز باشد یا بعد از آن، و تا مسافرت جدیدی انجام نشده نماز تمام و روزه صحیح است.

۳- رفتن به محله‌های دیگر شهر محل اقامت هر چند با محله قصد اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله داشته باشد به قصد اقامت و حکم آن ضرر نمی‌رساند، ولی اگر پس از قصد اقامت در شهری به شهر دیگری که با شهر محل اقامت به مقدار مسافت شرعی فاصله دارد برود، قصد اقامت قبلی وی به هم می‌خورد و بعد از برگشت به محل اقامت، باید دوباره قصد نماید.

س ۶۷۶: اگر مسافر بعد از خروج از وطن، از راهی عبور کند که صدای اذان وطن اصلی خود را بشنود و یا دیوار خانه‌های آن را ببیند، آیا به مسافت شرعی ضرر می‌رساند؟

ج: تا از وطن خود عبور نکرده، ضرری به مسافت شرعی نمی‌رساند و مسافرتش قطع نمی‌شود، ولی تا در داخل محدوده ما بین وطن و حد ترخص آن هست، حکم مسافر بر او جاری نمی‌شود.

س ۶۷۷: محل کار من که در آنجا سکونت هم دارم، غیر از وطن اصلی ام است و با آن بیش از مسافت شرعی فاصله دارد، و محل کارم را هم وطن خود قرار نداده‌ام و امکان دارد فقط برای چندین سال در آنجا بمانم. گاهی از آنجا برای انجام مأموریت اداری به مدت دو یا سه روز در ماه خارج می‌شوم، آیا هنگامی که از شهری که در آن سکونت دارم به مقداری بیش از مسافت شرعی خارج شده و بر می‌گردم، واجب است در بازگشت قصد اقامت ده روز کنم یا خیر؟ و اگر قصد اقامت ده روز واجب است، تا چه مسافتی، می‌توانم به اطراف شهر بروم؟

ج: اگر از شهری که در آن سکونت دارید، به مقدار مسافت شرعی خارج شوید، هنگام مراجعت باید دوباره قصد اقامت ده روز نمائید، و در صورتی که قصد اقامت ده روز به طور صحیح تحقق پیدا کرد و حکم تمام خواندن نماز هر چند با خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی محقق شد، خروج به کمتر از مسافت شرعی به اندازه یک تا دو ساعت در یک یا چند روز که مجموعاً از مقدار ثلث روز یا شب تجاوز نکند، ضرری به حکم اقامت نمی‌زند، همچنانکه در خلال ده روز قصد خروج به باغها و مزرعه‌های محل اقامت، به قصد اقامت اسببی نمی‌رساند.

س ۶۷۸: اگر شخصی برای چندین سال در چهار کیلومتری وطنش باشد و هر هفته به خانه‌اش برود، هنگامی که این شخص به محلی مسافرت کند که فاصله آن با وطنش بیست و پنج کیلومتر و با مکانی که چندین سال در آن درس خوانده است، بیست و دو کیلومتر است، نماز او چه حکمی دارد؟

ج: اگر از وطنش به آنجا مسافرت کند، نماز قصر است.

س ۶۷۹: مسافری قصد رفتن به سه فرسخی را دارد ولی از ابتدا در نظر دارد در بین راه از راه فرعی برای انجام کار معینی به یک فرسخی برود و سپس داخل مسیر اصلی شود

و به سفر خود ادامه دهد، نماز و روزه این مسافر چه حکمی دارد؟

ج: حکم مسافر را ندارد و ضمیمه کردن مقدار راهی که با خروج از مسیر اصلی و بازگشت به آن پیموده برای تکمیل مسافت شرعی کافی نیست.

س ۶۸۰: با توجه به فتوای امام خمینی «قدس سره» مبنی بر وجوب قصر نماز و افطار هنگام سفر به هشت فرسخی، اگر مقدار رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد ولی در بازگشت، بعلت مشکلات راه و نبودن ماشین، مجبور به پیمودن مسافتی بیش از شش فرسخ شود، آیا باید نماز را شکسته خواند و روزه را افطار کرد؟

ج: اگر رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد و مسیر بازگشت هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، نماز تمام و روزه صحیح است.

س ۶۸۱: کسی که از محل سکونت خود به محل دیگری که کمتر از مسافت شرعی است، سفر کند و در خلال ایام هفته چندین بار از آن محل به محله‌های دیگر برود بطوری که مجموع مسافت بیش از هشت فرسخ شود، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: اگر هنگام خارج شدن از منزل قصد پیمودن آن مسافت را نداشته و فاصله بین مقصد اول و محله‌های دیگر هم به مقدار مسافت شرعی نباشد، حکم مسافر را ندارد.

س ۶۸۲: اگر انسان به قصد رفتن به مکان معینی از شهر خود خارج شود و در آنجا به گردش بپردازد، آیا این گردش جزء مسافتی که از منزل پیموده، محسوب می‌شود؟ ج: گردش در مقصد جزء مسافت محسوب نمی‌شود.

س ۶۸۳: آیا هنگام قصد اقامت، جایز است نیت خروج از محل اقامت به محل دیگری که کمتر از چهار فرسخ با آن فاصله دارد را بنمایم؟

ج: قصد خروج از محل اقامت به اندازه کمتر از مسافت شرعی در اثنای ده روز،

زمانی به صحت قصد اقامت ضرر می‌رساند که خارج شدن عرفاً به صدق ماندن ده روز در محل اقامت ضرر بزند مانند بیرون رفتن یک روز کامل چه رسد به خارج شدن هر روزه از محل اقامت، ولی اگر به صدق اقامت ده روز ضرر نزند مثل بیرون رفتن از آنجا به مدت چند ساعت از روز یا شب برای یک بار یا چند بار به شرطی که مجموع ساعات خروج از یک سه‌وم روز یا شب بیشتر نشود، در این صورت، قصد خروج به قصد اقامت لطمه نمی‌زند.

س ۶۸۴: با توجه به اینکه رفت و آمد از محل سکونت به محل کار که بیشتر از بیست و چهار کیلومتر از هم فاصله دارند، موجب می‌شود که نماز تمام خوانده شود، اگر من از شهری که در آن کار می‌کنم به خارج از آن و یا شهر دیگری که فاصله آن با محل کارم به مقدار مسافت شرعی نیست، بروم و قبل از ظهر یا بعد از ظهر به محل کارم برگردم، آیا باز هم نمازم تمام است؟

ج: به مجرد خارج شدن از محل کار به مقدار کمتر از مسافت شرعی، حکم نماز و روزه شما در محل کار تغییر نمی‌کند هر چند ارتباطی با کار روزانه شما نداشته باشد، و فرقی هم نمی‌کند که قبل از ظهر به محل کارتان برگردید یا بعد از ظهر.

س ۶۸۵: من از اهالی اصفهان هستم و مدتی است که در دانشگاهی در شاهین شهر که از توابع اصفهان است مشغول به کارم، و فاصله بین اصفهان و شاهین شهر کمتر از مسافت شرعی (در حدود بیست کیلومتر) است ولی تا دانشگاه که در اطراف شاهین شهر واقع شده، بیشتر از مسافت شرعی (در حدود بیست و پنج کیلومتر) است. با توجه به اینکه دانشگاه در شاهین شهر است و راه من از وسط شهر عبور می‌کند ولی مقصد اصلی من دانشگاه است، آیا مسافر محسوب می‌شوم یا خیر؟

ج: اگر فاصله بین دو شهر کمتر از چهار فرسخ شرعی باشد، حکم سفر مترتب

نمی شود.

س ۶۸۶: من هر هفته برای زیارت حضرت معصومه سلام الله علیها و انجام اعمال مسجد جمکران به شهر قم مسافرت می کنم، آیا در این سفر نمازم را تمام بخوانم یا شکسته؟

ج: در این سفر حکم سایر مسافرین را دارید و نماز شما قصر است.

س ۶۸۷: محل تولد من شهر کاشمر است و از سال ۱۳۴۵ هجری شمسی تا سال ۱۳۶۹ ساکن تهران بوده ام و آنجا را وطن برای خود انتخاب کردم، و مدت سه سال است که همراه با خانواده ام برای ماموریت اداری به بندرعباس آمده و کمتر از یک سال دیگر به شهر تهران که وطن من است باز خواهیم گشت. با توجه به اینکه در مدتی که در بندرعباس هستم، هر لحظه امکان دارد برای ماموریت به شهرهای تابع بندرعباس بروم و مدتی در آنجا بمانم و زمان ماموریت های اداری هم که به من ارجاع می شود قابل پیش بینی نیست، خواهشمندم اولاً حکم نماز و روزه مرا بیان فرمائید.

ثانیاً: با توجه به اینکه در اغلب اوقات یا در بعضی از ماههای سال برای چند روز در ماموریت اداری بسر می برم، آیا کثیر السفر محسوب می شوم یا خیر؟

ثالثاً: با توجه به اینکه همسر من خانه دار و متولد تهران است و با من به بندرعباس آمده و ساکن آن شده است، حکم شرعی نماز و روزه وی چیست؟

ج: نماز و روزه شما در محل کار فعلی تان که وطن شما نیست حکم نماز و روزه مسافر را دارد یعنی اینکه نماز شکسته و روزه صحیح نیست مگر آنکه در آنجا قصد اقامت ده روز کنید و یا هر ده روز بطور مکرر از محل کار تا مسافت شرعی حداقل یک بار به خاطر کاری که مربوط به وظیفه شما است مسافرت نمائید، و اما همسرتان که در محل کار همراه شما است، اگر قصد اقامت ده روز کرده باشد نماز

وی تمام و روزه‌اش صحیح است و در غیر این صورت نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد.

س ۶۸۸: شخصی قصد اقامت ده روز در جایی کرده است بخاطر اینکه می‌دانسته ده روز در آنجا می‌ماند و یا تصمیم بر ماندن داشته است ولی بعد از آنکه با خواندن یک نماز چهار رکعتی، حکم تمام خواندن نماز بر او مترتب شد، مسافرتی غیر ضروری برای وی پیش می‌آید، آیا رفتن به آن سفر برای او جایز است؟

ج: سفر او اشکال ندارد هر چند غیر ضروری می‌باشد.

س ۶۸۹: اگر فردی برای زیارت حرم امام رضا «علیه‌الصلوة و السلام» مسافرت نماید و با آنکه می‌داند کمتر از ده روز در آنجا خواهد ماند ولی برای اینکه نمازش تمام باشد، قصد اقامت ده روز می‌کند، این کار او چه حکمی دارد؟

ج: اگر می‌داند که در آنجا ده روز نمی‌ماند، قصد اقامت ده روز معنا و اثری ندارد و باید در آنجا نمازش را شکسته بخواند.

س ۶۹۰: مامورین غیر محلی که هیچگاه ده روز در شهر محل کار نمی‌مانند ولی مسافرت آنان کمتر از مسافت شرعی است، از جهت تمام یا شکسته بودن نماز چه وظیفه‌ای دارند؟

ج: اگر فاصله بین وطن و محل کار آنها به مقدار مسافت شرعی ولو تلفیقاً نباشد، احکام مسافر را ندارند، و کسی که بین وطن و محل کارش به مقدار مسافت شرعی فاصله باشد، اگر حداقل هر ده روز یک بار بین آن دو رفت و آمد می‌کند، نمازش را باید تمام بخواند، ولی هرگاه ده روز یا بیشتر در وطن یا محل کار اقامت کند در سفر اول بعد از ده روز، حکم سایر مسافرین را خواهد داشت.

س ۶۹۱: کسی که به جایی مسافرت کرده و نمی‌داند چه مقدار در آنجا خواهد ماند، ده

روز یا کمتر، چگونه باید نماز بخواند؟

ج: وظیفه شخص مردد تا سی روز قصر است و از آن به بعد باید نمازش را تمام بخواند هر چند در همان روز بخواهد برگردد.

س ۶۹۲: کسی که در دو مکان تبلیغ می‌کند و قصد اقامت ده روز هم در آن منطقه دارد، نماز و روزه‌اش چه حکمی دارد؟

ج: اگر از نظر عرف دو مکان محسوب شوند، قصد اقامت در هر دو محل و یا در یکی از آن دو با قصد رفت و آمد به مکان دیگر در خلال ده روز، صحیح نیست.

حد ترخص

س ۶۹۳: در آلمان و بعضی از کشورهای اروپائی، گاهی فاصله بین بعضی از شهرها (یعنی فاصله تابلوهای خروجی شهری و ورودی شهر دیگر) به صد متر نمی‌رسد حتی بعضی از خانه‌ها و خیابان‌های دو شهر کاملاً به هم متصل هستند، حد ترخص این موارد چگونه است؟

ج: با فرض اتصال یکی از دو شهر به دیگری به نحوی که در سؤال آمده است، آن دو، حکم دو محله یک شهر را دارند که خروج از یکی به دیگری مسافرت محسوب نمی‌شود تا نیاز به حد ترخص باشد.

س ۶۹۴: معیار حد ترخص شنیدن اذان و دیدن دیوارهای شهر است، آیا یکی از آن دو کافی است یا اینکه باید هر دو با هم وجود داشته باشند؟

ج: احوط، رعایت هر دو علامت است هر چند بعید نیست که شنیده نشدن اذان برای تعیین حد ترخص کافی باشد.

س ۶۹۵: آیا معیار حد ترخص شنیدن صدای اذان از خانه‌های طرفی است که مسافر از آن طرف شهر خارج یا داخل آن می‌شود، یا اینکه معیار اذان وسط شهر است؟
ج: معیار، شنیدن اذان آخر شهر است از طرفی که مسافر از آن خارج و یا داخل آن می‌شود.

س ۶۹۶: در اینجا بین اهالی یکی از نواحی راجع به مسافت شرعی اختلاف وجود دارد. عده‌ای می‌گویند که دیوارهای آخرین خانه‌های منطقه که به هم متصل هستند، ملاک است. عده‌ای هم معتقدند که باید مسافت را از کارخانه‌ها و شهرکهای پراکنده‌ای که بعد از خانه‌های شهر واقع شده است، محاسبه کرد، سؤال این است که آخر شهر کجاست؟

ج: تعیین آخر شهر موکول به نظر عرف است. اگر در نظر عرف کارخانه‌ها و شهرکهای پراکنده اطراف شهر جزو شهر نباشد، مسافت را از آخر خانه‌های شهر باید حساب نمود.

سفر معصیت

س ۶۹۷: اگر انسان بداند در سفری که می‌خواهد برود، مرتکب معاصی و محرمات خواهد شد. آیا نمازش شکسته است یا تمام؟
ج: مادامی که سفر او بخاطر ترک واجب یا فعل حرامی نباشد، نماز او مانند سایر مسافران شکسته است.

س ۶۹۸: کسی که بدون قصد معصیت مسافرت کند ولی در بین راه برای ادامه و تکمیل سفر قصد ارتکاب معصیت نماید، آیا باید نمازش را تمام بخواند یا شکسته؟ آیا

نمازهای شکسته‌ای که در طول راه خوانده، صحیح است یا خیر؟

ج: واجب است از زمانی که قصد استمرار سفر به خاطر معصیت کرده، نمازش را تمام بخواند، و نمازهایی را که پس از تصمیم به ادامه سفر به قصد ارتکاب گناه، شکسته خوانده است، باید اعاده کند و تمام بخواند.

س ۶۹۹: سفر برای تفریح یا خرید مایحتاج زندگی با فرض فراهم نبودن مکانی برای نماز و مقدمات آن در مسافرت، چه حکمی دارد؟

ج: اگر بداند در مسافرت مبتلا به ترک بعضی از واجبات نماز می‌شود، احوط این است که به آن سفر نرود، مگر آنکه ترک آن برای او ضرر یا مشقت داشته باشد. در هر صورت نماز را در هیچ حالی جایز نیست ترک نماید.

احکام وطن

س ۷۰۰: من متولد شهر تهران هستم و پدر و مادرم در اصل از اهالی شهر «مهدی شهر» هستند لذا چندین بار در طول سال به آنجا سفر می‌کنند و من هم به تبعیت از آنان همراه شان می‌روم، با توجه به اینکه من قصد بازگشت به «مهدی شهر» را برای سکونت ندارم بلکه قصد دارم در تهران بمانم، نماز و روزه‌ام چه حکمی دارند؟

ج: در فرض مذکور، نماز و روزه شما در وطن اصلی پدر و مادران، حکم نماز و روزه سایر مسافرین را دارد.

س ۷۰۱: من شش ماه از سال را در شهری و شش ماه را در شهر دیگری که محل تولدم و محل سکونت من و خانواده‌ام است زندگی می‌کنم، ولی در شهر اول بطور متوالی و مستمر ساکن نیستم مثلاً دو هفته یا ده روز و یا کمتر در آن می‌مانم و سپس به محل

تولد و سکونت خانواده‌ام بر می‌گردم، سؤال من این است که اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را در شهر اول داشته باشم، آیا حکم مسافر را دارم یا خیر؟

ج: اگر آن شهر وطن اصلی شما نباشد و قصد توطن در آنجا را هم نداشته باشید، در صورتی که قصد اقامت کمتر از ده روز را داشته باشید، حکم سایر مسافرین را دارید، مگر آنکه آنجا محل کار شما باشد و حداقل هر ده روز یکبار جهت کار به آنجا رفت و آمد داشته باشید که در این صورت نماز شما تمام و روزه صحیح است.

س ۷۰۲: حدود دوازده سال است که در شهری بدون اینکه قصد زندگی دائمی در آن را داشته باشم، ساکن هستم. آیا این شهر وطن من محسوب می‌شود؟ چه مدتی لازم است تا آن شهر وطن من شود؟ و چگونه می‌توان احراز کرد که عرف آنجا را وطن من می‌داند؟

ج: حکم وطن جدید مترتب نمی‌شود مگر با قصد اقامت دائم هر چند به مدت چند ماه در هر سال در محلی و یا قصد اقامت ده دوازده سال یا بیشتر در محلی فقط به قصد زندگی در آنجا و سکونت در آن با همین قصد و یا سکونت در آن بدون قصد اقامت دائم به مدت طولانی، به مقداری که نزد مردم آن محل، اهل آنجا محسوب شود.

س ۷۰۳: وطن شخصی تهران است و در حال حاضر قصد دارد در یکی از شهرهای نزدیک تهران ساکن شده و آن را وطن خود قرار دهد، ولی چون محل کسب و کار روزانه‌اش در تهران است، نمی‌تواند برای اینکه آن شهر وطن او شود، ده روز، چه رسد به شش ماه در آن بماند بلکه هر روز به محل کارش می‌رود و شب به آنجا برمی‌گردد. نماز و روزه او در آن شهر چه حکمی دارد؟

ج: شرط تحقق عنوان وطن جدید این نیست که انسان بعد از قصد توطن و سکونت

در شهری، شش ماه به طور مستمر در آنجا بماند، بلکه بعد از اینکه آنجا را به عنوان وطن جدید انتخاب نمود و خانواده اش را در آنجا مستقر کرد، همین که پس از انجام کار روزانه اش نزد آنان برگردد و شب را پیش آنها بماند تا زمانی که از نظر عرف اهل آنجا محسوب شود، برای تحقق وطن جدید کافی است.

س ۷۰۴: محل تولد من و همسر من شهر کاشمر است ولی بعد از استخدام در یکی از ادارات دولتی، به نیشابور منتقل شدم ولی پدر و مادر ما هنوز در زادگاهمان زندگی می کنند، در ابتدای رفتن به نیشابور، از وطن اصلی خود اعراض کردیم ولی اکنون بعد از پانزده سال از این امر منصرف شده ایم، خواهشمندم به سؤالات زیر پاسخ فرمائید:

۱- هنگامی که به خانه پدر و مادرمان می رویم و چند روز نزد آنها می مانیم، وظیفه من و همسر من راجع به نماز چیست؟

۲- فرزندان ما که در محل سکونت فعلی ما (نیشابور) متولد شده و در حال حاضر به سن بلوغ رسیده اند، هنگامی که به شهر پدری مان (کاشمر) رفته و چند روز نزد آنها می مانیم، چه وظیفه ای دارند؟

ج: بعد از آنکه از وطن اصلی نان «کاشمر» اعراض کردید، دیگر حکم وطن در آنجا بر شما جاری نمی شود مگر آنکه دوباره برای زندگی به آنجا برگشته و تا مدتی در آن اقامت کنید. این شهر نسبت به فرزندان شما هم حکم وطن را ندارد و همه شما در آنجا حکم مسافر را دارید.

س ۷۰۵: شخصی دارای دو وطن است، در نتیجه نماز خود را در هر دو مکان تمام می خواند و روزه هم می گیرد، آیا همسر و فرزندان تحت تکفل وی واجب است در این مسئله از سرپرست خود تبعیت نمایند یا اینکه می توانند مستقل از او عمل کنند؟

ج: زن می تواند وطن جدید شوهرش را وطن خود قرار ندهد ولی فرزندان اگر صغیر

باشند و در تصمیم‌گیری و کسب درآمد مستقل نباشند و یا در این مسئله تابع اراده پدر باشند، وطن جدید پدر، وطن آنها هم محسوب می‌شود.

س ۷۰۶: اگر زایشگاه خارج از وطن پدر باشد و مادر ناچار باشد چند روزی برای وضع

حمل به زایشگاه منتقل شود و بعد از تولد فرزند برگردد، وطن این طفل کجاست؟

ج: اگر زایشگاه در وطن پدر و مادر که در آن زندگی می‌کنند قرار داشته باشد، همانجا وطن اصلی کودک هم خواهد بود، در غیر این صورت مجرد تولد در شهری باعث نمی‌شود که آنجا وطن او شود، بلکه وطن وی همان وطن پدر و مادر است که بعد از تولد به آنجا برده شده و با آنها زندگی می‌کند.

س ۷۰۷: شخصی چند سال است که در شهر اهواز سکونت دارد ولی آنجا را به عنوان وطن دوم خود قرار نداده است، اگر از آن شهر به مقدار بیشتر یا کمتر از مسافت

شرعی خارج شود، هنگام بازگشت مجدد به آنجا، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج: بعد از آنکه قصد اقامت در اهواز کرد و حکم تمام خواندن نماز با بجا آوردن حداقل یک نماز چهار رکعتی بر او مستقر شد، تا از آنجا به مقدار مسافت شرعی و یا بیشتر خارج نشده، نمازش تمام و روزه او صحیح است. ولی اگر به آن مقدار از آنجا خارج شود، حکم سایر مسافرین را خواهد داشت.

س ۷۰۸: من فردی عراقی هستم که قصد اعراض از وطنم عراق را دارم، آیا همه ایران را وطن خود قرار دهم یا منطقه‌ای را که در آن ساکن هستم؟ و یا اینکه برای انتخاب

وطن حتماً باید خانه‌ای بخرم؟

ج: در وطن جدید، قصد توطن در شهر خاص و معین و سکونت در آن به مدتی که انسان عرفاً اهل آنجا محسوب شود، شرط است، ولی تملک خانه یا غیر آن شرط نیست.

س ۷۰۹: کسی که قبل از بلوغ از محل تولد خود به شهر دیگری مهاجرت نماید و به مسأله اعراض از وطن آگاه نباشد، آن که به سن تکلیف رسیده، نسبت به نماز و روزه اش در آنجا چه وظیفه ای دارد؟

ج: اگر از محل تولد به تبعیت از پدرش مهاجرت کند و پدر وی قصد بازگشت به آنجا را برای زندگی نداشته باشد، آن مکان، برای او حکم وطن را ندارد.

س ۷۱۰: اگر شخصی وطنی داشته باشد که در حال حاضر در آن سکونت نمی کند ولی گاهی با همسرش به آنجا می رود، آیا همسر او در آنجا باید مانند وی نمازش را تمام بخواند یا خیر؟ و اگر همسرش تنها به آنجا برود نمازش چه حکمی دارد؟

ج: مجرد اینکه آن مکان وطن شوهر اوست باعث نمی شود که وطن وی هم باشد و بر او در آنجا احکام وطن جاری شود.

س ۷۱۱: آیا محل کار حکم وطن را دارد؟

ج: اشتغال به کاری در مکانی موجب نمی شود که آن مکان وطن او گردد ولی اگر از محل سکونت تا محل کار که به مقدار مسافت شرعی با هم فاصله دارند، در هر ده روز حداقل یک مرتبه رفت و آمد نماید، محل کار او حکم وطن را خواهد داشت و نماز وی در آنجا تمام و روزه اش صحیح است.

س ۷۱۲: مراد از اعراض از وطن چیست؟ آیا مجرد ازدواج زن و رفتن وی همراه شوهر به هر جایی که او می خواهد، اعراض محسوب می شود یا خیر؟

ج: مراد از اعراض خروج از وطن با تصمیم بر عدم بازگشت به آن برای سکونت است. و مجرد رفتن زن به خانه شوهر در شهر دیگر، مستلزم اعراض از وطن اصلی اش نیست.

س ۷۱۳: خواهشمندیم نظر خود را درباره وطن اصلی و وطن دوم بیان فرمائید.

ج: وطن اصلی جائی است که انسان در آن متولد شده و مدتی در آن بوده و رشد و نمو پیدا کرده است.

وطن دوم هم جائی است که مکلف آن را برای سکونت دائم ولو برای چند ماه در هر سال برگزیده است.

س ۷۱۴: پدر و مادر من از اهالی شهر ساوه هستند و هر دو در کودکی به تهران آمده و در آن سکونت کرده‌اند. بعد از ازدواج به شهر چالوس رفته و در آن ساکن شده‌اند زیرا محل کار پدرم آنجا بوده است، بنابراین من در حال حاضر با توجه به اینکه در تهران به دنیا آمده ولی هرگز در آن اقامت نکرده‌ام، در تهران و ساوه چگونه نماز بخوانم؟

ج: اگر بعد از تولد در تهران، در آنجا رشد و نمو نکرده باشید تهران وطن اصلی شما محسوب نمی‌شود، بنابراین اگر تهران و ساوه را به عنوان وطن اتخاذ نکرده باشید، در آنجا حکم وطن بر شما جاری نمی‌شود.

س ۷۱۵: اگر شخصی از وطنش اعراض نکرده باشد و در حال حاضر حدود شش سال است که در شهر دیگری اقامت دارد، در صورتی که به وطن خود برگردد، آیا با توجه به اینکه بر تقلید امام راحل «قدس سره» باقی مانده، باید نماز خود را تمام بخواند یا شکسته؟

ج: تا از وطن سابق خود اعراض نکرده، حکم وطن نسبت به او باقی است و نماز وی در آنجا تمام و روزه‌اش صحیح است.

س ۷۱۶: دانشجویی خانه‌ای را در شهر تبریز برای تحصیل در دانشگاه آن به مدت چهار سال اجاره کرده است، همچنین وی در صورت امکان قصد ماندن دائمی در تبریز را دارد، در حال حاضر در ایام ماه مبارک رمضان گاهی به وطن اصلی‌اش رفت و

آمد می‌کند، آیا آن دو مکان، برای او دو وطن محسوب می‌شوند؟

ج: اگر در حال حاضر قصد قطعی بر توطن در محل تحصیل نداشته باشد، آنجا حکم وطن را برای او نخواهد داشت. ولی وطن اصلی او تا از آن اعراض نکرده، حکم وطن بودنش نسبت به وی باقی است.

س ۷۱۷: من در شهر کرمانشاه دنیا آمده‌ام و شش سال است که در تهران ساکن هستم و بدون اینکه از وطن اصلی خود اعراض کرده باشم قصد توطن در تهران کرده‌ام، اگر در هر یک یا دو سال از منطقه‌ای به منطقه دیگری از مناطق تهران منتقل شوم نماز و روزه‌ام در آنجا چه حکمی دارد؟ و چون بیشتر از شش ماه است که در منطقه جدیدی از تهران ساکن هستیم، آیا آنجا برای ما حکم وطن را دارد یا خیر؟ هنگامی که در طول روز به مناطق مختلف تهران رفت و آمد می‌کنیم، نماز و روزه ما چه حکمی دارد؟

ج: اگر در تهران فعلی و یا محله‌ای از آن قصد توطن نموده‌اید، همه آن، وطن شما محسوب می‌شود، و در تمامی محله‌های تهران حکم وطن بر شما جاری است و نمازتان تمام و روزه شما صحیح است و تردد شما در تهران فعلی حکم سفر را ندارد.

س ۷۱۸: محل کار و سکونت فعلی شخصی از اهالی روستا در تهران است و پدر و مادر او در روستا زندگی می‌کنند و در آن ملک و آب دارند، این شخص برای دیدار و کمک به آنجا می‌رود ولی تمایلی به بازگشت به آنجا برای سکونت ندارد، با توجه به اینکه آنجا زادگاه وی است، نماز و روزه‌اش در آنجا چه حکمی دارد؟

ج: اگر قصد مراجعت به آن روستا برای سکونت و زندگی ندارد، حکم وطن بر او در آنجا جاری نمی‌شود.

س ۷۱۹: آیا محل تولد شخص هر چند در آنجا ساکن نباشد، وطن محسوب می‌شود؟

ج: اگر در آنجا مدتی مانده و رشد و نمو کرده باشد، تا از آن اعراض نکرده است، حکم وطن را دارد و در غیر این صورت حکم وطن ندارد.

س ۷۲۰: نماز و روزه کسی که سالهای زیادی (نه سال) در سرزمینی که وطن او نیست زندگی می‌کند، و در حال حاضر ممنوع الورد به وطن خود است ولی یقین دارد روزی به آن باز خواهد گشت چه حکمی دارد؟

ج: نماز و روزه او در کشوری که فعلاً در آن ساکن است، حکم نماز و روزه سایر مسافری را دارد.

س ۷۲۱: شش سال از عمرم را در روستائی و هشت سال را در شهری گذرانده و در حال حاضر برای تحصیل به مشهد آمده‌ام، نماز و روزه‌ام در هر یک از این مکانها چه حکمی دارد؟

ج: تا از روستای محل تولد اعراض نکرده‌اید، برای شما نسبت به نماز و روزه، حکم وطن را دارد و در مشهد تا قصد توطن در آن نکرده‌اید، حکم مسافر را دارید، و شهری هم که چندین سال در آن ساکن بوده‌اید، اگر آن را به عنوان وطن انتخاب کرده باشید، تا از آن اعراض نکرده‌اید، حکم وطن را برای شما دارد و در غیر این صورت در آن حکم مسافر را خواهید داشت.

تبعیت زن و اولاد در وطن

س ۷۲۲: آیا زن در وطن و اقامت تابع شوهر است؟

ج: مجرد زوجیت موجب تبعیت قهری نمی‌شود، و زن می‌تواند در انتخاب وطن و قصد اقامت تابع شوهر خود نباشد. بلکه، اگر زن در انتخاب وطن و اعراض از آن تابع

اراده همسرش باشد، قصد شوهرش برای او کافی است و شهری که همسرش با او برای زندگی دائم و به قصد توطن به آنجا رفته است، وطن وی هم محسوب می‌شود و همچنین اعراض شوهر او از وطن مشترکشان با خروج از آن و رفتن به جایی دیگر، اعراض او از وطن هم محسوب می‌گردد، و برای اقامت ده روز در سفر، اطلاع او از قصد شوهرش مبنی بر اقامت ده روز با این فرض که وی تابع اراده شوهر است، برای وی کافی است، بلکه اگر مجبور به همراهی با شوهرش در مدت اقامت در آنجا باشد نیز حکم همین است.

س ۷۲۳: جوانی با زنی از شهری دیگر، ازدواج نموده است، هنگامی که این زن به خانه پدرش می‌رود، نمازش قصر است یا تمام؟

ج: تا زمانی که از وطن اصلی خود اعراض نکرده، نمازش در آنجا تمام است.

س ۷۲۴: آیا زن و فرزندان مشمول مسأله «۱۲۸۴» رساله حضرت امام «قدس سره» هستند؟ (یعنی در تحقق سفر آنها قصد سفر توسط آنان شرط نیست؟) و آیا وطن پدر موجب تمام بودن نماز کسانی که تابع وی هستند می‌گردد؟

ج: اگر در سفر تابع پدر ولو قهراً باشند، قصد پدر برای پیمودن مسافت در صورت اطلاع آنان از آن کافی است. ولی در انتخاب وطن و اعراض از آن، اگر در تصمیم‌گیری و زندگی مستقل نباشند یعنی بر حسب طبیعت و ارتکازشان تابع اراده پدر باشند، در اعراض از وطن سابق و اتخاذ وطن جدید که پدر با آنها برای زندگی دائمی به آنجا رفته است تابع وی خواهند بود.

احکام بلاد کبیره

س ۷۲۵: نظر جناب‌عالی درباره شهرهای بزرگ از جهت قصد توطن یا اقامت ده روز در

آنها چیست؟

ج: در احکام مسافر و قصد توطن و قصد اقامت ده روز فرقی بین شهرهای بزرگ و معمولی نیست و حتی با قصد توطن در یک شهر بزرگ و مدتی در آنجا ماندن، بدون معین کردن محله خاصی از آن، تمام آن شهر حکم وطن را درباره او پیدا خواهد کرد. همچنین اگر قصد اقامت ده روز در مانند این شهر نماید بدون اینکه محله خاصی از آن را قصد نماید، حکم تمام بودن نماز و صحت روزه در مورد او در تمام محله‌های آن شهر جاری خواهد بود.

س ۷۲۶: شخصی از فتوای امام «قدس سره» در مورد اینکه تهران از بلاد کبیره است مطلع نبوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به فتوای امام «قدس سره» علم پیدا کرده است، نماز و روزه‌ای را که به نحو متعارف بجا آورده، چه حکمی دارد؟

ج: اگر در حال حاضر بر تقلید امام «قدس سره» در آن مسئله باقی باشد، واجب است اعمال گذشته‌اش را که با فتوای امام «قدس سره» منطبق نیست، تدارک نماید، به این معنی که نمازهائی را که بجای شکسته، تمام خوانده به صورت شکسته قضا کند و روزه‌هائی را که در حال مسافرت گرفته است، قضا نماید.

نماز استیجاری

س ۷۲۷: من قادر بر خواندن نماز نیستم، آیا جایز است شخصی به نیابت از من نماز بخواند؟ و آیا فرقی بین اینکه نائب طلب اجرت کند و یا طلب اجرت نکند وجود دارد؟

ج: شخص مکلف تا زنده است باید نمازهای واجبش را خودش به هر نحو که

می تواند انجام دهد و نماز نائب چه با اجرت و چه بدون اجرت برای او مجزی نیست.

س ۷۲۸: کسی که نماز استیجاری می خواند:

۱- آیا گفتن اذان و اقامه و سلامهای سه گانه و تسبیحات اربعه بطور کامل بر او واجب است؟

۲- اگر یک روز مثلاً نماز ظهر و عصر را بخواند و در روز بعد نمازهای پنجگانه را بطور کامل بجا آورد، آیا رعایت ترتیب لازم است؟

۳- آیا در نماز استیجاری، ذکر خصوصیات میّت شرط است یا خیر؟

ج: ذکر خصوصیات میّت لازم نیست، و رعایت ترتیب فقط بین نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء شرط است، و هرگاه در عقد اجاره کیفیت خاصی بر اجیر شرط نشده باشد و کیفیت معهودی که اطلاق عقد اجاره به آن انصراف پیدا کند هم وجود نداشته باشد، بر اجیر لازم است که نماز را با مستحبات آن به نحو متعارف بخواند ولی واجب نیست برای هر نمازی اذان بگوید.

نماز آیات

س ۷۲۹: نماز آیات چیست؟ و علت شرعی وجوب آن کدام است؟

ج: نماز آیات دو رکعت است که هر رکعت آن پنج رکوع و دو سجده دارد و اسباب شرعی وجوب آن عبارتست از: کسوف خورشید، و خسوف ماه اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود، زلزله و هر حادثه غیرعادی که باعث ترس بیشتر مردم شود مانند بادهای سیاه یا سرخ و یا زرد که غیرعادی باشند، تاریکی شدید، فرو رفتن زمین و

ریختن کوه، صیحه آسمانی و آتشی که گاهی در آسمان ظاهر می شود. در غیر از کسوف و خسوف باید آن حادثه موجب ترس و وحشت بیشتر مردم شود، و حادثه ای که ترس آور نباشد، و یا موجب ترس و وحشت افراد نادری باشد اعتبار ندارد.

س ۷۳۰: نماز آیات چگونه باید خوانده شود؟

ج: به چند صورت می توان آن را بجا آورد:

صورت اول: بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و سوره خوانده شود و به رکوع برود، سپس سر از رکوع برداشته و دوباره حمد و سوره را بخواند و به رکوع رود و باز سر از رکوع بردارد و حمد و سوره بخواند و به رکوع رود و سپس سر از رکوع بردارد و همین طور ادامه دهد تا یک رکعت پنج رکوعی که قبل از هر رکوعی حمد و سوره خوانده است انجام دهد، سپس به سجده رفته و دو سجده نماید و بعد برای رکعت دوم قیام کند و مانند رکعت اول انجام دهد و دو سجده را بجا آورد و بعد از آن تشهد بخواند و سلام دهد.

صورت دوم: بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، حمد و آیه ای از سوره ای را قرائت کرده و رکوع کند، سپس سر از رکوع بردارد و آیه دیگری از آن سوره را بخواند و به رکوع رود، و بعد سر از رکوع برداشته و آیه دیگری از همان سوره را قرائت نماید و همین طور تا رکوع پنجم ادامه دهد تا سوره ای که پیش از هر رکوع یک آیه از آن را قرائت کرده، قبل از رکوع آخر تمام شود. سپس رکوع پنجم را بجا آورد و به سجده رود، و پس از اتمام دو سجده، برای رکعت دوم قیام نماید و حمد و آیه ای از یک سوره را بخواند و به رکوع برود و همین طور مانند رکعت اول ادامه دهد تا تشهد بخواند و سلام دهد و چنانچه بخواهد برای هر رکوعی به یک آیه از سوره ای اکتفا کند نباید

سوره حمد را بیش از یک مرتبه در اول آن رکعت بخواند.

صورت سوم: یکی از رکعتها را به یکی از دو صورت و رکعت دیگر را به نحو دیگر بجا آورد.

صورت چهارم: سوره‌ای را که آیه‌ای از آن را در قیام پیش از رکوع اول خوانده، در قیام پیش از رکوع دوم یا سوم یا چهارم تکمیل نماید، که در این صورت واجب است بعد از سر برداشتن از رکوع، سوره حمد را در قیام بعدی اعاده نموده و یک سوره یا آیه‌ای از آن را اگر پیش از رکوع سوم یا چهارم است، قرائت کند، و در این صورت واجب است آن سوره را تا قبل از رکوع پنجم به آخر برساند.

س ۷۳۱: آیا وجوب نماز آیات اختصاص به کسانی دارد که در شهر وقوع حادثه هستند و یا شامل همه مکلفینی که از آن مطلع شده‌اند هر چند در آن شهر نباشند نیز می‌شود؟
ج: وجوب آن مختص کسانی است که در شهر وقوع حادثه هستند و کسی هم که در شهر متصل به شهری که حادثه در آن رخ داده، بطوری که مانند یک شهر محسوب شوند، زندگی می‌کند، حکم آنها را دارد.

س ۷۳۲: اگر شخصی هنگام وقوع زلزله بیهوش باشد و بعد از وقوع آن به هوش آید، آیا نماز آیات بر او واجب است؟

ج: اگر علم به وقوع زلزله پیدا نکند تا اینکه زمان متصل به وقت وقوع آن بگذرد، خواندن نماز آیات واجب نیست، اگرچه احتیاط آن است که بجا آورد.

س ۷۳۳: بعد از وقوع زلزله در منطقه‌ای، غالباً در مدت کمی دهها پس لرزه رخ می‌دهد، حکم نماز آیات در این موارد چیست؟

ج: هر زلزله چه شدید و چه خفیف اگر زلزله مستتلی محسوب شود، نماز آیات جداگانه‌ای دارد.

س ۷۳۴: اگر مرکز زلزله نگاری وقوع لرزه‌های خفیف زمین را با ذکر تعداد آن در منطقه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، اعلام نماید ولی ما اصلاً آنها را احساس نکنیم، آیا در این حالت نماز آیات بر ما واجب می‌شود یا خیر؟

ج: اگر هنگام وقوع زلزله و یا در زمان متصل به آن، خودتان آن را احساس نکنید، نماز آیات بر شما واجب نیست.

نوافل

س ۷۳۵: آیا باید نمازهای نافله بلند خوانده شود یا آهسته؟

ج: مستحب است نافله‌های روز آهسته و نافله‌های شب بلند خوانده شود.

س ۷۳۶: آیا جایز است نماز شب را که دو رکعت دو رکعت خوانده می‌شود، بصورت دو نماز چهار رکعتی و یک دو رکعتی و یک نماز وتر خواند؟

ج: خواندن نماز شب به صورت نماز چهار رکعتی صحیح نیست.

س ۷۳۷: آیا هنگام خواندن نماز شب، واجب است کسی متوجه نماز شب خواندن ما نشود؟ آیا واجب است آن را در تاریکی بخوانیم؟

ج: در تاریکی خواندن و مخفی کردن از دیگران شرط نیست، بلکه ریا در آن جایز نیست.

س ۷۳۸: آیا خواندن نافله ظهر و عصر، پس از ادای نماز ظهر و عصر و در وقت نافله، باید به قصد قضا باشد و یا به قصد دیگری؟

ج: احوط در این هنگام ادای آن قربة الی الله، بدون قصد اداء و قضاء است.

س ۷۳۹: شخصی که نماز جعفر طیار می‌خواند، آیا مجرد انجام آن ثواب آن نماز را دارد

یا اینکه امور دیگری نیز هست که باید مراعات شود؟

ج: ممکن است امور دیگری در استجابیت دعا دخیل باشد، به هر حال با خواندن نماز جعفر طیار باید به برآورده شدن حاجات و حصول ثوابی که از طرف خداوند بر انجام آن نماز به همان صورتی که وارد شده، وعده داده شده است، امیدوار باشید.

س ۷۴۰: خواهشمندیم کیفیت نماز شب را به تفصیل برای ما بیان فرمائید.

ج: نماز شب یازده رکعت است که هشت رکعت آن که بصورت دو رکعتی دو رکعتی خوانده می شود نماز شب نام دارد و دو رکعت آن نماز شفع است که مانند نماز صبح خوانده می شود، و یک رکعت هم نماز وتر نام دارد که در قنوت آن استغفار و دعا برای مومنین و طلب حاجات از خداوند متان به ترتیبی که در کتاب های ادعیه ذکر شده، مستحب است.

س ۷۴۱: نماز شب به چه صورتی باید خوانده شود؟ یعنی کیفیت آن از جهت سوره و استغفار و دعا چگونه است؟

ج: در نماز شب سوره و استغفار و دعا به عنوان جزئیات شرط نیست، بلکه کافی است در هر رکعت بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، سوره حمد قرائت شود، و اگر خواست بعد از قرائت حمد یک سوره از سوره های قرآن هم قرائت کند، و رکوع و سجود و ذکر آنها و تشهد و سلام بجا آورده شود.

مسائل متفرقه نماز

س ۷۴۲: چگونه باید افراد خانواده را برای خواندن نماز صبح بیدار نمود؟

ج: در این مورد کیفیت خاصی در رابطه با افراد خانواده وجود ندارد.

س ۷۴۳: نماز و روزه کسانی که به گروهها و طایفه‌های مختلفی منسوب هستند و نسبت به هم بغض و حسد و حتی دشمنی بدون دلیل دارند، چه حکمی دارد؟

ج: برای مکلف اظهار حسد و کینه و دشمنی با دیگران جایز نیست ولی این امور باعث بطلان نماز و روزه نمی‌شود.

س ۷۴۴: اگر رزمنده‌ای در جبهه به علت شدت درگیری قادر بر قرائت فاتحه یا سجده و یا رکوع نباشد، چگونه باید نمازش را در آنجا بخواند؟

ج: باید به هر نحوی که برایش امکان دارد، نماز بخواند. و اگر قادر بر انجام رکوع و سجده نیست، ایما و اشاره به جای رکوع و سجود کافی است.

س ۷۴۵: پدر و مادر به فرزندانشان در چه سنی احکام شرعی و عبادات را باید تعلیم دهند؟

ج: مستحب است ولی اطفال احکام شرعی و عبادات را به آنها پس از رسیدن شان به سن تمیز یاد دهد.

س ۷۴۶: بعضی از رانندگان اتوبوس‌های مسافربری که بین شهرها رانندگی می‌کنند، به نماز مسافران اهمیتی نمی‌دهند و به تقاضای آنان برای توقف اتوبوس جهت ادای نماز، توجهی نمی‌کنند، لذا گاهی نماز مسافرین قضا می‌شود. وظیفه رانندگان اتوبوس‌ها در این باره چیست؟ مسافران نسبت به نمازشان چه وظیفه‌ای دارند؟

ج: بر مسافران واجب است در صورت خوف از فوت وقت نماز، از راننده بخواهند که اتوبوس را در مکان مناسبی متوقف نماید، و بر راننده اجابت درخواست آنان واجب است، و اگر به علت عذر مقبول و یا بدون دلیل از توقف اتوبوس خودداری کند، در این صورت تکلیف مسافران اگر خوف فوت وقت داشته باشند، این است

که نماز را در اتوبوس در همان حال حرکت بخوانند و تا آنجا که امکان دارد جهت قبله، قیام، رکوع و سجود را رعایت کنند.

س ۷۴۷: آیا مقصود از اینکه گفته می‌شود «شارب خمر تا چهل روز نماز و روزه‌اش نماز و روزه نیست» این است که در این مدت بر او واجب نیست نماز بخواند و بعداً باید آنها را قضا کند؟ یا اینکه مقصود جمع بین قضاء و اداء است؟ و یا آنکه قضای آنها بر او واجب نیست بلکه اداء کافی است ولی ثواب آن از نمازهای دیگر کمتر است؟

ج: منظور این است که شرب خمر مانع از قبول نماز و روزه است نه اینکه با شرب خمر وجوب ادای نماز و روزه ساقط شود و قضاء واجب گردد یا جمع بین اداء و قضاء لازم شود.

س ۷۴۸: اگر مشاهده کنم که شخصی بعضی از افعال نمازش را اشتباه انجام می‌دهد. وظیفه شرعی ام چیست؟

ج: در این مورد چیزی بر شما واجب نیست، مگر اینکه اشتباه ناشی از جهل او به حکم باشد که در این صورت احوط ارشاد و راهنمایی وی است.

س ۷۴۹: نظر شریف جناب عالی درباره مصافحه نمازگزاران بعد از اتمام نماز چیست؟ قابل ذکر است که بعضی از علمای بزرگوار فرموده‌اند «راجع به این موضوع چیزی از ائمه علیهم السلام وارد نشده است» لذا انگیزه‌ای برای انجام مصافحه وجود ندارد. ولی در عین حال مشاهده می‌کنیم که مصافحه باعث افزایش دوستی و محبت بین نمازگزاران می‌شود.

ج: مصافحه بعد از سلام و فراغت از نماز اشکال ندارد و بطور کلی مصافحه مؤمنین با هم مستحب است.

احکام روزه

س ۷۵۰: دختری که به سن تکلیف رسیده ولی به علت ضعف جسمانی توانائی روزه گرفتن ندارد، و بعد از ماه مبارک رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را بجا آورد تا اینکه ماه رمضان سال بعد فرامی‌رسد، چه حکمی دارد؟

ج: ناتوانی از گرفتن روزه و قضای آن به مجرد ضعف و عدم قدرت موجب سقوط قضای روزه نمی‌شود، بلکه قضای روزه‌های ماه رمضان که از او فوت شده، بر وی واجب است.

س ۷۵۱: دخترانی که تازه به سن تکلیف رسیده‌اند و روزه گرفتن بر آنها مقداری مشکل است، چه حکمی دارند؟ آیا سن بلوغ شرعی دختران اکمال نه سال قمری است؟

ج: بنا بر نظر مشهور، بلوغ شرعی دختران همان تکمیل نه سال قمری است که در این هنگام روزه بر آنها واجب است و ترک آن به مجرد بعضی از عذرهای جایز نیست، ولی اگر روزه گرفتن به آنها در بین روز آسیب برساند و یا موجب مشقت آنها شود، افطار برای آنها جایز است.

س ۷۵۲: من زمان دقیق رسیدن به سن تکلیف خود را نمی‌دانم، از جناب عالی خواهشمندم بیان فرمائید که از چه زمانی قضای نماز و روزه بر من واجب است؟ و آیا

کفاره روزه بر من واجب است یا به علت جهل به مسئله قضای آن کفایت می‌کند؟

ج: فقط قضای آن مقدار از نمازها و روزه‌ها که یقین به فوت آن بعد از رسیدن به سن قطعی تکلیف شرعی دارید، بر شما واجب است، و در مورد روزه اگر بعد از رسیدن قطعی به سن تکلیف عمداً افطار کرده باشید، علاوه بر قضا کفاره هم واجب است. س ۷۵۳: اگر دختر نه ساله‌ای که روزه بر او واجب شده، به دلیل دشواری، روزه‌اش را افطار نماید، آیا قضا بر او واجب است یا خیر؟

ج: قضای روزه‌هایی که از ماه رمضان افطار کرده بر او واجب است.

س ۷۵۴: اگر فردی بخاطر عذری قوی، پنجاه درصد احتمال دهد که روزه بر او واجب نیست و به همین دلیل روزه نگیرد، ولی بعداً معلوم شود که روزه بر او واجب بوده، از جهت قضا و کفاره چه حکمی دارد؟

ج: اگر افطار عمدی روزه ماه مبارک رمضان به مجرد احتمال عدم وجوب روزه بر وی باشد، در فرض سؤال بر او علاوه بر قضا کفاره هم واجب است. بله، اگر افطار به علت ترس از ضرر باشد و ترس هم منشأ عقلانی داشته باشد، کفاره واجب نیست ولی قضا بر او واجب است.

س ۷۵۵: شخصی مشغول انجام خدمت سربازی است و به علت مسافرت و حضور در محل خدمت، نمی‌تواند روزه ماه رمضان سال گذشته را بگیرد، و هنگام حلول ماه رمضان امسال نیز در محل خدمت، است و احتمال دارد که باز هم نتواند روزه بگیرد، آیا اگر پس از پایان دوره خدمت سربازی بخواهد روزه این دو ماه را قضا نماید، کفاره هم بر او واجب است یا خیر؟

ج: کسی که بر اثر عذر مسافرت، روزه ماه رمضان از او فوت شده و آن عذر تا ماه رمضان سال آینده استمرار داشته، فقط قضای آن بر او واجب است و کفاره تأخیر

واجب نیست.

س ۷۵۶: اگر شخص روزه دار جنب باشد و تا قبل از اذان ظهر متوجه آن نشود و پس از آن غسل ارتماسی نماید، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ و اگر بعد از غسل متوجه شود که در حال روزه غسل ارتماسی نموده است آیا قضای آن واجب است؟

ج: اگر غسل ارتماسی بر اثر فراموشی و غفلت از روزه دار بودن باشد، غسل و روزه او صحیح است و قضای روزه‌اش بر او واجب نیست.

س ۷۵۷: اگر شخصی بخواهد قبل از زوال به محل اقامتش برسد، ولی در راه بخاطر پیشامد حادثه‌ای نتواند در زمان معین به مقصد برسد، آیا روزه او اشکال دارد؟ و آیا کفاره بر او واجب است یا اینکه باید فقط قضای روزه آن روز را بجا آورد؟

ج: روزه‌اش در سفر صحیح نیست و بر او فقط قضای روزه آن روزی که پیش از ظهر به محل اقامتش نرسیده واجب است و کفاره‌ای ندارد.

س ۷۵۸: اگر هواپیما در ارتفاع بالا و مسیر طولانی در حال پرواز باشد و پرواز حدود دو ساعت و نیم تا سه ساعت طول بکشد، مهماندار و خلبان هواپیما برای حفظ تعادل خود هر بیست دقیقه احتیاج به نوشیدن آب دارند، در این صورت آیا در ماه مبارک رمضان، کفاره و قضای روزه بر آنها واجب می‌شود؟

ج: اگر روزه برای آنها ضرر داشته باشد، جایز است با نوشیدن آب افطار نمایند و قضای آن را بجا آورند و در این حالت کفاره بر آنها واجب نیست.

س ۷۵۹: آیا اگر زن در ماه مبارک رمضان دو ساعت یا کمتر مانده به اذان مغرب حیض شود، روزه‌اش باطل می‌شود؟

ج: روزه‌اش باطل است.

س ۷۶۰: کسی که با پوشیدن لباس مخصوص (مانند لباس غواصی) بدون اینکه بدنش خیس شود در آب فرو رود، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

ج: اگر لباس به سر او چسبیده باشد، صحت روزه اش محل اشکال است و بنا بر احتیاط وجوبی قضای آن لازم است.

س ۷۶۱: آیا مسافرت عمدی در ماه رمضان به قصد افطار و فرار از روزه گرفتن، جایز است؟

ج: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، و در صورت مسافرت ولو اینکه برای فرار از روزه باشد، افطار بر او واجب است.

س ۷۶۲: شخصی که روزه واجب بر عهده اش است و قصد دارد آن را بگیرد ولی بر اثر پیشامدی نتواند روزه بگیرد مثلاً بعد از طلوع خورشید آماده مسافرت شد و به سفر رفت و بعد از ظهر برگشت و در بین راه هم مرتکب هیچیک از مفطرات نشد، ولی وقت نیت روزه واجب از وی فوت شد، و آن روز هم از روزهائی است که روزه در آن مستحب است. آیا می تواند نیت روزه مستحبی کند یا خیر؟

ج: اگر قضای روزه ماه رمضان بر ذمه اش باشد، نیت روزه مستحبی حتی بعد از فوت وقت نیت روزه واجب، از وی صحیح نیست.

س ۷۶۳: من معتاد به سیگار هستم و در ماه مبارک رمضان هر چه تلاش می کنم که تندخو نباشم نمی توانم و همین باعث ناراحتی زیاد افراد خانواده ام شده است و خودم هم از وضعیت دشوارم رنج می برم، تکلیف من چیست؟

ج: روزه ماه مبارک رمضان بر شما واجب است و جایز نیست در حال روزه سیگار بکشید، و نباید بدون دلیل با دیگران تند برخورد کنید.

زن باردار و شیرده

س ۷۶۴: آیا روزه گرفتن بر زن بارداری که نمی داند روزه بر جنین او ضرر دارد یا خیر،

واجب است؟

ج: اگر بر اثر روزه، خوف ضرر بر جنین داشته باشد و خوف وی هم دارای منشاء عقلائی باشد، افطار بر او واجب است، در غیر این صورت واجب است روزه بگیرد.

س ۷۶۵: زنی که کودک خود را شیر می‌داده و باردار هم بوده و در همان حال روزه ماه رمضان را هم گرفته است، و هنگام زایمان فرزندش مرده به دنیا آمد، اگر از ابتدا احتمال ضرر را می‌داده و در عین حال روزه گرفته است:

۱ - آیا روزه‌اش صحیح است یا خیر؟

۲ - آیا دیه بر ذمه او هست یا خیر؟

۳ - اگر احتمال ضرر نمی‌داده ولی بعداً معلوم شده که روزه گرفتن برای جنین ضرر داشته، چه حکمی دارد؟

ج: اگر با وجود خوف از ضرری که دارای منشاء عقلائی است، روزه گرفته باشد و یا بعداً برایش معلوم شود که روزه برای وی یا برای جنین‌اش ضرر داشته، روزه‌اش صحیح نیست و قضای آن بر او واجب است، ولی ثبوت دیه جنین متوقف بر این است که ثابت شود فوت جنین مستند به روزه گرفتن وی است.

س ۷۶۶: من به لطف، خداوند متعال دارای فرزندی هستم که شیرخوار است. إن شاء الله تعالی بزودی ماه مبارک رمضان فرا خواهد رسید. در حال حاضر می‌توانم روزه بگیرم ولی در صورت روزه گرفتن، شیرم خشک خواهد شد. با توجه به اینکه دارای بنیه ضعیفی هستم و کودکم هر ده دقیقه شیر می‌خواهد، چه وظیفه‌ای دارم؟

ج: اگر به دلیل کم یا خشک شدن شیرتان بر اثر روزه، خوف ضرر بر طفل خود داشته باشید، می‌توانید روزه تان را افطار کنید، ولی برای هر روزی باید یک مد طعام به

فقیر بدهید و قضای روزه را هم بعداً بجا آورید.

بیماری و منع پزشکی

س ۷۶۷: بعضی از پزشکان که به مسائل شرعی ملتزم نیستند، بیماران را از روزه گرفتن به دلیل ضرر داشتن منع می‌کنند، آیا گفته این پزشکان حجت است یا خیر؟
ج: اگر پزشک امین نباشد و گفته او هم اطمینان آور نباشد و باعث خوف ضرر نشود، گفته او اعتباری ندارد.

س ۷۶۸: مادرم تقریباً سیزده سال بیمار بود و به همین دلیل نمی‌توانست روزه بگیرد. من دقیقاً اطلاع دارم که علت روزه نگرفتن او احتیاج به مصرف دارو بوده است. امیدواریم ما را راهنمایی فرمائید که آیا قضای روزه‌ها بر او واجب است؟

ج: اگر عدم توانایی او از روزه گرفتن بر اثر بیماری بوده، قضا ندارد.
س ۷۶۹: من بر اثر ضعف جسمانی از ابتدای سن بلوغ تا دوازده سالگی روزه نگرفته‌ام، در حال حاضر چه تکلیفی دارم؟

ج: واجب است، روزه‌هایی را که در ماه مبارک رمضان با اینکه به سن تکلیف رسیده بودید نگرفته‌اید، قضا کنید، و اگر افطار روزه ماه رمضان عمدی و اختیاری و بدون عذر شرعی بوده، کناره هم بر شما واجب است.

س ۷۷۰: چشم پزشک مرا از روزه گرفتن منع کرده و گفته است که به علت ناراحتی چشم به هیچ وجه نباید روزه بگیرم ولی من به گفته او توجه نکرده و شروع به روزه گرفتن کردم که باعث بروز مشکلاتی برای من در اثنای ماه رمضان شد. بطوری که در بعضی از روزها هنگام عصر احساس ناراحتی می‌کنم، لذا متحیر و مردد هستم بین

اینکه روزه نگیرم و یا ناراحتی ام را تحمل کرده و روزه را تا غروب ادامه دهم. سؤال این است که آیا اصولاً روزه گرفتن بر من واجب است؟ و در روزهایی که روزه می‌گیرم و نمی‌دانم قدرت ادامه آن را تا غروب دارم یا نه، آیا روزه‌ام را ادامه دهم؟ و نیت من چگونه باید باشد؟

ج: اگر از گفته پزشک متدین و امین اطمینان حاصل کنید که روزه برای چشم شما ضرر دارد و یا خوف ضرر داشته باشید، روزه گرفتن برای شما واجب نبوده و بلکه جایز هم نیست، و با خوف ضرر نیت روزه صحیح نیست. و در صورت عدم خوف ضرر نیت روزه اشکال ندارد ولی صحت روزه متوقف بر این است که برای شما واقعاً ضرر نداشته باشد.

س ۷۷۱: من از عینک طبی استفاده می‌کنم و در حال حاضر چشمانم بسیار ضعیف است. هنگامی که به پزشک مراجعه کردم به من گفت اگر برای تقویت چشمانم تلاش نکنم، ضعیف‌تر خواهند شد، بنابراین اگر از روزه ماه رمضان معذور باشم، چه وظیفه‌ای دارم؟

ج: اگر روزه برای چشمان شما ضرر دارد، واجب نیست روزه بگیرید، بلکه واجب است افطار کنید، و اگر بیماری شما تا ماه رمضان آینده استمرار پیدا کرد، قضاء روزه بر شما واجب نیست، ولی واجب است عوض هر روز یک مد طعام به فقیر بدهید.

س ۷۷۲: مادرم به بیماری شدیدی مبتلاست و پدرم نیز از ضعف جسمانی رنج می‌برد و در عین حال هر دو روزه می‌گیرند که گاهی مشخص است که روزه باعث تشدید بیماری آنها می‌شود، تاکنون نتوانسته‌ام آنها را قانع کنم که لااقل هنگام شدت بیماری روزه نگیرند. خواهشمندم ما را در مورد حکم روزه آنها راهنمایی فرمائید.

ج: ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن

تشخیص خود روزه دار نسبت به خودش است و اگر بداند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد و در عین حال بخواهد روزه بگیرد روزه گرفتن برای وی حرام است.

س ۷۷۳: در سال گذشته توسط پزشک متخصص مورد عمل جراحی کلیه قرار گرفتم. وی مرا از گرفتن روزه تا آخر عمر منع نمود، ولی در حال حاضر هیچ مشکل و دردی احساس نمی‌کنم و حتی بطور طبیعی غذا می‌خورم و آب می‌نوشم و هیچیک از عوارض بیماری را هم حس نمی‌کنم. وظیفه من چیست؟

ج: اگر خود شما از ضرر روزه خوف ندارید و حجت شرعی هم بر آن ندارید، واجب است روزه ماه رمضان را بگیرید.

س ۷۷۴: اگر پزشک شخصی را از روزه گرفتن منع کند آیا با توجه به اینکه بعضی از پزشکان اطلاعی از مسائل شرعی ندارند، عمل به گفته او واجب است؟

ج: اگر مکلف از گفته پزشک یقین پیدا کند که روزه برای او ضرر دارد و یا از گفته وی یا منشاء عقلانی دیگری برای او خوف از ضرر حاصل شود روزه گرفتن برای او واجب نیست.

س ۷۷۵: در کلیه‌های من سنگ جمع می‌شود و تنها راه جلوگیری از جمع شدن سنگ در کلیه، نوشیدن مستمر مایعات است و از آنجائی که پزشکان معتقدند که من نباید روزه بگیرم، تکلیف واجب من نسبت به روزه ماه مبارک رمضان چیست؟

ج: اگر جلوگیری از بیماری کلیه مستلزم نوشیدن آب یا سایر مایعات در طول روز باشد، روزه گرفتن بر شما واجب نیست.

س ۷۷۶: از آنجا که مبتلایان به مرض قند مجبورند هر روز یک یا دو بار آمپول انسولین تزریق کنند و نباید در وعده‌های غذایی آنها تأخیر و فاصله بیفتد زیرا باعث پائین

آمدن میزان قند خون و در نتیجه نوعی تشنج و بیهوشی می‌شود، لذا گاهی پزشکان به آنها توصیه می‌کنند که در روز چهار نوبت غذا بخورند، خواهشمندیم نظر شریف خود را درباره روزه این افراد بیان فرمائید.

ج: اگر بدانند خودداری از خوردن و آشامیدن از طلوع آفتاب تا غروب، به آنان ضرر می‌رساند یا خوف ضرر داشته باشند، روزه گرفتن بر آنها واجب نبوده و بلکه جایز نیست.

مبطلات روزه

س ۷۷۷: آیا اگر از دهان شخص روزه دار خون بیاید، روزه اش باطل می‌شود؟

ج: روزه به سبب آن باطل نمی‌شود ولی واجب است از رسیدن خون به حلق جلوگیری کند.

س ۷۷۸: لطفاً نظر تان را درباره استعمال انفیه در ماه مبارک رمضان توسط شخص روزه دار بیان فرمائید.

ج: اگر استعمال آن موجب داخل شدن چیزی از طریق بینی به حلق شود، استفاده از آن توسط شخص روزه دار جایز نیست.

س ۷۷۹: آیا ماده «ناس» که از توتون و غیر آن ساخته می‌شود و برای چند دقیقه زیر زبان گذاشته شده و سپس از دهان بیرون انداخته می‌شود، مبطل روزه است یا خیر؟

ج: اگر آب دهان مخلوط به ماده «ناس» را فرو ببرد، موجب بطلان روزه اش می‌شود.

س ۷۸۰: نوعی داروی طبی برای اشخاص مبتلا به تنگی نفس شدید وجود دارد که عبارت است از یک قوطی که در آن مایع فشرده شده وجود دارد و با فشار دادن آن داروی مایع بصورت پودر گاز از طریق دهان وارد ریه شخص بیمار شده و موجب

تسکین حال وی می‌گردد. گاهی بیمار مجبور می‌شود در یک روز چندین بار از آن استفاده کند، آیا با وجود استفاده از این دارو، روزه گرفتن جایز است؟ با توجه به اینکه بدون استفاده از آن روزه گرفتن غیرممکن و یا بسیار سخت خواهد بود.

ج: اگر ماده‌ای که از طریق دهان وارد ریه می‌شود، فقط هوا باشد، ضرری برای روزه ندارد، ولی اگر هوای فشرده شده همراه با دارویی هر چند بصورت گاز یا پودر باشد و وارد حلق شود صحت روزه محل اشکال است و باید از آن اجتناب شود، و اگر روزه گرفتن بدون آن دارو ممکن نباشد مگر با تحمل مشقت و سختی، استفاده از آن جایز خواهد بود.

س ۷۸۱: من در بیشتر روزها آب دهانم با خونی که از لثه‌هایم می‌آید مخلوط می‌شود و گاهی نمی‌دانم آب دهانی که فرو می‌برم همراه با خون است یا خیر؟ روزه‌ام با این حال چه حکمی دارد؟ امیدوارم مرا راهنمایی فرمائید.

ج: اگر خون لثه در آب دهان مستهلک شود، محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مبطل روزه نیست، و همچنین در صورت شک در همراه بودن آب دهان با خون، فرو بردن آن اشکال ندارد و به صحت روزه ضرر نمی‌زند.

س ۷۸۲: در یکی از روزهای ماه رمضان روزه گرفتم ولی دندانهایم را مسواک نزد، و بدون اینکه باقیمانده غذاهای لابلای دندانها را عمداً ببلعم، خودبخود بلعیده شده است. آیا قضای روزه آن روز بر من واجب است؟

ج: اگر علم به وجود باقیمانده غذا در بین دندانهایتان و یا علم به رسیدن آن به حق نداشته‌اید و فرو رفتن آن هم عمدی و با التفات نبوده، چیزی در رابطه با روزه بر شما واجب نیست.

س ۷۸۳: از لثه شخص روزه‌داری خون زیادی خارج می‌شود. آیا روزه‌اش باطل

می‌شود؟ و آیا برای او ریختن آب با ظرف بر سرش جایز است؟

ج: با خروج خون از لثه تا آن را فرو نبرده است، روزه‌اش باطل نمی‌شود، همچنین ریختن آب بر روی سر توسط ظرف و مانند آن به صحت روزه ضرر نمی‌رساند.

س ۷۸۴: داروهای مخصوصی برای معالجه بعضی از بیماری‌های زنان وجود دارد (شیافهای روغنی) که در داخل بدن گذاشته می‌شود، آیا استفاده از آن موجب بطلان روزه می‌شود؟

ج: استفاده از آن داروها به روزه ضرر نمی‌رساند.

س ۷۸۵: نظر شریف جنابعالی درباره تزریق آمپول توسط دندانپزشک و سایر تزریقات نسبت به روزه داران در ماه مبارک رمضان، چیست؟

ج: تزریق آمپول برای روزه داران، اشکال ندارد مگر سرم‌های غذائی که احوط، اجتناب از آن در حالت روزه است.

س ۷۸۶: آیا رساندن مایعات مغذی به بدن از طریق رگها که در بیمارستانها معمول است، روزه را باطل می‌کند یا خیر؟

ج: رساندن مایعات مغذی از طریق رگها به بدن در حال روزه محل اشکال است، لذا احتیاط به پرهیز از آن، ترک نشود.

س ۷۸۷: آیا خوردن قرص فشار خون در حال روزه جایز است یا خیر؟

ج: اگر خوردن آن در ماه رمضان برای درمان فشار خون ضروری باشد، اشکال ندارد، ولی با خوردن آن روزه باطل می‌شود.

س ۷۸۸: اگر من و بعضی از مردم بر این عقیده باشیم که بر استفاده از قرصها جهت مداوا عنوان خوردن و آشامیدن صدق نمی‌کند، آیا عمل به آن جایز است و به روزه‌ام ضرر نمی‌زند؟

ج: اگر استفاده از آن قرص‌ها به صورت شیاف باشد، به روزه ضرر نمی‌رساند، ولی اگر به صورت بلعیدن باشد، روزه را باطل می‌کند.

س ۷۸۹: همسر مرا در ماه رمضان وادار به نزدیکی نمود، حکم ما چیست؟

ج: بر هر یک از شما حکم افطار عمدی جاری است و علاوه بر قضا، کفاره هم بر هر دوی شما واجب است.

س ۷۹۰: اگر مردی با همسرش در روز ماه رمضان شوخی و ملاعبه نماید، آیا به روزه‌اش ضرر می‌رساند؟

ج: اگر منجر به انزال منی نشود، به روزه خللی وارد نمی‌کند ولی اگر باعث انزال منی شود، جایز نیست و روزه باطل می‌شود.

بقا، بر جنابت

س ۷۹۱: اگر فردی به سبب برخی از مشکلات تا اذان صبح بر جنابت باقی بماند آیا روزه گرفتن در آن روز برای او جایز است؟

ج: روزه گرفتن در غیر ماه رمضان و قضای آن اشکال ندارد، ولی نسبت به روزه ماه رمضان و قضای آن، اگر معذور از غسل است، تیمم کردن بر او واجب است و اگر تیمم هم نکند، روزه‌اش صحیح نیست.

س ۷۹۲: اگر شخصی در حال جنابت چند روز روزه بگیرد و نداند که طهارت از جنابت شرط صحت روزه است، آیا کفاره روزه‌هایی که در حال جنابت گرفته بر او واجب است یا اینکه قضای آنها کافی است؟

ج: اگر با علم به اصل جنابت، در اثر جهل به وجوب غسل یا تیمم بدل از آن برای

روزه، تا اذان صبح بر جنابت باقی مانده باشد، بنا بر احتیاط علاوه بر قضا، کفاره نیز بر او واجب است مگر اینکه جاهل قاصر باشد که در این صورت ظاهراً کفاره بر او واجب نیست هر چند احوط، وجوب آن است.

س ۷۹۳: آیا جایز است شخص جنب بعد از طلوع آفتاب غسل جنابت نماید و روزه قضا یا مستحب بگیرد؟

ج: اگر عمداً تا طلوع فجر بر جنابت باقی بماند، روزه ماه رمضان و قضای آن از او صحیح نیست ولی اقوی صحت روزه‌های دیگر بخصوص روزه مستحبی است.

س ۷۹۴: برادر مؤمنی می‌گوید که وی ده روز قبل از ماه مبارک رمضان ازدواج نموده است و شنیده که حکم شرعی شخص جنب این است که اگر بعد از اذان صبح جنب شود باید تا قبل از اذان ظهر غسل کند و روزه‌اش صحیح است (و یقین به این حکم هم داشته است) وی با این تصور با همسرش در ماه رمضان نزدیکی می‌کرده ولی بعداً متوجه شده که حکم مسئله این نیست، این کار او چه حکمی دارد؟

ج: جنابت عمدی بعد از طلوع فجر در حکم افطار عمدی بوده و موجب قضا و کفاره است.

س ۷۹۵: شخصی در ماه رمضان در جایی مهمان شد و شب را در آن منزل خوابید و در نیمه‌های شب محتلم گردید و چون مهمان بود و با خود لباسی نداشت، برای فرار از روزه، تصمیم گرفت بعد از طلوع فجر مسافرت نماید، لذا بعد از طلوع فجر بدون اینکه چیزی بخورد به قصد مسافرت، حرکت نمود. سؤال این است که آیا قصد سفر توسط او موجب سقوط کفاره هست یا خیر؟

ج: اگر با حالت جنابت از خواب بیدار شود و علم به جنب بودن خود داشته باشد و قبل از فجر اقدام به غسل یا تیمم نکند، مجرد قصد سفر در شب و یا مسافرت در

روز برای سقوط کفاره از او کافی نیست.

س ۷۹۶: کسی که آب در اختیار ندارد و یا به دلیل عذرهای دیگر غیر از تنگی وقت نمی‌تواند غسل جنابت بکند، آیا جایز است عمداً خود را در شبهای ماه مبارک رمضان جنب کند؟

ج: اگر وظیفه او تیمم باشد و بعد از اینکه خود را جنب کرده وقت کافی برای تیمم داشته باشد، این کار برای وی جایز است.

س ۷۹۷: شخصی در ماه مبارک رمضان قبل از اذان صبح بیدار شده و متوجه محتلم شدن خود نشده است و دوباره خوابیده و در اثنای اذان صبح بیدار شده و علم به جنابت خود پیدا می‌کند و یقین دارد که احتلامش قبل از اذان صبح بوده است، روزه او چه حکمی دارد؟

ج: اگر پیش از اذان صبح متوجه احتلام خود نشده است، روزه‌اش صحیح است.
س ۷۹۸: اگر مکلف در روز ماه رمضان قبل از اذان صبح بیدار شود و ببیند که محتلم شده است و دوباره پیش از اذان صبح به امید اینکه برای غسل کردن بیدار می‌شود بخوابد و تا بعد از طلوع آفتاب در خواب بماند و غسل خود را تا اذان ظهر به تأخیر بیندازد و بعد از اذان ظهر غسل کرده و نماز ظهر و عصر بخواند، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟

ج: در فرض سؤال روزه او صحیح است و تأخیر غسل جنابت تا ظهر ضرری به روزه‌اش نمی‌رساند.

س ۷۹۹: اگر مکلف در شب ماه رمضان قبل از فجر شک کند که محتلم شده یا نه ولی به شک خود اعتنا نکند و دوباره بخوابد و بعد از اذان صبح بیدار شود و متوجه گردد که قبل از طلوع فجر محتلم شده است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر بعد از بیداری اول اثری از احتلام در خود مشاهده نکند بلکه فقط احتمال آن را بدهد و چیزی بر او کشف نشود و تا بعد از اذان بخوابد، روزه اش صحیح است هر چند بعد از آن معلوم شود که احتلام او مربوط به قبل از اذان صبح است.

س ۸۰۰: اگر شخصی در ماه مبارک رمضان با آب نجس غسل کند و بعد از یک هفته متوجه شود که آن آب نجس بوده است، نماز و روزه او در این مدت چه حکمی دارد؟
ج: نمازش باطل و قضای آن واجب است ولی روزه های او محکوم به صحت است.

س ۸۰۱: شخصی مبتلا به بیماری بیرون آمدن مستمر قطرات بول به صورت موقت است یعنی بعد از بول کردن، به مدت یک ساعت یا بیشتر قطرات آن از او خارج می گردد. با توجه به اینکه وی در بعضی از شبها جنب شده و گاهی یک ساعت قبل از اذان بیدار می شود و احتمال می دهد که بعد از آن منی با قطرات بول خارج شود، نسبت به روزه اش چه تکلیفی دارد؟ وظیفه او برای اینکه با طهارت داخل وقت شود، چیست؟
ج: اگر قبل از اذان صبح، غسل جنابت و یا تیمم بدل از آن انجام داده، روزه او صحیح است هر چند بعد از آن بدون اختیار از او منی خارج شود.

س ۸۰۲: اگر شخصی قبل از اذان صبح یا بعد از آن بخوابد و در خواب جنب شده و بعد از اذان بیدار شود، چه مدتی برای غسل کردن وقت دارد؟

ج: در فرض سؤال، جنابت به روزه او ضرر نمی زند ولی واجب است برای نماز غسل کند و می تواند غسل را تا وقت نماز به تأخیر بیندازد.

س ۸۰۳: اگر غسل جنابت برای روزه ماه رمضان یا روزه های دیگر فراموش شود و در اثناء روز به یاد انسان بیفتد، چه حکمی دارد؟

ج: اگر در روزه ماه رمضان غسل جنابت را در شب تا طلوع فجر فراموش کند و با حالت جنابت صبح نماید، روزه اش باطل است و احوط این است که قضای روزه

ماه رمضان هم در این حکم به آن ملحق شود. ولی در سایر روزه‌ها، روزه بر اثر آن باطل نمی‌شود.

استمنا

س ۸۰۴: حدود هفت سال پیش چند روز از روزه‌هایم در ماه رمضان بوسیله استمنا باطل شد ولی تعداد روزه‌هایی را که در طول سه ماه رمضان باطل کرده‌ام نمی‌دانم و فکر نمی‌کنم کمتر از بیست و پنج یا سی روز باشد، لذا تکلیف خود را بطور دقیق نمی‌دانم. خواهشمندم مقدار کفاره آن را برای من مشخص فرمائید.

ج: باطل کردن روزه هر یک از روزهای ماه رمضان بوسیله استمنا که شرعاً عمل حرامی است، دو کفاره دارد که عبارت از شصت روز روزه با اطعام شصت مسکین است، در رابطه با اطعام شصت مسکین می‌توانید برای هر روزی به شصت نفر فقیر، به هر فقری یک مد طعام بدهید، ولی پول نقد کفاره محسوب نمی‌شود و لکن می‌توانید آن را به فقیر بدهید تا به نیابت از شما غذا بخرد و سپس آن را به عنوان کفاره قبول کند. تعیین قیمت خرید طعام تابع قیمت طعامی است که به عنوان کفاره انتخاب شده است مانند گندم، برنج و سایر غذاها. اما نسبت به مقدار روزهایی که روزه آن را به وسیله استمنا باطل کرده‌اید، جایز است در قضا و پرداخت کفاره به مقداری که یقین به آن دارید اکتفا نمائید.

س ۸۰۵: اگر مکلف علم داشته باشد به اینکه استمنا روزه را باطل می‌کند ولی عمداً آن را انجام دهد، آیا کفاره جمع بر او واجب می‌شود؟ و اگر نداند که روزه را باطل می‌کند و استمنا کند، چه حکمی دارد؟

ج: در هر صورت اگر عمدأ استمناء کند و منی هم از او خارج شود، کفاره جمع بر او واجب می شود.

س ۸۰۶: در ماه مبارک رمضان بدون وجود هیچیک از آثار استمناء فقط بر اثر حالتی که هنگام مکالمه تلفنی با یک زن نامحرم در خود احساس کردم مایع منی از من خارج شد، با توجه به اینکه مکالمه با او به قصد لذت نبوده، خواهشمندم لطف نموده و به سؤالات من پاسخ فرمائید، آیا روزهام باطل است یا خیر؟ و در صورت بطلان، آیا کفاره هم بر من واجب است یا خیر؟

ج: اگر خروج منی بر اثر صحبت با یک زن جزء عادت های قبلی شما نبوده و مکالمه تلفنی با او هم بدون قصد لذت و ریه بوده و در عین حال بطور غیرارادی منی از شما خارج شده است، موجب بطلان روزه نمی شود و چیزی هم بر اثر آن بر شما واجب نیست.

س ۸۰۷: شخصی چندین سال عادت به استمناء در ماه رمضان و غیر آن داشته است، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج: استمناء مطلقاً حرام است و اگر منجر به خروج منی شود موجب غسل جنابت هم می شود، و اگر این عمل در حال روزه در روز ماه رمضان صورت بگیرد، در حکم افطار با حرام است، و اگر نماز و روزه را با حالت جنابت و بدون غسل و تیمم انجام دهد، نماز و روزه اش باطل و قضای آنها واجب است.

س ۸۰۸: آیا جایز است انسان با دست همسرش استمناء کند؟ آیا فرقی می کند که این عمل در اثناء جماع یا غیر آن باشد؟

ج: ملاعبه و تماس بدن مرد با همسرش به قصد خروج منی اشکال ندارد. همچنین جایز است زن با آلت شوهرش بازی کند تا منی خارج شود، این کار از موارد استمناء

حرام نیست.

س ۸۰۹: آیا جایز است شخص مجرد در صورتی که پزشک منی او را برای آزمایش بخواهد و راه دیگری هم برای خارج کردن منی نداشته باشد، استمناء نماید؟
ج: اگر معالجه متوقف بر آن باشد، اشکال ندارد.

س ۸۱۰: بعضی از مراکز پزشکی برای انجام آزمایشات پزشکی بر روی منی از انسان می‌خواهند که استمناء کند تا معلوم شود که وی قادر بر بچه‌دار شدن هست یا خیر، آیا استمناء برای او جایز است.

ج: استمناء برای او از نظر شرعی جایز نیست، هر چند برای تشخیص قدرت وی بر بچه‌دار شدن باشد، مگر آنکه تشخیص و شناخت بیماری که علت بچه‌دار نشدن زن یا شوهر است متوقف بر آن باشد.

س ۸۱۱: آیا خارج کردن منی از طریق علمی ذیل جایز است؟ غده پروستات از طریق مخرج غائط به وسیله انگشت خود شخص تحریک شده و منی بدون جستن و سستی بدن خارج شود؟

ج: عمل مذکور فی نفسه جایز نیست زیرا از مصادیق استمناء حرام است.

س ۸۱۲: آیا برای کسی که از همسرش دور است، تخیل او به قصد برانگیختن شهوت جایز است؟

ج: در خصوص فرض سؤال اشکال ندارد.

س ۸۱۳: شخصی در ابتدای سن بلوغ روزه می‌گرفته ولی در اثناء روزه استمناء نموده و جنب شده و به همین صورت چند روز روزه گرفته است، در حالی که جهل داشته به اینکه برای روزه گرفتن تطهیر از جنابت واجب است. آیا قضای روزه‌های آن روزها کافی است یا اینکه تکلیف دیگری دارد؟

ج: در فرض سؤال، قضا و کفاره بر او واجب است.

س ۸۱۴: شخص روزه‌داری در ماه رمضان به صحنه شهوت انگیزی نگاه کرده و جنب شده است. آیا با این کار روزه‌اش باطل می‌شود؟

ج: اگر نگاه کردن او به قصد انزال بوده و یا می‌دانسته که اگر به آن منظره نگاه کند، جنب می‌شود و یا عادت او بر این بوده است و در عین حال عمداً نگاه کرده و جنب شده است، حکم جنابت عمدی را دارد.

احکام مبطلات روزه

س ۸۱۵: آیا تبعیت از اهل سنت در وقت افطار روزه در مراسم عمومی و مجالس رسمی و غیر آن، جایز است؟ اگر مکلف تشخیص دهد که این متابعت از موارد تقیه نیست و دلیلی برای التزام به آن وجود ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

ج: تبعیت از دیگران در افطار روزه بدون احراز دخول وقت افطار، جایز نیست، و اگر از موارد تقیه باشد افطار جایز است ولی روزه آن روز قضا دارد، و جایز نیست بطور اختیاری افطار نماید مگر بعد از آنکه داخل شدن شب و پایان یافتن روز را با یقین حسی و یا با حجت شرعی احراز نماید.

س ۸۱۶: اگر روزه‌دار باشم و مادرم مرا وادار به خوردن غذا یا نوشیدن کند، آیا روزه‌ام باطل می‌شود؟

ج: خوردن و آشامیدن روزه را باطل می‌کند هر چند بر اثر درخواست و اصرار شخص دیگری باشد.

س ۸۱۷: اگر چیزی به زور وارد دهان روزه‌دار شود و یا سر او به همان صورت داخل

آب گردد. آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟ و اگر وادار به باطل کردن روزه‌اش شود، مثلاً به او بگویند که اگر روزه‌ات را نخوری، ضرری به خودت یا مالت وارد می‌سازیم، او هم برای دفع این ضرر غذا بخورد، آیا روزه‌اش صحیح است؟

ج: روزه شخص روزه دار با داخل شدن چیزی در حلقش بدون اختیار و یا با فرو بردن سرش به همان صورت به زیر آب باطل نمی‌شود، ولی اگر خودش بر اثر اکراه دیگری مرتکب مفطری شود، روزه‌اش باطل خواهد شد.

س ۸۱۸: اگر روزه دار جاهل باشد به اینکه تا به حد ترخص نرسیده نباید قبل از زوال افطار کند، و قبل از حد ترخص به این اعتبار که مسافر است، افطار نماید، روزه این شخص چه حکمی دارد؟ آیا قضا بر او واجب است یا حکم دیگری دارد؟

ج: حکم او همان حکم افطار عمدی است.

س ۸۱۹: هنگامی که مبتلا به بیماری زکام بودم، مقداری از اخلاط سر و سینه در دهانم جمع شده بود که به جای بیرون انداختن، آن را فرو بردم، آیا روزه‌ام صحیح است یا خیر؟ در بعضی از روزهای ماه مبارک رمضان در منزل یکی از اقوام بودم که بر اثر زکام و خجالت و حیا مجبور شدم با خاک، تیمم بدل از غسل واجب بکنم و تا نزدیک ظهر غسل نکردم. این کار برای چند روز تکرار شد، آیا روزه‌ام در آن روزها صحیح

است یا خیر؟ و اگر صحیح نباشد، آیا کفاره بر من واجب است یا خیر؟

ج: فرو بردن اخلاط سر و سینه ضرری به روزه نمی‌رساند ولی اگر به فضای دهان رسیده باشد بنابر احتیاط واجب باید از فرو بردن آن خودداری نماید، و اما ترک غسل جنابت قبل از طلوع فجر روزی که می‌خواهید روزه بگیرید و انجام تیمم بدل از غسل بجای آن، اگر بخاطر عذر شرعی باشد و یا تیمم در آخر وقت و بخاطر تنگی آن باشد، روزه شما با تیمم صحیح است. در غیر این صورت روزه شما در آن

روزها باطل است.

س ۸۲۰: من در معدن آهن کار می‌کنم که طبیعت آن اقتضا می‌کند هر روز داخل معدن شده و در آن کار کنم و هنگام استفاده از ابزار کار غبار وارد دهانم می‌شود، بقیه ماههای سال هم به همین صورت بر من می‌گذرد، تکلیف من چیست؟ آیا روزه من در این حالت صحیح است؟

ج: فرو بردن غبار هنگام روزه موجب باطل شدن آن است و باید از آن پرهیز نمود، ولی مجرد داخل شدن غبار در دهان و بینی بدون فرو بردن آن، روزه را باطل نمی‌کند.

س ۸۲۱: اگر روزه دار آمپولهای غذایی و ویتامین تزریق کند، روزه اش چه حکمی دارد؟
ج: اگر آمپول غذایی باشد و از طریق رگ تزریق شود، احوط این است که شخص روزه دار از آن اجتناب کند و اگر از آن استفاده کرد، احوط این است که قضای روزه آن روز را بجا آورد.

س ۸۲۲: شخص روزه داری در خلال ایام ماه مبارک رمضان مرتکب کاری می‌شود که معتقد است به روزه اش ضرر می‌رساند، ولی بعد از ماه رمضان برای وی آشکار می‌شود که آن کار ضرری برای روزه اش نداشته است، روزه او چه حکمی دارد؟
ج: اگر قصد شکستن روزه اش را نداشته و مرتکب عملی هم که واقعاً روزه را باطل می‌کند نشده، روزه اش صحیح است.

کفاره روزه و مقدار آن

س ۸۲۳: آیا دادن پول یک مد طعام به فقیر تا با آن غذایی برای خودش بخرد، کافی

است؟

ج: اگر اطمینان داشته باشد که فقیر به وکالت از او طعام خریده و سپس آن را به عنوان کفاره قبول می‌کند، اشکال ندارد.

س ۸۲۴: اگر شخصی وکیل در غذا دادن به عده‌ای از مساکین شود، آیا می‌تواند اجرت کار و پختن غذا را از اموالی که به عنوان کفاره به او داده شده است، بردارد؟

ج: مطالبه اجرت کار و پخت غذا برای وی جایز است ولی نمی‌تواند آن را بابت کفاره حساب نماید و یا از اموالی که باید به عنوان کفاره به فقیر داده شود بردارد.

س ۸۲۵: زنی به علت بارداری و نزدیکی وقت زایمان، نمی‌تواند روزه بگیرد و می‌داند که باید آنها را بعد از زایمان و قبل از ماه رمضان آینده قضا نماید، اگر بطور عمدی یا غیر عمدی تا چند سال روزه نگیرد آیا فقط کفاره همان سال بر او واجب است یا آنکه کفاره تمام سالهائی که روزه را به تأخیر انداخته واجب است؟

ج: فدیة تأخیر قضای روزه ماه رمضان هر چند به مدت چند سال هم به تأخیر افتاده باشد یکبار واجب است و آن عبارت است از یک مد طعام برای هر روزی، و فدیة هم زمانی واجب می‌شود که تأخیر قضای روزه ماه رمضان تا ماه رمضان دیگر بر اثر سهل انگاری و بدون عذر شرعی باشد، ولی اگر بخاطر عذری که شرعاً مانع صحت روزه است باشد، فدیة‌ای ندارد.

س ۸۲۶: زنی به علت بیماری از روزه گرفتن معذور است و قادر بر قضا کردن آنها تا ماه رمضان سال آینده هم نیست در این صورت آیا کفاره بر او واجب است یا بر شوهرش؟

ج: اگر افطار روزه ماه رمضان از جهت بیماری و تأخیر قضای آن هم از جهت ادامه بیماری بوده است برای هر روز یک مد طعام به عنوان فدیة بر خود زن واجب است و چیزی بر عهده شوهرش نیست.

س ۸۲۷: شخصی ده روز روزه بر عهده دارد و در روز بیستم شعبان شروع به روزه گرفتن می‌کند، آیا در این صورت می‌تواند عمداً روزه خود را قبل یا بعد از زوال، افطار کند؟ و در صورتی که قبل یا بعد از زوال افطار نماید، چه مقدار کفاره دارد؟

ج: در فرض مذکور افطار عمدی برای او جایز نیست و اگر عمداً افطار کند، در صورتی که قبل از زوال باشد، کفاره‌ای بر او واجب نیست و اگر بعد از زوال باشد، کفاره بر او واجب است که عبارت است از غذا دادن به ده مسکین، و در صورت عدم تمکن، واجب است سه روز روزه بگیرد.

س ۸۲۸: زنی در دو سال متوالی در ماه مبارک رمضان حامله بوده و قدرت روزه گرفتن در آن ایام را نداشته است، ولی در حال حاضر توانائی روزه گرفتن را دارد، حکم او چیست؟ آیا کفاره جمع بر او واجب است یا فقط قضای آن را باید بجا آورد؟ تأخیر او در قضای روزه چه حکمی دارد؟

ج: اگر بر اثر عذر شرعی روزه ماه رمضان را نگرفته، فقط قضا بر او واجب است، و اگر عذر او در خوردن روزه خوف از ضرر روزه بر جنین یا کودکش بوده، باید علاوه بر قضا، برای هر روز یک مد طعام به عنوان فدیة بپردازد، و اگر قضا را بعد از ماه رمضان تا ماه رمضان سال بعد، بدون عذر شرعی به تأخیر انداخته، فدیة هم بر او واجب است یعنی باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

س ۸۲۹: آیا رعایت ترتیب بین قضا و کفاره، در کفاره روزه واجب است یا خیر؟ ج: واجب نیست.

تقاضای روزه

س ۸۳۰: هجده روز روزه به علت مسافرت در ماه رمضان برای انجام مأموریت دینی بر

عهده‌ام می‌باشد، وظیفه من چیست؟ آیا قضای آنها بر من واجب است؟
 ج: قضای روزه‌های ماه رمضان که بر اثر مسافرت از شما فوت شده، واجب است.
 س ۸۳۱: اگر کسی برای گرفتن روزه قضای ماه رمضان اجیر شود و بعد از زوال افطار کند، آیا کفاره بر او واجب است یا خیر؟
 ج: کفاره بر او واجب نیست.

س ۸۳۲: کسانی که در ماه رمضان برای انجام وظیفه دینی در مسافرت هستند و به همین دلیل نمی‌توانند روزه بگیرند، اگر در حال حاضر بعد از چند سال تأخیر، بخواهند روزه بگیرند، آیا پرداخت کفاره بر آنها واجب است؟

ج: اگر قضای روزه ماه رمضان را به علت استمرار عذری که مانع روزه گرفتن است، تا ماه رمضان سال آینده به تأخیر انداخته باشند، قضای روزه‌هایی که از آنان فوت شده کافی است، و واجب نیست برای هر روزی یک مد طعام فدیة بدهند، هر چند احتیاط در جمع بین قضا و فدیة است. ولی اگر تأخیر در قضای روزه بخاطر سهل‌انگاری و بدون عذر باشد، جمع بین قضا و فدیة بر آنها واجب است.

س ۸۳۳: شخصی به مدت ده سال بر اثر جهل نماز نخوانده و روزه نگرفته است، فعلاً توبه نموده و به سوی خدا بازگشته و تصمیم بر جبران آنها گرفته است ولی توانایی قضای همه روزه‌های فوت شده را ندارد و مالی هم که با آن کفاره‌هایش را بپردازد، ندارد، آیا صحیح است که فقط به استغفار اکتفا کند؟

ج: قضای روزه‌های فوت شده در هیچ صورتی ساقط نمی‌شود، ولی نسبت به کفاره افطاره عمدی روزه ماه رمضان، چنانچه قدرت بر روزه دو ماه و یا اطعام شصت مسکین برای هر روز نداشته باشد، واجب است به هر مقداری که می‌تواند به فقرا صدقه بدهد.

س ۸۳۴: اگر شخصی بر اثر جهل به وجوب قضای روزه تا قبل از ماه رمضان سال آینده قضای روزه‌هایش را به تأخیر اندازد، چه حکمی دارد؟

ج: فدیة تأخیر قضای روزه تا ماه رمضان سال بعد، بر اثر جهل به وجوب آن ساقط نمی‌شود.

س ۸۳۵: فردی که به مدت صد و بیست روز روزه نگرفته چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا باید برای هر روز شصت روز روزه بگیرد؟ و آیا کفاره بر او واجب است؟

ج: قضای آنچه از ماه رمضان از او فوت شده، بر او واجب است، و اگر افطار عمدی و بدون عذر شرعی باشد، علاوه بر قضا کفاره هر روز هم واجب است که عبارت است از شصت روز روزه یا اطعام شصت فقیر و یا دادن شصت مد طعام به شصت مسکین که سهم هر کدام یک مد است.

س ۸۳۶: تقریباً یک ماه روزه گرفته‌ام به این نیت که اگر روزه‌ای بر عهده‌ام باشد قضای آن محسوب شود و اگر روزه‌ای بر عهده‌ام نیست به قصد قربت مطلق باشد، آیا این

یک ماه روزه به حساب روزه‌های قضائی که بر ذمه دارم محسوب می‌شود؟

ج: اگر به نیت آنچه که در زمان روزه گرفتن شرعاً مأمور به آن بوده‌اید، اعم از روزه قضا یا مستحبی، روزه گرفته‌اید و روزه قضا هم بر عهده شما باشد، به عنوان روزه قضا محسوب می‌شود.

س ۸۳۷: کسی که نمی‌داند چه مقدار روزه قضا دارد و با فرض داشتن روزه قضا روزه مستحبی بگیرد، آیا اگر معتقد باشد که روزه قضا ندارد، به عنوان روزه قضا محسوب می‌شود؟

ج: روزه‌هایی را که به نیت استحباب گرفته به جای روزه قضایی که بر عهده‌اش هست، محسوب نمی‌شود.

س ۸۳۸: نظر شریف جنابعالی درباره شخصی که بر اثر گرسنگی و تشنگی و جهل به مسئله، عمداً روزه‌اش را افطار کرده، چیست؟ آیا فقط قضا بر او واجب است یا اینکه کفاره هم باید بدهد؟

ج: اگر جاهل مقصر باشد، بنابر احوط، علاوه بر قضا، کفاره هم بر او واجب است.
 س ۸۳۹: کسی که در اوائل سن تکلیف بر اثر ضعف و عدم توانائی، نتوانسته روزه بگیرد، آیا فقط قضا بر او واجب است یا قضا و کفاره با هم بر او واجب است؟
 ج: اگر گرفتن روزه بر او حرجی نبوده و عمداً افطار کرده، علاوه بر قضا، کفاره نیز بر او واجب است.

س ۸۴۰: کسی که تعداد روزهایی که روزه نگرفته و مقدار نمازهایی را که نخوانده نمی‌داند، وظیفه‌اش چیست؟ و کسی هم که نمی‌داند روزه‌اش را بر اثر عذر شرعی افطار کرده و یا عمداً آن را خورده است، چه حکمی دارد؟

ج: جایز است به قضای آن مقدار از نماز و روزه‌هایش که یقین به فوت آنها دارد، اکتفا نماید، و در صورت شک در افطار عمدی کفاره واجب نیست.

س ۸۴۱: اگر شخصی که در ماه رمضان روزه دار است در یکی از روزها برای خوردن سحری بیدار نشود و لذا نتواند روزه را تا غروب ادامه دهد و در وسط روز حادثه‌ای برای او اتفاق بیفتد و روزه را افطار کند، آیا یک کفاره بر او واجب است یا کفاره جمع؟
 ج: اگر روزه را تا حدی ادامه دهد که روزه بر اثر تشنگی و گرسنگی برای او حرجی شود و در نتیجه آن را افطار نماید، فقط قضا بر او واجب است و کفاره‌ای ندارد.

س ۸۴۲: اگر شک کنم در اینکه اقدام به گرفتن قضای روزه‌هایی را که بر عهده‌ام بوده، کرده‌ام یا خیر تکلیف من چیست؟

ج: اگر یقین به اشتغال قبلی ذمه خود به قضای روزه دارید، واجب است به مقداری

که موجب یقین به انجام آن می شود روزه قضا بگیرد.

س ۸۴۳: کسی که هنگام بلوغ فقط یازده روز از ماه رمضان را روزه گرفته و یک روز را هم در موقع ظهر افطار کرده و در مجموع هجده روز روزه نگرفته است، و در مورد آن هجده روز نمی دانسته که با ترک عمدی روزه کفاره بر او واجب است، چه حکمی دارد؟

ج: اگر روزه ماه رمضان را از روی عمد و بدون عذر شرعی افطار کرده، باید علاوه بر قضا، کفاره هم بدهد اعم از اینکه هنگام خوردن روزه عالم به وجوب کفاره و یا جاهل به آن باشد.

س ۸۴۴: اگر پزشک به بیماری بگوید که روزه برای شما ضرر داد و او هم روزه نگیرد، ولی بعد از چند سال بفهمد که روزه برای وی ضرر نداشته و پزشک در تشخیص خود اشتباه کرده است، آیا قضا و کفاره بر او واجب است؟

ج: اگر از گفته پزشک متخصص و امین و یا از منشاء عقلانی دیگر، خوف از ضرر پیدا کند و روزه نگیرد، فقط قضا بر او واجب است.

مسائل متفرقه روزه

س ۸۴۵: اگر زنی در حال روزه نذری معین حیض شود، چه حکمی دارد؟

ج: روزه با عارض شدن حیض باطل می شود و قضای آن بعد از طهارت واجب است.

س ۸۴۶: شخصی از اول ماه رمضان تا بیست و هفتم ماه را در وطن خود روزه گرفته و در صبح روز بیست و هشتم به دبی مسافرت کرده و در روز بیست و نهم به آنجا رسیده و

متوجه شده که در آنجا عید اعلام شده است، او اکنون به وطن خود برگشته، آیا قضاى روزه‌هایی که از وی فوت شده، واجب است؟ و اگر یک روز قضا نماید، ماه رمضان نسبت به او بیست و هشت روز می‌شود و اگر بخواهد دو روز قضا کند، روز بیست و نهم در جایی بوده که در آنجا عید اعلام شده بود، این شخص چه حکمی دارد؟

ج: اگر اعلان عید در روز بیست و نهم در آن مکان، به نحو شرعی و صحیح باشد، قضاى آن روز بر او واجب نیست، ولی این کشف می‌کند که یک روز روزه در اول ماه از او فوت شده، لذا واجب است قضاى روزه‌ای را که یقین به فوت آن دارد بجا آورد.

س ۸۴۷: اگر روزه‌داری هنگام غروب در سرزمینی افطار کرده باشد و سپس به جایی مسافرت کند که خورشید در آن هنوز غروب نکرده است، روزه آن روز او چه حکمی دارد؟ آیا تناول مفطرات برای او در آنجا قبل از غروب خورشید جایز است؟

ج: روزه او صحیح است و تناول مفطرات در آن مکان قبل از غروب خورشید با فرض اینکه در وقت غروب در سرزمین خود افطار کرده، برای او جایز است.

س ۸۴۸: شهیدی به یکی از دوستانش وصیت نموده که احتیاطاً از طرف وی چند روز روزه قضا بگیرد، ولی ورثه شهید به این مسائل پایبند نیستند و طرح وصیت او هم برای آنها ممکن نیست و روزه گرفتن هم برای دوست آن شهید مشقت دارد، آیا راه حل دیگری وجود دارد؟

ج: اگر آن شهید به دوست خود وصیت کرده که خودش شخصاً برای او روزه بگیرد، ورثه او در این مورد تکلیفی ندارند، و اگر برای آن فرد روزه گرفتن به نیابت از شهید مشقت دارد، تکلیف از او ساقط است.

س ۸۴۹: من فردی کثیر الشک هستم و یا به تعبیر دقیق‌تر زیاد وسوسه می‌شوم، و در

مسائل دینی بخصوص فروع دین زیاد شک می‌کنم. یکی از موارد آن این است که در ماه رمضان گذشته شک کردم که آیا غبار غلیظی که وارد دهان من شده آن را فرو برده‌ام یا خیر؟ و یا آبی را که داخل دهانم کردم. خارج کرده و بیرون ریختم یا نه؟ در نتیجه آیا روزه من صحیح است یا خیر؟

ج: روزه شما در فرض سؤال محکوم به صحت است و این شکها اعتباری ندارند.
 س ۸۵۰: آیا حدیث شریف کساء را که از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل شده، حدیث معتبری می‌دانید؟ آیا نسبت دادن آن در حالت روزه به حضرت زهرا رضیه سلام الله علیها جایز است؟

ج: اگر نسبت دادن آن بصورت حکایت و نقل از کتابهایی که آن را نقل کرده‌اند باشد، اشکال ندارد.

س ۸۵۱: از بعضی از علما و غیر آنان شنیده‌ایم که اگر انسان هنگام روزه مستحبی به خوردن غذا دعوت شود، می‌تواند آن را قبول کرده و مقداری از غذا میل کند و با این کار روزه‌اش باطل نمی‌شود بلکه ثواب هم دارد، امیدواریم نظر شریف خود را در این باره بیان فرمائید.

ج: قبول دعوت مؤمن در حال روزه مستحبی، شرعاً امری پسندیده است و خوردن غذا به دعوت برادر مؤمن هر چند روزه را باطل می‌کند ولی او را از اجر و ثواب روزه محروم نمی‌سازد.

س ۸۵۲: دعاهائی مخصوص ماه رمضان به صورت دعای روز اول و روز دوم تا آخر ماه وارد شده است، قرائت آنها در صورت شک در صحت شان چه حکمی دارد؟

ج: به هر حال اگر قرائت آنها به قصد رجاء ورود و مطلوبیت باشد اشکال ندارد.

س ۸۵۳: شخصی قصد داشت روزه بگیرد، ولی برای خوردن سحری بیدار نشد لذا

نتوانست روزه بگیرد. آیا گناه روزه نگرفتن او به عهده خود وی است یا کسی که او را بیدار نکرده است؟ و اگر فردی بدون سحری روزه بگیرد، آیا روزه اش صحیح است؟

ج: روزه نگرفتن بخاطر عجز از روزه، معصیت و گناه نیست هر چند بر اثر سحری نخوردن باشد. بهر حال در این مورد چیزی بر عهده دیگران نیست، و روزه بدون خوردن سحری هم صحیح است.

س ۸۵۴: روزه روز سوم ایام اعتکاف در مسجد الحرام، چه حکمی دارد؟

ج: اگر مسافر باشد و قصد اقامت ده روز در مکه مکرّمه نماید و یا نذر کرده باشد که در سنّ روزه بگیرد، بر او واجب است بعد از اینکه دو روز روزه گرفت، اعتکاف خود را با روزه روز سوم کامل کند. ولی اگر قصد اقامت و یا نذر روزه در سنّ، نکرده باشد، روزه او در سنّ صحیح نیست و با عدم صحت روزه اعتکاف هم صحیح نیست.

رؤیت هلال

س ۸۵۵: همانطور که می دانید، وضعیت هلال در آخر یا اول ماه به یکی از حالت های زیر است:

۱ - غروب هلال قبل از غروب خورشید باشد.

۲ - غروب هلال مقارن با غروب خورشید باشد.

۳ - غروب هلال بعد از غروب خورشید باشد.

امیدواریم بیان فرمائید که کدامیک از حالات سه گانه فوق را می توان به وسیله برنامه های محاسبه کننده الکترونیکی دقیق برای دورترین نقاط عالم محاسبه کرد؟

آیا استفاده از این محاسبات برای تعیین اول ماه قبل از حلول آن امکان دارد یا اینکه حتماً باید ماه با چشم رؤیت شود؟

ج: معیار اول ماه هلالی است که بعد از غروب خورشید غروب کند و رؤیت آن به نحو متعارف، قبل از غروب ممکن باشد، و محاسبات علمی اگر موجب اطمینان برای مکلف نشود اعتبار ندارد.

س ۸۵۶: اگر هلال ماه شوال در یک شهر دیده نشود ولی تلویزیون و رادیو از حلول آن خبر دهند. آیا کافی است یا تحقیق بیشتری واجب است؟

ج: اگر مفید اطمینان به ثبوت هلال یا صدور حکم به هلال از طرف ولی فقیه باشد کافی است و نیازی به تحقیق نیست.

س ۸۵۷: اگر تعیین اول ماه رمضان و عید سعید فطر به علت عدم امکان رؤیت هلال اول ماه به سبب وجود ابر در آسمان یا اسباب دیگر، ممکن نباشد و سی روز ماه شعبان یا ماه رمضان کامل نشده باشد، آیا برای ماکه در ژاپن زندگی می‌کنیم جایز است به افق ایران عمل کرده و یا به تقویم اعتماد کنیم؟ وظیفه ما چیست؟

ج: اگر اول ماه از طریق رؤیت هلال حتی در افق شهرهای مجاور که یک افق دارند، و یا از طریق شهادت دو فرد عادل، و یا از طریق حکم حاکم، ثابت نشود، باید احتیاط کرد تا اول ماه ثابت شود، و رؤیت هلال در ایران که در غرب ژاپن واقع است، برای کسانی که مقیم ژاپن هستند، اعتبار ندارد.

س ۸۵۸: آیا اتحاد افق در رؤیت هلال شرط است یا خیر؟

ج: رؤیت هلال در شهرهایی که در افق متحد و یا نزدیک به هم هستند و یا در شهرهایی که در شرق واقع شده‌اند، کافی است.

س ۸۵۹: مقصود از اتحاد افق چیست؟

ج: منظور از آن شهرهائی است که در طول خط واحدی واقع شده‌اند. بنابراین اگر دو شهر در یک خط طولی باشند (طول به اصطلاح علم هیئت مراد است)، گفته می‌شود که آنها در افق متحد هستند.

س ۸۶۰: اگر روز بیست و نهم ماه در تهران و خراسان عید باشد، آیا برای افرادی هم که در شهری مانند بوشهر مقیم هستند، جایز است افطار کنند؟ با توجه به اینکه افق تهران و خراسان با افق بوشهر یکی نیست.

ج: اگر اختلاف بین افق دو شهر به مقداری باشد که با فرض رؤیت هلال در یکی، هلال در دیگری قابل رؤیت نباشد، رؤیت آن در شهرهای غربی برای مردم شهرهای شرقی که خورشید در آنها قبل از شهرهای غربی غروب می‌کند، کافی نیست بر خلاف عکس آن.

س ۸۶۱: اگر بین علمای یک شهر راجع به ثبوت هلال یا عدم آن اختلاف رخ دهد و عدالت آنها هم نزد مکلف ثابت بوده و به دقت همه آنها در استدلال خود مطمئن باشد، وظیفه واجب مکلف چیست؟

ج: اگر اختلاف دو بینه به صورت نفی و اثبات باشد یعنی یکی مدعی ثبوت هلال و دیگری مدعی عدم ثبوت آن باشند این اختلاف موجب تعارض دو بینه و تساقط هر دو است، و وظیفه مکلف این است که هر دو نظر را کنار گذاشته و درباره افطار کردن یا روزه گرفتن به آنچه که مقتضای اصل است عمل نماید. ولی اگر بین ثبوت هلال و عدم علم به ثبوت آن اختلاف داشته باشند، به این صورت که بعضی از آنها مدعی رؤیت هلال باشند و بعضی دیگر مدعی عدم مشاهده آن، قول کسانی که مدعی رؤیت هلال هستند، در صورت عادل بودن، حجت شرعی بر مکلف است و باید از آن متابعت کند، و همچنین اگر حاکم شرعی حکم به ثبوت هلال نماید، حکم وی حجت شرعی برای همه مکلفین است و باید از آن پیروی کنند.

س ۸۶۲: اگر شخصی هلال ماه را ببیند و بداند که رؤیت هلال برای حاکم شرع شهر او به هر علتی ممکن نیست، آیا او مکلف است که رؤیت هلال را به حاکم اطلاع دهد؟
ج: اعلام بر او واجب نیست مگر آنکه ترک آن مفسده داشته باشد.

س ۸۶۳: همانگونه که می دانید اکثر فقهای بزرگوار پنج راه برای ثبوت اول ماه شوال در رساله های عملیه خود بیان کرده اند که ثبوت نزد حاکم شرع در ضمن آنها نیست، بنابراین چگونه بیشتر مومنین به مجرد ثبوت اول ماه شوال نزد مراجع، روزه خود را افطار می کنند؟ شخصی که از این راه اطمینان به ثبوت هلال پیدا نمی کند، چه تکلیفی دارد؟

ج: تا حاکم حکم به رؤیت هلال نکرده، مجرد ثبوت هلال نزد او، برای تبعیت دیگران از وی کافی نیست مگر آنکه اطمینان به ثبوت هلال حاصل نمایند.

س ۸۶۴: اگر ولی امر مسلمین حکم نماید فردا عید است و رادیو و تلویزیون اعلام کنند که هلال در چند شهر دیده شده است، آیا عید برای تمامی نواحی کشور ثابت می شود یا فقط برای شهرهایی که ماه در آنها دیده شده و شهرهای هم افق با آنها، ثابت می گردد؟

ج: اگر حکم حاکم شامل همه کشور باشد، حکم او شرعاً برای همه شهرها معتبر است.

س ۸۶۵: آیا کوچکی هلال و باریک بودن و اتصاف آن به خصوصیات هلال شب اول، دلیل بر اینکه شب قبل شب اول ماه نبوده بلکه شب سی ام ماه قبل بوده محسوب می شود؟ و اگر عید برای شخصی ثابت شود و از این راه یقین پیدا کند که روز قبل عید نبوده، آیا باید قضای روزه روز سی ام ماه رمضان را بجا آورد؟

ج: مجرد کوچکی و پائین بودن هلال یا بزرگی و بالا بودن و یا پهن یا باریک بودن آن دلیل شرعی شب اول یا دوم بودن نیست، ولی اگر مکلف از آن علم به چیزی پیدا

کند باید به مقتضای علم خود در این زمینه عمل نماید.

س ۸۶۶: آیا استناد به شبی که در آن ماه بصورت قرص کامل است (شب چهاردهم) و اعتبار آن به عنوان دلیل برای محاسبه اول ماه جایز است؟ تا از این راه وضعیت یوم الشک معلوم شود که مثلاً روز سی ام ماه رمضان است و احکام روز ماه رمضان بر آن مترتب شود، مثلاً بر کسی که این روز را بر اساس بینه روزه نگرفته، حکم به وجوب قضای روزه شود و کسی هم که به دلیل استصحاب بقای ماه رمضان روزه گرفته، بری، الذمه باشد؟

ج: امر مذکور حجت شرعی بر آنچه ذکر شد نیست ولی اگر مفید علم به چیزی برای مکلف باشد، واجب است طبق آن عمل نماید.

س ۸۶۷: آیا استهلال در اول هر ماه واجب کفائی است یا احتیاط واجب؟

ج: استهلال فی نفسه واجب شرعی نیست.

س ۸۶۸: آیا اول ماه مبارک رمضان و آخر آن با رؤیت هلال ثابت می شود یا با تقویم هر چند ماه شعبان سی روز نباشد؟

ج: اول یا آخر ماه رمضان با رؤیت شخص مکلف، یا شهادت دو فرد عادل یا با شهرتی که مفید علم است یا با گذشت سی روز و یا بوسیله حکم حاکم ثابت می شود.

س ۸۶۹: اگر تبعیت از اعلام رویت هلال توسط یک دولت جایز شد، و آن اعلام معیاری علمی، رای ثبوت هلال سرزمین های دیگر را تشکیل دهد، آیا اسلامی بودن آن حکومت شرط است، یا اینکه عمل به آن حتی اگر حکومت ظالم و فاجر هم باشد، ممکن است؟

ج: ملاک در این مورد حصول اطمینان به رؤیت در منطقه ای است که نسبت به مکلف کافی محسوب می شود.

احکام خمس

هبه، هدیه، جایزه بانکی، مهر و ارث

س ۸۷۰: آیا هبه و هدیه عید (عیدی) خمس دارد؟

ج: هبه و هدیه خمس ندارد هر چند احوط این است که اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.

س ۸۷۱: آیا به جایزه‌هایی که توسط بانکها و صندوق‌های قرض الحسنه به افراد پرداخت می‌شود خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: خمس در جایزه‌ها و هدیه‌ها واجب نیست.

س ۸۷۲: آیا مبالغی که بنیاد شهید به خانواده‌های شهدا می‌پردازد، به مازاد از مخارج سال آن، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: چیزی که بنیاد شهید به خانواده‌های عزیز شهدا هدیه می‌کند، خمس ندارد.

س ۸۷۳: آیا نفقه‌ای که شخصی از طرف پدر یا برادر یا یکی از اقوام دریافت می‌کند،

هدیه محسوب می‌شود یا خیر؟ در صورتی که نفقه دهنده خمس اموال خود را

نپردازد، آیا بر نفقه گیرنده پرداخت خمس آنچه که از او می‌گیرد، واجب است؟

ج: تحقق عنوان هبه و هدیه تابع قصد دهنده است، و تا نفقه گیرنده یقین نداشته باشد که مالی که به او داده می شود متعلق خمس است، پرداخت خمس آن واجب نیست.

س ۸۷۴: به دخترم یک واحد مسکونی به عنوان جهیزیه عروسیش داده ام، آیا این واحد مسکونی خمس دارد؟

ج: اگر هبه واحد مسکونی که به دخترتان بخشیده اید، عرفاً مطابق شأن شما محسوب شود، و در بین سال خمس بخشیده باشید دادن خمس آن واجب نیست.

س ۸۷۵: آیا جایز است انسان مالی را قبل از گذشت یک سال بر آن، به همسرش هدیه دهد، با آنکه می داند وی آن مال را برای خرید خانه در آینده و یا مخارج ضروری، ذخیره خواهد کرد؟

ج: این کار جایز است و مالی که به همسرتان بخشیده اید، اگر به مقداری باشد که عرفاً مناسب شأن شما و افراد مانند شما است و قصد فرار از خمس را هم نداشته باشید، خمس ندارد.

س ۸۷۶: زن و شوهری برای اینکه خمس به اموال آنها تعلق نگیرد، قبل از رسیدن سال خمسیشان، اقدام به هدیه کردن سود سالانه خود به یکدیگر می کنند، امیدواریم حکم خمس آنها را بیان فرمائید.

ج: با اینگونه بخشش که برای فرار از خمس است خمس واجب از آنان ساقط نمی شود مگر در مقداری که بخشش آن عرفاً مناسب شأن هر یک از آن دو است، و در مازاد آن، خمس واجب است.

س ۸۷۷: شخصی برای رفتن به حج استحبابی مبلغی را به حساب سازمان حج واریز

کرده، ولی قبل از تشرف به زیارت خانه خدا، فوت نموده است. این مبلغ چه حکمی دارد؟ آیا مصرف کردن آن در نیابت از حج میت واجب است؟ آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج: فیش حج که در قبال مبلغی که به حساب سازمان حج واریز کرده، دریافت نموده، به قیمت فعلی اش از ترکه میت محسوب می‌شود، و میت اگر حج برزده ندارد و وصیت به حج هم نکرده، صرف آن در حج نیایی میت واجب نیست، و پرداخت خمس مبلغ پرداختی بابت آن فیش اگر از درآمد غیر مخمس سالش پرداخته باشد در فرض سؤال واجب است.

س ۸۷۸: باغ پدری از طریق بخشش یا ارث به پسرش منتقل شده است آن باغ هنگام هدیه یا انتقال به او بابت ارث، قیمت زیادی نداشت، ولی در حال حاضر قیمت آن هنگام فروش با قیمت قبلی آن تفاوت زیادی کرده است، آیا به آن مقدار زیادی که بر اثر افزایش قیمت حاصل شده، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: ارث و هبه و پول فروش آنها خمس ندارد هر چند قیمت آنها افزایش یافته باشد. س ۸۷۹: اداره بیمه مبلغی را بابت هزینه درمان به من بدهکار است و مقرر شده که در همین روزها به من پرداخت شود، آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: مال بیمه خمس ندارد.

س ۸۸۰: آیا به پولی که از حقوق ماهیانه‌ام برای خرید لوازم ازدواج در آینده، پس انداز می‌کنم، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر عین پولی را که بابت حقوق ماهیانه می‌گیرید، پس انداز می‌کنید، باید سر سال خمس آن پرداخت شود مگر آنکه بخواهید در خلال یکی دو ماه آینده صرف خرید لوازم ضروری ازدواج نمائید و با پرداخت خمس آن نتوانید با باقیمانده لوازم

مورد حاجت را تهیه کنید.

س ۸۸۱: در کتاب «تحریر الوسيله» آمده است که مهریه زن خمس ندارد و فرقی بین مهریه مدت دار و بدون مدت گذاشته نشده است. امیدواریم آن را توضیح فرمائید.
ج: در عدم وجوب خمس مهریه فرقی بین مهریه مدت دار و بدون مدت و بین پول نقد و کالا وجود ندارد.

س ۸۸۲: دولت در ایام عید به کارمندان خود اجناسی را به عنوان عیدی داده که مقداری از آن تا سر سال باقی مانده است. با توجه به اینکه عیدی کارمندان خمس ندارد، ولی چون ما در برابر این اجناس مقداری پول پرداخت کرده ایم، لذا آنچه به ما داده می شود هدیه به معنای دقیق آن نیست بلکه با قیمت کمتری در برابر عوض داده شده است. آیا خمس آن مقدار از کالا که در برابر آن پول پرداخت شده، باید داده شود؟ یا اینکه باید قیمت واقعی آن در بازار آزاد محاسبه و خمس آن پرداخت شود؟ و یا چون عیدی است، هیچگونه خمسی ندارد؟

ج: در فرض مذکور نظر به اینکه قسمتی از اجناس در واقع از سوی دولت مجانی به کارمند داده می شود و در برابر قسمتی پول دریافت می کنند، فلذا از کالای باقیمانده به نسبت مقداری که پول در برابر آن پرداخت نمودید واجب است خمس عین اجناس باقیمانده یا قیمت فعلی آن را بپردازید.

س ۸۸۳: شخصی فوت نموده و هنگام حیات، خمسی را که بر ذمه اش بوده در دفتر خود یادداشت کرده و تصمیم به پرداخت آن داشته است. در حال حاضر بعد از فوت وی همه افراد خانواده او به استثنای یکی از دخترانش از پرداخت خمس خودداری کرده و در ترکه متوفی برای مخارج خود و میت و غیر آن، تصرف می کنند. خواهشمندیم نظر خود را در رابطه با مسائل زیر بیان فرمائید:

۱ - تصرف در اموال منقول و غیرمنقول متوقی توسط داماد یا یکی از وراث او، چه حکمی دارد؟

۲ - غذا خوردن داماد یا یکی از ورثه در خانه او چه حکمی دارد؟

۳ - تصرفات قبلی این افراد در اموال میت و غذا خوردن آنها در خانه متوقی چه حکمی دارد؟

ج: اگر میت وصیت کند که مقداری از دارائی او به عنوان خمس پرداخت شود یا ورثه او یقین پیدا کنند که وی مقداری خمس بدهکار است، تا وصیت میت و یا خمسی را که بر عهده دارد از ما ترک او ادا نکنند، نمی توانند در ترکه او تصرف نمایند، و تصرفات آنان قبل از عمل به وصیت وی یا پرداخت دین او، نسبت به مقدار وصیت یا دین در حکم غصب است و نسبت به تصرفات قبلی نیز ضامن هستند.

قرض، حقوق ماهیان، بیمه، و بازنشستگی

س ۸۸۴: آیا بر کارمندانی که گاهی مقداری مال از مخارج سالانه آنها زیاد می آید، با توجه به اینکه بدهی های نقدی و قسطی دارند، خمس واجب است؟

ج: اگر بدهی بر اثر قرض کردن در طول سال برای مخارج همان سال یا خرید بعضی از مایحتاج سال بصورت نسیه باشد، از باقیمانده درآمد آن سال استثنای می شود، و در غیر اینصورت، تمام درآمد باقیمانده خمس دارد.

س ۸۸۵: آیا قرضی که برای حج تمتع گرفته می شود باید خمس آن داده شده باشد و بعد از پرداخت خمس، باقیمانده آن برای مخارج حج پرداخت شود؟

ج: مالی که قرض گرفته می شود خمس ندارد.

س ۸۸۶: من در خلال پنج سال مبلغی را به بنیاد مسکن جهت گرفتن زمینی به امید تامین مسکن پرداخت کردم، ولی تاکنون تصمیمی برای واگذاری زمین گرفته نشده است. لذا تصمیم دارم آن مبلغ را از بنیاد مسکن باز پس بگیرم. با توجه به اینکه قسمتی از آن را قرض گرفته‌ام و قسمتی را هم از فروش فرش خانه‌ام و باقیمانده آن را هم از حقوق همسرم که معلّم است، تهیه کرده‌ام، امیدوارم به دو سؤال ذیل پاسخ فرمائید.

۱- اگر بتوانم مبلغ مزبور را پس بگیرم و آن را فقط برای تهیه مسکن (زمین یا خانه) مصرف کنم، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

۲- چه مقدار خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج: در فرض مرقوم که پول از راه هدیه و یا قرض و یا فروش لوازم زندگی تهیه شده، خمس آن واجب نیست.

س ۸۸۷: چند سال پیش از بانک وام گرفته و آن را به مدت یک سال به حساب بانکی‌ام واریز کردم، و بدون آنکه موفق به استفاده از آن وام شوم هر ماه قسط آن را می‌پردازم. آیا به این وام، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: خمس آن مقدار از وام مزبور که اقساط آن را تا سر سال خمسی از منفعت کسب خود پرداخت کرده‌اید، واجب است.

س ۸۸۸: اینجانب مبالغی به خاطر ساختمان منزل بدهکار هستم و این بدهکاری تا دوازده سال طول خواهد کشید. خواهشمندم مرا در رابطه با موضوع خمس راهنمایی فرمائید آیا این بدهی از درآمد سال استثناء می‌شود؟

ج: اقساط بدهی ساخت مسکن و مانند آن را هر چند می‌توان از درآمد کسب همان

سال پرداخت نمود، ولی در صورت عدم پرداخت، از در آمد آن سال استثنا نمی شود، بلکه به باقیمانده در آمد تا آخر سال خمس تعلق می گیرد.

س ۸۸۹: کتابهایی که دانشجو از مال پدر خود یا از وامی که دانشگاه به دانشجویان می دهد، می خرد و منبع درآمدی هم ندارد، آیا خمس دارد؟ و در صورتی که بداند پدر خمس پول کتابها را نداده، آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

ج: کتابهایی که با پول وام و یا با پولی که پدرش به او بخشیده است خریده شده، خمس ندارد مگر آنکه یقین داشته باشد که عین پولی که پدرش به او بخشیده متعلق خمس است که در این صورت پرداخت خمس آن واجب است.

س ۸۹۰: اگر شخصی مبلغی را قرض بگیرد و نتواند آن را قبل از آن سال ادا کند، آیا پرداخت خمس آن بر عهده قرض دهنده است یا قرض گیرنده؟

ج: بر قرض گیرنده خمس مال قرضی واجب نیست، ولی قرض دهنده اگر مال قرضی را از درآمد سالیانه کارش و قبل از پرداخت خمس آن قرض داده است، در صورتی که بتواند تا آخر سال قرضش را از بدهکار بگیرد، واجب است هنگام رسیدن سال خمس اش خمس آن را بپردازد، و اگر نتواند قرض خود را تا پایان سال بگیرد، فعلاً پرداخت خمس آن واجب نیست لیکن هر وقت آن را وصول کرد باید خمس آن را بدهد.

س ۸۹۱: افراد بازنشسته که همچنان حقوق ماهیانه دریافت می کنند، آیا باید خمس حقوقی را که در طول سال دریافت می کنند، بپردازند؟

ج: حقوق بازنشستگی خمس ندارد، مگر آن مبلغی که از حقوق زمان اشتغالش کسر نموده اند و پس از بازنشستگی ماهانه به او می پردازند، آن هم در صورتی که از مخارج سال اضافه بیاید.

س ۸۹۲: اسیرانی که به پدر و مادر آنان از طرف جمهوری اسلامی در طول مدت اسارت، حقوق ماهیانه پرداخت شده و در بانک پس انداز گشته است، آیا با توجه به اینکه آقایان اسراء اگر دسترسی به آن پول داشتند آن را مصرف می‌کردند، به مال مزبور خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟
ج: مال مذکور خمس ندارد.

س ۸۹۳: من به شخصی مبلغی پول بدهکارم، اگر سر سال برسد و طلبکار قرض خود را مطالبه نکند و مقداری از درآمد سالانه که با آن می‌توانم قرض خود را ادا کنم، نزد من موجود باشد، آیا این بدهی از درآمد سالانه استثناء می‌شود یا خیر؟

ج: بدهی اعم از اینکه بر اثر قرض گرفتن باشد و یا بر اثر خرید نسیه لوازم خانگی اگر به خاطر تامین مخارج سالانه زندگی همان سال درآمد باشد از درآمد سال کسر می‌شود، ولی اگر برای مخارج زندگی نباشد و یا از بدهی‌های سالهای قبل باشد، هر چند مصرف در آمد سالانه برای پرداخت آن جایز است، ولی اگر تا پایان سال پرداخت نشود از درآمد سالانه استثناء نمی‌شود.

س ۸۹۴: آیا خمس بر کسی که مالی در حساب سالانه‌اش باقی مانده، و در حالی سال خمسی‌اش رسیده که بدهکار است، با توجه به اینکه چند سال برای پرداخت قرضش فرصت دارد، واجب است؟

ج: بدهی پرداخت نشده چه بدون مدت باشد و چه مدت دار، از درآمد سالانه استثناء نمی‌شود مگر بدهی که برای تامین هزینه‌های سال درآمد باشد که از درآمد آن سال استثناء می‌شود و به معادل آن از درآمد سالانه، خمس تعلق نمی‌گیرد.

س ۸۹۵: آیا به مالی که شرکت‌های بیمه بر اساس قرارداد برای جبران خسارت یا بیماری شخصی که بیمه شده پرداخت می‌کنند، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: پولی که شرکتها ی بیمه به فردی که بیمه شده پرداخت می کنند، خمس ندارد. س ۸۹۶: در سال گذشته مبلغی را قرض گرفته و با آن زمینی خریدم به این امید که افزایش قیمت پیدا کند و بعد از فروش آن و خانه مسکونی فعلی ام، مشکل مسکن خود را در آینده حل کنم، اکنون سال خمسی من فرا رسیده، سؤال من این است که آیا می توانم آن بدهی را از منفعت کسب سال گذشته ام که خمس به آن تعلق گرفته، استثناء کنم یا خیر؟

ج: با فرض این که قرض مزبور جهت خرید زمین برای فروش آن در آینده بوده است، از منفعت کسب سالی که در آن قرض گرفته اید استثناء نمی شود، و پرداخت خمس درآمد سالانه کسب که از مخارج آن سال زیاد آمده، واجب است. س ۸۹۷: من از بانک مقداری وام گرفتم که وقت پرداخت آن بعد از تاریخ سال خمسی ام فرا می رسد و می ترسم که اگر آن مبلغ را امسال نپردازم، سال آینده قادر به ادای آن نباشم، تکلیف من هنگام رسیدن سال خمسی ام در رابطه با پرداخت خمس چیست؟

ج: اگر درآمد سال را پیش از پایان آن در پرداخت قرض خود مصرف کنید و قرض هم برای افزایش سرمایه نباشد، خمس ندارد، ولی اگر قرض برای افزایش سرمایه باشد و یا قصد پس انداز درآمد سالانه را داشته باشید تا در سال آینده آن را برای ادای قرض مصرف کنید، پرداخت خمس آن بر شما واجب است.

فروش خانه، وسایل نقلیه و زمین

س ۸۹۸: آیا به خانه ای که قبلاً با مالی که خمس آن داده نشده، ساخته شده، خمس

تعلق می‌گیرد؟ و بر فرض وجوب پرداخت خمس، آیا خمس بر اساس قیمت فعلی محاسبه می‌شود یا قیمت زمان ساخت آن؟

ج: اگر خانه از درآمد بین سال برای زندگی و سکونت ساخته شده و پس از سکونت در آن در سال بعد بفروش رفته است پول فروش آن خمس ندارد، ولی اگر از درآمدی که سال بر آن گذشته ساخته شده است، خمس پولی که در ساخت آن هزینه شده است باید پرداخت شود.

س ۸۹۹: من آپارتمانم را به قصد خرید آپارتمان دیگری فروختم و بعد از آن متوجه شدم که به پول آن خمس تعلق گرفته است و در صورت پرداخت خمس آن، نمی‌توانم آپارتمان دیگری بخرم، حکم این مسئله چیست؟

ج: اگر آپارتمان منزل مسکونی شما بوده و در سال بعد از سال سکونت در آن به فروش رفته است، پول فروش آن در هر صورت خمس ندارد.

س ۹۰۰: مدتی قبل آپارتمان مسکونی خود را فروختم. این معامله هم زمان با رسیدن سال خمسی من بود و چون خود را موظف به ادای حقوق شرعی می‌دانم بر اثر شرایط خاص زندگی ام در این رابطه با مشکل مواجه شده‌ام، امیدوارم مرا در این رابطه راهنمایی فرمائید.

ج: اگر خانه مسکونی فروخته شده را با پولی که خمس نداشته و یا با درآمد بین سال خریده‌اید پول فروش آن در هر صورت خمس ندارد.

س ۹۰۱: خانه نیمه سازی در یکی از شهرها دارم که به علت سکونت در ساختمان‌های دولتی نیازی به آن ندارم، لذا قصد دارم آن را فروخته و با پول آن ماشینی برای استفاده شخصی بخرم، آیا به پول آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر خانه مزبور را از درآمد سالانه شغلی و در بین سال به قصد سکونت در آن

ساخته یا خریده‌اید، و در همان سال ساخت یا خرید آن را فروخته‌اید پول فروش آن اگر در همان سال فروش در مؤنه زندگی مصرف شود، خمس ندارد، و همچنین اگر بعد از سکونت در آن، در سال بعد آن را فروخته باشید پول فروش آن خمس ندارد.

س ۹۰۲: تعدادی درب پروفیلی برای خانه مسکونی‌ام خریداری کردم ولی بعد از دو سال به علت عدم تمایل به استفاده، آنها را فروخته و پولش را به حساب شرکت آلومینیوم واریز کردم تا بجای دربهای قبلی، به همان قیمت برای من دربهای آلومینیومی بسازد، آیا به آن پول خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر دربها را پیش از کار گذاشتن در خانه مسکونی فروخته‌اید، پول فروش آن در فرض سؤال خمس دارد، ولی اگر پس از کار گذاشتن آن در منزل مسکونی، در سال بعد به منظور تبدیل آن را از جا در آورده و فروخته‌اید، پول فروش آن خمس ندارد. س ۹۰۳: مبلغ صد هزار تومان به مؤسسه‌ای پرداخت نمودم تا در آینده زمین مسکونی به من تحویل دهد و الآن یک سال از آن می‌گذرد و از طرفی قسمتی از آن پول مال خودم است و قسمت دیگر را قرض کرده و مقداری از قرض را هم پرداخته‌ام، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟ و مقدار آن چقدر است؟

ج: اگر گرفتن زمین برای ساخت مسکن مورد نیاز متوقف بر پیش پرداخت مقداری از پول آن باشد، مبلغ پرداخت شده خمس ندارد حتی اگر از درآمد کسب شما باشد.

س ۹۰۴: اگر شخصی خانه خود را فروخته و پول آن را برای استفاده از سود آن در بانک بگذارد و سپس سال خمسی اش فرا برسد، چه حکمی دارد؟ و اگر این پول را برای خرید خانه، پس انداز نماید، چه حکمی دارد؟

ج: اگر خانه را از درآمد سالانه شغلی و در اثنای همان سال برای سکونت و به حساب مخارج سالانه، ساخته یا خریده و پس از سکونت در آن، در سال بعد آن را فروخته باشد، پول فروش آن در هر صورت خمس ندارد اگرچه در صورتی که بخواهد پول فروش خانه را سرمایه کسب قرار دهد احوط پرداخت خمس آنست.

س ۹۰۵: مالی که شخص برای رهن خانه می پردازد، خمس دارد یا خیر؟

ج: پولی که از درآمد کسب به صاحب خانه به عنوان قرض داده می شود، تا آن را پس نگرفته است، پرداخت خمس آن واجب نیست.

س ۹۰۶: آیا به اموالی که به تدریج برای خرید خانه یا سایر مایحتاج زندگی پس انداز می شود خمس تعلق می گیرد؟

ج: اگر خرید مایحتاج زندگی برحسب وضع مالی شخص متوقف بر پس انداز درآمد سال باشد، و بنا دارد پس اندازها را در آینده نزدیک مثلاً تا سه چهار ماه دیگر، صرف خرید مایحتاج زندگی نماید، خمس ندارد.

س ۹۰۷: فردی دارای یک ماشین شخصی است که آن را در اثنای سال از درآمد شغلی اش خریده. و بعد از چند سال در اثنای سال خمسی اش آن را فروخته است، مقداری از پول آن را برای ادای قرض ماشینی که پیش از فروش ماشین اول آن را خریده بود. پرداخت کرده. مقداری را هم برای پرداخت مالیات سالهای قبل که آنها را به صورت قسطی می پردازد. در بانک گذاشته تا مالیات سالهای قبل را هر ماه پرداخت کند. و قسمتی را هم برای کار کردن با آن در بانک گذاشته است. با توجه به این مطالب:

۱ - آیا به مجموع پول فروش ماشین خمس تعلق می گیرد؟

۲ - آیا به مقدار قرضی که برای خرید ماشین فعلی پرداخت کرده از آن پول کم

می‌شود؟

۳- آیا بدهی ماشین و مالیاتها به طور کلی یا لااقل قسطهای یک سال آن استثنا می‌شود و فقط خمس مقدار باقیمانده باید پرداخت شود؟

ج: پول فروش ماشین شخصی که در سالهای بعد فروخته شده است در هر صورت خمس ندارد اگرچه در صورتی که بخواهد آن را سرمایه کسب قرار دهد احوط پرداخت خمس آنست.

س ۹۰۸: چند سال پیش ماشینی خریدم که در حال حاضر فروش آن به چندین برابر قیمت ممکن است، با توجه به اینکه پول خرید آن، مخمس نبوده است، و در صورت فروش و گرفتن قیمت فعلی آن، می‌خواهم خانه‌ای برای سکونت بخرم، آیا به مجرد دریافت پول، همه آن خمس دارد یا فقط به پولی که با آن ماشین را خریده‌ام خمس تعلق می‌گیرد و مقدار باقیمانده که همان مقدار افزایش قیمت ماشین است، جزء درآمد سال فروش ماشین محسوب می‌شود که اگر تا پایان سال فروش در مخارج زندگی مصرف نشود، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر ماشین جزء مؤونه شما باشد و آن را از درآمد بین سال جهت استفاده شخصی زندگی خریده باشید، پول فروش آن خمس ندارد. ولی اگر ماشین را برای کار کردن خریده‌اید، در صورتی که با مال قرضی یا نسبه خریده باشید تا بقیه آن را از منفعت کسب بپردازید، فقط خمس مالی که برای ادای دین صرف کرده‌اید واجب است، و اگر آن را با عین درآمد غیر مخمس کسب خود خریده‌اید، باید خمس تمام پول فروش آن را، بپردازید.

س ۹۰۹: من مالک خانه بسیار محقری هستم، و به عللی تصمیم به خرید خانه دیگری

گرفتم، ولی - به علت بدهی - مجبور به فروش ماشینی که از آن استفاده می‌کردم و گرفتن مبلغی وام از بانک استان و صندوق قرض الحسنه شهرمان شدم تا بتوانم پول خانه را بپردازم، با توجه به اینکه ماشین را قبل از تاریخ سال خمسی ام فروخته و پول آن را برای پرداخت مقداری از بدهی هایم مصرف کرده‌ام، آیا به پول حاصل از فروش ماشین خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: در فرض سؤال، پول حاصل از فروش ماشین خمس ندارد.

س ۹۱۰: خانه، ماشین و لوازم مورد نیاز انسان یا خانواده او که از درآمد سال خریده شده است اگر در اثر ضرورت و یا به منظور تبدیل به جنس بهتر فروخته شود، از جهت خمس چه حکمی دارد؟

ج: پول حاصل از فروش چیزی که از مؤونه بوده و در سال بعد به فروش رفته است، خمس ندارد.

س ۹۱۱: فرد متدینی ماشین شخصی یا خانه‌اش را برای تبدیل به احسن فروخته و مبلغی را هم روی پول آن گذاشته و ماشین یا خانه بهتری خریده است، حکم خمس آن چیست؟

ج: پول حاصل از فروش اجناسی که جزء مؤونه‌ی او بوده است، خمس ندارد.

س ۹۱۲: اگر خانه یا ماشین یا غیر آنها از احتیاجات زندگی با پولی که خمس آن پرداخت شده جهت استفاده شخصی - نه به قصد استفاده از آنها برای فروش یا تجارت - خریداری شده، و سپس به علتی فروخته شود، آیا به اضافه قیمت آنها که بر اثر افزایش قیمت بازار بوده، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: سود حاصل از افزایش قیمت در فرض سؤال، خمس ندارد.

گنج، غنیمت و مال حلال مخلوط به حرام

س ۹۱۳: نظر حضرت تعالی درباره گنجی که افراد در زمینی که مالک آن هستند، پیدا می‌کنند چیست؟

ج: اگر احتمال داده نشود که آنچه پیدا کرده مال مالک قبلی زمین است، آن گنج برای یابنده آن است، و مقدار آن اگر به بیست دینار طلا (پانزده مثقال طلا) یا دویست درهم نقره (یکصد و پنج مثقال نقره) یا معادل قیمت یکی از آن دو در چیزهای دیگر برسد، باید خمس آن پرداخت شود. این در صورتی است که کسی مانع مالکیت او بر گنجی که پیدا کرده، نشود، ولی اگر حکومت یا غیر آن مانع تصاحب او شوند و گنج را بزور از او بگیرند، ضامن خمس آنچه را که به زور از او گرفته‌اند نیست، ولی چنانچه چیزی از آن نزد او باقی بماند و به مقدار یکی از نصاب‌ها باشد، فقط خمس آن مقدار باید پرداخت شود.

س ۹۱۴: اگر مقداری سکه نقره که تاریخ آن به حدود صد سال پیش بر می‌گردد، از زیر خاک ساختمان ملکی شخصی پیدا شود، آیا این سکه‌ها متعلق به مالک فعلی آن ساختمان مانند وارث قانونی یا خریدار است یا خیر؟

ج: حکم گنج را دارد که قبلاً بیان شد.

س ۹۱۵: شبهه زیر برای ما مطرح شده است:

با توجه به اینکه خمس معادن استخراج شده در این زمان نیز واجب است، زیرا وجوب خمس معادن نزد فقهای گرانقدر از احکام مسلم است، حکم معادنی که دولت آن را استخراج می‌کند - با التفات به اینکه مجرد اقدام دولت به انفاق آن میان مسلمانان بلاد اسلامی مانع از وجوب خمس نیست - چیست؟ زیرا استخراج معادن یا

توسط حکومت بالا صالۀ صورت می‌گیرد و آن را به مصرف ملت می‌رساند. در این حالت دولت مانند شخصی است که اقدام به استخراج معادن نموده و سپس آنها را به شخص دیگری می‌بخشد یا هدیه می‌دهد و یا بر او تصدق می‌کند. در هر صورت اطلاق ادله خمس شامل این فرض نیز می‌شود زیرا دلیلی بر تقیید وجود ندارد، و یا اینکه حکومت به وکالت از ملت، معادن را استخراج می‌کند که در این صورت در واقع استخراج کننده خود ملت است، در این فرض پرداخت خمس بر موکل واجب است، و یا اینکه حکومت با ولایت بر ملت، معادن را استخراج می‌نماید که در این حالت استخراج کننده یا خود ولی است یا اینکه مانند نیابت است که بر اساس آن در واقع مولیٰ علیه استخراج کننده است، به هر حال دلیلی بر خروج معادن از عمومات خمس نداریم. همانگونه که خود معدن اگر به حد نصاب برسد، متعلق خمس است و مثل سایر درآمدهای شغلی نیست که با مصرف کردن یا هبه آن، جزء مؤونه سال محسوب گردد و از وجوب خمس استثناء شود، نظر حضرت تعالی درباره این مسئله مهم چیست؟

ج: از شرائط وجوب خمس در معادن این است که شخص یا اشخاصی با مشارکت با یکدیگر آن را استخراج کنند، مشروط بر اینکه سهم هر یک به حد نصاب برسد و آنچه استخراج شده ملک آنها شود، و معادنی که دولت استخراج می‌کند، نظر به اینکه ملک خاص شخص یا اشخاص نیست بلکه ملک جهت است لذا شرط وجوب خمس را دارا نیست و در نتیجه جایی برای وجوب خمس بر دولت و حکومت باقی نمی‌ماند، و این استثنائی بر وجوب خمس در معدن نیست، بلکه، معادنی که توسط شخص خاصی یا با مشارکت اشخاص با یکدیگر استخراج می‌شود، خمس در آن واجب است، مشروط بر اینکه آنچه آن شخص استخراج کرده و یا سهم هر یک از اشخاصی که با مشارکت با یکدیگر اقدام به استخراج

کرده‌اند، بعد از کم کردن هزینه‌های استخراج و تصفیه، به مقدار بیست دینار طلا یا دویست درهم نقره یا معادل قیمت یکی از آن دو باشد.

س ۹۱۶: اگر مال حرامی با مال انسان مخلوط شود، آن مال چه حکمی دارد؟ و چگونه حلال می‌شود؟ و در صورت علم به حرمت یا عدم علم به آن وظیفه انسان چیست؟
ج: اگر یقین به وجود مال حرام در اموالش دارد ولی مقدار دقیق آن را نمی‌داند و صاحب آن را هم نمی‌شناسد، راه حلال کردن آنها این است که خمس آن را بپردازد، ولی اگر شک در مخلوط شدن مال حرام با اموال خود داشته باشد، چیزی بر عهده او نیست.

س ۹۱۷: قبل از رسیدن سر سال خمسی ام، مبلغی پول به شخصی قرض دادم، آن فرد قصد داشت آن پول را به کار بیندازد و سود آن بین ما بالمناصفه تقسیم شود، با توجه به اینکه آن مال در حال حاضر در دست من نیست و خمس آن را هم نپرداخته‌ام، نظر حضرت تعالی در این باره چیست؟

ج: اگر آن مال را قرض داده‌اید و سر سال خمسی قابل وصول نیست، فعلاً خمس آن بر شما واجب نیست بلکه هنگامی واجب می‌شود که آن را دریافت کنید، ولی در این صورت شما حقی در سود حاصل از کار قرض گیرنده ندارید، و اگر چیزی از او مطالبه نمائید ربا و حرام است، و اگر آن مال را به عنوان سرمایه مضاربه به او داده‌اید، بر اساس قرارداد، در سود آن شریک هستید و واجب است خمس سرمایه را بپردازید.

س ۹۱۸: من در بانک کار می‌کنم، برای شروع به کار از روی اجبار مبلغ پانصد هزار تومان را در بانک به ودیعه گذاشتم، این مبلغ به اسم خودم و در یک حساب بلند مدت است که هر ماه سود آن به من پرداخت می‌شود، آیا پرداخت خمس این مال که

در حساب بانکی گذاشته شده واجب است؟ قابل تذکر است که این پول به مدت چهار سال است که در بانک گذاشته شده است.

ج: اگر پس گرفتن این مبلغ در حال حاضر ممکن نیست تا آن را پس نگرفته‌اید، خمس آن واجب نیست. ولی سود سالانه آن در زائد بر مؤونه سال خمس دارد.

س ۹۱۹: روشی برای سپرده گذاری اموال در بانک‌ها وجود دارد که براساس آن هیچگاه پول به دست استفاده کننده نمی‌رسد ولی به حساب او در بانک طبق شماره

معینی واریز می‌شود، آیا به این اموال خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: اگر مالی را که نزد بانک به ودیعه گذاشته‌اید از منافع کسب شما باشد و هنگام رسیدن سال خمسی گرفتن آن مبلغ از بانک برای شما ممکن باشد، واجب است خمس آن در سر سال خمسی، پرداخت شود.

س ۹۲۰: آیا خمس مالی که مستأجر به عنوان رهن به مؤجر می‌دهد، بر عهده مستأجر است یا موجر؟

ج: اگر از منفعت کسب مستأجر باشد، بر او واجب است بعد از گرفتن آن از موجر، خمس آن را بپردازد، مگر آنکه برای اجاره در جای دیگر به آن نیاز داشته باشد که در این صورت پس از رفع نیاز، باید خمس آن را بپردازد، ولی خمس آن بر عهده مؤجر که آن مال را به عنوان قرض می‌گیرد، واجب نیست.

س ۹۲۱: حقوق ماهیانه کارمندان که پرداخت آن توسط دولت چند سال به تاخیر افتاده، آیا هنگام دریافت، جزء درآمدهای همان سال (سال دریافت) محسوب می‌شود و محاسبه خمس آن در سر سال خمسی واجب است یا اینکه به این مال اصلاً خمس تعلق نمی‌گیرد؟

ج: حقوق معوقه از درآمدهای سال دریافت آن محسوب می‌شود و در مقدار زائد بر

مخارج آن سال، خمس واجب است.

مؤونه

س ۹۲۲: شخصی دارای کتابخانه‌ای شخصی است که مدتی از آن کتابها استفاده می‌نموده است، فعلاً چند سال است که از آن استفاده نمی‌کند، ولی احتمال می‌دهد که در آینده از آن بهره ببرد، آیا در مدتی که از کتابها استفاده نمی‌کند، به آن خمس تعلق می‌گیرد؟ و آیا در تعلق خمس، فرقی بین اینکه خودش خریده باشد یا پدرش، وجود دارد؟

ج: اگر کتابها در زمان خرید آن مورد نیاز او برای مراجعه و مطالعه بوده و مقدار آن هم مناسب شأن عرفی او باشد، خمس ندارد حتی اگر پس از سال اول از آن استفاده نکند، و همچنین اگر کتابها به او ارث رسیده و یا از طرف پدر و مادر و یا دیگران به او هدیه شده باشد، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

س ۹۲۳: آیا به طلائی که شوهر برای همسرش می‌خرد، خمس تعلق می‌گیرد؟
ج: اگر به مقدار متعارف و مناسب شأن او باشد، از مؤونه سال محسوب است و خمس ندارد.

س ۹۲۴: آیا به پولی که برای خرید کتاب از نمایشگاه بین‌المللی کتاب در تهران قبل از تحویل آن پرداخت شده ولی هنوز کتابها ارسال نشده است، خمس تعلق می‌گیرد؟
ج: اگر کتابهای مزبور، مورد نیاز و به مقدار متناسب با شأن عرفی شخص بوده و تهیه آن متوقف بر پیش پرداخت قیمت آن باشد، خمس ندارد.

س ۹۲۵: اگر فردی زمین دومی که مناسب شأن او و مورد نیاز جهت ساختمان مسکن

برای عائله اوست داشته باشد، ولی در طول سال خمس قدرت ساخت آن را ندارد و یا در یک سال نمی‌تواند آن را تکمیل کند، آیا پرداخت خمس آن بر او واجب است؟

ج: در عدم وجوب خمس، در زمینی که برای ساخت مسکن بدان نیاز دارد، فرقی بین اینکه یک قطعه باشد یا چند قطعه، و یا یک مسکن باشد یا چند مسکن، وجود ندارد، بلکه ملاک، صدق عنوان نیاز به آن به مقتضای موقعیت و شأن عرفی وی و همچنین وضع مالی او برای ساخت تدریجی آن است.

س ۹۲۶: یک سرویس ظروف منزل وجود دارد، آیا استفاده از بعضی از آنها برای عدم تعلق خمس به آن کافی است؟

ج: معیار عدم تعلق خمس به لوازم منزل صدق عنوان نیاز به آن مطابق با شأن عرفی مناسب با انسان است هرچند در طول سال از آن استفاده نشود.

س ۹۲۷: اگر فرش و ظرفها اتفاقاً در طول سال مورد استفاده قرار نگیرد، ولی برای استفاده میهمان به آنها نیاز باشد، آیا خمس در آنها واجب است؟

ج: در فرض سؤال خمس در آنها واجب نیست.

س ۹۲۸: با توجه به فتوای امام خمینی «قدس سره» در مسئله جهیزیه عروس که دختر هنگام ازدواج به خانه شوهر می‌برد، اگر در منطقه‌ای رسم براین باشد که خانواده داماد اقدام به تهیه و تأمین اثاثیه و لوازم خانه کنند و به مرور زمان و به تدریج به تهیه آن لوازم بپردازند و سال بر آنها بگذرد، چه حکمی دارد؟

ج: اگر تهیه اساس و لوازم زندگی برای آینده، عرفاً جزء مؤونه محسوب شود و راه دیگری برای تأمین آنها غیر از تهیه تدریجی نباشد، خمس ندارد.

س ۹۲۹: آیا استفاده از یک جلد از دوره کتابی که از چندین جلد تشکیل شده (مانند وسائل الشیعه) باعث ساقط شدن خمس تمام آن دوره می‌شود یا اینکه باید از هر جلد

کتاب یک صفحه خوانده شود؟

ج: اگر مجموع آن دوره مورد نیاز باشد و یا خرید جلدی که به آن احتیاج است متوقف بر خرید دوره کامل آن باشد، خمس ندارد، در غیر این صورت باید خمس مجلداتی که الآن مورد نیاز نیست پرداخت شود، و مجرد خواندن یک صفحه از هر جلد کتاب، برای ساقط شدن خمس کافی نیست.

س ۹۳۰: داروهایی که از درآمد وسط سال خریده شده و پول آن توسط سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود، اگر بدون فاسد شدن تا سر سال خمسی باقی بماند، خمس به آن تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج: اگر خرید داروها جهت استفاده از آن در مواقع نیاز باشد و در معرض احتیاج هم باشد، خمس ندارد.

س ۹۳۱: شخصی خانه‌ای برای سکونت ندارد و برای خرید مسکن، مالی را پس‌انداز کرده است. آیا این مبلغ خمس دارد؟

ج: مال پس‌انداز شده از منفعت کسب اگر برای تأمین هزینه‌های زندگی در آینده نزدیک (مثلاً تا دو سه ماه پس از سال خمسی) باشد، و با پرداخت خمس آن، نتواند وسائل زندگی مورد حاجت را تأمین نماید، پرداخت خمس آن واجب نیست.

س ۹۳۲: همسر من قالی می‌بافد که سرمایه آن متعلق به خود ماست و برای تهیه آن قرض گرفته‌ایم، در حال حاضر قسمتی از فرش بافته شده است و از آنجا که سال خمسی من به پایان رسیده، آیا پس از تمام شدن فرش و فروش آن برای تهیه احتیاجات خانه، به مقدار بافته شده خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و سرمایه ما از جهت خمس چه وضعیتی دارد؟

ج: پس از استثنای سرمایه که قرض است از قیمت فروش قالی، باقیمانده جزء سود سال فروش محسوب می‌شود، بنابراین اگر در سالی که بافت قالی تمام و فروخته شده، در مخارج زندگی مصرف شود، خمس ندارد.

س ۹۳۳: تمام دارائی من ساختمان سه طبقه‌ای است که هر طبقه آن دو اتاق دارد. در یک طبقه من زندگی می‌کنم و در دو طبقه دیگر فرزندانم سکونت دارند، آیا به این خانه در حال حیات من خمس تعلّق می‌گیرد؟ یا اینکه بعد از وفات من خمس دارد تا به ورثه‌ام وصیت کنم که بعد از مردنم خمس آن را بپردازند؟
ج: ساختمان مورد سؤال خمس ندارد.

س ۹۳۴: خمس لوازم منزل چگونه محاسبه می‌شود؟

ج: لوازمی که با استفاده از آنها عین آن باقی می‌ماند مثل فرش و غیر آن، خمس ندارد. ولی نیازهای مصرفی روزمره مانند برنج و روغن و غیر آنها، آنچه اضافه بیاید و تا سر سال خمس باقی بماند، خمس دارد.

س ۹۳۵: شخصی خانه ملک برای سکونت ندارد، لذا زمینی خریده تا در آن خانه‌ای برای خودش بسازد، ولی چون پول کافی برای ساخت نداشته، سال بر آن گذشته و آن را به فروش هم نرسانده است، آیا خمس آن واجب است؟ و بر فرض وجوب، آیا باید خمس پول خرید را بپردازد یا قیمت فعلی زمین را؟

ج: اگر زمین را از منفعت کسب سال خرید آن برای ساخت مسکن مورد نیاز، خریده باشد، خمس ندارد.

س ۹۳۶: در سؤال قبلی، اگر آن شخص شروع به ساختن خانه کند ولی قبل از اتمام آن، سال خمس برسد، آیا خمس آنچه در مصالح ساختمان مصرف کرده، واجب است؟
ج: در فرض سؤال، خمس ندارد.

س ۹۳۷: اگر شخصی برای آینده فرزندان، با اینکه خودش در طبقه اول زندگی می‌کند، اقدام به ساختن طبقه دوم کند، آیا با وجود عدم نیاز به آن تا چند سال دیگر پرداخت خمس آنچه در آن خرج کرده، واجب است؟

ج: اگر ساختن طبقه دوم برای آینده فرزندان در حال حاضر از مخارج مناسب با شأن عرفی وی محسوب شود، آنچه به مصرف رسانده است، خمس ندارد.

س ۹۳۸: شما می‌فرمایید آنچه از مخارج سال محسوب می‌شود خمس ندارد، پس شخصی که خانه‌ای برای سکونت ندارد ولی مالک قطعه زمینی است که یک سال یا بیشتر بر آن گذشته و او نمی‌تواند آن را بسازد، پس چرا این از مخارج او محسوب نمی‌شود؟ امیدواریم توضیح بفرمایید.

ج: اگر زمین را برای ساخت مسکن مورد نیاز در آن از درآمد بین سال خریداریه باشد جزء مخارج کنونی وی محسوب می‌شود و خمس آن واجب نیست، ولی اگر آن را از درآمد سال به قصد فروش و مصرف پول آن برای ساخت خانه خریداریه باشد، پرداخت خمس آن واجب است.

س ۹۳۹: سر سال خمسی من اول شهریور است، معمولاً امتحانات دانشگاهها و مدارس در اردیبهشت و خرداد برگزار می‌شود و بعد از شش ماه، اجرت اضافه‌کاری ما در ایام امتحانات پرداخت می‌شود، خواهشمندم توضیح فرمایید که آیا اگر اجرت کاری را که قبل از پایان سال خمسی انجام داده‌ام، بعد از پایان سال دریافت کنم، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج: حقوق معوقه جزئی از درآمدهای سال دریافت آن محسوب می‌شود نه سال اضافه‌کاری، و اگر در هزینه‌های سال دریافت مصرف شود، خمس ندارد.

س ۹۴۰: گاهی لوازم منزل مثل یخچال به قیمتی کمتر از قیمت بازار به ما فروخته

می‌شود، این لوازم در آینده یعنی پس از ازدواج مورد نیاز ماست. با توجه به اینکه بعد از ازدواج باید آنها را به چند برابر قیمت فعلی تهیه کنیم، آیا به آنها که در حال حاضر بدون استفاده در خانه مانده است، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر آنها را با منفعت کسب سال برای استفاده در آینده خریده‌اید و در سال خرید مورد نیاز شما نبوده، باید خمس قیمت عادلانه آن را در سر سال خمسی بپردازید، مگر آنکه به علت عدم توانایی از تهیه یک باره آن هنگام نیاز، ناگزیر از تهیه تدریجی و نگهداری آن برای زمان احتیاج باشید، و مقدار آن هم به اندازه شأن عرفی شما باشد، که در این صورت جزء مؤونه محسوب می‌شود و خمس ندارد.

س ۹۴۱: مبالغی را که انسان برای امور خیریه مانند کمک به مدارس، آسیب‌دیدگان از سیل و ملت فلسطین و بوسنی، انفاق می‌کند، آیا از مؤونه سال محسوب می‌شود و خمس ندارد؟

ج: این چنین انفاقها از مخارج سال انفاق محسوب می‌شود و خمس ندارد.
س ۹۴۲: مبلغی را در سال گذشته برای خرید فرش پس‌انداز کردیم و در اواخر آن سال به چند فرش فروشی برای خرید آن مراجعه نمودیم تا اینکه قرار شد یکی از آنان فرش مناسب با ذوق و سلیقه ما را فراهم کند، این کار تا ماه دوم سال جدید طول کشید، با توجه به اینکه سر سال خمسی من ابتدای سال هجری شمسی است، آیا به آن مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر با پرداخت خمس مبلغ پس‌انداز شده مذکور که تا سر سال خمسی به مصرف نرسیده است نمی‌توانستید فرش مورد نیاز زندگی را تهیه نمایید، مبلغ مذکور در فرض سؤال خمس ندارد.

س ۹۴۳: تعدادی از اشخاص اقدام به تأسیس مدرسه خصوصی (غیرانتفاعی) کرده‌اند و

بعد از استفاده از سرمایه کمی که اعضا داشتند، هیئت مؤسس تصمیم گرفت برای تأمین مخارج آن از بانک وام بگیرد و همچنین مقرر نمود که برای تکمیل سرمایه و پرداخت اقساط بانک، هر یک از اعضا مبلغی را بطور ماهیانه بپردازد. این مؤسسه هنوز به مرحله سوددهی نرسیده است، آیا به مبلغی که اعضا ماهیانه می‌پردازند، خمس تعلق می‌گیرد؟ و آیا مجموع سرمایه که همان قیمت مؤسسه است، خمس دارد؟

ج: بر هر یک از اعضا واجب است خمس سهم ماهانه خود را که به عنوان سرمایه شرکت می‌پردازند، و همچنین خمس آنچه را که در ابتدا به عنوان سهم مشارکت در تأسیس مدرسه داده‌اند، پرداخت نمایند، و پس از آنکه هر یک از اعضا خمس سهم خود از سرمایه شرکت را پرداخت نمود، دیگر مجموع سرمایه دوباره خمس ندارد. س ۹۴۴: جایی که در آن کار می‌کنم، چند سال است که مبلغی به من بدهکار است که تاکنون آن را نپرداخته است، آیا به این مبلغ به مجرد دریافت آن خمس تعلق می‌گیرد یا اینکه باید یک سال بر آن بگذرد؟

ج: مبالغی که طلب دارید اگر بابت اجرت کار باشد و در سال خمسی قابل دریافت نباشد، جزء درآمد سال دریافت آن محسوب می‌شود، که اگر در همان سال دریافت، در مؤونه مصرف شود، خمس ندارد.

س ۹۴۵: آیا ملاک عدم وجوب خمس در مؤونه استفاده از آن در طول سال است یا اینکه نیاز به آن در طی سال کافی است هر چند موردی برای استفاده از آن پیش نیاید؟

ج: در امثال لباس و فرش و مانند آن از چیزهایی که هنگام استفاده، عین آنها باقی می‌ماند، ملاک نیاز به آنها است. ولی در احتیاجات مصرفی روزانه زندگی مانند برنج و روغن و غیره معیار مصرف است، که هر چه از آن از مصرف سالانه زیاد بیايد

خمس دارد.

س ۹۴۶: شخصی برای آسایش و رفع نیازهای خانواده اش اقدام به خرید ماشینی با مال غیر مخمس و سودی که در وسط سال به دست آمده، نموده است، آیا پرداخت خمس آن بر او واجب است؟ و در صورتی که ماشین را برای انجام امور مربوط به کارش و یا به هر دو منظور خریده باشد، چه حکمی دارد؟

ج: ماشین اگر برای انجام امور مربوط به کار و کسب او باشد، حکم ابزار کار را در وجوب خمس دارد، ولی اگر برای رفع نیازهای زندگی و جزء احتیاجات مناسب با شأن عرفی او باشد، خمس ندارد.

دست گردان، ممالک و مخلوط شدن خمس با غیر آن

س ۹۴۷: افرادی هستند که خمس بر آنها واجب است ولی تاکنون آن را نپرداخته اند و در حال حاضر هم توانایی پرداخت آن را ندارند و یا بر آنها بسیار دشوار است. حکم آنان در این باره چیست؟

ج: مجرد عدم توانائی یا دشواری پرداخت خمس موجب براءت ذمه و سقوط تکلیف نیست، بلکه ادای آن تا حد امکان واجب است، این چنین افراد می توانند با دست گردان مبالغ بدهی خود با ولی امر خمس یا وکیل او، آن را به تدریج برحسب استطاعت خودشان از جهت مقدار و زمان نوبت بپردازند.

س ۹۴۸: خانه ای دارم که دارای وام قسط بندی شده است و مالک محل تجاری هستم که در آن کاسبی می کنم و برای عمل به وظیفه شرعی ام، سال خمسی برای خود تعیین کرده ام، امیدوارم لطف فرموده و مرا از پرداخت خمس آن خانه معاف کنید. ولی توان

پرداخت خمس محل تجاری را به صورت قسطی داریم؟

ج: خانه مسکونی شما در فرض سؤال خمس ندارد، ولی پرداخت خمس محل تجاری تان واجب است، هرچند به تدریج بعد از دست گردان با یکی از وکلای مجاز ما باشد.

س ۹۴۹: شخصی در خارج بسر می برد که خمس اموالش را نمی پرداخته است و خانه ای با مال غیر مخمس خریده که در حال حاضر مال کافی برای ادای خمس آن ندارد ولی هر سال مقداری بیشتر از خمس به جای خمسی که بدهکار است می پردازد، آیا این کار او صحیح است یا خیر؟

ج: در فرض سؤال باید خمسی را که برعهده دارد دست گردان کند تا بعداً آن را به تدریج بپردازد، و آنچه را تا به حال پرداخته، اگر به قصد ادای بدهی بابت خمس به مواردی که از مصارف شرعی خمس است پرداخت کرده، مورد قبول است.

س ۹۵۰: شخصی چندین سال است که خمس درآمد سالانه خود را نمی پرداخته، و فعلاً نمی داند چه مقدار بدهی از این بابت دارد، او در حال حاضر چگونه می تواند خود را از خمس بری الذمه نماید؟

ج: واجب است تمام اموالی را که خمس به آنها تعلق گرفته، حساب کند و خمس آنها را بپردازد، و در موارد مشکوک باید با ولی امر خمس یا وکیل او مصالحه نماید.

س ۹۵۱: من جوانی هستم که با خانواده ام زندگی می کنم، پدرم خمس و زکاتش را نمی پردازد، حتی خانه ای را با مال ربوی ساخته است و حرام بودن غذائی که در خانه می خورم، آشکار است. با توجه به اینکه نمی توانم از خانواده ام جدا شوم، امیدوارم تکلیف مرا در این باره بیان فرمائید؟

ج: بر فرض که یقین داشته باشید که اموال پدرتان مخلوط با رباست و یا او خمس و

زکات خود را نمی‌پردازد، لازمه‌اش یقین به حرمت چیزی که او مصرف می‌کند و یا اموال وی که شما در آن تصرف می‌کنید، نیست، و تا یقین به حرمت این اموال پیدا نکرده‌اید، استفاده از آن برای شما اشکال ندارد، بله. اگر یقین به حرام بودن آنچه از اموال او مصرف می‌کنید داشته باشید، استفاده از آن برای شما جایز نیست مگر آنکه جدایی از خانواده و قطع رابطه با آنان برای شما، حرجی باشد که در این صورت استفاده از اموال مخلوط به حرام آنان اشکال ندارد ولی ضامن خمس، زکات و مال دیگران که در اموال مورد مصرف شما وجود دارد، هستید.

س ۹۵۲: من اطمینان دارم که پدرم خمس و زکاتش را نمی‌پردازد. و وقتی به او تذکر می‌دهم. در پاسخ می‌گوید که ما مستحق هستیم و خمس و زکاتی بر ما واجب نیست.

حکم این مسئله چیست؟

ج: اگر پدرتان مالی که خمس و زکات به آن تعلق بگیرد نداشته باشد، خمس و زکات بر او واجب نیست و تحقیق در این زمینه بر شما واجب نیست.

س ۹۵۳: ما با اشخاصی معامله می‌کنیم که خمس نمی‌دهند و حساب سال هم ندارند. با آنان خرید و فروش داریم و به دیدن آنان رفته و با آنان غذا می‌خوریم. این مسئله چه

حکمی دارد؟

ج: اگر یقین به وجود خمس در اموالی که از طریق خرید و فروش از آنان گرفته‌اید و یا هنگام رفتن نزد آنان، مصرف می‌کنید دارید، معامله در مقدار خمس موجود در اموالی که از طریق خرید و فروش از آنان می‌گیرید، فضولی است و احتیاج به اجازه ولی امر خمس یا وکیل او دارد، و تصرف در اموال شان برای شما جایز نیست مگر اینکه ترک معاشرت و خودداری از خوردن غذای آنان و تصرف در اموالشان برای شما حرجی باشد که در این صورت تصرف جایز است ولی ضامن خمس اموالی که

در آنها تصرف می‌کنید، هستید.

س ۹۵۴: اگر شخصی مالی را که خمس آن داده نشده به مسجد ببخشد، آیا گرفتن آن مال از او جایز است؟

ج: اگر یقین به وجود خمس در آن مال دارند، گرفتن آن جایز نیست و در صورت دریافت آن، باید نسبت به مقداری که خمس آن است به ولی امر خمس یا وکیل او مراجعه نمایند.

س ۹۵۵: معاشرت با مسلمانانی که به امور دینی بخصوص نماز و خمس پایبند نیستند، چه حکمی دارد؟ آیا غذا خوردن در خانه‌های آنان اشکال دارد؟ و در صورت اشکال داشتن، کسی که چندین بار این کار را انجام داده، چه حکمی دارد؟

ج: اگر معاشرت با آنان مستلزم تأیید شان در عدم التزام به امور دینی نباشد، اشکال ندارد، مگر آنکه ترک معاشرت با آنان مؤثر در اهتمام شان به امور دینی باشد که در این صورت واجب است معاشرت بطور موقت از باب امر به معروف و نهی از منکر ترک شود، ولی استفاده از اموال آنان از قبیل غذا و مانند آن، تا یقین به تعلق خمس به آن نداشته باشید، اشکال ندارد.

س ۹۵۶: یکی از دوستانم مرا زیاد به صرف غذا دعوت می‌کند. به تازگی متوجه شده‌ام که شوهر او خمس نمی‌دهد، آیا خوردن غذای کسی که خمس نمی‌دهد، برای من جایز است؟

ج: تا علم به تعلق خمس به غذایی که در برابر شما می‌گذارند ندارید، خوردن آن اشکال ندارد.

س ۹۵۷: فردی برای اولین بار می‌خواهد خمس اموالش را حساب کند، خانه مسکونی که نمی‌داند با چه مالی آن را خریده، چه حکمی دارد؟ و در صورتی که بداند آن را با

مالی که چند سال پس انداز شده خریده است، حکم آن چیست؟

ج: خانه مسکونی یا سایر لوازم زندگی را اگر احتمال می دهد که با مالی که شرعاً متعلق خمس نبوده (مانند ارث یا هبه) خریده باشد چیزی از بابت خمس آن بر او نیست، ولی اگر یقین دارد که آن را با درآمد کسب خود خریده است، لیکن نمی داند که آیا درآمد کسب را در بین سال صرف خرید آن کرده است یا پس از پایان سال و پیش از پرداخت خمس درآمد؟ در این صورت بنا بر احتیاط واجب باید خمس پولی را که صرف خرید خانه یا سایر لوازم زندگی نموده است بپردازد، و همچنین اگر یقین دارد خانه را از درآمد کسبی که چند سال پس انداز کرده است پیش از پرداخت خمس آن خریده است باید خمس آن درآمد پس انداز شده را بپردازد.

س ۹۵۸: عالمی در یکی از شهرها مبلغی را به عنوان خمس دریافت کرده، ولی برای او انتقال عین آن مال به شما یا دفترتان مشکل است، آیا می تواند آنرا از طریق بانک حواله کند؟ با توجه به اینکه مالی که از بانک گرفته می شود عین مالی که در آن شهر به بانک پرداخت شده نیست؟

ج: تحویل خمس و سایر حقوق شرعی از طریق بانک اشکال ندارد.

س ۹۵۹: اگر زمینی را با مال غیر مخمس بخرم، آیا نماز خواندن در آن زمین جایز است یا خیر؟

ج: اگر زمین با عین مال غیر مخمس خریده شده باشد، معامله به مقدار خمس، فضولی است و متوقف بر اجازه ولی امر خمس است و تا آن را اجازه و تنفیذ نکند، نماز خواندن در آن جایز نیست.

س ۹۶۰: اگر مشتری بداند که به عین مالی که خریده، خمس تعلق گرفته و فروشنده آن را نپرداخته است، آیا تصرف در آن کالا برای او جایز است؟

ج: با فرض وجود خمس در کالا، معامله به مقدار خمس فضولی و متوقف بر اجازه ولی امر خمس است.

س ۹۶۱: اگر صاحب مغازه‌ای نداند که مشتری که با او معامله می‌کند، خمس مالش را پرداخته است یا خیر، آیا دادن خمس آن اموال بر او واجب است؟

ج: تا زمانی که علم به وجود خمس در پولی که مشتری به او می‌پردازد، نداشته باشد، چیزی برعهده او نیست و بر او فحص از آن هم لازم نیست.

س ۹۶۲: اگر مثلاً چهار نفر با هم صد هزار تومان به عنوان شراکت برای بکارگیری در یک کار تولیدی سرمایه‌گذاری کنند و یکی از آنها خمس ندهد، آیا شراکت با او صحیح است یا خیر؟ و آیا دیگر شریکان می‌توانند مال فردی را که خمس نمی‌دهد به عنوان قرض الحسنه گرفته و بکار ببندازند؟ و بطور کلی اگر چند نفر با هم شریک باشند، آیا بر هر کدام از آنها واجب است خمس درآمد خود را بطور مستقل بپردازد یا اینکه خمس باید از صندوق مشترک پرداخت شود؟

ج: شراکت با شخصی که به سرمایه‌اش خمس تعلق گرفته ولی آن را نپرداخته است، به مقدار خمس مال او فضولی است که باید نسبت به آن به ولی امر مراجعه شود، و اگر بعضی از شرکاء خمس سهم خود در سرمایه را نداده باشند، تصرف در سرمایه مشترک جایز نیست، و هنگامی که شرکاء سود حاصل از سرمایه مشترک را دریافت می‌کنند، هرکدام از آنان مکلف هستند خمس مازاد بر مؤونه از سهم خود را بپردازند.

س ۹۶۳: اگر شرکای من حساب سال خمس نداشته باشند، تکلیف من چیست؟

ج: بر هریک از شرکاء واجب است که حقوق شرعی سهام خود را بپردازند تا تصرفات آنان در مال مشترک حلال باشد، و اگر بقیه شریکها آن را پرداخت نمی‌کنند

و انحلال شرکت و جداسدن از آنان برای شما ضرری یا حرجی باشد، مجاز هستید به شراکت خود با آنان ادامه دهید.

سرمایه

س ۹۶۴: شرکتی از برادران فرهنگی به نام شرکت تعاونی فرهنگیان چندین سال است که تأسیس گردیده و سرمایه آن از همان ابتدا از سهم تعدادی از فرهنگیان تشکیل شده بود که هریک صد تومان پرداختند، در ابتدا سرمایه شرکت کم بود ولی در حال حاضر با افزایش تعداد اعضاء، سرمایه آن بالغ بر هجده میلیون تومان به اضافه ماشینهای شرکت است. سود آن بین سهامداران به نسبت سهمشان تقسیم می‌شود، و هریک از آنان براحتی می‌تواند سهم خود را دریافت نموده و با شرکت تسویه حساب نماید. تاکنون خمس سرمایه و سود آن پرداخت نشده است، آیا با توجه به موقعیت من به عنوان رئیس هیئت اداری شرکت، جایز است اگر خمسی به حساب شرکت تعلق بگیرد، اقدام به پرداخت آن کنم؟ آیا رضایت سهامداران در این باره شرط است؟

ج: پرداخت خمس سرمایه شرکت و سود حاصل از آن، تکلیف هریک از اعضا نسبت به سهم خود از مجموع دارائی شرکت است، و انجام این کار توسط مسئول هیئت اداری آن، متوقف بر کسب اجازه و وکالت از سهامداران شرکت است.

س ۹۶۵: تعدادی از افراد تصمیم به ایجاد صندوق قرض الحسنه بین خود گرفته‌اند تا هنگام نیاز به یکدیگر قرض الحسنه بدهند. هر عضو علاوه بر مبلغی که در ابتدای تشکیل پرداخته، بایستی هر ماه برای افزایش موجودی صندوق مبلغی را بپردازد. امیدواریم لطف فرموده چگونگی پرداخت خمس هر عضو را بیان فرمائید و در

صورتی که سرمایه صندوق بطور دائمی به عنوان قرض در دست اعضا باشد، ادای خمس آن چگونه خواهد بود؟

ج: اگر هر یک از افراد سهامدار سهم شراکت خود را از منفعت کسب یا از حقوق خود بعد از پایان سال خمسی پرداخته باشد، واجب است خمس آن را بپردازد. ولی اگر آن را در بین سال داده است، در صورتی که دریافت آن برای او در پایان سال خمسی وی ممکن باشد، باید خمس آن را در پایان سال بدهد، و در غیر این صورت تا آن را از صندوق دریافت نکرده، پرداخت خمس آن بر او واجب نیست. س ۹۶۶: آیا صندوق قرض الحسنه شخصیت حقوقی مستقلی دارد؟ و اگر داشته باشد، آیا به سود حاصل، خمس تعلق می‌گیرد؟ و اگر شخصیت حقوقی مستقلی نداشته باشد، کیفیت پرداخت خمس آن چگونه است؟

ج: اگر سرمایه صندوق ملک شخصی اشخاص به نحو اشتراک باشد، سود حاصل از آن، نسبت به سهم هریک از اعضا ملک شخصی او خواهد بود و باید خمس آن را در زائد بر مؤونه سالش بپردازد. ولی اگر سرمایه صندوق ملک شخص یا اشخاص نباشد مثل اینکه از مال وقف عام و مانند آن باشد، سود حاصل از آن، خمس ندارد. س ۹۶۷: تعداد دوازده نفر از مومنین توافق کرده‌اند که هریک از آنان هر ماه مثلاً بیست دینار در صندوقی بریزند، و در هر ماه یک نفر آن مبلغ را برداشته و به مصرف هزینه‌های شخصی خود برساند، که بعد از دوازده ماه نوبت به آخرین نفر خواهد رسید. بدین معنی که او آنچه را در این مدت پرداخته که مقدار آن دویست و چهل دینار می‌شود، برمی‌دارد، آیا خمس بر او واجب است یا اینکه جزء مؤونه وی محسوب می‌شود؟ و اگر این فرد سال خمسی معینی داشته باشد و مقداری از پولی که دریافت شده، پس از پایان سال نزد او بماند، آیا جایز است برای این قسمت از آن مبلغ، سال

خمسى معینى قرار دهد تا از لزوم پرداخت خمس آن رهائى یابد؟

ج: آنچه را که افراد به صندوق می‌پردازند، اگر از درآمد سالانه‌شان در بین سال باشد هر آنچه را که هر یک از افراد در نوبت خود از صندوق دریافت می‌نمایند تا در مخارج سال صرف کند اگر مقداری از آن قرض از صندوق و مقداری معادل مبالغی باشد که از منافع همان سال به صندوق پرداخته است، خمس ندارد، ولی اگر از منافع سال قبل باشد، باید خمس آنچه را که از منافع سال قبل است بپردازد، و گراز منافع هر دو سال باشد، منفعت هر سالی حکم خاص خود را دارد، و چنانچه مبلغ دریافتی او از سهم خود که از منافع سال به صندوق واریز نموده، زائد بر مخارج آن سال باشد، نمی‌تواند برای رهائی از خمس مقدار زائد، سال خمسى مستقلى برای آن قرار دهد، بلکه واجب است که برای همه منافع سالانه خود یک سال خمسى قرار دهد و خمس مازاد بر مؤونه آن سال را بپردازد.

س ۹۶۸: خانه‌ای را با پرداخت مبلغی به عنوان رهن اجاره کرده‌ام، آیا پس از گذشت

یک سال به آن مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: مبلغی را که به مؤجر قرض داده‌اید اگر از منعت کسب باشد، چنانچه تا پایان سال خمسى تان قابل دریافت از صاحب‌خانه نباشد، پرداخت خمس آن در آن سال واجب نیست، ولی بعداً هر وقت آن را دریافت نمودید، باید خمس آن را بپردازید.

س ۹۶۹: ما برای انجام کارهای عمرانی احتیاج به هزینه زیادی داریم که پرداخت یکباره آن برای ما مشکل است. لذا اقدام به تأسیس صندوقی برای عمران کرده‌ایم. و هر ماه مبلغی را در آن به ودیعه می‌گذاریم و بعد از آنکه مقداری جمع شد آن را صرف کارهای عمرانی می‌کنیم. آیا به این مال پس‌انداز شده خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر مبالغ پرداخت شده از طرف هر شخص از در آمد سال او باشد و تا زمان مصرف آن در کارهای عمرانی تحت مالکیت او باقی بماند و آن شخص بتواند در پایان سال خمسی آن را از صندوق پس بگیرد، واجب است خمس آن را بپردازد. س ۹۷۰: چند سال قبل اقدام به محاسبه اموال و تعیین سال خمسی برای خود نمودم، در آن زمان نود و هشت رأس گوسفند که خمس آنها داده شده بود و همچنین مقداری پول نقد و یک موتورسیکلت داشتم. چند سال است که گوسفندان من بر اثر فروش تدریجی آنها کم شده ولی پول نقد زیاد شده است. در حال حاضر شصت رأس گوسفند و مقداری پول نقد دارم، آیا پرداخت خمس این پول بر من واجب است یا اینکه فقط باید خمس مقدار زیادی آن را بدهم؟

ج: اگر مجموع قیمت گوسفندهای موجود با اموال نقدی که دارید، بیشتر از مجموع قیمت نود و هشت رأس گوسفند با پول نقدی که قبلاً خمس آن را پرداخت کرده‌اید باشد، مقدار زائد خمس دارد.

س ۹۷۱: فردی ملکی (خانه یا زمین) دارد که خمس به آن تعلق گرفته است، آیا می‌تواند خمس آن را از درآمد سال بپردازد؟ یا اینکه واجب است اول خمس سود را بدهد و سپس خمس ملک را از سود مخمس پرداخت کند؟

ج: اگر بخواهد خمس آن را از درآمد سال بپردازد، واجب است خمس آن را هم بپردازد.

س ۹۷۲: اموالی را از محل پولی که بنیاد شهید ماهیانه به فرزندان صغیر شهدای عزیز می‌پردازد یا از محل سود کارخانه یا زمین زراعی که ملک بعضی از شهدای عزیز جهت امرار معاش شان بوده، برای فرزندان شهدا پس‌انداز کرده‌ایم و گاهی مقداری از این اموال پس‌انداز شده برای تأمین نیازهای ضروری آنان مصرف می‌شود.

خواهشمندیم بیان فرمائید که آیا این سودها و حقوق پس انداز شده خمس دارد یا اینکه تا زمانی که بزرگ نشده اند، خمس ندارد؟

ج: آنچه به فرزندان عزیز شهدا از پدران آنان به ارث می رسد و یا توسط بنیاد شهید به آنان پرداخت می شود، خمس ندارد، ولی از سود حاصل از ارث یا هدیه ای که بنیاد شهید به آنان می دهد، آن مقداری که تا زمان رسیدن به بلوغ شرعی در ملک آنان باقی می ماند، بنابر احتیاط بر هریک از آنان واجب است که بعد از رسیدن به سن تکلیف، خمس سود آن را بپردازد.

س ۹۷۳: آیا به مالی که انسان برای تحصیل درآمد و انجام معاملات تجاری مصرف می کند، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: آنچه را که از درآمد سال برای بدست آوردن درآمد از کارهای تجاری و غیر آن مصرف می کند از قبیل هزینه های انبارداری، حمل و نقل، وزن کردن، واسطه معامله و مانند آن، از درآمد همان سال استثنای می شود و خمس ندارد.

س ۹۷۴: آیا اصل سرمایه و سود آن خمس دارد؟

ج: اگر انسان سرمایه را با کسب و کار (اعم از حقوق و غیره) بدست آورده باشد، خمس دارد، ولی سود حاصل از تجارت با آن هر مقدار که صرف مؤونه زندگی می شود خمس ندارد، و اگر چیزی از آن از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.

س ۹۷۵: اگر کسی طلای مسکوک داشته باشد و به حد نصاب هم برسد، آیا علاوه بر زکات، پرداخت خمس آن هم واجب است؟

ج: اگر جزء منفعت کسب محسوب شود، حکم سایر درآمدهای کسب را در وجوب خمس دارد.

س ۹۷۶: من و همسر من از کارمندان وزارت آموزش و پرورش هستیم، همسر من همیشه

حقوق خود را به من هدیه می‌کند، و با مقداری پول در شرکت کشاورزی کارمندان آموزش و پرورش که عضو آن هستم سهیم شده‌ام، ولی نمی‌دانم آن مبلغ از حقوق خودم بوده یا همسرم، با توجه به اینکه پولی که از حقوق ماهیانه همسرم تا پایان سال خمسی‌ام پس‌انداز شده کمتر از پولی است که او در طول سال می‌گیرد. آیا به مبلغ مذکور خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: آنچه از اموال پس‌انداز شده و از پولی که بابت خرید سهم الشرکه پرداخته‌اید که مربوط به حقوق خودتان است خمس دارد، و آن قسمت که توسط همسران هدیه شده، خمس ندارد، و آنچه را هم که شک دارید از حقوق خودتان است یا همسران، پرداخت خمس آن واجب نیست اگر چه احوط پرداخت خمس و یا مصالحه آن است.

س ۹۷۷: آیا به پولی که به مدت دو سال به صورت قرض الحسنه در بانک بوده، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: هر مقداری که از منفعت کسب پس‌انداز می‌شود یک‌بار به آن خمس تعلق می‌گیرد، و پس‌انداز آن در بانک به صورت قرض الحسنه موجب سقوط خمس آن نمی‌شود، بلکه، قرضی که نمی‌تواند آن را تا سر سال خمسی از قرض گیرنده پس بگیرد، تا آن را پس نگرفته پرداخت خمس آن واجب نیست.

س ۹۷۸: شخصی که برخورد یا خانواده تحت تکفل خود سخت می‌گیرد تا بتواند مقداری پس‌انداز نماید و یا مقداری قرض می‌کند تا بتواند مشکلات زندگی‌اش را حل کند. اگر مال پس‌انداز شده و یا مالی که قرض گرفته، تا سر سال باقی بماند، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج: سود پس‌انداز شده اگر برای صرف در احتیاجات زندگی تا دو سه ماه بعد از

پایان سال خمسی مورد نیاز باشد به نحوی که نتواند با پرداخت خمس آن احتیاجات زندگی را تامین نماید پرداخت خمس آن واجب نیست و خمس پولی که قرض کرده است، برعهده قرض گیرنده نیست ولی اگر از درآمد سال خود قسطهای آن را بپردازد و عین مالی که قرض گرفته هنگام رسیدن سال خمسی نزد او باقی باشد، واجب است خمس آن را بپردازد.

س ۹۷۹: دو سال است قطعه زمینی را برای ساخت خانه خریده‌ام، اگر از مخارج روزمره پولی را برای ساختن خانه در آن پس انداز کنم، زیرا در حال حاضر مستاجر هستم، آیا در پایان سال به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر عین مال از درآمد سال را قبل از رسیدن سال خمسی به مصالح ساختمانی مورد نیاز تبدیل کنید، و یا آنکه پول پس انداز شده از درآمد سال را می‌خواهید تا چند ماه پس از پایان سال خمسی صرف ساختمان مسکن خود نمایید، خمس ندارد.

س ۹۸۰: من تصمیم به ازدواج گرفته‌ام، و برای کسب درآمد، قسمتی از سرمایه خود را به دانشگاه سپرده‌ام، آیا مصالحه در رابطه با خمس آن امکان دارد؟

ج: اگر مال مذکور از منفعت کسب شما باشد، با گذشت سال خمسی، پرداخت خمس آن واجب است و خمس قطعی قابل مصالحه نیست.

س ۹۸۱: سازمان حج در سال گذشته اقدام به خرید همه ائاثیه و لوازم مورد نیاز کاروان حج که ملک اینجانب بود کرد، من پول لوازم فروخته شده‌ام را که دویست و چهارده هزار تومان بود، در تابستان امسال دریافت کردم، علاوه بر آن، مبلغ هشتاد هزار تومان در سال گذشته گرفته‌ام، با توجه به اینکه سال خمسی برای خود تعیین کرده‌ام و هر سال خمس زائد بر مؤونه را می‌پردازم، و با توجه به اینکه ائاثیه و لوازم مذکور مورد

نیاز من در ایام عهده داری مدیریت کاروان حج جهت اداره حجاج بوده است، و در وقت فروش آن ترقی قیمت نسبت به قیمت خرید آن داشته است، آیا پرداخت خمس پول فروش آن یا خمس تفاوت قیمت آن در حال حاضر واجب است؟

ج: اگر لوازم را با مال مخمس خریده باشید، پول فروش آن خمس ندارد، در غیر این صورت پرداخت خمس آن واجب است.

س ۹۸۲: من صاحب مغازه‌ای هستم که هر سال پول نقد و جنس‌های خود را محاسبه می‌کنم و چون بعضی از کالاها تا آخر سال خمسی فروخته نمی‌شود، آیا پرداخت خمس آن در آخر سال و قبل از فروش واجب است یا اینکه باید بعد از فروش، خمس آنها پرداخت شود؟ و اگر خمس کالا را بدهم و سپس آن را بفروشم، چگونه باید در سال آینده محاسبه کنم؟ و اگر آن را به فروش نرسانم و قیمت آن تغییر کنند، چه حکمی دارد؟

ج: کالائی که تا سر سال فروخته نشده و مشتری برای خرید آن پیدا نشده است، در حال حاضر پرداخت خمس افزایش قیمت آن واجب نیست بلکه سود حاصل از فروش آن در آینده از سود سال فروش محسوب می‌شود، ولی کالائی که افزایش قیمت پیدا کرده و کسی هست که در طول سال آن را بخرد ولی شما برای اینکه سود بیشتری ببرید، آن را تا پایان سال نفروخته‌اید، باید با رسیدن سال خمسی، خمس افزایش قیمت آن را بپردازید، و در این صورت آن کالا به قیمتی که در سر سال خمسی ارزیابی شده و خمس افزایش قیمت آن پرداخت شده، در سال آینده استثناء می‌شود.

س ۹۸۳: خانه سه طبقه‌ای وجود دارد که بر اساس اسناد رسمی از سال ۱۳۵۲ ملک چهار نفر به تفصیل زیر بوده است: سه دانگ از مجموع پنج دانگ خانه ملک سه نفر از

فرزندان (برای هر کدام یک سهم) است و دو سهم دیگر برای مادر آنها است، در یکی از طبقه‌ها یکی از فرزندان سکونت دارد و دو طبقه دیگر برای تامین مخارج زندگی مالکان آن، به اجاره داده شده است، با توجه به اینکه یکی از مالکان غیر از این خانه ملک دیگری ندارد، آیا به دو طبقه مورد اجاره خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟ و آیا جزء مؤننه آنها محسوب می‌شود؟

ج: اگر خانه را از محل درآمد سالانه شان برای سکونت تهیه نموده‌اند و فعلاً به خاطر نیاز به مخارج زندگی اجاره داده‌اند، به آن خمس تعلق نمی‌گیرد ولی اگر بعضی طبقات آن را به قصد اجاره دادن ساخته یا تهیه کرده‌اند تا اجاره آن را صرف هزینه‌های زندگی کنند، آن مقدار از خانه حکم سرمایه را دارد، که خمس دارد.

س ۹۸۴: شخصی مالک مقداری گندم بوده که خمس آن را پرداخت نموده و هنگام برداشت محصول جدید، همان گندم مخمس را مصرف می‌کرده و به جای آن گندم جدید می‌گذاشته و چندین سال به همین ترتیب عمل نموده است. آیا به گندمی که به جای گندم مخمس شده می‌گذاشته، خمس تعلق می‌گیرد؟ و در صورت تعلق خمس، آیا همه آن خمس دارد؟

ج: گندمی را که خمس آن را پرداخته، اگر مصرف کند نمی‌تواند معادل آن از گندم جدید را از خمس استثناء کند. بنابراین آنچه را که از گندم جدید مصرف مؤننه سال خود کرده، خمس ندارد، و آنچه که از آن تا سر سال خمسی باقی مانده، خمس دارد.

س ۹۸۵: من به توفیق خداوند هر سال خمس اموالم را می‌پردازم، ولی در طی سالهائی که اقدام به محاسبه خمس اموالم کرده‌ام، همیشه در حساب آنها شک داشته‌ام، این شک چه حکمی دارد؟ آیا واجب است امسال همه اموال نقد خود را حساب کنم یا

اینکه به شک در این مسئله اعتنا نمی‌شود؟

ج: اگر در صحت حساب خمس منفعت کسب سالهای گذشته شک داشته باشید، به آن اعتنا نمی‌شود و پرداخت مجدد خمس بر شما واجب نیست. ولی اگر در منفعت کسب شک داشته باشید که آیا جزء منفعت کسب سالهای قبل است که خمس آن پرداخت شده، یا جزء منفعت کسب امسال است که خمس آن داده نشده، بر شما واجب است احتیاطاً خمس آن را بپردازید، مگر اینکه احراز کنید که خمس آن را قبلاً پرداخته‌اید.

س ۹۸۶: اگر مثلاً فرشی را با مال مخمس به قیمت ده هزار تومان بخرم و بعد از مدتی آن را به پانزده هزار تومان بفروشم، آیا پنج هزار تومان اضافه بر مال مخمس، جزء منفعت کسب محسوب می‌شود و خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر آن را به قصد فروش خریده‌اید، آن مقداری که بیشتر از قیمت خرید است، جزء منفعت کسب محسوب می‌شود و در زائد بر مؤونه سال، خمس واجب است. س ۹۸۷: آیا کسی که برای هر یک از درآمدهای خود سال خمس جداگانه‌ای قرارداد داده، جایز است خمس سودی را که سر سال خمسی آن رسیده، از سودهای دیگری که سال بر آنها نگذشته است، بپردازد؟ و در صورتی که بداند این درآمدها به طور کامل تا پایان سال باقی می‌مانند و چیزی از آنها صرف مؤونه نمی‌شود، چه حکمی دارد؟

ج: کسی که درآمد سالانه‌اش از چند رشته کسب است باید برای مجموع درآمدهای حاصله از کسبهایش یک سال خمسی قرار دهد، و در مواردی که مجاز است برای هر یک از کسبهایش سال خمسی مستقلی قرار دهد، هرگاه بخواهد خمس منفعت یک کسب را از درآمد کسب دیگر بپردازد باید خمس مبلغ پرداختی را نیز بپردازد و درآمدهائی که چیزی از آن به مصرف هزینه‌های زندگی نمی‌رسد، مخیر است بین

اینکه خمس آن را هنگام حصول آن پردازد یا تا رسیدن سال خمسی صبر کند.

س ۹۸۸: شخصی مالک ساختمان دو طبقه‌ای است، و خودش در طبقه بالا سکونت دارد و طبقه پایین را به شخص دیگری داده است و به علت بدهکاری مبلغی از او قرض گرفته بدون اینکه اجاره‌ای بگیرد، آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: واگذاری استفاده مجانی از خانه به کسی به خاطر اینکه مالی از او ترض گرفته است وجه شرعی ندارد، و به هر حال مالی که قرض گرفته است، خمس ندارد. س ۹۸۹: مکانی را برای معاینه پزشکی بیماران از اداره اوقاف و متولی وقف به مبلغ معینی در هر ماه اجاره کرده‌ام و مبلغی پول هم به عنوان پذیره از من گرفته‌اند، با توجه به اینکه در حال حاضر این پول از ملک من خارج شده و هیچگاه مالک آن نخواهم شد، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر پرداخت این مبلغ در حکم قیمت انتقال سرقفلی باشد و از منفعت کسب باشد، واجب است خمس آن پرداخت شود.

س ۹۹۰: شخصی برای احیای زمین موات جهت کاشت درختان میوه به امید استفاده از حاصل آن اقدام به حفر چاه عمیق نموده است، با توجه به اینکه این درختان بعد از چند سال دیگر ثمر می‌دهند و هزینه زیادی هم دارند، این شخص مبلغی بیش از یک میلیون تومان صرف آن نموده است. وی تاکنون حساب سال نداشته ولی در حال حاضر که تصمیم گرفته برای ادای خمس، اموالش را حساب کند، می‌بیند که قیمت چاه و زمین و باغ بر اثر تورم، معادل چندین برابر هزینه اولیه شده است، بنابراین اگر مکلف به پرداخت خمس قیمت فعلی آنها شود، توانائی آن را ندارد و اگر مکلف به دادن خمس از عین زمین و باغ و غیر آن شود، در مضیقه و سختی می‌افتد زیرا خود را به زحمت انداخته و به امید استفاده از ثمرات آن برای تأمین مخارج زندگی خود و

خانواده‌اش متحمل هزینه‌ها و مشکلاتی شده است، تکلیف او نسبت به خمس اموالش چیست؟ و چگونه خمس خود را حساب کند تا به راحتی بتواند آن را بپردازد؟

ج: زمین مواتی را که به قصد تبدیل آن به باغ میوه احیاء نمود، بعد از کم کردن مخارج احیای آن، خمس دارد، و مخیر است که خمس زمین را از عین آن بدهد و یا از قیمت فعلی آن، و اما در مورد چاه، لوله آب، پمپ آب، نهالها و کاشت و پرورش آن و مانند آن، پولهایی که در این باره هزینه کرده است، اگر از محل درآمد سالانه‌اش بوده باید خمس آن را بپردازد. ولی اگر آنها را با عین پولی که لازم بود خمس آن را بپردازد تهیه کرده، واجب است خمس آنها را به قیمت عادلانه فعلی بپردازد، و اگر پرداخت یکباره خمس برای او مقدور نیست، می‌تواند بعد از دستگردان با یکی از وکلای ما، آن را به تدریج و به نحوی که برایش از لحاظ مقدار و مدت ممکن است، بپردازد.

س ۹۹۱: شخصی حساب سال برای خمس نداشته و اکنون تصمیم گرفته است حساب سال داشته باشد، وی که از ابتدای ازدواج تا به حال بدهکار بوده است، خمس خود را چگونه محاسبه کند؟

ج: اگر از گذشته تا به حال درآمدی بیشتر از مخارج زندگی نداشته، نسبت به گذشته چیزی بر عهده او نیست.

س ۹۹۲: منافع و محصولات زمین و اموال موقوفه، از جهت خمس و زکات چه حکمی دارد؟

ج: اعیان موقوفه مطلقاً خمس ندارد حتی اگر وقف خاص باشد، ثمره و نماء آن هم مطلقاً خمس ندارد، و به نماء وقف عام قبل از قبض توسط موقوف علیه زکات تعلق نمی‌گیرد، ولی بعد از قبض، پرداخت زکات آنچه از نماء وقف که قبض شده در

صورتی که واجد شرائط وجوب زکات باشد، واجب است، و در نماء وقف خاص هم اگر سهم هر یک از موقوف علیه به حد نصاب برسد، زکات واجب است.

س ۹۹۳: آیا سهم سادات «کثرهم الله تعالی» و سهم امام «علیه السلام» به منفعت کسب کودکان تعلق می‌گیرد؟

ج: بنا بر احتیاط بر آنان واجب است که بعد از رسیدن به سن بلوغ خمس منفعت کسب خود را که قبل از بلوغ بدست آورده‌اند و تا زمان بلوغ بر ملک‌شان باقی مانده است، بپردازند.

س ۹۹۴: آیا به ابزاری که در کار و کسب استفاده می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: ابزار و آلات کسب، حکم سرمایه را دارد که اگر از درآمد کسب تهیه شود خمس دارد.

س ۹۹۵: چند سال قبل مبلغی را جهت ثبت نام برای رفتن به حج به بانک واریز کردیم. ولی تاکنون موفق به تشرف نشده‌ایم و نمی‌دانیم که آیا خمس آن را پرداخته‌ایم یا خیر، آیا در حال حاضر پرداخت خمس آن واجب است؟ و آیا پولی که برای ثبت نام حج پرداخته می‌شود و چند سال بر آن می‌گذرد، خمس دارد یا خیر؟

ج: مبلغی که برای ثبت نام حج پرداخت می‌شود، اگر به عنوان قیمت یا اجرت سفر حج بر اساس قرارداد منعقد با سازمان حج و زیارت باشد و از منفعت کسب همان سال شما باشد، و ثبت نام کننده با آن ولو پس از چند سال به حج برود، خمس ندارد.

س ۹۹۶: کارمندانی که سر سال خمسی آنها در پایان ماه اسفند است و حقوق خود را پنج روز زودتر از سر سال خمسی می‌گیرند تا در ماه اول سال جدید مصرف کنند، آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

ج: اگر حقوقی را که قبل از پایان سال دریافت می‌کنند تا آخر سال خمس در مؤونه مصرف نکنند، پرداخت خمس آن واجب است.

س ۹۹۷: بسیاری از دانشجویان برای حل مشکلات غیر قابل پیش بینی خود در هزینه‌های زندگی صرفه‌جوئی می‌کنند و در نتیجه مبلغ قابل توجهی از کمک هزینه تحصیلی که به آنها پرداخت می‌گردد، جمع می‌شود. سؤال این است که با توجه به این که این مبلغ از طریق صرفه‌جوئی در پولی که وزارت آموزش عالی به آنها می‌پردازد، جمع می‌شود، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: کمک هزینه تحصیلی خمس ندارد.

نحوه محاسبه خمس

س ۹۹۸: تأخیر پرداخت خمس تا سال آینده چه حکمی دارد؟

ج: تأخیر پرداخت خمس از سال خمس به سال دیگر جایز نیست، هر چند هر وقت آن را بپردازد ادای بدهی حاصل می‌شود، مکلف پس از رسیدن سال خمس تا خمس مالش را نداده، نمی‌تواند در آن تصرف کند، و اگر در آن قبل از پرداخت خمس تصرف کند مقدار خمس آن را ضامن است، و چنانچه با عین مال غیر مخمس کالا یا زمین و یا مانند آنها بخرد، معامله در مقدار خمس فضولی و موقوف بر اجازه ولی امر خمس است، که پس از اجازه ولی امر باید خمس آن کالا یا زمین را به قیمت فعلی حساب نماید و آن را بپردازد.

س ۹۹۹: من مالک مالی هستم که مقداری از آن نقد و مقدار دیگر به صورت قرض الحسنه نزد بعضی از افراد است و از طرفی به علت خرید زمین مسکونی مقروض

هستم و باید یکی از چک‌های آن را چند ماه دیگر بپردازم. آیا جایز است بدهی زمین را از مبلغ مذکور (نقد و قرض الحسنه) کم کنم و خمس باقیمانده را بپردازم؟ و همچنین آیا زمینی که برای سکونت خریداری شده خمس دارد؟

ج: مالی که از درآمد سال به بعضی افراد قرض داده‌اید اگر تا سر سال خمسی قابل وصول نباشد پرداخت خمس آن تا وصول نشده است واجب نیست، و اموالی که از درآمد سال در دست شماست جایز است از آن، قبل از رسیدن سر سال خمسی، بدهی خود را که مهلت آن چند ماه دیگر می‌رسد بپردازید، ولی اگر در اثنای سال آن را در ادای قرض مصرف نکنید و سر سال خمسی شما برسد، نمی‌توانید قرض خود را از آن مبلغ استثنا کنید، بلکه واجب است خمس همه آن را بپردازید ولی اگر بنا دارید تمام یا قسمتی از آن را تا چند ماه دیگر صرف ادای بدهی خود نمایید و چنانچه بخواهید خمس آن را بپردازید باقیمانده وافی برای ادای بدهی نیست و از این بابت در زحمت و مشقت قرار می‌گیرید، در این صورت پرداخت خمس آنچه را که می‌خواهید صرف ادای بدهی نمائید واجب نیست، و اما زمینی که برای سکونت مورد نیاز از درآمد بین سال تهیه می‌شود، خمس ندارد.

س ۱۰۰۰: از آنجاکه تاکنون ازدواج نکرده‌ام، آیا جایز است مقداری از مالی را که در حال حاضر دارم، برای هزینه‌هایی که در آینده به آنها نیاز دارم، پس انداز کنم؟

ج: پس انداز درآمد سال اگر برای هزینه ازدواج در چند ماه آینده باشد به نحوی که اگر خمس آن را بپردازید نتوانید تمام هزینه ازدواج را تأمین نمائید، خمس ندارد.

س ۱۰۰۱: سر سال خمسی من آخر ماه دهم از هر سال است، آیا حقوق ماه دهم را که در آخر آن می‌گیرم خمس دارد؟ و آیا اگر بعد از دریافت، مقدار باقیمانده آن را (که طبق عادت، هر ماه پس انداز می‌شود) به همسرم هدیه کنم، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

ج: حقوقی که قبل از سال خمسی دریافت می‌کنید و یا قبل از آخرین روز سال خمسی قابل دریافت است، پرداخت خمس مقدار زائد بر مؤونه سال آن واجب است. و اما آنچه به همسر خود یا به دیگری هدیه می‌نمائید، اگر به قصد فرار از خمس نباشد و به مقدار مناسب با شأن عرفی شما باشد، خمس ندارد.

س ۱۰۰۲: پول یا کالای مخمسی دارم که اقدام به مصرف آن کرده‌ام، آیا جایز است در پایان سال، مقداری از درآمد سال به جای آن پول یا کالائی که خمس آن پرداخت شده، استثنا شود؟

ج: چیزی از درآمد سال به جای مال مخمسی که مصرف شده، استثنا نمی‌شود.
س ۱۰۰۳: اگر مالی که خمس ندارد مانند جایزه و مانند آن، با سرمایه مخلوط شود، آیا در پایان سال خمسی جایز است آن را از سرمایه استثنا کرد و سپس خمس بقیه اموال را پرداخت؟

ج: استثنای آن اشکال ندارد.

س ۱۰۰۴: سه سال پیش مغازه‌ای را با مالی که خمس آن پرداخت شده، افتتاح کردم و سر سال خمسی ام هم پایان سال شمسی یعنی شب عید نوروز است، و تاکنون هرگاه سر سال خمسی ام رسیده، مشاهده کرده‌ام که همه سرمایه‌ام به صورت قرض بر عهده مردم است و در عین حال خودم هم مبلغ زیادی بدهکارم، امیدواریم ما را نسبت به تکلیفمان راهنمایی فرمائید.

ج: اگر سر سال خمسی چیزی از سرمایه و سود نزد شما نباشد و یا مجموع پول نقد و کالاهای موجود در مغازه مساوی سرمایه‌ای باشد که خمس آن را داده‌اید، خمس بر شما واجب نیست و طلبه‌های شما که ناشی از فروش نسیه کالا به مردم است، جزء درآمد سالی محسوب می‌شود که آنها را دریافت می‌کنید.

س ۱۰۰۵: تعیین قیمت کالاهای موجود در مغازه، هنگام حساب سال خمسی، مشکل است، چگونه باید آن را حساب کرد؟

ج: تعیین قیمت اجناس موجود در مغازه به هر صورت ممکن هر چند با تخمین، برای محاسبه درآمد سال که باید خمس آن پرداخت شود، واجب است.

س ۱۰۰۶: اگر چند سال درآمد سالانه‌ام را محاسبه نکنم تا اینکه اموال من نقد و سرمایه‌ام زیاد شود و بعد از آن، خمس غیر از سرمایه قبلی ام را بپردازم، آیا این کار اشکال دارد؟

ج: اگر در اموال شما هنگام رسیدن سال خمسی، خمس هر چند به مقدار کم باشد، تا خمس آن را نپردازید، حق تصرف در آن اموال را ندارید، و اگر با عین آن اموال قبل از پرداخت خمس خرید و فروش کنید، معامله نسبت به مقدار خمس آن، فضولی و متوقف بر اجازه ولی امر خمس است، و بعد از اجازه ابتدا باید خمس مجموع آن را بدهید و سپس خمس سود زائد بر مؤونه سال را بپردازید.

س ۱۰۰۷: خواهشمندیم آسانترین راه ممکن برای پرداخت خمس توسط صاحب مغازه را بیان فرمائید.

ج: هر چه کالا و پول نقد دارد، در سر سال خمسی حساب کرده و قیمت گذاری می‌کند و سپس مجموعه آن را با سرمایه اصلی می‌سنجد، اگر چیزی اضافه بر سرمایه موجود باشد، سود محسوب می‌شود و به آن خمس تعلق می‌گیرد.

س ۱۰۰۸: سر سال خمسی ام را اول ماه سوم سال گذشته قرار داده‌ام و در همین تاریخ برای محاسبه خمس سود حساب بانکی ام مراجعه کردم و علیرغم اینکه من قبل از آن مستحق این سود بودم، ولی از مال دیگری استفاده می‌کردم که خمس نداشت. آیا این روش برای حساب سال مالی درست است؟

ج: ابتدای سال خمسی شما، روزی است که برای اولین بار سود قابل دریافت برای شما حاصل شده است، و تأخیر ابتدای سال از آن روز برای شما جایز نیست.

س ۱۰۰۹: اگر وسایل و چیزهای مورد نیاز زندگی مانند ماشین، موتور، فرش که خمس آن داده نشده است فروخته شود، آیا پس از فروش باید خمس آنها فوراً پرداخت شود؟
ج: وسایل ذکر شده اگر جزو احتیاجات زندگی بوده و از درآمد بین سال آن را تهیه کرده است، پول فروش آن پس از سال خمسی خمس ندارد، ولی اگر حساب سال ندارد یا وسایل را با پولی که سال بر آن گذشته بدون ادای خمس تهیه کرده، باید خمس پول خرید آنها را بدهد هر چند آن وسایل را نفروشد.

س ۱۰۱۰: کسی که نیاز به تهیه یکی از لوازم خانگی مانند یخچال دارد و استطاعت خرید آن را یکجا ندارد و ماهیانه پولی پس انداز می‌نماید تا وقتی که پول به حد لازم رسید، آن را خریداری نماید، اکنون که سال خمسی او رسیده، آیا به پولی که به این منظور کنار گذاشته شده خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: پول پس انداز شده اگر جهت تهیه مایحتاج زندگی تا چند ماه پس از پایان سال خمسی مورد نیاز باشد به نحوی که با پرداخت خمس آن بتواند لوازم زندگی را تهیه کند، خمس ندارد.

س ۱۰۱۱: اگر کسی قبل از سال خمسی‌اش، مقداری از درآمد خود را به کسی قرض دهد و بعد از گذشت چند ماه از سر سال خمسی خود آن را دریافت کند، این مبلغ چه حکمی دارد؟

ج: در فرض سؤال پرداخت خمس قرض پس از گرفتن آن از بدهکار، واجب است.
س ۱۰۱۲: اشیائی را که انسان در طول سال خمسی می‌خرد و سپس آن را بعد از سال خمسی‌اش می‌فروشد، چه حکمی دارد؟

ج: اشیاء یاد شده اگر جزو لوازم زندگی است و جهت استفاده شخصی خریده است خمس ندارد، ولی اگر آن را برای فروش خریده و فروش آن هم تا سر سال خمس ممکن است، پرداخت خمس سود آن واجب است، در غیر این صورت، تا آن را نفروخته، خمس ندارد و هنگامی که آن را فروخت، سود حاصل از فروش آن از درآمدهای همان سال فروش محسوب می شود.

س ۱۰۱۳: اگر کارمندی حقوق سال خمس خود را بعد از رسیدن آن دریافت کند: آیا دادن خمس بر او واجب است یا خیر؟

ج: اگر تا سر سال خمس قابل دریافت باشد، پرداخت خمس آن واجب است هر چند هنوز آن را نگرفته باشد، در غیر این صورت، جزء درآمدهای سالی که آن را دریافت می کند محسوب می شود.

س ۱۰۱۴: اگر شخصی در پایان سال مالی خود، به مقدار درآمد همان سال بدهکار باشد، آیا به آن درآمد خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: اگر بدهی بابت هزینه های زندگی همان سال باشد، از منفعت آن سال استثنا می شود و در غیر این صورت استثنا نمی شود.

س ۱۰۱۵: خمس سکه های طلا که قیمت آنها همیشه در حال تغییر است، چگونه است؟ ج: اگر قصد دارد خمس آنها را از قیمت بدهد، ملاک، قیمت روز محاسبه و پرداخت خمس است.

س ۱۰۱۶: اگر شخصی سال مالی خود را به قیمت طلا محاسبه نماید، بطور مثال اگر همه سرمایه اش معادل با صد سکه طلا از نوع بهار آزادی باشد که مقدار بیست سکه از آن را به عنوان خمس پرداخته و هشتاد سکه مخمس باقی بماند و در سال بعد اگر قیمت سکه افزایش یابد (ولی سرمایه او معادل همان هشتاد سکه است)، آیا به آن خمس

تعلق می‌گیرد؟ آیا واجب است خمس افزایش قیمت را بپردازد؟

ج: ملاک در استثنای سرمایه مخمس، همان سرمایه اصلی است، اگر سرمایه اصلی که با آن کار می‌کند، سکه‌های طلا از نوع مثلاً بهار آزادی باشد، در سر سال مالی سکه‌های مخمس استثنا می‌شوند هر چند قیمت آنها به واحد ریال نسبت به سال گذشته، افزایش یافته باشد. ولی اگر سرمایه او پول نقد یا کالا باشد که در سر سال خمسی آن را با سکه‌های طلا مقایسه کرده و خمس آن را داده باشد، باید در سر سال خمسی آینده فقط قیمت سکه‌های طلا را که سال گذشته آنها را حساب کرده، استثنا کند نه تعداد سکه‌ها را. بنابراین اگر قیمت سکه‌ها در سال آینده افزایش یابد، مقدار افزایش قیمت، استثنا نمی‌شود بلکه سود محسوب شده و پرداخت خمس آن واجب است.

تعیین سال مالی

س ۱۰۱۷: کسی که اطمینان دارد به اینکه چیزی از درآمد سالانه‌اش تا پایان سال باقی نمی‌ماند بلکه تمامی درآمد و منفعت او در خلال سال خرج هزینه‌های زندگی او می‌شود، آیا واجب است برای خود سال خمسی تعیین کند؟ کسی که بر اثر اطمینان به اینکه چیزی از درآمدش زیاد نمی‌آید سال خمسی تعیین نکرده، چه حکمی دارد؟

ج: ابتدای سال خمسی با تعیین از جانب مکلف مشخص نمی‌شود بلکه یک امر واقعی است که برای کسی که شغل او کاسبی است با شروع کاسبی و برای کشاورز با رسیدن وقت برداشت محصول و برای کارگر و درمند با دستیابی به اولین درآمد، آغاز می‌شود. حساب سر سال خمسی و محاسبه درآمد سالانه واجب مستقلاً

نیست بلکه راهی برای شناخت مقدار خمس است و وقتی محاسبه واجب می شود که بداند خمسی به او تعلق گرفته ولی مقدار آن را نمی داند و اگر از منفعت کسب چیزی نزد او نماند و همه آن در مؤونه زندگی مصرف شود، خمس هیچکدام از آنها بر او واجب نیست.

س ۱۰۱۸: آیا ابتدای سال مالی همان ماه اول کار است یا اولین ماهی که حقوق دریافت می کند؟

ج: شروع سال خمسی حقوق بگیران اعم از کارگران و کارمندان و غیرهم همان روز اولی است که مزد یا حقوق خود را دریافت می کنند و یا می توانند دریافت نمایند.

س ۱۰۱۹: تعیین ابتدای سال برای پرداخت خمس چگونه است؟

ج: شروع سال خمسی نیاز به تعیین از سوی خود مکلف ندارد، بلکه خود بخود بر اساس چگونگی حصول درآمد سالانه متعین می شود، بنابراین ابتدای سال خمسی امثال کارگران و کارمندان از اولین روز امکان دریافت اولین درآمد از درآمدهای کار و کارمندی است، و سال خمسی تجار و مغازه داران از تاریخ شروع به خرید و فروش و سال خمسی امثال کشاورزان از تاریخ برداشت اولین محصول کشاورزی سال شروع می شود.

س ۱۰۲۰: آیا تعیین سال خمسی بر جوانان مجردی که با پدر و مادر خود زندگی می کنند، واجب است؟ ابتدای سال خمسی آنان از چه زمانی است؟ و چگونه باید آن را حساب کنند؟

ج: اگر جوان مجرد درآمد شخصی هر چند به مقدار کم داشته باشد، واجب است سال خمسی تعیین نموده و درآمد سالانه خود را محاسبه کند، تا در صورتی که چیزی از درآمد تا پایان سال باقی ماند، خمس آن را بپردازد و ابتدای سال خمسی

او هنگام حصول اولین درآمد است.

س ۱۰۲۱: آیا زن و شوهری که حقوق خود را بطور مشترک در امور منزل مصرف می‌کنند، می‌توانند سال خمس مشترک داشته باشند؟

ج: هر یک از آنان سال خمس مستقلی به حساب درآمد خودش دارد، و واجب است هر کدام خمس باقیمانده حقوق و درآمد سالانه خود را در پایان سال خمس بپردازد.

س ۱۰۲۲: من زنی خانه‌دار و مقلد حضرت امام «قدس سره» هستم و همسرم سال خمس دارد که در آن هنگام خمس اموال خود را می‌پردازد و من نیز گاهی درآمدی دارم. آیا می‌توانم برای خود سال خمس جهت پرداخت خمس قرار دهم و ابتدای آن را زمان دستیابی به اولین سودی که خمس آن را نداده‌ام، قرار دهم و در پایان سال خمس باقیمانده را بعد از کم کردن مؤونه بپردازم؟ آیا به آنچه در طول سال خرج زیارت، هدیه و مانند آن کرده‌ام، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: بر شما واجب است که زمان دستیابی به اولین درآمد سال را ابتدای سال خمس خود قرار دهید و هر چه را در طول سال از منفعت کسب خرج مصارف شخصی خود از قبیل آنچه ذکر کرده‌اید، می‌کنید خمس ندارد و هر چه از منفعت کسب سال، از مؤونه و مخارج سالانه‌تان تا سر سال زیاد بیاید، واجب است خمس آن را بپردازید.

س ۱۰۲۳: آیا سال خمس باید شمسی باشد یا قمری؟

ج: مکلف در این مورد مخیر است.

س ۱۰۲۴: شخصی می‌گوید که سر سال خمس اش ماه یازدهم سال بوده است ولی بر اثر فراموش کردن آن، قبل از پرداخت خمس در ماه دوازدهم برای خانه‌اش فرش و

ساعت و موکت خریده است و در حال حاضر تصمیم گرفته که سال خمسیش را به ماه رمضان تغییر دهد، اشاره به این نکته لازم است که این شخص مبلغ هشتاد و سه هزار تومان سهمین مربوط به سال گذشته و امسال بدهکار است که آن را به صورت قسطی می‌پردازد، نظر شریف حضرتعالی راجع به سهم امام و سادات کالاهای مذکور چیست؟

ج: تقدیم و تأخیر سال خمس جاییز نیست مگر بعد از حساب مدت گذشته و مشروط است به اینکه موجب وارد شدن ضرر به صاحبان خمس نشود، و در مورد اجناسی که پول پرداختی بابت خرید آن از درآمد سال قبل بوده است، باید خمس آن پول‌ها پرداخت شود.

س ۱۰۲۵: آیا انسان می‌تواند خودش خمس مالش را حساب نموده و سپس آنچه را بر او واجب است به وکلای جنابعالی بپردازد؟
ج: اشکال ندارد.

ولی امر خمس و موارد مصرف آن

س ۱۰۲۶: با توجه به نظر مبارک حضرت امام راحل «قدس سره» و نظر مبارک حضرتعالی و بعضی فقهای دیگر که امر و جوهات راجع به ولی امر مسلمین است، پرداخت جوهات به غیر ولی امر چه حکمی دارد؟

ج: مقلدین هر یک از مراجع محترم تقلید دامت برکاتهم، اگر در پرداخت سهمین مبارکین به استناد فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند، موجب برائت ذمه می‌شود.
س ۱۰۲۷: آیا مصرف سهم مبارک سادات در امور خیریه مانده ازدواج سادات، جایز

است؟

ج: سهم سادات مانند سهم مبارک امام علیه السلام در اختیار ولی امر مسلمین است و در صورتی که اذن خاص باشد، مصرف سهم سادات، در آنچه ذکر شده، اشکال ندارد.

س ۱۰۲۸: آیا اجازه گرفتن از مجتهدی که مقلد از او تقلید می‌کند، برای مصرف سهم امام علیه السلام در عمل خیر مثلاً در حوزه علمیه یا دارالایتمام، ضرورت دارد و یا اجازه هر مجتهدی کافی است؟ و اصولاً آیا اجازه مجتهد ضروری است؟

ج: اختیار سهمین مبارکین بطور کلی مربوط به ولی امر مسلمین است و کسی که بر عهده او و یا در مال وی مقداری حق امام علیه السلام یا سهم سادات باشد، باید آن را به ولی امر خمس یا وکیل که از طرف او اجازه دارد، تسلیم کند، و اگر می‌خواهد آن را در یکی از موارد مقرر مصرف کند، باید ابتدا راجع به آن اجازه بگیرد، و در عین حال مکلف باید فتوای مرجع تقلید خود را در آن رعایت نماید.

س ۱۰۲۹: آیا وکلای حضر تعالی یا اشخاصی که وکیل در اخذ حقوق شرعی نیستند، مکلف به دادن قبض رسید سهمین به پرداخت کنندگان آن هستند یا خیر؟

ج: کسانی که حقوق شرعی خود را به وکلای محترم ما یا به اشخاص دیگر به قصد وصول به دفتر ما می‌دهند، می‌توانند از آنها قبضی را که دارای مهر ما می‌باشد مطالبه کنند.

س ۱۰۳۰: هنگامی که خمس را به وکلای حضر تعالی در منطقه تحویل می‌دهیم، گاهی سهم امام علیه السلام را به ما بر می‌گردانند و می‌گویند که از طرف حضر تعالی در این کار مجاز هستند، آیا مصرف مبلغی که به ما برگردانده شده، در امور خانواده جایز است؟

ج: اگر در اجازه کسی که مدعی اجازه است شک دارید، می‌توانید به صورت محترمانه از او بخواهید که اجازه خطی خود را به شما نشان بدهد و یا از او قبض رسید که مهر ما بر آن خورده را درخواست کنید، اگر آنان طبق اجازه‌ای که از ما دارند عمل کرده‌اند، عمل‌شان مورد تایید است.

س ۱۰۳۱: شخصی ملکی را با مال غیر مخمس به قیمت بالائی خریده و مبلغ زیادی هم خرج اصلاح و تعمیر آن کرده است و بعد آن را به فرزند غیر بالغ خود هبه کرده و بطور رسمی به اسم او نموده است، با توجه به اینکه آن فرد در قید حیات است، مسئله خمس مکلف مذکور چگونه است؟

ج: اگر آنچه را برای خرید ملک و اصلاح و تعمیر آن صرف کرده از درآمدهای سال باشد و بخشش آن ملک به فرزندش در همان سال و متناسب با شأن عرفی او باشد، خمس ندارد. در غیر این صورت واجب است خمس آن را بدهد.

سهم سادات و انتساب به آنان

س ۱۰۳۲: مادر من از سادات است، لطف فرموده امور ذیل را بیان فرمائید:

- ۱- آیا من هم از سادات محسوب می‌شوم؟
- ۲- آیا فرزندان من هر چقدر پائین روند، از سادات شمرده می‌شوند؟
- ۳- بین کسی که از طرف پدر سید است و کسی که از طرف مادر سید است، چه تفاوتی وجود دارد؟

ج: گرچه منتسبین به پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله» از طرف مادر هم از اولاد رسول اکرم «صلی الله علیه و آله» محسوب می‌شوند، ولی ملاک ترتب آثار و احکام شرعی

سیادت انتساب از طرف پدر است.

س ۱۰۳۳: آیا فرزندان عباس بن علی بن ابی طالب علیهم السلام سایر سادات را دارند؟ مثلاً آیا طلبه علوم دینی که منسوب به این خانواده است می تواند ملبس به لباس سادات شود؟ و آیا اولاد عقیل بن ابی طالب هم این حکم را دارند؟

ج: کسی که از طرف پدر به عباس بن علی بن ابی طالب «علیهم السلام» منسوب است، سید علوی می باشد و همه سادات علوی و عقیلی، هاشمی هستند و حق استناد از مزایای خاص سادات هاشمی را دارند.

س ۱۰۳۴: بتازگی به سند شخصی یکی از فرزندان عموی پدرم دست یافته ام که در آن اسم صاحب سند شخصی با عنوان سید ذکر شده، بنابراین و با توجه به اینکه در میان فامیل مشهور است که ما از سادات هستیم و با قرینه بودن دلیلی که اخیراً به آن دست یافته ام، خواهشمندم نظر مبارک خود را راجع به سیادت من بیان فرمائید.

ج: صرف ذکر عنوان سید در سندی که به نام یکی از اقوام نسبی شماست حجت شرعی بر سیادت شما محسوب نمی شود، و تا زمانی که سیادت خود را با اطمینان یا با استناد به دلیل شرعی احراز نکرده اید، احکام و آثار شرعی سیادت بر شما مترتب نمی شود.

س ۱۰۳۵: کودکی را به فرزندی پذیرفته و نام او را علی گذاشته ام و برای گرفتن شناسنامه به اداره ثبت احوال مراجعه کردم و در آنجا برای فرزند خوانده ام لقب سید گذاشتند، ولی من به علت خوف از جدم رسول الله «صلی الله علیه و آله» آن را نپذیرفتم و در حال حاضر مردد هستم بین اینکه فرزند خواندگی آن طفل را رد کنم و یا اینکه مرتکب معصیت قبول سیادت کسی شوم که سید نیست. کدامیک از دو راه را انتخاب کنم؟ امیدوارم مرا راهنمایی فرمائید.

ج: بر فرزند خواندگی آثار شرعی بنّوت مترتب نمی‌شود، و کسی هم که از طرف پدر واقعی اش سیّد نیست، آثار و احکام سیادت را ندارد، ولی به هر حال نگهداری کودک بی سرپرست شرعاً عمل بسیار خوب و پسندیده‌ای است.

موارد مصرف خمس، کسب اجازه، هدیه و شهریه حوزوی

س ۱۰۳۶: بعضی از اشخاص از طرف خود اقدام به پرداخت قبض آب و برق سادات می‌کنند، آیا احتساب آن از خمس جایز است یا خیر؟

ج: آنچه را تاکنون به قصد سهم سادات پرداختند، مورد قبول است ولی برای موارد بعدی، قبل از پرداخت لازم است کسب اجازه کنند.

س ۱۰۳۷: آیا حضرت‌عالی مصرف ثلث سهم مبارک امام علیه السلام را برای خرید و توزیع کتابهای دینی، اجازه می‌فرمائید؟

ج: اگر وکلای مجاز ما تهیه و توزیع کتابهای مفید دینی را لازم بدانند، جایز است از ثلثی که مجاز به صرف آن در موارد معین شرعی هستند، آن کار را انجام دهند.

س ۱۰۳۸: آیا جایز است سهم سادات به علویّه فقیری که ازدواج کرده و فرزندان دارد ولی شوهرش غیر علوی و فقیر است، داده شود؟ و آیا او می‌تواند آن را صرف فرزندان و شوهرش نماید؟

ج: اگر شوهر بر اثر فقر نتواند نفقه همسرش را بدهد و همسر وی هم شرعاً فقیر باشد، می‌تواند برای رفع نیازش، سهم سادات بگیرد و آن را برای خود و فرزندان و حتی شوهرش مصرف کند.

س ۱۰۳۹: گرفتن سهم امام «علیه السلام» و سهم سادات توسط اشخاصی که علاوه بر

شهریه حوزه در آمده‌های دیگری که برای تأمین زندگی آنها کافی است، داشته باشند چه حکمی دارد؟

ج: کسی که شرعاً مستحق نبوده و مشمول مقررات شهریه حوزه هم نباشد، گرفتن سهمین برای او جایز نیست.

س ۱۰۴۰: زن علویه‌ای ادعا می‌کند که پدرش در پرداخت هزینه خانواده‌اش کوتاهی نموده و مجبور به گدائی در کنار مساجد شده‌اند تا از این طریق مالی بدست آورده و مصرف کنند اهالی منطقه هم آن سید را فردی ثروتمند ولی خسیس نسبت به خانواده‌اش می‌دانند، آیا دادن نفقه آنان از سهم سادات جایز است؟ و بر فرض که پدر بگوید که بر من فقط دادن هزینه پوشاک و خوراک واجب است ولی پرداخت بقیه مخارج مثل لوازم اختصاصی زنان و پول روزانه کودکان، واجب نیست، آیا می‌توان به مقدار رفع احتیاج از سهم سادات به آنان داد؟

ج: در صورت اول اگر نمی‌توانند نفقه خود را از پدرشان بگیرند، جایز است به مقدار نفقه از سهم سادات به آنان داده شود، همچنین در صورت دوم اگر علاوه بر خوراک و پوشاک، به چیز دیگری که مناسب حالشان است، نیاز داشته باشند، جایز است به مقدار رفع نیاز از سهم سادات به آنان پرداخت شود.

س ۱۰۴۱: آیا اجازه می‌فرمائید که افرادی خودشان سهم سادات را به سادات فقیر بدهند؟

ج: کسی که سهم سادات بر عهده اوست، واجب است در پرداخت آن به مستحقین اجازه بگیرد.

س ۱۰۴۲: آیا مقلدین حضرت تعالی در مصرف خمس می‌توانند سهم سادات را به سید فقیر بدهند یا اینکه باید همه خمس یعنی سهم سادات و سهم امام «علیه السلام» را تحویل

وکیل شما بدهند تا در موارد شرعی آن مصرف کند؟

ج: در این رابطه فرقی بین سهم سادات و سهم مبارک امام «علیه السلام» نیست.
 س ۱۰۴۳: آیا حقوق شرعی (خمس، ردّ مظالم، زکات) از شوون حکومت است یا خیر؟ و
 آیا کسی که خمس بر عهده اوست، می تواند خودش سهم سادات و ردّ مظالم و زکات
 را به افراد مستحق بدهد؟

ج: در زکات جایز است خودش آنها را به فقرای متدین و عقیف بدهد، و در ردّ
 مظالم أحوط آنست که با اذن حاکم شرع باشد ولی در خمس واجب است همه آن
 را به دفتر ما و یا به یکی از وکلای مجاز ما تحویل دهد تا در موارد شرعی که برای آن
 مقرر شده مصرف شود، و یا در پرداخت آن به مستحقین اجازه بگیرد.

س ۱۰۴۴: آیا ساداتی که دارای شغل و کسبی هستند، استحقاق خمس دارند یا خیر؟
 امیدوارم توضیح فرمائید.

ج: اگر درآمد آنان برای زندگی شان بطور متعارف و مناسب با شأن عرفی شان کافی
 باشد، مستحق خمس نیستند.

س ۱۰۴۵: جوانی بیست و پنج ساله و کارمند هستم. تا به حال مجرد بوده و با پدر و مادرم
 زندگی می کنم. پدرم پیرمردی که نسل و از کار افتاده است که درآمدی ندارد و چهار
 سال است که همه مخارج زندگی را من تأمین می کنم. با توجه به اینکه نمی توانم هم
 خمس درآمد سالانه را بدهم و هم مخارج زندگی را تأمین کنم، و مبلغ نوزده هزار
 تومان هم از خمس درآمد سالهای قبل بدهکارم و آن را یادداشت کرده ام تا بعداً
 بپردازم. خواهشمندم توضیح فرمائید که آیا جایز است خمس درآمدهای سال را به
 نزدیکان خود مثل پدر و مادر بدهم؟

ج: اگر پدر و مادر شما قدرت مالی اداره امور زندگی خود را ندارند و شما توانائی

کمک به آنان را دارید، کمک به آنان بر شما واجب می‌شود، و آنچه را که جهت تأمین نفقه آنان می‌پردازید جزو مؤونه شما محسوب است، ولی شرعاً نمی‌توانید آن را به جای خمس که دادن آن هم واجب است، حساب نمایید.

س ۱۰۴۶: مبلغی بابت سهم مبارک امام «علیه السلام» بر عهده من است که باید آن را به حضرت تعالی بپردازم، و از طرفی مسجدی هست که احتیاج به کمک دارد. آیا اجازه می‌فرمائید مبلغ مزبور را به امام جماعت آن مسجد بدهم تا در ساختمان و تکمیل آن مصرف نماید؟

ج: در حال حاضر سهمین مبارکین برای اداره حوزه‌های علمیه مورد نیاز است، برای ساختمان مسجد و تکمیل آن می‌توان از کمک‌های مؤمنین استفاده کرد.

س ۱۰۴۷: با توجه به اینکه احتمال می‌دهیم پدر ما در زمان حیات خمس اموال خود را به طور کامل نپرداخته باشد. و ما قطعه‌ای از زمین‌های او را برای ساخت بیمارستان بخشیده‌ایم، آیا می‌توان آن زمین را از خمس اموال متوفی حساب کرد؟

ج: زمین مذکور به عنوان خمس محسوب نمی‌شود.

س ۱۰۴۸: در چه مواردی بخشیدن خمس به کسی که آن را می‌دهد، جایز است؟

ج: سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات، قابل بخشش نیست.

س ۱۰۴۹: شخصی در پایان سال خمسی، به طور مثال صد هزار تومان زائد بر مؤونه دارد که خمس آن را داده است، اگر در سال بعد مقدار آن به صد و پنجاه هزار تومان برسد، آیا در سال جدید باید خمس پنجاه هزار تومان را بپردازد یا اینکه باید دوباره خمس صد و پنجاه هزار تومان را بدهد؟

ج: اگر مالی که خمس آن داده شده در سال جدید مصرف نشود و باقی بماند، دوباره خمس ندارد، و اگر درآمد آن سال بطور مشترک با مال مخمس در مؤونه سال

مصرف شود، واجب است خمس باقیمانده در پایان سال به نسبت غیر مخمس به مخمس پرداخت شود.

س ۱۰۵۰: طلاب علوم دینی که هنوز ازدواج نکرده‌اند و مسکنی ندارند، اگر درآمدی از طریق تبلیغ و کار یا سهم امام علیه السلام داشته باشند، آیا مشمول خمس است؟ یا اینکه می‌توانند بدون پرداخت خمس، آن را به این دلیل که از وجوب خمس استثناء شده، برای هزینه‌های ازدواج پس انداز کنند؟

ج: حقوق شرعی که از طرف مراجع به طلاب محترمی که مشغول تحصیل در حوزه‌های علوم دینی هستند، اهدا می‌شود، خمس ندارد، ولی سایر درآمدهایی که از راه تبلیغ و کار دارند، اگر تا سر سال خمسی باقی بماند، خمس آن واجب است. س ۱۰۵۱: اگر شخصی پس اندازی داشته باشد که مخلوطی از مال مخمس و غیر مخمس است و گاهی از آن برای مخارج خود برداشت کرده و گاهی هم به آن اضافه می‌کند. با توجه به اینکه مقدار مال مخمس معلوم است، آیا پرداخت خمس مجموع مبلغ باقیمانده واجب است یا اینکه باید فقط خمس مال غیر مخمس را بدهد؟

ج: واجب است خمس مبلغ باقیمانده را به نسبت مال غیر مخمس به مخمس، بپردازد.

س ۱۰۵۲: کفنی را خریده و چندین سال مانده است، آیا پرداخت خمس آن واجب است؟ یا اینکه فقط پرداخت خمس قیمت خرید آن واجب است؟

ج: پولی که با آن کفن خریده، اگر مخمس باشد، دیگر خمس ندارد، وگرنه باید خمس آن را بپردازد.

س ۱۰۵۳: من طلبه علوم دینی هستم. مقداری پول داشتم که با آن کمک دیگران و استفاده از سهم سادات و گرفتن قرض، توانستم خانه کوچکی بخرم و اکنون آن را

فروخته‌ام. اگر بر پول آن سال بگذرد و خانه‌ای نخرم آیا به آن پول که آماده برای خرید خانه است، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: خانه‌ای که از شهریه حوزه علمیه و کمک افراد خیر و حقوق شرعی دیگر و قرض خریداری شده، پول فروش آن خمس ندارد.

مسائل متفرقه خمس

س ۱۰۵۴: من در سال ۱۳۴۱ شمسی از امام خمینی «قدس سره» تقلید نموده و حقوق شرعی خود را طبق فتاوی‌ای ایشان به او می‌پرداختم. در سال ۱۳۴۶ امام «قدس سره» در ضمن پاسخ به سؤالی درباره حقوق شرعی و مالیات، فرمودند که حقوق شرعی همان خمس و زکات است ولی مالیات جزء حقوق شرعی نیست. در حال حاضر که در دوران جمهوری اسلامی بسر می‌بریم، خواهشمندیم وظیفه ما را نسبت به حقوق شرعی مالی و مالیات بیان فرمائید.

ج: مالیاتی که توسط حکومت جمهوری اسلامی بر اساس قوانین و مقررات وضع می‌گردد، هر چند پرداخت آن بر کسانی که قانون شامل آنان می‌شود، واجب است و مالیات پرداختی هر سال از مؤونه همان سال محسوب است، ولی از سهمین مبارکین محسوب نمی‌شود، بلکه بر آنان دادن خمس درآمد سالانه‌شان در زائد بر مؤونه سال بطور مستقل، واجب است.

س ۱۰۵۵: آیا تبدیل حقوق شرعی به ارزی که دارای قیمت ثابت است، با توجه به عدم ثبات قیمت برابری پولهای دیگر، از نظر شرعی جایز است یا خیر؟

ج: این کار برای شخصی که حقوق شرعی بر ذمه دارد، جایز است، ولی باید هنگام

پرداخت حقوق واجب شرعی خود، آن را به قیمت روز پرداخت محاسبه کند، ولی کسی که از طرف ولی امر در گرفتن حقوق شرعی وکیل است و به آن اعتماد شده نمی تواند آنچه را دریافت کرده، به پول دیگری تبدیل کند، مگر آنکه در این کار مجاز باشد، و تغییر قیمت مجوز شرعی تبدیل آن نیست.

س ۱۰۵۶: در یک مؤسسه فرهنگی برای تأمین نیازهای مالی آن در آینده واحد تجاری تشکیل شده که سرمایه آن از حقوق شرعی است. آیا پرداخت خمس درآمد آن واجب است؟ آیا مصرف خمس آن به نفع مؤسسه جایز است؟

ج: تجارت با حقوق شرعی که واجب است به مصرف موارد مقرر شرعی آن برسد و خودداری از مصرف آن هر چند به قصد استفاده از منافع آن در یک مؤسسه فرهنگی باشد، بدون اجازه ولی امر خمس اشکال دارد، و در صورتی که با آن تجارت شود، سود حاصله تابع سرمایه است که باید در همان موارد مصرف سرمایه صرف شود و خمس ندارد. بله، تجارت با هدایایی که به مؤسسه داده می شود، اشکال ندارد، و سود و درآمد آن در صورتی که سرمایه ملک مؤسسه باشد، خمس ندارد.

س ۱۰۵۷: اگر در چیزی شک داشته باشیم که خمس آن را داده ایم یا خیر، ولی ظن غالب به پرداخت خمس آن باشد، وظیفه ما چیست؟

ج: اگر مشکوک از چیزهائی باشد که خمس به آن تعلق گرفته است، تحصیل یقین به پرداخت خمس آن واجب است.

س ۱۰۵۸: آیا به آسیابی که گندم را برای عموم مردم آرد می کند، خمس و زکات تعلق می گیرد یا خیر؟

ج: اگر وقف عموم باشد، خمس ندارد.

س ۱۰۵۹: هفت سال پیش مقداری خمس بر من واجب شد، و آن را با مجتهد دستگردان کرده و قسمتی از آن را پرداختم، بقیه آن بر ذمه‌ام باقی ماند و از آن تاریخ تاکنون نتوانسته‌ام مبلغ باقیمانده را بپردازم، تکلیف من چیست؟

ج: مجرد عجز از پرداخت خمس، موجب فراغت ذمه نمی‌شود، بلکه واجب است هر زمانی که توانائی پرداخت بدهی بابت خمس را داشتید، آن را هر چند به تدریج بپردازید.

س ۱۰۶۰: آیا مبلغی را که به عنوان خمس مالی که متعلق خمس نبوده پرداخت می‌توانم بابت خمس مالی که فعلاً بدهکارم حساب کنم؟

ج: مالی که قبلاً به عنوان خمس پرداخت شده و کسی که آن را تحویل گرفته در مصارف شرعی آن مصرف کرده است بابت ادای بدهی کنونی شما از خمس محسوب نمی‌شود.

س ۱۰۶۱: آیا خمس و زکات بر کودکانی که هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند، واجب می‌شود؟

ج: زکات مال بر شخص غیربالغ واجب نیست، ولی اگر خمس به مال او تعلق بگیرد، بر ولی شرعی او پرداخت آن واجب است، مگر خمس سود حاصل از تجارت با اموال او که پرداخت آن بر ولی واجب نیست، بلکه بنا بر احتیاط ادای آن بر خود طفل بعد از رسیدن به سن تکلیف، واجب است.

س ۱۰۶۲: اگر شخصی مقداری از حقوق شرعی و سهم امام علیه السلام و چیزهایی را که صرف آن در مصارف شرعی باید با اجازه یکی از مراجع باشد در یکی از مؤسسات دینی یا ساختمان مدرسه یا مسجد یا حسینیه مصرف کند، آیا شرعاً حق دارد آنچه را که به عنوان ادای حقوق شرعی که بر عهده او بوده به مصرف رسانده، پس بگیرد و یا

زمین آن را پس بگیرد و یا اقدام به فروش ساختمان آن مؤسسه نماید یا خیر؟
 ج: اگر اموال خود را طبق اجازه کسی که واجب بود حقوق شرعی خود را به او تسلیم نماید، به نیت پرداخت حقوق شرعی که بر عهده داشت، برای تاسیس مدرسه و مانند آن به مصرف رسانده است، حق پس گرفتن و تصرف مالکانه در آن را ندارد.

انفال

س ۱۰۶۳: بر اساس قانون زمین شهری:

- ۱- زمینهای بایر جزء انفال محسوب و تحت تصرف حکومت اسلامی است.
- ۲- زمینهای بایر و غیر آن در شهرها اگر مالک خصوصی داشته باشد، در صورت نیاز دولت و شهرداریها به آن می‌توانند آن را به قیمت متعارف در آن منطقه از مالکین استملاک نمایند.

سؤال این است:

- ۱- اگر شخصی زمین بایری را (که سند آن به نام او بوده ولی بر اثر قانون زمین شهری از اعتبار ساقط شده است) به عنوان سهم امام علیه السلام و سهم سادات بدهد، چه حکمی دارد؟

- ۲- اگر شخصی زمینی اعم از بایر یا دایر داشته باشد و از طرف دولت یا شهرداری بر اساس قانون مجبور به فروش آن شود، ولی او آن را به عنوان سهم امام و سادات بدهد، چه حکمی دارد؟

ج: زمینی که در اصل موات است و شرعاً ملک کسی که سند به نام اوست، نیست،

واگذاری آن به عنوان خمس و احتساب آن به جای بدهی خمس صحیح نیست. همچنین زمین ملکی که گرفتن آن توسط دولت یا شهرداری، با عوض یا بدون عوض، بر اساس قانون جایز است، مالک آن نمی تواند آن را به عنوان خمس واگذار نماید و به جای بدهی خمس حساب کند.

س ۱۰۶۴: اگر شخصی زمینی را در کنار کارخانه های آجر سازی برای استفاده از فروش خاک آن بخرد، آیا از انفال محسوب می شود؟ و بر فرض اینکه از انفال نباشد، با توجه به اینکه به نسبت ده درصد به شهرداری داده می شود، آیا دولت حق مطالبه مالیات برای خاک آن دارد؟

ج: زمین مورد معامله اگر آباد و ملک خاص شرعی فروشنده باشد گرچه با خرید آن از مالک ملک خاص فروشنده می شود و جزو انفال محسوب نیست، لیکن پرداخت مالیات درآمد حاصل از فروش خاک آن اگر مستند به قانون مصوب مجلس شورای اسلامی (در ایران) و مورد تأیید شورای نگهبان قانون اساسی باشد، لازم است و دولت حق مطالبه آن را دارد.

س ۱۰۶۵: آیا شهرداری حق بهره برداری اختصاصی از ماسه ها و شن های کف رودخانه ها برای آبادانی و احداث شهر و غیر آن را دارد؟ و در صورتی که این حق را داشته باشند، اگر شخصی غیر از شهرداری مدعی مالکیت آن باشد، آیا دعوای او مسموع است یا خیر؟

ج: این کار برای شهرداری ها جایز است و ادعاهای مالکیت خصوصی کف و بستر رودهای بزرگ و عمومی از سوی اشخاص پذیرفته نیست.

س ۱۰۶۶: آیا حق اولویت عشائر در استفاده از چراگاه های خود (هر قبیله ای نسبت به چراگاه خودش) با کوچ کردن از آن و تصمیم به بازگشت دوباره به آنجا از بین

مزرعه‌های خصوصی کنار چراگاه شده تا خود و چهارپایان آنان از آب مزرعه، بدون رضایت مالک آن بنوشند؟

ج: مجرد داشتن اجازه چراندن حیوانات در چراگاههای مجاور املاک اشخاص، برای جواز ورود در ملک غیر و استفاده از آب ملکی آن کافی نیست، این کار برای آنان بدون رضایت مالک آن جایز نیست.

جهاد

س ۱۰۷۲: جهاد ابتدائی در زمان غیبت امام معصوم «علیه السلام» چه حکمی دارد؟ آیا جایز است فقیه جامع الشرائط مبسوط الید، (ولی امر مسلمین) حکم به آن کند؟
ج: بعید نیست که حکم به جهاد ابتدائی توسط فقیه جامع الشرائطی که متصدی ولایت امر مسلمین است، در صورتی که مصلحت آن را اقتضا کند، جایز باشد، بلکه این نظر اقوی است.

س ۱۰۷۳: اقدام به دفاع از اسلام هنگام تشخیص خطر برای اسلام، بدون رضایت والدین چه حکمی دارد؟

ج: دفاع از اسلام و مسلمین واجب است و متوقف بر اذن والدین نیست، ولی در عین حال سزاوار است که انسان تا می تواند رضایت آنان را جلب کند.
س ۱۰۷۴: آیا اهل کتابی که در کشورهای اسلامی زندگی می کنند، حکم اهل ذمه را دارند؟

ج: آنان تا زمانی که مطیع قوانین و مقررات دولت اسلامی که در حمایت آن زندگی می کنند، باشند و کاری که منافعی با امان است انجام ندهند، حکم معاهد را دارند.
س ۱۰۷۵: آیا جایز است یکی از مسلمانان یک کافر کتابی یا غیر کتابی، اعم از زن یا مرد

را در سرزمین کفر یا سرزمین مسلمانان به تملک خود در آورد؟

ج: این کار جایز نیست، هرگاه کفار به سرزمین اسلامی حمله کنند و کسانی از آنان بدست مسلمین اسیر شود، سرنوشت اسیران جنگی در دست حاکم اسلامی است و آحاد مسلمانان حق تعیین سرنوشت اسراء را ندارند.

س ۱۰۷۶: اگر فرض کنیم که حفظ اسلام ناب محمدی «صلی الله علیه و آله» متوقف بر ریختن

خون نفس محترمی باشد، آیا این کار جایز است؟

ج: ریختن بنا حق خون نفس محترمه شرعاً حرام است و با احکام اسلام ناب محمدی «صلی الله علیه و آله» تعارض دارد، بنابراین سخن مزبور که حفظ اسلام ناب محمدی متوقف بر ریختن خون انسان بیگناهی باشد، بی معنی است، ولی اگر منظور از آن اقدام مکلف به جهاد فی سبیل الله عزت آلاؤه و دفاع از اسلام ناب محمدی در مواردی که احتمال کشته شدن او وجود دارد، باشد، این فرض موارد مختلفی دارد، اگر ملکف طبق تشخیص خود احساس کند که کیان اسلام در خطر است، باید برای دفاع از اسلام قیام کند حتی اگر در معرض کشته شدن باشد.

امر به معروف و نهی از منکر

شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

س ۱۰۷۷: اگر امر به معروف و نهی از منکر مستلزم بی آبرویی کسی که واجب را ترک کرده و یا فعل حرام را به جا آورده باشد، و موجب کاسته شدن احترام او در برابر مردم گردد، چه حکمی دارد؟

ج: اگر در امر به معروف و نهی از منکر، شرائط و آداب آن رعایت شود و از حدود آن تجاوز نشود، اشکال ندارد.

س ۱۰۷۸: بنابر اینکه وظیفه مردم در امر به معروف و نهی از منکر در نظام جمهوری اسلامی، اکتفا به امر به معروف و نهی از منکر زبانی است و مراتب دیگر آن بر عهده مسئولین است، آیا این نظریه، حکم از طرف دولت است یا فتوی؟

ج: فتوای فقهی است.

س ۱۰۷۹: آیا در مواردی که راه جلوگیری از وقوع منکر منحصر به ایجاد مانع بین فعل حرام و فاعل آن، و آن هم متوقف بر کتک زدن وی یا زندانی کردن و سخت گرفتن بر او و یا تصرف در اموال وی هر چند با تلف کردن آن باشد، می توان بدون کسب اجازه

از حاکم، اقدام به آن از باب نهی از منکر نمود؟

ج: این موضوع حالات و موارد مختلفی دارد، بطور کلی مراتب امر به معروف و نهی از منکر اگر متوقف بر تصرف در نفس یا مال کسی که فعل حرام را بجا آورده نباشد، احتیاج به کسب اجازه از کسی ندارد، بلکه این مقدار بر همه مکلفین واجب است. ولی مواردی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر چیزی بیشتر از امر و نهی زبانی باشد، اگر در سرزمینی باشد که دارای نظام و حکومت اسلامی است و به این فریضه اسلامی اهمیت می‌دهد، احتیاج به اذن حاکم و مسئولین ذیربط و پلیس محلی و دادگاههای صالح دارد.

س ۱۰۸۰: اگر نهی از منکر در امور بسیار مهم مانند حفظ نفس محترمة، متوقف بر کتک زدن که منجر به زخمی شدن مهاجم و احیاناً قتل او باشد، آیا در این موارد هم اذن حاکم شرط است؟

ج: اگر حفظ نفس محترمة و جلوگیری از وقوع قتل مستلزم دخالت فوری و مستقیم باشد، جائز بلکه شرعاً از باب وجوب حفظ جان نفس محترمة واجب است و از جهت ثبوتی متوقف بر کسب اجازه از حاکم و یا وجود امر به آن نیست، مگر آنکه دفاع از نفس محترمة متوقف بر قتل مهاجم باشد که صورتهای متعددی دارد که احکام آنها هم ممکن است متفاوت باشد.

س ۱۰۸۱: آیا کسی که می‌خواهد شخصی را امر به معروف و نهی از منکر نماید، باید قدرت بر آن داشته باشد؟ و در چه زمانی امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب می‌شود؟

ج: امر به معروف و نهی کننده از منکر باید عالم به معروف و منکر باشد، و همچنین بداند که فاعل منکر هم به آن علم دارد و در عین حال عمداً و بدون عذر شرعی

مرتکب آن می‌شود، و زمانی اقدام به امر و نهی واجب می‌شود که احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن شخص داده شود، و ضرری برای خود او نداشته باشد، و در این مورد باید تناسب بین ضرر احتمالی و اهمیت معروفی که به آن امر می‌نماید یا منکری که از آن نهی می‌کند را ملاحظه نماید. در غیر این صورت امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب نیست.

س ۱۰۸۲: اگر یکی از اقوام انسان مبادرت به ارتکاب معصیت کند و نسبت به آن لابیالی باشد، تکلیف ما نسبت به رابطه با او چیست؟

ج: اگر احتمال بدهید که ترک معاشرت با او موقتاً موجب خودداری او از ارتکاب معصیت می‌شود به عنوان امر به معروف و نهی از منکر واجب است، و در غیر این صورت قطع رحم جایز نیست.

س ۱۰۸۳: آیا ترک امر به معروف و نهی از منکر بر اثر ترس از اخراج از کار، جایز است؟ مثلاً با اینکه می‌بیند مسئول یکی از مراکز آموزشی که با طبقه جوان در دانشگاه ارتباط دارد، مرتکب اعمال خلاف شرع می‌شود و یا زمینه ارتکاب گناه در آن مکان را فراهم می‌آورد. اگر او را نهی از منکر نماید ترس آن دارد که از طرف مسئول مقدمات اخراج او از کار فراهم شود.

ج: بطور کلی اگر خوف دارد که در صورت اقدام به امر به معروف و نهی از منکر ضرر قابل توجهی متوجه خود او شود، انجام آن واجب نیست.

س ۱۰۸۴: اگر در بعضی از محیط‌های دانشگاهی معروف ترک شود و معصیت رواج پیدا کند و شرایط امر به معروف و نهی از منکر هم وجود داشته باشد و امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر شخصی مجرّد باشد که هنوز ازدواج نکرده است آیا بخاطر مجرّد بودن، امر به معروف و نهی از منکر از او ساقط می‌شود یا خیر؟

ج: امر به معروف و نهی از منکر اگر موضوع و شرائط آن محقق باشد، تکلیف شرعی و وظیفه واجب اجتماعی و انسانی همه مکلفین است، و حالت‌های مختلف مکلف مانند مجرّد یا متأهل بودن در آن تاثیر ندارد، و به صرف اینکه مکلف مجرّد است، تکلیف از او ساقط نمی‌شود.

س ۱۰۸۵: اگر شخصی دارای نفوذ و موقعیت اجتماعی خاصی باشد که اگر بخواهد می‌تواند بر معترضین به خود ضرر وارد سازد، و شواهدی هم دلالت کند بر اینکه وی مرتکب گناه و کارهای خلاف و دروغگویی می‌شود. ولی از قدرت و نفوذ او می‌ترسیم، آیا جایز است امر به معروف و نهی از منکر را در مورد او ترک کنیم یا اینکه با وجود ترس از ضرر رساندن او، واجب است او را امر به معروف و نهی از منکر کنیم؟

ج: اگر ترس از ضرر منشاء عقلانی داشته باشد، مبادرت به امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست بلکه تکلیف از شما ساقط می‌شود. ولی سزاوار نیست کسی به مجرّد ملاحظه مقام کسی که واجب را ترک کرده و یا مرتکب فعل حرام شده و یا به مجرّد احتمال وارد شدن ضرر کمی از طرف او، تذکر و موعظه به برادر مؤمن خود را ترک کند.

س ۱۰۸۶: گاهی در اثنای امر به معروف و نهی از منکر مواردی پیش می‌آید که شخص گناهکار بر اثر عدم آگاهی از واجبات و احکام اسلامی، با نهی از منکر، نسبت به اسلام بدبین می‌شود. و اگر هم او را به حال خود رها کنیم، زمینه فساد و ارتکاب گناه توسط دیگران را فراهم می‌کند، تکلیف ما در این موارد چیست؟

ج: امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرائط آن یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است، و مجرّد توهم اینکه موجب بدبینی فاعل منکر یا بعضی از مردم نسبت به اسلام می‌گردد، باعث نمی‌شود که

این وظیفه بسیار مهم ترک شود.

س ۱۰۸۷: اگر مامورانی که از طرف دولت وظیفه جلوگیری از فساد را بر عهده دارند، در

انجام وظیفه خود کوتاهی کنند. آیا خود مردم می‌توانند اقدام به این کار کنند؟

ج: دخالت اشخاص دیگر در اموری که از وظائف نیروهای امنیتی و قضائی محسوب می‌شود، جایز نیست، ولی مبادرت مردم به امر به معروف و نهی از منکر با رعایت حدود و شرائط آن، اشکال ندارد.

س ۱۰۸۸: آیا وظیفه افراد در امر به معروف و نهی از منکر این است که فقط به امر به معروف و نهی از منکر زبانی اکتفا کنند؟ و اگر اکتفا به تذکر زبانی واجب باشد، این امر با آنچه در رساله‌های عملیه بخصوص تحریر الوسیله آمده است، منافات دارد، و اگر مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر هم برای افراد در موارد لزوم جایز باشد. آیا در صورت نیاز می‌توان همه مراتب مذکور در تحریر الوسیله را انجام داد؟

ج: با توجه به اینکه در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، بخصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذیربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند. و این منافاتی با فتاوی‌ای امام راحل «قدس سره» در این رابطه ندارد. ولی در زمان و مکانی که حاکمیت و اقتدار با حکومت اسلامی نیست، بر مکلفین واجب است در صورت

وجود شرائط، جمیع مراتب امر به معروف و نهی از منکر را با رعایت ترتیب آنها تا تحقق غرض انجام دهند.

س ۱۰۸۹: بعضی از رانندگان از نوارهای موسیقی غنا و حرام استفاده می‌کنند و علیرغم نصیحت‌ها و راهنمایی‌ها آن را خاموش نمی‌کنند، خواهشمندیم نحوه برخورد مناسب با این موارد و این افراد را بیان فرمائید، آیا برخورد شدید با آنان جایز است یا خیر؟
ج: با تحقق شرائط نهی از منکر، بر شما بیشتر از نهی زبانی از منکر واجب نیست، و در صورتی که مؤثر واقع نشود، واجب است از گوش دادن به غنا و موسیقی حرام اجتناب کنید، و اگر بطور غیر ارادی صدای موسیقی حرام و غنا به گوش شما برسد، چیزی بر شما نیست.

س ۱۰۹۰: من در یکی از بیمارستانها به کار مقدس پرستاری مشغولم، گاهی در بعضی از قسمت‌های محل کارم ملاحظه می‌کنم که تعدادی از بیماران به نوارهای موسیقی مبتذل و حرام گوش می‌دهند، من آنان را نصیحت می‌کنم که این کار را نکنند و بعد از نصیحت مجدد آنان، چنانچه بی اثر باشد، نوار را از ضبط صوت بیرون آورده و پس از پاک کردن، آن را به آنان بر می‌گردانم، آیا اینگونه برخورد جایز است یا خیر؟

ج: محو محتویات باطل برای جلوگیری از استفاده حرام از نوار، جایز است، ولی این کار منوط به اجازه مالک یا حاکم شرع است.

س ۱۰۹۱: از بعضی از منازل صدای موسیقی شنیده می‌شود که معلوم نیست جایز است یا خیر؟ و گاهی صدای آن بلند است بطوری که باعث اذیت و آزار مومنین می‌شود، وظیفه ما در برابر آن چیست؟

ج: تعرض به داخل خانه‌های مردم جایز نیست، و امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر تشخیص موضوع و تحقق شرائط آن است.

س ۱۰۹۲: امر و نهی زنانی که حجاب کامل ندارند چه حکمی دارد؟ و در صورتی که انسان هنگام نهی زبانی از تحریک شهوت خود بترسد چه حکمی دارد؟
ج: نهی از منکر متوقف بر نگاه با ریه بر زن نامحرم نیست، و بر هر مکلفی واجب است از حرام اجتناب کند بخصوص زمانی که مبادرت به انجام فریضه نهی از منکر می‌کند.

کیفیت امر به معروف و نهی از منکر

س ۱۰۹۳: وظیفهٔ فرزند در برابر پدر و مادر و یا زن در برابر شوهرش، اگر خمس یا زکات اموال را نپردازند، چیست؟ آیا برای آنان تصرف در مالی که خمس یا زکات آن پرداخت نشده و مخلوط به حرام است، با توجه به تأکیدات وارد در روایات مبنی بر عدم استفاده از آن، زیرا باعث آلودگی روح انسان می‌شود، جایز است؟
ج: بر آنان واجب است که هنگام مشاهدهٔ ترک معروف یا انجام حرام توسط پدر و مادر یا شوهر، به امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرائط آن مبادرت کنند، ولی تصرف در اموال آنان اشکال ندارد مگر آنکه یقین به وجود خمس یا زکات در خصوص مالی که مصرف می‌کنند داشته باشند، که در این صورت واجب است از ولی امر خمس و زکات نسبت به آن مقدار اجازه بگیرند.

س ۱۰۹۴: روش مناسبی که فرزند در برابر پدر و مادری که بر اثر عدم اعتقاد کامل به تکالیف دینی، به آنها اهمیت نمی‌دهند، بهتر است اتخاذ نماید، کدام است؟
ج: واجب است با زبان نرم و مراعات احترام شان به عنوان پدر و مادر آنان را امر به معروف و نهی از منکر کند.

س ۱۰۹۵: برادر من مسائل شرعی و اخلاقی را رعایت نمی‌کند و تاکنون نصیحت در او تأثیری نداشته است، وظیفه من هنگام مشاهده رفتارهای او چیست؟

ج: واجب است از اعمال خلاف شرع وی اظهار تنفر کنید و او را به هر روش برادرانه‌ای که مفید و مؤثر می‌دانید موعظه کنید، ولی قطع رحم و ارتباط، جائز نیست.

س ۱۰۹۶: رابطه با اشخاصی که در گذشته مرتکب اعمال حرامی مانند شرب خمر شده‌اند، چگونه باید باشد؟

ج: معیار وضعیت فعلی اشخاص است، اگر از آنچه انجام داده‌اند توبه کرده باشند، معاشرت با آنان مانند معاشرت با سایر مومنین است. ولی کسی که در حال حاضر هم مرتکب حرام می‌شود، باید او را از طریق نهی از منکر از آن کار منع کرد، و اگر از انجام فعل حرام اجتناب نمی‌کند مگر با دوری جستن از او، قطع رابطه و ترک معاشرت با وی از باب نهی از منکر واجب می‌شود.

س ۱۰۹۷: با توجه به هجوم مستمر فرهنگ غربی که در تضاد با اخلاق اسلامی است، و رواج بعضی از عاداتهای غیراسلامی، مثل به گردن آویختن صلیب طلائی توسط بعضی از مردان، و یا استفاده بعضی از زنان از مانتو با رنگ‌های زننده، و یا استفاده بعضی از مردان و زنان، از زیورآلات و عینک‌های تیره و ساعت هائی که جلب نظر می‌کند و استفاده از آنها نزد عرف مردم قبیح است، و عده‌ای از آنها حتی بعد از امر به معروف و نهی از منکر هم اصرار بر کار خود دارند، امیدواریم حضرتعالی روشی را که باید در برابر این افراد در پیش گرفت، بیان فرمائید.

ج: پوشیدن طلا یا آویختن آن به گردن بر مردان مطلقاً حرام است، و پوشیدن لباسهائی که از نظر دوخت یا رنگ یا غیر آن تقلید و ترویج فرهنگ مهاجم غیر

مسلمانان در نظر عرف محسوب می‌شود، جایز نیست، و همچنین استفاده از زیور آلانی که استعمال آن تقلید از فرهنگ تهاجمی دشمنان اسلام و مسلمین محسوب شود جایز نیست؛ و بر دیگران واجب است که در برابر اینگونه مظاهر فرهنگی تقلیدی از بیگانگان مبادرت به نهی از منکر زبانی کنند.

س ۱۰۹۸: گاهی مشاهده می‌کنیم که دانشجوی دانشگاهی و یا کارمندی مرتکب فعل حرام می‌شود. حتی بعد از تذکرات و راهنمایی‌های مکرر هم از کار خود دست برنمی‌دارد، بلکه بر انجام کارهای زشت که باعث ایجاد جو فاسد در دانشگاه است اصرار می‌ورزد، نظر شریف جنابعالی درباره اعمال بعضی از مجازاتهای اداری موثر مثل ثبت در پرونده آنها چیست؟

ج: با مراعات نظام داخلی دانشگاه اشکال ندارد، و بر جوانان عزیز لازم است مسئله امر به معروف و نهی از منکر را جدی گرفته و شرائط و احکام شرعی آن را به دقت بیاموزند و این اصل را عام و فراگیر نموده و روش‌های اخلاقی و مؤثر را برای تشویق فعل معروف و جلوگیری از ارتکاب محرمات بکار بگیرند، و باید از استفاده از آن برای اغراض شخصی خودداری نمایند، و بدانند که این راه بهترین و موثرترین روش برای ترویج کار خیر و جلوگیری از شر است، خداوند شما را به آنچه رضای او در آن است موفق بدارد.

س ۱۰۹۹: آیا جواب ندادن به سلام کسی که فعل حرام انجام می‌دهد، برای تنبیه او جایز است؟

ج: جواب سلام مسلمان شرعاً واجب است، ولی اگر بر خودداری از جواب سلام به قصد نهی از منکر، عرفاً نهی و منع از منکر صدق کند، جایز است.

س ۱۱۰۰: اگر برای مسئولین بطور قطعی ثابت شود که بعضی از کارمندان ادارات در

خواندن نماز کوتاهی کرده و یا اصلاً نماز نمی‌خوانند و نصیحت و راهنمایی هم تأثیری نداشته باشد، در برابر اینگونه افراد چه وظیفه‌ای دارند؟

ج: در عین حال واجب است از تأثیر مداومت بر امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرائط آن غفلت نکنند، در صورت ناامیدی از تأثیر امر به معروف نسبت به آنان، اگر بر حسب مقررات قانونی محروم ساختن اینگونه افراد از مزایای شغلی مجاز باشد، باید در مورد آنان اجرا شود و به آنان تذکر هم داده شود که این محرومیت بر اثر سستی و کوتاهی‌شان در انجام این فریضة الهی اتخاذ شده است.

مسائل متفرقة امر به معروف و نهی از منکر

س ۱۱۰۱: خواهرم مدتی است با مردی ازدواج کرده که نماز نمی‌خواند و چون همیشه در جمع ما حضور دارد، مجبور به صحبت و معاشرت با وی هستم و گاهی بنا به درخواست خودش او را در بعضی از کارها کمک می‌کنم، سؤال من این است که آیا شرعاً برای من سخن گفتن با وی و معاشرت و یاری کردن او جایز است؟ و نسبت به او چه تکلیفی دارم؟

ج: بر شما به جز مداومت بر امر او به معروف و نهی وی از منکر، در صورت تحقق شرائط آن چیزی واجب نیست، و معاشرت و یاری کردن او اگر سبب تشویق بیشتر او بر ترک نماز نباشد، اشکال ندارد.

س ۱۱۰۲: آیا رفت و آمد و معاشرت علمای اعلام با ظالمین و سلاطین جور اگر باعث کاهش ظلم‌شان شود، جایز است یا خیر؟

ج: اگر برای عالم در این موارد ثابت شود که ارتباط او با ظالم منجر به منع ظلم او

می‌شود و در نهی وی از منکر مؤثر است و یا مسئله مهمی مستلزم اهتمام و پیگیری آن نزد ظالم باشد، اشکال ندارد.

س ۱۱۰۳: چند سالی است که ازدواج کرده‌ام و به مسائل شرعی و امور دینی اهمیت فراوانی می‌دهم و مقلد امام راحل «قدس سره» هستم، ولی متأسفانه همسر به مسائل دینی اهمیت چندانی نمی‌دهد، گاهی بعد از مشاجره لفظی، یک بار نماز می‌خواند ولی باز دوباره ترک می‌کند و این رفتار او مرا بسیار رنج می‌دهد، وظیفه من در برابر او چیست؟

ج: وظیفه شما فراهم نمودن زمینه اصلاح او به هر وسیله ممکن است، و باید از هرگونه خشونت که حاکی از بداخلاقی و ناسازگاری شما باشد خودداری کنید، و اطمینان داشته باشید که شرکت در مجالس دینی و رفت و آمد با خانواده‌های متدین تأثیر بسیار زیادی در اصلاح او دارد.

س ۱۱۰۴: اگر مرد مسلمانی با استناد به قرائنی اطلاع پیدا کند که همسرش با اینکه چندین فرزند دارد، بطور پنهانی مرتکب اعمال خلاف عفت می‌شود، ولی دلیل شرعی برای اثبات آن مثل شاهی که حاضر به شهادت دادن باشد، در اختیار ندارد، با توجه به اینکه فرزندان او تحت تربیت چنین زنی هستند، رفتار وی با او چگونه باید باشد؟ در صورت شناسایی فرد یا افرادی که مرتکب این عمل شنیع و مخالف احکام الهی شده‌اند، با توجه به اینکه ادله قابل ارائه به دادگاه شرعی بر علیه‌شان وجود ندارد، چگونه باید با آنان برخورد کرد؟

ج: واجب است از سوء ظن و استناد به قرائن و شواهد ظنی اجتناب شود، و در صورت احراز ارتکاب فعلی که شرعاً حرام است، جلوگیری از آن از طریق تذکر و نصیحت و نهی از منکر واجب است، و اگر نهی از منکر مؤثر نباشد، در صورت

وجود دلائل اثبات کننده، می توان به مراجع قضائی صلاحیتدار مراجعه کرد.

س ۱۱۰۵: آیا دختر می تواند پسر جوانی را راهنمایی کرده و بارعایت موازین اسلامی به او در درس و غیر آن کمک کند؟

ج: در فرض سؤال اشکال ندارد، ولی باید از فریب و وسوسه های شیطانی جداً پرهیز شود، و احکام شرع در این رابطه مانند خلوت نکردن با اجنبی مراعات گردد. س ۱۱۰۶: اگر کارکنان ادارات و مؤسسات در محل کار خود ارتکاب تخلفات اداری و شرعی را توسط مسئولین مافوق مشاهده کنند، چه وظیفه ای دارند؟ اگر کارمندی خوف داشته باشد که در صورت مبادرت به نهی از منکر ضرری از طرف مسئولین بالاتر متوجه او شود، آیا تکلیف از او ساقط می شود؟

ج: اگر شرائط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد، باید امر به معروف و نهی از منکر کنند، در غیر این صورت تکلیفی در آن مورد ندارند، همچنین با وجود خوف از ضرر هم تکلیف از آنان ساقط می شود، این حکم در مواردی است که حکومت اسلامی حاکم نباشد، ولی با وجود حکومت اسلامی که اهتمام به اجرای این فریضة الهی دارد، بر کسی که قادر بر امر به معروف و نهی از منکر نیست، واجب است نهادهای مربوطه را که از طرف حکومت برای این کار اختصاص یافته اند، مطلع نماید و تاکنده شدن ریشه های فاسد که فساد آور هم هستند، موضوع را پیگیری کند.

س ۱۱۰۷: اگر در یکی از اداره های دولتی اختلاس از بیت المال صورت بگیرد و این اختلاس استمرار داشته باشد و شخصی این توانائی را در خود ببیند که اگر مسئولیت آن اداره را بر عهده بگیرد، می تواند این وضع را اصلاح کند. و این کار هم فقط از طریق دادن رشوه به یکی از کسانی که مسئول آن هستند امکان پذیر است، آیا دادن رشوه

برای جلوگیری از اختلاس در بیت‌المال، که در حقیقت دفع افسد به فاسد است، جایز است یا خیر؟

ج: وظیفه اشخاصی که از تخلفات قانونی مطلع می‌شوند، نهی از منکر با رعایت شرائط و ضوابط شرعی آن است، و توسل به رشوه و راههای غیرقانونی برای هر عملی هر چند به منظور جلوگیری از فساد، جایز نیست، بلکه با فرض وقوع چنین عمل خلاف شرع و قانون در کشوری که نظام اسلامی بر آن حاکم است، وظیفه مردم به مجرد عجز شخصی از امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود، بلکه واجب است به نهادهای مربوط اطلاع داده و موضوع را پیگیری نمایند.

س ۱۱۰۸: آیا منکرات امور نسبی هستند تا با مقایسه محیط دانشگاه مثلاً با محیط‌های بدتر از آن، نهی از منکر نسبت به بعضی از منکرات ترک شود و جلوی آن به دلیل اینکه نسبت به سایر منکرات حرام و منکر محسوب نمی‌شود، گرفته نشود؟

ج: منکرات از این جهت که منکر هستند، فرقی بین آنها نیست ولی در عین حال ممکن است بعضی از آنها در مقایسه با منکرات دیگر دارای حرمت شدیدتری باشد، بهر حال نهی از منکر برای کسی که شرائط آن را احراز کرده یک وظیفه شرعی است و ترک آن جایز نیست، و در این حکم بین منکرات و محیطهای دانشگاهی و غیر دانشگاهی تفاوتی وجود ندارد.

س ۱۱۰۹: مشروبات الکلی که در حوزه‌های مأموریتی متخصصین بیگانه که گاهی در بعضی از مؤسسات کشور اسلامی کار می‌کنند یافت می‌شود و آن را در منازل یا محل اختصاصی سکونت خود تناول می‌کنند، چه حکمی دارد؟ و همچنین آماده کردن گوشت خوک و خوردن آن توسط آنان چه حکمی دارد؟ و نیز ارتکاب اعمال منافی عفت و ارزشهای حاکم بر مردم، توسط آنان دارای چه حکمی است؟ مسئولین

کارخانه‌ها و اشخاصی که با آنان در ارتباط هستند چه تکلیفی دارند؟ بعد از اعلام به مسئولین کارخانه‌ها و نهادهای مربوطه در آن استان، اگر هیچگونه اقدامی انجام ندهند، تکلیف چیست؟

ج: بر مسئولین مربوطه واجب است که به آنان دستور دهند که از تظاهر به اموری مثل شرابخواری، خوردن گوشت‌های حرام خودداری کنند و آنان را از خوردن علنی آنها منع نمایند. ولی اموری که با عفت عمومی منافات دارد به هیچ وجه نباید به آنان اجازه انجام آن داده شود، به هر حال باید از طرف مسئولین مربوطه تدابیر مناسبی در این باره اتخاذ شود.

س ۱۱۱۰: بعضی از برادران برای امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت و ارشاد به مکانهایی می‌روند که ممکن است زنان بی حجاب در آنجا حضور داشته باشند، آیا از آنجا که برای امر به معروف به آنجا رفته‌اند، نگاه کردن به زنهای بی حجاب برای آنان جایز است؟

ج: نگاه اول اگر بدون قصد باشد اشکال ندارد ولی نگاه عمدی به غیر از صورت و کف دو دست جایز نیست هر چند به قصد امر به معروف باشد.

س ۱۱۱۱: وظیفه جوانان مؤمن در دانشگاههای مختلط در برابر مفاسدی که در بعضی از آن مکانها مشاهده می‌کنند، چیست؟

ج: بر آنان واجب است که - ضمن دوری جستن از ابتلا به مفاسد - در صورت تمکن و تحقق شرائط امر به معروف و نهی از منکر مبادرت به انجام این فریضه کنند.

« فهرست مطالب »

۷	احکام تقلید.....
۷	راههای سه گانه تقلید: احتیاط، اجتهاد، تقلید.....
۹	شروط تقلید.....
۱۲	راههای اثبات اجتهاد، اعلمیت و بدست آوردن فتوی.....
۱۴	عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر.....
۱۶	بقاء بر تقلید میت.....
۱۹	مسائل متفرقه تقلید.....
۲۰	مرجعیت و رهبری.....
۲۲	ولایت فقیه و حکم حاکم.....
۲۷	طهارت.....
۲۷	احکام آبها.....
۳۲	احکام تخلی.....
۳۵	احکام وضو.....
۴۷	متن اسماء و آیات الهی.....
۵۳	احکام غسل جنابت.....
۶۱	احکام غسل باطل.....
۶۴	احکام تیمم.....

۶۸	احکام بانوان
۷۰	احکام اموات
۸۲	احکام نجاسات
۹۱	احکام مسکرات
۹۴	وسوسه و درمان آن
۹۷	احکام کافر
۱۰۷	احکام نماز
۱۰۷	اهمیت و شرایط نماز
۱۰۹	وقت نماز
۱۱۴	قبله
۱۱۶	مکان نماز گزار
۱۲۱	احکام مسجد
۱۳۱	احکام سایر مکانهای دینی
۱۳۲	لباس نماز گزار
۱۳۶	پوشیدن طلا و نقره و بکار بردن آن
۱۳۸	اذان و اقامه
۱۴۰	قرائت و احکام آن
۱۴۶	ذکر نماز
۱۴۸	سجده و احکام آن
۱۵۱	سلام نماز
۱۵۲	مبطلات نماز

۱۵۴	شکایات نماز
۱۵۶	نماز قضا
۱۶۱	نماز قضای پدر و مادر
۱۶۴	نماز جماعت
۱۷۳	حکم امام جماعتی که قرائت وی صحیح نیست
۱۷۵	امامت شخص ناقص
۱۷۶	شرکت زنان در نماز جماعت
۱۷۷	اقتدا به اهل سنت
۱۷۹	نماز جمعه
۱۸۵	نماز عید فطر و عید قربان
۱۸۷	نماز مسافر
۱۸۸	آنکه شغلش مسافرت است یا سفر مقدمه شغل اوست
۱۹۲	حکم دانشجویان و روحانیون
۱۹۴	قصد اقامت و مسافت شرعی
۲۰۱	حد ترخص
۲۰۲	سفر معصیت
۲۰۳	احکام وطن
۲۱۰	تبعیت زن و اولاد در وطن
۲۱۱	احکام بلاد کبیره
۲۱۲	نماز استیجاری
۲۱۳	نماز آیات
۲۱۶	نوافل

مسائل متفرقه نماز ۲۱۷

احکام روزه ۲۲۱

زن باردار و شیرده ۲۲۲

بیماری و منع پزشکی ۲۲۶

مبطلات روزه ۲۲۹

بقاء بر جنابت ۲۳۲

استمناء ۲۳۶

احکام مبطلات روزه ۲۳۹

کفاره روزه و مقدار آن ۲۴۱

قضای روزه ۲۴۳

مسائل متفرقه روزه ۲۴۷

رؤیت هلال ۲۵۰

احکام خمس ۲۵۵

هبه - هدیه - جایزه بانکی - مهر - ارث ۲۵۵

قرض، حقوق ماهیانه، بیمه، بازنشستگی ۲۵۹

فروش خانه، وسایل نقلیه و زمین ۲۶۳

گنج، غنیمت، مال حلال مخلوط به حرام ۲۶۹

مؤونه ۲۷۳

دست گردان - مصالحه - مخلوط شدن خمس با غیر آن ۲۸۰

سرمایه ۲۸۶

نحوه محاسبه خمس	۲۹۹
تعیین سال مالی	۳۰۵
ولی امر خمس و موارد مصرف آن	۳۰۸
سهم سادات و انتساب به آنها	۳۱۰
موارد مصرف خمس، کسب اجازه، هدیه و شهریه حوزوی	۳۱۲
مسائل متفرقه خمس	۳۱۷
انفال	۳۲۰

جهد ۳۲۵

امر به معروف و نهی از منکر	۳۲۷
شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر	۳۲۷
کیفیت امر به معروف و نهی از منکر	۳۳۳
مسائل متفرقه امر به معروف و نهی از منکر	۳۳۶

